



هیئت معارف جنگ
شهید سپهبد علی میادشیرازی

رسته زرهی در هشت سال جنگ تحمیلی

ویژه آموزش افسران دوره عالی زرهی

ارتش جمهوری اسلامی ایران

تدوین: سرتیپ زرهی دکتر عبدالعلی پورشاسب

رسته زرهی در هشت سال دفاع مقدس

تدوین: سرتیپ زرهی دکتر عبدالعلی پورشاسب

بررسی اولیه و نهایی: سرتیپ ستاد ناصر آراسته

بررسی، امور شکل دهی کتاب، نشر: سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا

صفحه آرایی، طرح جلد: حامد خدمتی

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت:

مرکز پخش: تلفن: ۲۲۴۸۹۰۰۲ نمابر: ۲۲۴۸۸۶۵۰

حق چاپ برای «هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی» محفوظ است.

www.maarefjang.ir

"از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که توان انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام‌نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند."

"جنگ تحمیلی شکوه و عظمت ایمان و اسلام را در پهنای جهان منتشر نمود."

امام خمینی^(ره)

"می‌خواهم بگویم که این جنگ یک گنج است. آیا ما خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟ آن هشت سال جنگ، بایستی تاریخ ما را تغذیه کند."

"دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان‌خواهی، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی، پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است، روایت آن جهاد نیز مقدس و جهاد است."

"یک رزمنده تا زمانی که خاطراتش را ثبت نکرده، هنوز چیزهایی به تاریخ و آینده و آرمانش بدهکار است."

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

فرازهایی از پیام حضرت امام^(ه) در اسفندماه ۱۳۶۷
خطاب به روحانیت سراسر کشور (در رابطه با پذیرش قطعنامه ۵۹۸)
صحیفه امام خمینی^(ه)، جلد ۲۱، صفحه ۲۸۳

- ما هر روز در جنگ برکتی داشتیم که در همه صحنه‌ها بهره جسته‌ایم.
- ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم.
- ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم.
- ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم.
- ما در جنگ دوستان و دشمنان خود را شناخته‌ایم.
- ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم.
- ما در جنگ اُبهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم.
- ما در جنگ ریشه‌های پربار انقلاب اسلامی‌مان را محکم کردیم.
- ما در جنگ حُسن برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم.
- ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد.
- جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست.
- جنگ ما جنگ فقر و غنا بود.
- جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد.
- جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند.
- ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه، فرع آن بوده است.
- از همه اینها مهم‌تر، استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ است، همه اینها از برکت خون‌های پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، از تلاش مادران، پدران و مردم عزیز در ده سال مبارزه با آمریکا، غرب و شوروی نشأت گرفته است.
- ملت ما تا آن روز که احساس کرد توان و تکلیف جنگ دارد، به وظیفه خود عمل نمود... آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرد.

معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از یافته‌ها، ذخایر و دستاوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

«هیئت معارف جنگ» از پاییز سال ۱۳۷۳ با همت والای امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» شکل گرفت و در سال ۱۳۷۴ با تصویب کریمانه و حمایت‌های مادی و معنوی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، به صورت رسمی این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی بر عهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته‌جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخارآمیز را که با گرایش «پژوهشی-فرهنگی-عملیاتی و آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خداوند متعال دارد.

شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۸ بدین ترتیب بوده است که بر اساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را بر عهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشت‌های تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده است. این هیئت بعد از سال ۱۳۷۸، همچنان با اجرای آموزش‌های میدانی، نسبت به تکمیل برداشت‌های میدانی عملیات ثامن الائمه (ع) و سایر عملیات‌ها اقدام نمود. چاپ بیش از ۱۸۰ عنوان کتاب مستند از وقایع هشت سال دفاع مقدس از سال ۱۳۷۹ تا پایان شهریور ماه ۱۳۹۹ از اقدامات هیئت معارف جنگ می‌باشد.

آموزش معارف جنگ، از سال ۱۳۷۴ به صورت نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری امام علی (ع) نذاجا و از سال ۱۳۸۲ نیز برای دانشجویان سال ۳ دانشگاه‌های افسری هوایی، دریایی و فارابی و از سال ۱۳۹۴ برای دانشجویان سال ۳ دانشگاه قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص) به اجرا درآمده و تا پایان شهریورماه ۱۳۹۹ تعداد ۳۱۸۹۰ نفر از فارغ التحصیلان دانشگاه‌های مزبور را در دو مرحله نظری و میدانی مورد آموزش قرار گرفته‌اند.

هیئت معارف جنگ همچنین از سال ۱۳۸۷ آموزش کارکنان وظیفه در مقاطع تحصیلی فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا در مراکز آموزش وظیفه را پی‌ریزی نمود و این عزیزان در زمان آموزش مقدماتی و قبل از عزیمت به یگان‌های سازمانی خود به مدت شانزده ساعت آموزش معارف جنگ را برابر برنامه آموزشی طی نموده که تا پایان شهریور ماه ۱۳۹۹، بیش از ۴۷۰ هزار نفر از کارکنان وظیفه که فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور می‌باشند، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند.

آموزش معارف جنگ برای کلیه دانش‌آموزان پایور آجا از سال ۱۳۸۷ در آموزشگاه نظامی جوادالائمه نزاآجا برگزار می‌گردید و از سال ۱۳۹۸ این آموزش‌ها در ۵ مرکز آموزش آجا (جوادالائمه (ع) نزاآجا، تفنگداران دریایی نذاآجا، باقرالعلوم (ع) نذاآجا، شهید خضرای نهاآجا و علی اکبر (ع) نپاآجا) برنامه‌ریزی شد، که بر این اساس تا پایان شهریور ماه ۱۳۹۹، تعداد ۱۲۳۴۳ نفر دانش‌آموز پایور به مدت ۱۶ ساعت در هر دوره، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند. آموزش معارف جنگ برای دانشجویان دوره‌های عالی رسته‌ای با موضوع نقش رسته مربوطه در دفاع مقدس به مدت ۸ ساعت برگزار شد که از سال ۱۳۹۰ تا پایان شهریور ماه ۱۳۹۹، آموزش‌ها در ۱۸ مرکز برای تعداد ۹۹۱۴ نفر دانشجوی برگزار گردیده است.

از بهمن سال ۱۳۹۳ تا پایان شهریور ماه ۱۳۹۹، بیش از ۵۴۱ هزار نفر از سربازان دیپلم و زیر دیپلم نیز در هر دوره به مدت هشت ساعت تحت آموزش معارف جنگ قرار گرفته‌اند.

آموزش معارف جنگ برای دانشجویان دافوس آجا به مدت ۸ ساعت در ۴ جلسه در سال ۱۳۹۸ برای تعداد ۲۶۴ نفر برگزار شد.

آموزش معارف جنگ برای مدیران ارشد ساحفاآجا به مدت ۸ ساعت برای تعداد ۲۲۰ نفر دانشجو در سال ۱۳۹۸ برگزار شد.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی»

برای مقابله با دشمنان بلایستی ما چه ارتشی، چه سپاهی و چه بیجی‌د واحد و قدرت واحد باشیم.

«شهید سپهبد علی صیادشیرازی - ۱۳۶۴/۱۱/۲۶»



معرفی نویسنده:

سرتیپ زرهی دکتر عبدالعلی پورشاسب

متولد ۱۳۲۷ کرمانشاه، وی در سال ۱۳۴۶ وارد دانشکده افسری شد و در سال ۱۳۴۹ فارغ التحصیل گردید.

دوره‌های آموزشی:

مقدماتی و عالی زرهی، فرماندهی و ستاد، دانشگاه عالی دفاع ملی.

تشویقات:

شش ماه ارشدیت در جنگ تحمیلی، حضور در مناطق عملیاتی غرب و شمال غرب، دو بار تقدیر در فرمان فرماندهی معظم کل قوا.

مشاغل:

فرمانده گروهان و گردان تانک، فرمانده مرکز آموزش زرهی، استاد دافوس، رئیس دانشکده دفاع ملی، رئیس اداره آموزش سماجا، معاون طرح و برنامه ستاد مشترک ارتش، فرمانده نیروی زمینی ارتش، رئیس ستاد مشترک ارتش، معاون بازرسی ستاد کل نیروهای مسلح.

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۳	فصل اول: کلیات
۴	نظری اجمالی به وضعیت یگان‌های زرهی ارتش ایران و ارتش عراق در آغاز جنگ تحمیلی
۵	گسترش یگان‌های ارتش عراق در ابتدای جنگ تحمیلی
۶	گسترش و استعداد یگان‌های زرهی و مکانیزه سپاه ۳ عراق در جبهه جنوبی:
۶	گسترش و استعداد نیروهای ارتش جمهوری اسلامی در آغاز جنگ تحمیلی
۸	تجربه یگان زرهی در مبارزه با ضدانقلاب در مناطق کوهستانی
۱۰	آغاز جنگ تحمیلی
۱۱	فصل دوم: آغاز و سال اول جنگ تحمیلی
۱۲	گفته‌های سرتیپ پورشاسب (نگارنده)
۲۴	گفته‌های سرهنگ زرهی ستاد امرالله شهبازی در آغاز جنگ تحمیلی
۲۹	گفته‌های سرهنگ زرهی سید علی بدرخواهان در آغاز جنگ تحمیلی
۳۹	نگارش سرتیپ ۲ کریم پیروزان درباره روزهای آغاز جنگ
۴۸	نگارش سرتیپ ۲ زرهی مجید صارمی از روزهای آغاز جنگ
۴۹	عملیات نصر در نگارش سرتیپ ۲ ایرج جمشیدی
۵۵	نگارش سرتیپ ۲ زرهی امرالله نوجوان درباره عملیات آفندی نصر (هویزه)
۶۵	نگارش سرهنگ غلامرضا برهان حقیقی از عملیات نصر
۷۴	نگارش سرهنگ زرهی سید یعقوب حسینی درباره عملیات الله اکبر (طرح خیبر)
۸۹	نگارش سرتیپ ۲ زرهی محمود فردوسی درباره عملیات الله اکبر
۹۳	نگارش سرتیپ ۲ زرهی مجید صارمی درباره تیپ ۳۷ زرهی در عملیات ثامن الائمه (ع)
۱۰۵	فصل سوم: سال دوم جنگ تحمیلی
۱۰۶	عملیات طریق القدس
۱۳۵	تیپ ۳۷ در عملیات فتح المبین در نگارش سرتیپ ۲ مجید صارمی

۱۵۱	تیپ مستقل ۳۷ زرهی در عملیات بیت المقدس در نگارش سرتیپ ۲ مجید صارمی
۱۷۱	گفته‌های سرهنگ زرهی مهدی ختایی زاده درباره عملیات بیت المقدس
۱۷۴	گفته‌های سرتیپ زرهی محمدجعفر لهراسبی درباره عملیات‌های بیت المقدس و رمضان
۱۸۶	نگارش سرتیپ ۲ زرهی ستاد شیرمرد حیدری درباره عملیات بیت المقدس
۱۹۰	نگارش سرتیپ ۲ زرهی سید مجتبی تهامی درباره عملیات بیت المقدس
۱۹۵	فصل چهارم: سایر درس‌ها و تجربیات آموخته شده از میان نگارش پیشکسوتان...
۱۹۶	نگارش سرتیپ پورشاسب (نگارنده)
۱۹۹	گفته‌های سرتیپ زرهی ناصر محمدی فر درباره رسته زرهی
۲۰۴	نگارش سرهنگ ستاد غلامرضا برهانی حقیقی درباره درس‌ها و تجربیات جنگ
۲۰۹	نگارش سرتیپ غلامعلی غلامعلیان درباره درس‌ها و تجربیات ۸ سال جنگ
۲۱۶	نگارش سرتیپ ۲ محمود فردوسی درباره درس‌ها و تجربیات جنگ
۲۲۳	نگارش سرتیپ ۲ زرهی داود آقامحمدی درباره درس‌ها و تجربیات ۸ سال جنگ
۲۲۹	نگارش سرتیپ ۲ نوجوان درباره درس‌ها و تجربیات ۸ سال جنگ
۲۳۵	نگارش سرتیپ ۲ زرهی ایرج جمشیدی درباره درس‌ها و تجربیات ۸ سال دفاع مقدس
۲۴۳	فصل پنجم: مشخصات تانک‌ها و خودروهای زرهی ایران و عراق در جنگ تحمیلی
۲۹۱	منابع
۲۹۳	نقشه‌ها و تصاویر
۳۰۳	نمایه

مقدمه

در اوایل پاییز ۱۳۹۷ برادر ارجمندم امیر سرتیپ آراسته رئیس محترم هیئت معارف جنگ شهید صیادشیرازی در ملاقات حضوری به اینجانب تکلیف فرمودند که کتابی در رابطه با تجربیات یگان‌های زرهی در جنگ تحمیلی به منظور تدریس در مرکز آموزش زرهی تهیه نمایم. ایشان تأکید داشتند این تجربیات در سطح تاکتیکی و برای استفاده فرماندهان گردان تدوین گردد، از آنجا که عملیات عمده در ۸ سال دفاع مقدس بیشتر در سطح قرارگاه‌های عملیاتی در جنوب و غرب کشور همانند فتح‌المبین و بیت‌المقدس، رمضان، والفجر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، در این کتاب سعی شد تا حد ممکن، عملیات‌ها در سطح تاکتیکی بررسی شوند، به نحوی که بتوان تدابیر و هدایت یک گروه رزمی گردانی و حداکثر یک تیپ زرهی را در صحنه واقعی جنگ مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

علاوه بر این، به منظور ایجاد تنوع و بهره‌برداری از تجربیات سایر فرماندهان رسته زرهی دوران جنگ، طی پرسشنامه‌ای از فرماندهان تیپ و گردان‌های زرهی ۸ سال دفاع مقدس درخواست گردید تا تجربیات خود را در رابطه با فرماندهی و هدایت یگان‌های زرهی ارائه دهند، که در این رابطه تعدادی از فرماندهان محترم پاسخ‌های خود را ارسال داشتند. به رسم امانت تلاش گردید با ویرایش مختصر، عین مرقومه ایشان در کتاب آورده شود.

همچنین با مراجعه به آرشیو انتشارات و کتابخانه هیئت معارف جنگ شهید صیادشیرازی، از تجربه سایر فرماندهان رسته زرهی که مصاحبه حضوری با آنها مقدور نبود، به ویژه خاطرات این عزیزان در صحنه واقعی نبرد، مطالب لازم استخراج و مورد استفاده قرار گرفت.

یکی از نکاتی که با یک نظر ممکن است مورد انتقاد خوانندگان محترم قرار گیرد، ذکر خاطرات چند نفر از فرماندهان از یک عملیات خاص مانند عملیات نصر، بیت‌المقدس و فتح‌المبین است. اولاً این عملیات‌ها بسیار گسترده بوده‌اند و هر صحنه حوادث خاص خود را داشته است، ثانیاً فرماندهان محترم هریک دیدگاه‌ها و نظرات کارشناسانه خود را ارائه داده‌اند، که بسیار ارزنده و قابل توجه است.

تقریباً همه فرماندهان رسته زرهی در مورد عملیات نصر در ۱۵ دیماه ۱۳۵۹ به عنوان یک عملیات کلاسیک زرهی که با یک مانور احاطه‌ای در همان آغاز تک به پشت دشمن رسید و

یگان احتیاط و توپخانه دشمن را به اسارت درآورد، حرف دارند. اگر چه به ظاهر، این عملیات از موفقیت چندانی برخوردار نبود، لیکن به عنوان یکی از بزرگترین صحنه‌های تاریخی نبرد تانک‌ها شناخته شده است. در این نبرد، یکصد تانک ارتش عراق و هشتاد تانک ارتش ایران طی چهل و هشت ساعت منهدم شد. تفسیر این عملیات توسط فرماندهان شرکت‌کننده، به ویژه امیر سرتیپ ۲ جمشیدی، فرمانده تیپ ۱ لشکر ۱۶ زرهی بسیار آموزنده است. اکنون که این مطالب به رشته تحریر می‌آید، تعدادی از بزرگان رسته زرهی که در تهیه این کتاب از خاطرات آنان بهره‌برداری شده است، از جمله جناب سرهنگ سید یعقوب حسینی، جانشین عملیاتی فرمانده نزاجا در جنوب در آغاز جنگ و یکی از دانشمندان نظامی که بیش از ۵۰ کتاب مستند درباره دفاع مقدس تدوین و از خود باقی گذاشته‌اند و نیز امیر سرتیپ لطفی، فرمانده لشکر ۱۶ زرهی، امیر سرتیپ لهراسبی، فرمانده تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی، شهید سرلشکر صفوی، فرمانده گردان ۲۹۳ تانک در عملیات طریق القدس و فرمانده تیپ ۳ لشکر ۹۲، امیر سرتیپ ۲ شیرمرد حیدری از فرماندهان تیپ ۳۷ زرهی، در بین ما نیستند. روحشان شاد و یادشان گرامی باد.

امید است این اثر گامی باشد در پیمودن مسیری که ما را با محتوای عمیق تجربیات هشت سال دفاع مقدس آشنا سازد و مورد بهره‌برداری دانشجویان دوره عالی و فرماندهان یگان‌های زرهی قرار گیرد. در خاتمه از همه عزیزانی که در جمع‌آوری و تهیه این مجموعه بنده را یاری نموده‌اند تشکر و قدردانی می‌نمایم.

سرتیپ دکتر عبدالعلی پورشاسب

۱۳۹۹/۳/۱۹

فصل اول

کلیات

نظری اجمالی به وضعیت یگان‌های زرهی ارتش ایران و ارتش عراق در آغاز جنگ تحمیلی

پس از آنکه صدام حسین در انتظار جهانی قطعه‌نامه ۱۹۷۵ الجزایر را پاره کرد ارتش بعث عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با اهداف از پیش تعیین شده تهاجم سراسری خود را رسماً آغاز نمود. استعداد نیروی زمینی عراق شامل ۵ لشکرزرهی، ۲ لشکر مکانیزه، ۵ لشکر پیاده و ۲۲ تیپ مستقل از جمله ۱ تیپ زرهی، یک تیپ مکانیزه، ۳ تیپ نیرو مخصوص، یگان‌های گارد جمهوری و ۲۰ تیپ مرزی بوده است. ماشین نظامی عراق بابه‌ره مندی از ۲۷۵۰ دستگاه تانک عمدتاً روسی تی ۵۴ تی ۵۵ تی ۶۲ و تی ۷۲ و همین تعداد نفربر زرهی از قدرت آتش و تحرک بسیار خوبی بر خوردار بود. (از خونین شهر تا خرمشهر، ص ۲۴). در مقابل ارتش ایران ۱۷۳۵ دستگاه تانک از نوع ام ۴۷ و ۴۸ تانک ام ۶۰ و چیفتن و همچنین حدود ۲۰۰۰ دستگاه تانک سبک اسکورپیون و نفربر ام ۱۱۳، نفربرهای طرح خشایار، بی تی آر و بی ام پی ۱ روسی در قالب ۴ لشکر زرهی در اختیار داشت. (دائرة المعارف تاریخ جنگ ایران و عراق شیر علی نیا بهار ۱۳۹۲). در لشکرهای پیاده هم یک گردان تانک سازماندهی شده بود و یک یگان زرهی با ترکیبی از انواع تانک‌ها و نفربرهای زرهی موجود در مرکز آموزش زرهی پیش‌بینی شده بود. در همین زمان بخشی از لشکر ۲۱ پیاده و لشکر ۱۶ زرهی در منطقه غرب و شمال غرب با ضدانقلاب درگیر بودند و لشکرهای ۷۷ پیاده و ۸۸ زرهی به دلایل امنیتی در شرق کشور حضور داشتند.

در پایان ۸ سال دفاع مقدس، تعداد تانک‌های ارتش عراق به ۴۰۰۰ دستگاه افزایش یافت که اکثر آنها تانک‌های مدرن تی ۷۲ بود. در مقابل تعداد تانک‌های ارتش ایران به ۱۰۰۰ دستگاه تقلیل پیدا کرد، که تعداد معدودی از تانک‌های به غنیمت گرفته شده از ارتش عراق و تعدادی تانک چون مائو و تی ۵۹ به سازی شده که از کشور چین خریداری شده بود به تانک‌های قبلی افزوده می‌شد، لذا کشورهای دیگر از بلوک غرب و شرق حاضر به فروش تجهیزات نظامی به جمهوری اسلامی ایران نبودند. علاوه بر این تأمین قطعات یدکی تانک‌های آمریکائی و انگلیسی حتی روسی، بسیار مشکل بود، ساخت قطعات یدکی هم در آن زمان در داخل کشور مقدور نبود.

گسترش یگان‌های ارتش عراق در ابتدای جنگ تحمیلی

گسترش نیروهای دشمن براساس اهداف از پیش تعیین شده شکل گرفته بود و شاید این گسترش ریشه در ارزیابی عراق از ارتش ایران قبل از انقلاب اسلامی داشته است. بهر حال ارتش عراق مناطق مرزی خود با ایران را به سه منطقه شمالی، میانی و جنوبی تقسیم کرده بود. در منطقه شمالی که مجاور استان‌های آذربایجان غربی و کردستان بود، سپاه سوم با ۲ لشکر پیاده و تعدادی از یگان‌های احتیاط و ارتش خلقی و ۴ تیپ گارد مرزی پوشش داده بود که مأموریت آنها کنترل معابر و اشغال برخی از ارتفاعات مرزی مناطق حاج عمران، پنجوین و حفاظت از عوارض حساس عراق مانند تأسیسات نفت کرکوک و موصل بود.

جبهه میانی:

مسئولیت جبهه میانی از حوالی منطقه باووسی تا رودخانه چنگوله با سپاه ۲ عراق بود. اهداف سپاه ۲ تصرف شهرهای مرزی مهران، سومار، نفت‌شهر، گیلانغرب، قصرشیرین، سرپل ذهاب، گردنه‌های سگان، پاتلاق، قلاجه و ارتفاعات مشرف به این شهرها به منظور جلوگیری از هرگونه تهاجم احتمالی ایران به داخل عراق و شهر بغداد بود. استعداد سپاه ۲ شامل لشکرهای ۴ و ۲ پیاده کوهستانی تیپ ۳۲ نیرو مخصوص، چند تیپ احتیاط و ۲ لشکر ویک تیپ مستقل زرهی به شرح زیر بود:

- ۱- لشکر ۶ زرهی با تیپ‌های ۲۵ مکانیزه و ۱۶ و ۳۰ زرهی در منطقه عمومی قصرشیرین.
- ۲- لشکر ۱۲ زرهی (منها) با تیپ ۴۶ مکانیزه و تیپ ۳۷ زرهی در منطقه عمومی نفت‌شهر، مندلی و مهران.
- ۳- تیپ ۱۰ زرهی مستقل با سه گردان تانک تی ۷۲ در منطقه عمومی قزل رباط -مقدادیه در احتیاط سپاه ۲

۴- یگان‌های توپخانه و سایر یگان‌های پشتیبانی رزمی.

جبهه جنوبی:

منطقه جنوبی که مسئولیت آن با سپاه ۳ ارتش عراق بود از چنگوله تا دهانه فاو ادامه داشت و تمرکز یگان‌های زرهی و مکانیزه را هم در این منطقه قرار داده بود. پیشروی اصلی ارتش عراق در منطقه عملیاتی جنوب، به سمت شهر دزفول بود.

اهداف استراتژیک عراق در این منطقه که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و سرنوشت جنگ را تعیین می‌کرد، به شرح زیر بود:

- تصرف و تجزیه خوزستان به منظور مرتفع کردن تنگنای ژئوپلیتیکی کشور عراق.
- تصرف سواحل شمالی و شرقی اروندرود به منظور شناختن حق حاکمیت کامل عراق بر اروندرود.

- دست یافتن به خلیج فارس و رهبری جهان عرب.
- در نهایت تحمیل اراده عراق بر ایران.

گسترش و استعداد یگان‌های زرهی و مکانیزه سپاه ۳ عراق در جبهه جنوبی:

- لشکر ۱۰ زرهی با تیپ‌های ۱۷ و ۴۲ زرهی و ۲۴ مکانیزه در منطقه عمومی عین خوش.
- لشکر ۱ مکانیزه با تیپ‌های ۱ و ۲۷ مکانیزه و ۴۳ زرهی در منطقه عمومی فکه.
- لشکر ۹ زرهی با تیپ‌های ۳۵ و ۴۳ زرهی در منطقه عمومی جزابه و طلائیه.
- لشکر ۵ مکانیزه با تیپ‌های ۱۵ و ۲۰ مکانیزه و ۲۶ زرهی در منطقه عمومی زید و کوشک.
- لشکر ۳ زرهی با تیپ‌های ۸ مکانیزه و ۶ و ۱۲ زرهی در منطقه عمومی شلمچه.
- تیپ مکانیزه گارد جمهوری با ۲ گردان مکانیزه و یک گردان تانک.
- چند تیپ پیاده، یگان‌های توپخانه و سایر یگان‌های پشتیبانی رزمی.

گسترش و استعداد نیروهای ارتش جمهوری اسلامی در آغاز جنگ تحمیلی منطقه غرب و شمال غرب:

همزمان با آغاز جنگ تحمیلی نحوه گسترش یگان‌های نزاجا در منطقه غرب و شمال‌غرب به این ترتیب بود که لشکر ۸۱ زرهی در کرمانشاه، لشکر ۲۸ پیاده در استان کردستان و لشکر ۶۴ پیاده در استان آذربایجان غربی مستقر بودند. مأموریت تیپ ۸۴ پیاده هم پدافند از منطقه مهران در استان ایلام در نظر گرفته شده بود. در آغاز تهاجم دشمن فقط یک گردان از تیپ ۸۴ در استان ایلام حضور داشت و سایر یگان‌ها در پاوه و نوسود مستقر بودند. لذا لشکر ۸۱ زرهی می‌بایست علاوه بر منطقه تحت مسئولیت خود که از باویسی تا رودخانه تلخاب ادامه داشت، منطقه مرزی ایلام را هم تحت پوشش بگیرد. در نتیجه منطقه پدافندی این لشکر بیش از ۴۰۰ کیلومتر افزایش یافت و مسئولیت قسمت عمده این منطقه حداقل در دو سال اول جنگ

همچنان به عهده لشکر ۸۱ زرهی باقی ماند. اگر چه در مقاطع زمانی مختلف وبه طور موقت تیپ ۵۸ ذوالفقار، تیپ ۳۰ گرگان و یگان‌هایی از لشکر ۷۷ و تیپ هوارد به یاری این لشکر شتافتند. در نتیجه لشکر ۸۱ زرهی با همه مشکلات ناشی از وقایع سال‌های اول انقلاب باید لشکرهای ۶، ۱۲ و تیپ ۱۰ زرهی مستقل همراه ۲ لشکر پیاده عراق را متوقف و با حملات پی در پی آنها را از سرزمین جمهوری ایران بیرون می‌کرد. در این رابطه موفقیت‌های قابل توجهی از جمله آزادسازی ارتفاعات میمک، شهرهای سرپل ذهاب و گیلانغرب به دست آمد.

منطقه عملیاتی جنوب:

اقدامات خصمانه عراق در مناطق مرزی ایران در صحنه عملیات خوزستان از غرب دهلران تا دهانه فاو از اوایل فروردین ۱۳۵۹ شدت گرفت به نحوی که ارتش ایران احساس خطر کرد و در ۲۱ فروردین آماده‌باش کامل به همه یگان‌ها داده شد. در این زمان در صحنه عملیات جنوب فقط لشکر ۹۲ زرهی استقرار داشت. در اوایل خرداد سال ۵۹ درگیری‌های مرزی شدت گرفت و یگان‌های لشکر ۹۲ برای تقویت پاسگاه‌های مرزی و دفاع از آنها در مقابل تجاوزهای عراق در حوالی پاسگاه‌های مرزی گسترش یافتند. در اواخر تیرماه گروه رزمی ۳۷ زرهی که مسئول پشتیبانی آموزشی مرکز آموزش زرهی بود، به لشکر ۹۲ زرهی پیوست. همچنین ۳ گردان توپخانه از گروه ۲۲ و ۵۵ توپخانه نیز برای تقویت لشکر ۹۲ به خوزستان اعزام شد. در دهه سوم شهریور ماه ۱۳۵۹ دستور اعزام گروه رزمی ۱۳۸ پیاده از لشکر ۲۱ صادر و در ۲۶ شهریور در چنانه مستقر شد. یگان‌های فوق مجموع نیروهایی بود که نیروی زمینی قبل از تهاجم سراسری عراق در منطقه عملیاتی جنوب مستقر کرده بود. لازم به ذکر است که یگان‌های یادشده به خصوص لشکر ۹۲ زرهی به خاطر مسائل ناشی از انقلاب و کودتای نقاب در وضعیت مناسبی نبودند. لشکر ۹۲ تا شروع جنگ فاقد فرمانده لشکر و فرماندهان تیپ واجد شرایط بود و در شهریور ماه ۵۹ با کسری ۵۰ درصد کارکنان مواجه بود. خلاصه گسترش و تمرکز نیروهای خودی در آستانه تجاوز ارتش بعثی عراق به شرح زیر بود. (معین وزیری نصرت الله تحلیلی بر عملکرد ارتش در سال اول جنگ ۱۳۹۵)

تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ و گردان ۲۸۳ سوارزرهی در مقابل محور چم سری - عین‌خوش و گروه رزمی ۳۷ زرهی شیراز و گروه رزمی ۱۳۸ لشکر ۲۱ در مقابل محور فکه - برقازه، تیپ ۳ زرهی لشکر ۹۲ از جنوب فکه تا کرخه‌کور و تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی و گردان دژ لشکر ۹۲ زرهی از جنوب

کرخه کور تا دهانه فاو. کرانه اروندرود و خرمشهر به منطقه دریایی خرمشهر و یگان‌های تکاور دریایی واگذار شده بود. تیپ دانشجویان دانشگاه افسری به فرماندهی سرهنگ حسینی سعدی، عناصری از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروهای مردمی و یگان‌های ژاندارمری در منطقه مجموعه نیروهای جمهوری اسلامی ایران بودند که با کمک نیروی هوایی، هوانیروز و گروه‌های ۲۲ و ۵۵ توپخانه در مقابل ۵ لشکر زرهی و مکانیزه و چندین تیپ مستقل که با آتش‌های پشتیبانی و نیروی هوایی تقویت می‌شدند، مواجه بودند.

تجربه یگان زرهی در مبارزه با ضدانقلاب در مناطق کوهستانی

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و اعلام سیاست نه شرقی نه غربی، توطئه‌های داخلی و خارجی علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران آغاز شد و در مناطق مختلف کشور اعم از کردستان، خوزستان، بلوچستان و مازندران ضدانقلاب داخلی با هدایت استکبار جهانی و ارتجاع منطقه، ناآرامی‌های داخلی و درگیری‌های مسلحانه به وقوع پیوست.

همجواری استان کرمانشاه با کشور عراق و استان کردستان موجب گردیده بود که آرامش مناطق شمالی استان توسط گروهک‌های ضدانقلاب و اشرار مسلح و امنیت نوار مرزی آن توسط ارتش بعث عراق به مخاطره افتد. به همین دلیل قسمتی از یگان‌های لشکر ۸۱ زرهی که مسئولیت سرزمینی غرب کشور را به عهده داشت در قالب گروه‌های رزمی به مناطق مرزی سرپل ذهاب، قصرشیرین، سومار، نفت‌شهر و مهران و قسمتی نیز به مناطق ناامن شمال استان در محور کرمانشاه، سنندج، پاوه، نوسود و منطقه قلخانی اعزام شده بودند.

در آن زمان من [نگارنده] با درجه سروانی در تیپ ۲ زرهی مستقر در پادگان بیستون خدمت می‌کردم، که با آغاز درگیری‌ها با یک گروه رزمی از گردان ۲۸۵ تانک در گردنه مروارید حذافصل بین شهر کامیاران و سنندج مستقر بودیم. مأموریت این گروه، رزمی ایجاد امنیت در محور کرمانشاه سنندج و مقابله با اشرار مسلح و گروهک‌های ضدانقلاب بود. در ابتدا با تاکتیک بکاو و بکش با عناصر ضدانقلاب که در ارتفاعات مشرف به جاده بودند درگیر شده و سپس با تشکیل چند پایگاه در نقاط حساس، امنیت منطقه برقرار می‌شد، البته این پایان کار نبود ضدانقلاب با تطمیع و تهدید، بعضی از مردم محلی را با خود هماهنگ نموده و در دهات و آبادی‌ها و حتی در بعضی از مناطق شهری بطور مداوم به نیروهای ارتش و سپاه که در پایگاه‌ها مستقر بودند

ضربه می‌زدند و یا در مسیر تردد آنها کمین کرده و آنها را به شهادت می‌رساندند. در این درگیری‌ها تانک به عنوان یک سلاح مؤثر با توجه به حفاظت زرهی در مقابل سلاح‌های کالیبر کوچک و قدرت آتش و تحرک در پاکسازی مناطق تاثیر بسزایی داشت لیکن در مقابل سلاح‌های ضد تانک و مین‌گذاری آسیب‌پذیر بود در همین رابطه یک دستگاه تانک که بیش از حد از گروه رزمی فاصله گرفته بود، توسط چند گلوله آرپی جی منهدم شد و استوار خدوردی‌زاده که از درجه‌داران شجاع و مؤمن گردان بود، به شهادت رسید و یک دستگاه نفربر حامل ۱۰ نفر از سربازان و درجه‌داران در مسیر بازگشت از یک مرحله پاکسازی در مسیر فرعی کامیاران به روانسر بر اثر برخورد با مین منهدم شد و ۵ نفر از خدمه آن به شهادت رسیدند.

در یکی از مراحل پاکسازی که یکی از عناصر ضدانقلاب بر اثر موج انفجار گلوله تانک مجروح شده بود دستگیر و مورد بازجویی قرار گرفت، مشخص شد که فوق لیسانس کشاورزی از دانشگاه تهران است و اصالتاً تهرانی است. تا آن زمان ما فکر می‌کردیم نیروهایی که با ما می‌جنگند همگی کرد هستند. هنگامی که با او که عضو حزب کومله بود مصاحبه کردم به او گفتم این سربازانی که تو با آنان می‌جنگی همگی فرزندان کارگر یا کشاورز هستند شما که داعیه دفاع از کارگران و کشاورزان را دارید چرا با آنها می‌جنگید؟ با وقاحت پاسخ داد اگر مجروح نمی‌شدم همه آنها را که ابزار ارتجاع هستند می‌کشتم.

عملکرد گروهک‌های ضدانقلاب به ویژه حزب کومله چیزی شبیه عملکرد داعش بود هنگامی که بعضی از نیروهای ارتش و یا سپاه را به اسارت در می‌آوردند آنها را به شدت شکنجه می‌کردند و یا به طرز فجیعی شهید و مثله می‌نمودند در این رابطه یکی از برادران سپاهی که اهل اصفهان بود، زمانی که بین دو پایگاه به تنهایی تردد داشت توسط ضدانقلاب دستگیر شد که ضمن به شهادت رساندن ایشان قسمتی از پوست صورت وی را کنده و بدن او را قطعه قطعه کردند.

در چنین ایامی که نیروهای ارتش بشدت درگیر مبارزه با گروهک‌های ضدانقلاب داخلی بودند ارتش عراق با فراخوانی نیروهای ذخیره و تمرکز در نقاط مرزی تدارک یک حمله سراسری علیه جمهوری اسلامی ایران را می‌دید و در نیمه دوم شهریور ۱۳۵۹ ارتفاعات خان لیلی و ارتفاعات میمک را به تصرف خود در آورد، لیکن علیرغم همه شواهد و قرائن مقامات سیاسی کشورمان تهاجم نیروهای عراقی و وقوع یک جنگ تمام عیار را بین دو کشور بعید می‌دانستند.

آغاز جنگ تحمیلی

اهداف عراق از تهاجم سراسری به جمهوری اسلامی ایران

سرانجام در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ هجوم سراسری ارتش عراق با محور قرار دادن حمله گسترده زمینی با حمایت نیروی هوایی آغاز گردید. نیروی زمینی عراق در آغاز تجاوز دارای ۱۲ لشکر و ۴۵ تیپ مستقل بود، در حالیکه در مقابل آنها در منطقه جنوب لشکر ۹۲ زرهی و گروه رزمی ۳۷ زرهی و در منطقه غرب لشکر ۸۱ زرهی و یک گردان از تیپ ۸۴ خرم آباد مستقر بود. سرلشکر وفیق سامرایی در کتاب «ویرانی دروازه های شرقی» اهداف عراق را در جبهه میانی و جبهه جنوبی چنین بیان نموده است: (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران ۱۳۸۸-۷۲)

"جبهه میانی:

«پیشروی در منطقه عملیاتی میانی، برای اشغال شهر مهران و گسترش آن به منظور اشغال تنگه کنجان چم و اشغال شهرهای سومار و نفت شهر، قصر شیرین، سرپل ذهاب و پیشروی به طرف تنگه پاتاق برای کنترل این تنگه...
جبهه جنوبی:

پیشروی اصلی در منطقه عملیاتی جنوب، با اهداف اشغال شهر دزفول که از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اشغال استان اهواز (خوزستان) و کرانه شرقی اروندرود و شهرهای خرمشهر و آبادان... "

فصل دوم

آغاز و سال اول جنگ تحمیلی

گفته‌های سرتیپ پورشاسب (نگارنده)

حرکت به سمت مرز

با آغاز تهاجم سراسری ارتش بعث عراق بعد از ظهر ۳۱ شهریور به من [نگارنده] مأموریت داده شد همراه نیروهای تحت امر (گروه رزمی ۲۸۵) که شامل ۲۰ دستگاه تانک و دو گروهان پیاده مکانیزه و دسته خمپاره‌انداز ۱۲۰ م م و دسته مینی کاتیوشا (۱۰۷ م م) بود از طریق محور اسلام‌آباد، گردنه قلاجه، گردنه سگان به سمت پادگان ابوذر حرکت نموده و پس از اخذ تماس، دشمن را متوقف و پدافند نمایم. این دستور به این دلیل صادر شد چون با توجه به سرعت و شدت تهاجم دشمن و ضعف ارتباط، تصور می‌شد که دشمن با سرعت پادگان ابوذر را اشغال نماید و حرکت را به سمت گردنه قلاجه و قطع ارتباط استان ایلام و کرمانشاه ادامه دهد. لذا دو ساعت پس از ابلاغ این دستور و با آغاز تاریکی شب و پس از توجیه مختصر تعداد ۶۰ دستگاه خودرو شنی‌دار و چرخ‌دار را در قالب یک ستون تاکتیکی حرکت دادم. برای جابجایی تانک‌ها و نفربرها باید از خودروهای تانک‌بر استفاده می‌شد لیکن با توجه به ضرب العجل مأموریت و در دسترس نبودن تانک‌بر بالا جبار تانک‌ها بر روی شنی به حرکت درآمدند از طرفی حرکت ستون نظامی در روشنایی روز توسط هواپیماهای شکاری دشمن تهدید می‌شد. برای عبور بی خطر با کمک دژبان لشکر عناصری را در بین ستون و تقاطع جاده‌ها مستقر نمودم و پس از عبور از سهراهی جاده اسلام‌آباد غرب در اولین منطقه مناسب در گردنه قلاجه توقف نموده و عناصری را برای شناسایی به طرف گردنه سگان که مشرف به پادگان ابوذر است اعزام نمودم، هیچگونه ارتباطی با فرمانده تیپ یا یگان‌های درگیر در منطقه نداشتیم تنها منبع خبری ما عده‌ای از مردم منطقه و عشایری بودند که برای حفظ جان، اموال و احشام خود به طرف عقب جبهه حرکت می‌کردند و طبیعتاً مانعی برای حرکت ما محسوب می‌شدند با وجود همه ابهاماتی که در مورد دشمن و منطقه احتمالی درگیری وجود داشت که از ویژگی‌های حرکت برای اخذ تماس است لیکن درجه‌داران و سربازان از روحیه خوبی برخوردار بودند این روحیه خوب نتیجه همکاری و همدلی و نظم و انضباطی بود که نیاز آن را در منطقه کردستان و مبارزه با ضدانقلاب آموخته بودیم.

ورود به منطقه سرپل ذهاب

پس از حدود ۵ ساعت راهپیمایی شبانه بالاخره به گردنه سگان رسیدیم و برابر اطلاعاتی که تیم شناسایی کسب کرده بود خوشبختانه پادگان ابوذر با همت خلبانان هوانیروز و رزمندگان تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی نیروهای دشمن را وادار به عقب نشینی از شهر سرپل ذهاب نموده بودند. بلافاصله پس از استقرار و سازماندهی گروه رزمی به پادگان ابوذر عزیمت نموده و با فرمانده تیپ سرهنگ اتحادیه و رئیس رکن ۳ ملاقات کردم و آمادگی خود را جهت هرگونه همکاری اعلام کردم، با توجه به درگیری بسیار سنگینی که تیپ در مقابل نیروهای متجاوز داشته بود به نحوی خستگی و بلا تکلیفی در چهره فرماندهان دیده می‌شد، پس از آن برای شناسایی دشمن به خط مقدم منطقه نبرد در منطقه قره بلاغ عزیمت نمودیم ساعت تقریباً ۳ بامداد بود و روشنایی مهتاب که به نظر می‌رسید ۱۴ یا ۱۵ ماه باشد فضا را کاملاً روشن کرده بود و صدای پراکنده تیراندازی سلاح‌های کالیبر کوچک و توپخانه منطقه نبرد را نیمه فعال نشان می‌داد. در پرتو نور مهتاب تانک‌های گردان ۲۱۵ مشاهده می‌شد که بر روی زمین صاف و بدون هیچگونه خاکریز و سنگری استقرار یافته بودند و در کنار آنها یک گردان پیاده که برخلاف گردان تانک در سنگرهای انفرادی که خود آنها حفر کرده بودند گسترش یافته بود و در پشتیبانی از آن یک گردان توپخانه قرار داشت، در کنار اولین تانک سروان حصار یکی از هم‌دوره‌هایم با چند نفر از درجه‌داران نشسته بودند پس از احوالپرسی، ایشان آخرین وضعیت منطقه را برای من توضیح دادند وقتی از ایشان سوال کردم چرا تانک‌ها را در زمین صاف قرار داده‌اند و سنگر و جان پناهی برای تانک تهیه نشده است در پاسخ اظهار داشتند «اولاً دستگاه سنگین مهندسی اعم از بولدوزر و لودر در اختیار ندارند. ثانیاً با آغاز روشنایی روز قرار است به مواضع دشمن حمله نمایند» با توجه به وضعیت نابسامانی که در قرارگاه تیپ مشاهده نمودم اجرای حمله با چند دستگاه تانک و یک گردان پیاده به مواضع دشمنی که اطلاعات لازم از ترکیب و استعداد آن وجود نداشت برایم سؤال برانگیز بود. لیکن به علت اینکه مأموریت دیگری به اینجانب داده شده بود و در سلسله مراتب تیپ ۳ زرهی مستقر در منطقه سرپل ذهاب نبودم نمی‌توانستم در این امر دخالت نمایم.

در این رابطه از فرمانده تیپ مربوط (تیپ ۲) کسب تکلیف نمودم، کماکان اصرار داشتند به مأموریت ابلاغی و استقرار در گردنه سگان و آمادگی برای مقابله با نیروهای عراقی در صورت

ادامه تک دشمن ادامه دهم زیرا هنوز خطوط مقدم جبهه تثبیت نشده بود ولی هماهنگ نمودم گروهان دوم تانک را به فرماندهی ستوانیکم فرهادی که از افسران انقلابی و شجاع گردان بود برای تقویت گردان ۲۱۵ به آن گردان مأمور گردد.

با روشن شدن هوا تک گردان ۲۱۵ به سمت ارتفاعات قراویز آغاز شد که در همان ابتدا دو دستگاه از تانک‌های گردان ۲۱۵ و یک دستگاه از تانک‌های ما مأمور به آن گردان مورد اصابت موشک‌های ضد تانک دشمن که در موقعیت برتری بودند قرار گرفت، سروان حساری و ۳ نفر از درجه‌داران گردان ۲۱۵ ستوانیار محمد ویسی از گروه رزمی ۲۸۵ به شهادت رسیده و تعدادی از نفرات هم مجروح شدند در مقابل یک دستگاه نفربر بی ام ۱ عراقی منهدم و خدمه آن کشته شدند، بعداً معلوم شد استعداد یگان‌های در خط دشمن یک تیپ پیاده کوهستانی بوده که با یک گردان تانک تقویت شده بود.

تانک شهید سروان حساری که مورد اصابت موشک ضد تانک دشمن قرار گرفته بود ساعت‌ها شعله‌ور بود و مهمات داخل آن منفجر می‌شد و تا ۲۴ ساعت امکان نزدیک شدن به آنها وجود نداشت تنها آثاری که از شهداء در تانک باقی مانده بود ساعت مچی استیل و پلاک شناسایی آنها بود.

هنگامی که موشک به تانک اصابت می‌کند پس از سوراخ نمودن بدنه تانک حرارتی معادل ۴۰۰۰ درجه سانتی گراد در داخل تانک ایجاد می‌شود که مهمات، سوخت و کلیه مواد قابل احتراق را به آتش می‌کشد خدمه تانک چنانچه مورد اصابت مستقیم قرار نرفته باشند کمتر از ۱۰ ثانیه فرصت دارند که از آن خارج شوند در غیر این صورت در میان شعله‌های آتش و انفجار مهمات گرفتار خواهند شد.

نکات آموزشی:

۱) تانک در منطقه کوهستانی و جنگ نامنظم سلاح مؤثری است لیکن حفاظت آن در مقابل سلاح‌های ضد تانک، تله‌های انفجاری و مین‌گذاری دشمن باید مورد توجه دقیق قرار گیرد.

۲) در حرکت برای اخذ تماس رعایت ملاحظات زیر ضروری است:

- زمانی که احتمال تماس با دشمن وجود ندارد حرکت به صورت راهپیمایی اداری صورت می‌گیرد لیکن برای محافظت ستون راهپیمایی از تک‌هوایی دشمن حتی الامکان

باید راهپیمایی در تاریکی شب انجام شود و چنانچه راهپیمایی در روشنایی روز اجتناب ناپذیر است راهپیمایی به صورت ستون نفوذی الزامی است.

- زمانی که احتمال تماس با دشمن وجود دارد راهپیمایی تاکتیکی و چنانچه تماس با دشمن قریب الوقوع شد راهپیمایی تقریبی و گسترش سریع در مقابل نیروهای دشمن پیش‌بینی می‌شود.

- اعزام عناصر تأمینی و شناسائی قبل از عمده قوا به منظور جلوگیری از غافلگیر شدن و کسب آخرین اطلاعات از زمین و دشمن ضروری است.

۳) اجرای هرگونه عملیات آفندی و پدافندی بدون داشتن اطلاعات دقیق از زمین و دشمن، تهیه برآوردهای ستادی، بازی جنگ و طراحی دقیق محکوم به شکست است.

۴) تجهیزات مهندسی سنگین اعم از بلدوزر، لودر برای تهیه مواضع پدافند و خاکریز باید در کنار گردان‌های تانک باشد. در ابتدای جنگ تحمیلی تعداد قابل توجهی از تانک‌ها و نفربرهای گردان‌های تانک و مکانیزه به علت کمبود تجهیزات مهندسی و نداشتن مواضع مناسب توسط موشک‌های ضد تانک دشمن منهدم شدند.

عملیات تنگ حاجیان

عزیمت به جبهه گیلانغرب:

همزمان با عزیمت ما به سرپل ذهاب، بقیه تانک‌های گردان ۲۸۵ از منطقه کردستان جمع‌آوری و همراه گردان ۳۱۷ توپخانه به جبهه گیلانغرب اعزام شده بودند و پس از مدت کوتاهی دستور داده شد که ما هم به منطقه گیلانغرب عزیمت نموده و به بقیه گردان ملحق شویم.

موقعیت جغرافیایی شهر گیلانغرب:

گیلانغرب در جنوب غرب استان کرمانشاه و بر مسیر اصلی قصرشیرین ایلام است و کل استان ایلام را به مرز خسروی و گذرگاه پرویزخان وصل می‌کند، فاصله گیلانغرب تا مرز خسروی ۸۰ کیلومتر و تا کرمانشاه ۱۵۰ کیلومتر است. گیلانغرب بخاطر مقاومت مردمانش در برابر حمله ارتش عراق در سال ۱۳۵۹ از سوی رهبر معظم انقلاب دومین شهر مقاوم کشور نامیده شد. آب و هوای شهر گیلانغرب گرم و مرطوب و مردم آن شیعه مذهب و از طایفه‌های مختلف ایل کلهر هستند و زبان مردم آن شاخه کردی جنوبی است.

دشت گیلانغرب با مساحتی حدود ۵۰ کیلومتر مربع از شمال به ارتفاعات بازی‌دراز و برآفتاب و تنگه‌های حاجیان، کورک و قاسم‌آباد از شرق به گردنه کاسه‌گران، از جنوب به ارتفاعات داربلوط، چغالوند، چرمیان، شیاکوه محصور است. رودخانه گیلانغرب که از ارتفاعات اطراف و سراب گیلانغرب سرچشمه می‌گیرد از مرز تنکاب وارد خاک عراق می‌شود. ارتش عراق بیشترین منطقه را در محور قصرشیرین گیلانغرب با حدود ۷۵ کیلومتر پیشروی اشغال نمود.

در زمان ورود ما به جبهه گیلانغرب نیروهای دشمن در فاصله کمی از شهر مستقر بودند و شهر که زیر آتش توپخانه و خمپاره‌اندازهای دشمن بود تقریباً خالی از سکنه شده و مردم به ارتفاعات اطراف پناه برده بودند. در این حال بررسی‌هایی برای خارج کردن شهر از برد آتش توپخانه دشمن و تشویق مردم به بازگشت به خانه و کاشانه خود آغاز گردید و در نهایت طرح عملیاتی امین شش که بعداً به نام عملیات آزادسازی تنگ حاجیان مشهور شد تنظیم گردید. بر اساس این طرح منطقه عمل و اهداف واگذاری به یگان‌های مستقر در منطقه با محوریت گردان ۲۸۵ تانک به شرح زیر طراحی گردید:

- گردان ۱۱۰ پیاده از شمال شرقی گیلانغرب و ارتفاعات برآفتاب با هدایت تک به سمت غرب، تنگ حاجیان را تصرف و پیشروی را تا تأمین تنگ کودک ادامه دهد گردان پیاده مهدی در دامنه ارتفاعات برآفتاب گردان ۱۱۰ را کمک خواهد کرد.

- گروه رزمی ۲۸۵ تانک در امتداد جاده اصلی گیلانغرب قصرشیرین پس از تصرف گور سفید پیشروی را تا تصرف ارتفاعات شیخ داوود عرب ادامه دهد.

- گردان سپاه پاسداران از غرب محور گیلانغرب قصرشیرین وارد عمل شده و پس از تصرف ارتفاعات چغالوند به پیشروی تا ارتفاعات چرمیان ادامه دهد.

در طرح اجرایی، قرارگاه هدایت کننده یک قرارگاه عملیاتی غیر سازمانی به نام گروه رزمی کبیر به فرماندهی سرهنگ کبیری که از افسران قدیمی تیپ ۵۵ هوابرد بود منظور گردید.

طبق برآوردهای اطلاعاتی به عمل آمده، تیپ ۱۸ لشکر ۴ پیاده کوهستانی عراق با ۴ گردان در خط و ۲ گردان در احتیاط همراه یگان‌های پشتیبانی‌اش استقرار یافته و مواضع پدافندی را با موانع طبیعی و میادین مین و سیم خاردار تقویت نموده بود.

اجرای عملیات تنگ حاجیان:

ساعت ۳۰:۶-۱۴/۱۰/۱۳۵۹ تعیین گردیده بود لیکن برای باز کردن معابر در میادین مین دسته‌های مهندسی و دسته‌های شناسایی از ساعت‌ها قبل فعالیت خود را آغاز کرده بودند. ساعت ۳۰:۴ ستوان یکم اختر خاوری همراه ۵ نفر از درجه‌داران و سربازان گردان ۱۱۰ بر اثر انفجار مین به شهادت رسیدند که ضمن هوشیاری دشمن تاثیر نامطلوبی بر روحیه رزمندگان خط مقدم داشت. عملیات در ساعت مقرر آغاز شد لیکن به علت وجود موانع و میادین مین و آتش شدید دشمن پیشروی به کندی صورت می‌گرفت همزمان باران شدیدی باریدن گرفت و دشت گیلانغرب که از مناطق مزروعی است تبدیل به گل و لای شد و حرکت خودروهای چرخدار و شنی‌دار را محدود نمود. در همین حال یک دستگاه نفربر بی‌ام‌پی از روی جاده آسفالت به منظور ایجاد رخنه با سرعت مواضع دشمن را در هم شکافت و در دهانه ورودی به آبادی گورسفید مورد اصابت موشک ضد تانک نیروهای بعثی قرار گرفت اگرچه این اقدام مقتدرانه موجب انهدام نفربر و شهادت ۲ نفر از درجه‌داران شجاع گردان شد لیکن خط پدافندی دشمن را متزلزل و حرکت گروهان ۳ تانک را در مرکز منطقه تسهیل نمود و این گروهان موفق شد با ۳ کیلومتر پیشروی به حوالی روستای کرگاه برسد. گروهان دوم گروه رزمی ۲۸۵ که در غرب محور گیلانغرب و دامنه ارتفاعات چرمیان همراه نیروهای سپاه پاسداران در حال پیشروی بود بر اثر آتش شدید دشمن به ویژه بالگردهای ام آی ۱۷ متوقف شده بود، فرمانده گروهان ستوانیکم فرهادی به منظور تقویت روحیه سایر افسران و درجه‌داران از تانک پیاده شد و بدون محابا با علامت پرچم تانک‌ها را به طرف ارتفاعات آوزین (هدف گروهان) هدایت می‌کرد که پس از طی مسافتی مورد اصابت تیربار بالگردهای دشمن قرار گرفت و به درجه رفیع شهادت رسید ساعتی بعد هم معاون گروهان ستوانیکم احمدی بر اثر برخورد با میدان مین به شهادت رسید. با توجه به حساسیت منطقه، سروان شمس‌الله زعفری افسر عملیات گردان به طور موقت به عنوان فرمانده گروهان ۲ به خط مقدم نبرد اعزام گردید. سرانجام گروهان ۲ در ساعت ۳۰:۱۶ با فداکاری فرمانده و معاون گروهان و هدایت سروان زعفری هدف واگذاری را تصرف نمود. گردان ۱۱۰ در ارتفاعات برآفتاب به میدان مین و مقاومت شدید دشمن برخورد نموده و متوقف شد با فرا رسیدن تاریکی هوا عملیات متوقف شد و یگان‌ها در محل استقرار آماده مقابله با پاتک‌های دشمن شدند.

روز دوم عملیات:

روز دوم عملیات پاتک‌های شدید دشمن در منطقه گروهان دوم گروه رزمی ۲۸۵ که هدف‌های تعیین شده را در ارتفاعات آوزین تصرف کرده بود آغاز شد و برابر گزارش فرمانده گروه رزمی این گروهان نیمی از تانک‌هایش را از دست داده بود و سروان زعفری فرمانده موقت گروهان هم به شدت مجروح شده بود البته با همه تلفات و ضایعات به عمل آمده گروهان دوم در مقابل پاتک‌های دشمن مقاومت کرده و مواضع خود را حفظ نموده بود به هر حال با درخواست فرمانده گردان ۲۸۵، احتیاط منطقه متشکل از ۲ دسته تانک و ۲ دسته پیاده مکانیزه برای تقویت گروهان دوم در ارتفاعات آوزین بکار گرفته شد.

گروهان سوم تانک در طول محور گیلانغرب قصرشیرین (مرکز منطقه) زیر آتش شدید توپخانه و ضدتانک دشمن تا حوالی ده گورسفید پیشروی نمود و بر اثر برخورد با میدان مین یک دستگاه تانک ام ۶۰ از کار افتاد و تنها پل قابل عبور نیز آنچنان توسط سلاح‌های ضد تانک دشمن محافظت می‌شد که عبور از آن امکان پذیر نبود لیکن گروهان سوم در موقعیتی قرار داشت که می‌توانست از دشت گیلانغرب یگان‌های دشمن را که در ارتفاعات برآفتاب مانع پیشروی گردان ۱۱۰ به طرف تنگ حاجیان بودند دقیقاً مورد هدف قرار دهد و پیشروی یگان‌های پیاده را در روی ارتفاعات تسهیل نماید، شدت آتش تانک‌ها بر روی نیروهای پیاده کوهستانی دشمن به حدی بود که فرمانده گردان ۱۱۰ شهید سرهنگ ۲ حبرانی بعد از یک ساعت اعلام کرد مقاومت دشمن سبک شده و گردان به طرف تنگ حاجیان در حال پیشروی است. در همین حال دشمن برای به دست آوردن ابتکار عمل و جلوگیری از تلفات بیشتر دست به یک عملیات جسورانه‌ای زد که در عین حال ما را هم غافلگیر نمود. در حالیکه یگان‌های ما حداکثر تلاش را برای پیشروی به سمت اهداف تعیین شده انجام می‌دادند ناگهان مشاهده شد یک گروهان تکاور دشمن با چند دستگاه نفربر ام ۱۱۳ آمریکایی از روی جاده آسفالت قصرشیرین گیلانغرب با سرعت به طرف قرارگاه فرماندهی نیروهای خودی حرکت نمودند این حرکت آنچنان غافلگیرانه بود که حتی یگان‌های آفند کننده فرصت شلیک گلوله به آنها را پیدا نکردند این اقدام دشمن هنگامی صورت گرفت که تنها احتیاط گروه رزمی هم در دامنه ارتفاعات آوزین بکار گرفته شده بود و هیچگونه نیرویی برای مقابله با آن در اختیار فرمانده قرارگاه وجود نداشت در همین اثنا با توفیق الهی یک فروند بالگرد کبری که برای پشتیبانی از

گروهان دوم و مقابله با پاتک‌های دشمن پرواز کرده بود اولین نفربر را با توپ ۲۰ م م هدف قرار داد بقیه نفربرها در اطراف جاده متفرق شدند و تکاورهای عراقی در فاصله یک کیلومتری قرارگاه فرماندهی زمین گیر شدند و در محاصره نیروهایی که از گردان توپخانه و پشتیبانی خدمات رزمی جمع آوری شده بودند قرار گرفتند این اقدام دشمن ضمن اینکه هیچ بهره‌ای برای آنها نداشت منجر به انهدام یک دستگاه نفربر و غنیمت ۲ دستگاه نفربر، ۲۲ نفر اسیر و تعدادی کشته و مجروح از آنها گردید.

گردان ۱۱۰ پیاده با استفاده از آتش پشتیبانی گردان ۲۸۵ موفق شد به پیشروی خود ادامه دهد و در ساعت ۱۶:۰۰ روز پانزدهم دی ماه ۱۳۵۹ در ارتفاعات مشرف به تنگ حاجیان که راه ارتباطی بین گیلانغرب قصرشیرین و سرپل ذهاب را کنترل می‌کرد مستقر شود اگرچه دشمن با آتش پر حجم و پاتک‌های متعدد سعی در باز پس گیری مواضع از دست رفته را داشت لیکن با مقاومت دلیرانه رزمندگان تلاش‌های او بی نتیجه ماند.

دستاوردهای عملیات تنگ حاجیان:

خارج کردن شهر گیلانغرب از زیر برد آتش توپخانه کوتاه و متوسط دشمن
برقراری ارتباط محور گیلانغرب و سرپل ذهاب از طریق سه راهی تنگ حاجیان
تقویت روحیه رزمندگان برای اجرای عملیات آفندی بعدی
کشته و زخمی شدن صدها نفر از نیروهای دشمن
به اسارت درآمدن ۵۳ نفر از نیروهای دشمن
انهدام یک فروند بالگرد و چندین دستگاه تانک و نفربر دشمن
به غنیمت گرفتن ۲ دستگاه نفربر دشمن

تحلیل عملیات تنگ حاجیان بر اساس اصول جنگ:

(۱) اصل هدف:

هدف‌های تعیین شده در مرحله اول عملیات کاملاً مشخص و روشن بود ولی هدف‌های مرحله دوم عملیات با توجه به ترکیب و استعداد دشمن تا حدودی برتر از نیروهای آفند کننده بود و مقایسه توان رزمی نسبی در حد توانایی گروه رزمی کبیر نبود.

(۲) اصل وحدت فرماندهی:

اصل وحدت فرماندهی با هدایت و کنترل قرارگاه گروه رزمی کبیر به خوبی انجام شد.

(۳) اصل صرفه جویی در قوا:

اجرای عملیات تنگ حاجیان با رعایت اصل صرفه جویی در قوا بود زیرا عملیات آفندی با حداقل نیروی ممکن انجام گرفت.

(۴) اصل تمرکز قوا:

به علت اختصاص اکثر یگان‌های نزاجا به منطقه جنوب و گسترده‌گی منطقه پدافندی در جبهه میانی به نحوی که لشکر ۸۱ زرهی می‌بایست ضمن اقدام به عملیات آفندی محدود در جبهه‌ای به عرض ۴۰۰ کیلومتر در مقابل ۵ لشکر عراقی دفاع نماید اصل تمرکز قوا نمی‌توانست عملی شود.

(۵) اصل آفند:

انجام عملیات تنگ حاجیان و اتخاذ وضعیت هجومی و کسب ابتکار عمل با انتخاب زمان و مکان حمله و تحمیل اراده به دشمن نمایش مطلوبی از اصل آفند بود.

(۶) اصل رزمایش:

با توجه به محدود بودن منطقه و وجود عوارض طبیعی مانند رشته ارتفاعات برآفتاب در جنوب شرق و ارتفاعات داربلوط و چرمیان در جنوب شرق انعطاف لازم در انتخاب نوع رزمایش وجود نداشت یگان‌های آفند کننده مجبور به انتخاب یک تک جبهه‌ای با رخنه در مواضع دفاعی دشمن بودند.

(۷) اصل غافلگیری:

اگرچه در زمان طراحی عملیات تاکید بر اصل غافلگیری بود لیکن ورود نیروهای تقویتی به منطقه عملیات و شهادت تیم شناسایی گردان ۱۱۰ در میدان مین تا حدود زیادی دشمن را هوشیار کرده بود.

(۸) اصل تأمین

اصل تأمین در مورد سری بودن طرح‌ها و دستورات و حفاظت اطلاعات تا حد ممکن انجام شد. در مورد حرکات به علت اینکه نیروهای جدید و تقویتی در کوتاه مدت وارد منطقه نشده بودند و نیروهای عمل کننده از چند ماه پیش در مواضع حضور داشتند رعایت گردیده بود. اطلاعات لازم و گسترش نیروهای دشمن در اختیار طراحان عملیات بود لیکن

به دلیل ممانعت از ایجاد حساسیت در نیروهای دشمن عملیات شناسایی محدود شده بود و باز کردن معابر در میادین مین به شب عملیات موکول شده بود که با شهادت ۵ نفر از کارکنان گردان ۱۱۰ ل ۷۷ دو ساعت قبل از آغاز تک در خط تماس، نیروهای دشمن تا حدودی به نسبت در اجرای عملیات آگاه شده بودند. مسئله حائز اهمیت در این عملیات در خصوص رعایت اصل تأمین تعجیل در بکارگیری احتیاط در منطقه ذو عارضه و کم اهمیت گروهان دوم بود در حالیکه محور اصلی عملیات یعنی جاده گیلانغرب به قصرشیرین و منطقه تلاش اصلی بدون احتیاط باقی ماند و همانطور که در تشریح عملیات عنوان شد در پاتک غیر مترقبه دشمن در این محور نیروی احتیاط لازم در اختیار قرارگاه گروه رزمی نبود.

۹) اصل سادگی:

در این عملیات اصل در سادگی در طرح‌ها و دستورات، سازماندهی و ارتباط و فرماندهی رعایت شده بود و همه یگان‌ها تا پایین‌ترین رده نسبت به نحوه عمل توجیه شده بودند در این رابطه یک گردان ژاندارمری هم قرار بود از طریق ارتفاعات داربلوط به سمت ارتفاعات چرمیان تک نماید، لیکن به علت اینکه ساختار و وظایف و آموزش‌های این گردان مناسب با اجرای عملیات تاکتیکی نبود در همان محل استقرار اولیه باقی ماند و موفق به پیشروی نشد.

بررسی عملیات تنگ حاجیان بر اساس اصول عملیات آفندی:

۱) اخذ و حفظ تماس با نیروهای دشمن قبل از اجرای عملیات صورت گرفته بود و فاصله نیروهای خط مقدم با نیروهای دشمن به ویژه مناطق کوهستانی کمتر از ۱۰۰ متر بود.

۲) اهداف و عوارض حساس تعیین شده در مرحله اول عملیات با اجرای هماهنگ آتش و مانور تصرف شد. لیکن به علت ضعف توان رزمی، یگان‌ها موفق به تصرف اهداف مرحله دوم عملیات نشدند.

۳) به علت عدم پیش‌بینی بارندگی، محدودیت حرکت خودروهای چرخدار و شنی‌دار در خارج از جاده برخورد با میادین مین حفظ دور تک و استفاده از موفقیت در مرحله دوم عملیات مقدور نشد و یگان‌ها در خط تنگ حاجیان، آبادی گورسفید و آوزین متوقف شدند.

۴) از نقاط ضعف دشمن در مرحله یکم عملیات به نحو مطلوب بهره‌برداری شد و کلیه پاتک‌های دشمن خنثی گردید.

۵) کلیه اقلام آمادی به موقع تأمین گردید و خدمات تعمیر و نگهداری و بهداشت و درمان در حد متوسط انجام شد.

۶) آتش پشتیبانی توپخانه و هوانیروز به نحو احسن انجام گرفت لیکن پشتیبانی نزدیک هوایی عملی نگردید. نیروی هوایی تنها به بمباران نیروهای احتیاط و آماد و پشتیبانی دشمن کفایت نمود

تهیه کارت تیر:

تاریکی شب حتی برای تانک‌هائی که مجهز به دوربین‌های دید در شب هستند محدودیت ایجاد می‌کند و کارائی تانک‌ها را در اجرای تیرهای دقیق کاهش می‌دهد استفاده از نور افکن نیز یکی از روش‌های تیراندازی در تاریکی شب است لیکن روشن کردن پروژکتور موجب مشخص شدن محل تانک می‌شود، برای رفع این محدودیت معمولاً از روش تهیه کارت تیر استفاده می‌شود، بدین معنی که در روشنائی روز هدف‌های مورد نظر را مشخص نموده و با استفاده از وسائل دید مستقیم روی آنها نشانه روی می‌نمائیم و معلومات مورد نیاز را که شامل ثبت نقطه مبنا با صفر کردن سمت‌یاب به منظور سنجش سایر هدف‌ها نسبت به محل استقرار تانک، تعیین سمت هدف به سمت‌یاب نسبت به نقطه مبنا، ارتفاع هدف با بستن زاویه برد به تراز، مسافت هدف، نوع هدف به منظور مشخص کردن نوع مهمات، تانک برای اجرای آتش موثر در شب بر روی هدف‌های از پیش تعیین شده آماده می‌شود و بر حسب مورد بهره‌برداری می‌گردد. پس از هر جابجائی و استقرار در محل جدید فرمانده تانک موظف است با توجه به محلی که تانک قرار گرفته، وضعیت دشمن و عوارض زمین کارت تیر تهیه نماید، این کارت تیرها توسط فرماندهان دسته و گروهان تانک کنترل می‌شود. انواع کارت تیر در تانک‌ها عبارتند از کارت تیر نقشه‌ای، کارت تیر دایره‌ای و کارت تیر شاخه‌ای که ما در جبهه بیشتر از کارت تیر شاخه‌ای استفاده می‌کردیم. استفاده از کارت تیر در مناطق کوهستانی کارائی بیشتری داشت. یکی از روش‌های ایجاد امنیت پایدار در منطقه کردستان استقرار پایگاه‌های دائمی در نقاط حساس و سرکوب منطقه بود گاهی حضور در این نقاط به علت صعب العبور بودن و کثرت عناصر ضدانقلاب به سادگی امکان پذیر نبود لذا در این نقاط از روش هلی برن نیروها

استفاده می‌شد، یکی از نمونه‌های روش موصوف، تأمین ارتفاعات گازرخانه در منطقه بین کامیاران و روانسر بود که به علت آلودگی مسیر به میدان مین و شکل ارتفاعات تصمیم گرفته شد یک گروهان از تیپ ۵۵ هوابرد در رأس ارتفاع پیاده شود و سایر یگان‌ها از جمله یگان تانک آنها را پشتیبانی نماید. در شب اول عملیات عناصر ضدانقلاب با گسیل تعداد قابل توجهی از افراد محلی واحشام آنها و ایجاد سر و صدا و تیراندازی پراکنده تلاش نمودند با ترکیبی از عملیات روانی و و وحشت گروهان هوا برد را وادار به تسلیم نمایند. غافل از اینکه در روشنایی روز و همزمان با اجرای عملیات هلی برن یگان تانک نیز بیکار نبوده و با تهیه کارت تیر از مسیرهای احتمالی رسیدن به قله، آماده پشتیبانی از یگان هوابرد بود و با درخواست فرمانده گروهان هوابرد ده دستگاه تانک حجم قابل توجهی از آتش بر روی عناصر ضدانقلاب اجرا نموده و با وارد آوردن تلفات طرح آنها را نا کام نمودند. در این حالت کارکنان یگان هوابرد به منظور جلوگیری از آسیب پذیری در مقابل ترکش گلوله‌های محترقه شدید تانک در سنگرهای خود کاملاً پناه گرفته بودند، با عقب نشینی و فرار عناصر ضدانقلاب که توسط فرمانده گروهان هوابرد گزارش می‌شد سمت وزاویه برد تانک‌ها هم تغییر می‌کرد، از شب بعد یک نفر دیده بان توپخانه به یگان هوابرد مأمور گردید، لیکن اقدام ضدانقلاب با توجه به تلفاتی که شب اول به آن ها وارد شد دیگر تکرار نگردید. تهیه کارت تیر در جنگ تحمیلی هم مورد استفاده قرار می‌گرفت، معمولاً گره‌های مواصلاتی، جاده‌های تدارکاتی، و مناطقی را که در تاریکی شب احتمال می‌رفت مورد استفاده دشمن قرار گیرد و به خصوص محورهای احتمالی تک دشمن در کارت تیر ثبت می‌شد. از این روش در عملیات مطلع الفجر در مسیرهای منتهی به ارتفاعات چرمیان و شیاکوه حداکثر بهره برداری بعمل آمد.

گفته‌های سرهنگ زرهی ستاد امرالله شهبازی، فرمانده تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی در آغاز

جنگ تحمیلی^۱

معرفی راوی

متولد: ۱۳۱۶ ورود به دانشکده افسری: ۱۳۳۵

دوره‌های آموزشی: مقدماتی، عالی، فرماندهی و ستاد

مشاغل: فرمانده دسته، گروهان و گردان تانک، فرمانده تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی در اوایل پیروزی انقلاب، فرمانده تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ در ابتدای جنگ تحمیلی. وفات: شهریور ۱۳۸۱. من قبل از شروع حمله ارتش مزدور بعث عراق در معاونت عملیات و اطلاعات نیروی زمینی در شغل رئیس دایره جنگ‌های نامنظم مشغول انجام وظیفه بودم.

در تاریخ ۵۹/۷/۳ به من ابلاغ شد همراه تعدادی از افسران زرهی نیروی زمینی از تهران به اهواز (لشکر ۹۲ زرهی) حرکت و خود را به فرمانده آن لشکر سرهنگ غلامرضا قاسمی نو معرفی نمایم. فرمانده لشکر پس از ملاقات با ما مرا به عنوان فرمانده تیپ ۲ زرهی دزفول که در منطقه دزفول مستقر بود و مأموریت داشت پیشروی دشمن را به سمت دزفول سد نماید تعیین و سرهنگ ۲ زرهی ستاد ناصر قندی را به عنوان معاون تیپ ۲ انتخاب نمود.

من به همراه سرهنگ ۲ قندی از اهواز حرکت و در روز ۵۹/۷/۵ در حوالی غرب رودخانه کرخه با تیپ ۲ دزفول که در حال عقب‌نشینی به سمت دزفول بود برخورد نمودیم. من توانستم تیپ ۲ دزفول را در سمت شرق رودخانه متوقف و خود را به عنوان فرمانده تیپ به پرسنل و فرماندهان یگان‌های تیپ معرفی نمایم.

پس از بررسی منطقه عملیات وضعیت خودی متوجه شدم که استعداد دشمن یک لشکر زرهی و استعداد نیروی خودی (تیپ ۲ دزفول) پس از سؤال از فرماندهان و گرفتن آمار در حدود ۵ دستگاه تانک چیفتن، ۳ دستگاه موشک تاو، ۳ دستگاه تفنگ ۱۰۶ مم، ۳ دستگاه تانک شناسایی اسکورپیون و ۵ دستگاه توپ خودکشی ۱۵۵ مم و سلاح‌های اجتماعی و انفرادی پرسنل بود. یگان‌های تیپ را که استعداد آن در حدود یک گروهان نمی‌شد در شرق رودخانه

۱. مطالب این بخش، از کتاب «تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی در آغاز جنگ تحمیلی» به قلم سرهنگ زرهی ستاد سید یعقوب حسینی، انتشارات ایران سبز، سال ۱۳۹۲، بهره‌برداری شده است.

گفته‌های سرهنگ زرهی ستاد امرالله شهبازی، فرمانده تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی در آغاز جنگ تحمیلی / ۲۵

کرخه سازمان و مستقر نمودم. ضمناً یک گروه رزمی از تیپ ۳۷ مرکز زرهی به نام گروه رزمی ۳۷ و یک گروهان از گردان ۱۹۱ پیاده مرکز پیاده همراه تیپ ۲ دزفول بود و ۲ گردان پیاده از لشکر ۲۱ به نام‌های ۱۴۱ و ۱۳۸ نیز در منطقه شوش وارد عمل شده بود. از تاریخ ۵۹/۷/۵ الی ۶۰/۶/۱۵ که فرماندهی تیپ ۲ دزفول را به عهده داشتم تیپ تقریباً به طور فعال درگیری مستقیم با نیروهای متجاوز عراقی را داشت.

از تاریخ ۵۹/۷/۶ تا تاریخ ۵۹/۷/۱۱، تیپ با تعداد محدود وسایل و وسائلی که در بالا ذکر شد در حد ایثار و از جان گذشتگی در مقابل نیروهای متجاوز عراقی به استعداد یک لشکر ایستادگی کرد و پیشروی دشمن را که هدفش رسیدن به شهر دزفول و بستن جاده دزفول اهواز و در نتیجه قطع ارتباط تهران به خوزستان بود سد نمود. این امر حائز اهمیت حیاتی بود. زیرا اگر دشمن در این عملیات موفق می‌شد، خوزستان در خطر جدی سقوط قرار می‌گرفت. تیپ ۲ مانع این خطر شد و هرگونه تک دشمن را به سمت پل نادری دفع و تا حدودی تلفات و ضایعات قابل توجهی به نیروهای دشمن وارد نمود.

در این مدت فرمانده نیروی زمینی و رئیس ستاد مشترک و مسئولین مملکتی در محل حاضر و تمام تلاش‌های خود را به کار گرفتند تا تانک‌های تعمیراتی تیپ را آماده به کار نمایند و تا تاریخ ۵۹/۷/۱۱ آمار موجود تانک‌های تیپ به ۲۰ دستگاه رسید.

عناصری از تیپ ۳۷ زرهی شیراز که هم زمان با پدافند تیپ ۲ دزفول در منطقه علی‌گره‌زد در حوالی دوسلک پیشروی دشمن را سد کرده و در آن منطقه پدافند می‌کرد، با عقب‌نشینی تیپ ۲ دزفول از تپه‌های علی‌گره‌زد، یگان مزبور نیز از دوسلک عقب‌نشینی و از پل کرخه عبور نمود و در حوالی ۳ راهی دهلران مستقر شد. ابتدا تلاش نمودم باقی‌مانده گروه رزمی ۳۷ را آماده نمایم و به شرق رودخانه کرخه اعزام دارم تا با تیپ ۲ دزفول در شرق رودخانه کرخه جلوی پیشروی دشمن را سد نمایند، ولی موفق به اعزام یگان مزبور نشدم. تا آنکه پس از ۳ روز یگان مزبور توسط فرمانده نیرو اعزام و زیر امر تیپ ۲ دزفول قرار گرفت. استعداد یگان مزبور ۱۱ دستگاه تانک چیفتن، ام ۶۰ و ام ۴۷ نوسازی شده با خدمه مربوطه و تعدادی افسر به عنوان ستاد یگان مزبور و فاقد یگان پیاده که فرماندهی آن به عهده سرگرد اسدزاده بود. در این مدت قرارگاهی در دزفول به منظور کنترل عملیات یگان‌های شرق رودخانه کرخه در پادگان دزفول

تشکیل شد که فرماندهی آن به عهده سرهنگ ملک‌نژاد معاون لشکر ۹۲ زرهی بود. ولی این قرارگاه عملاً کار مؤثری برای یگان‌های مستقر در سرپل انجام نمی‌داد. چنانچه پس از مدتی این قرارگاه منحل شد، اکنون عمده عملیات‌هایی که تیپ ۲ زرهی دزفول به طور فعال در آن شرکت داشت به طور مختصر بیان می‌گردد:

۱- عملیات تصرف سرپل در غرب رودخانه کرخه در محور پای پل - عین‌خوش در مورخه ۵۹/۷/۱۰ توسط فرمانده نیروی زمینی مأموریت حمله به غرب رودخانه کرخه و گرفتن سرپل در غرب رودخانه به تیپ ۲ واگذار شد. موفقیت این مأموریت که از نظر محاسبات کلاسیک استعداد رزمی دشمن بیش از ۲۰ برابر استعداد رزمی تیپ ۲ زرهی بود قابل تصور نبود. ولی با همین نیروی کم توانست سرپلی به عمق یک کیلومتر و طول ۱۰ کیلوتر در قسمت غرب رودخانه کرخه تصرف و تأمین نماید. تصرف این سرپل کمک‌های مؤثری در عملیات آینده نمود. چنانچه راهگشایی برای حملات بعدی یگان‌های خودی گشت و نیروی زمینی با در دست داشتن این سرپل طرح‌ریزی برای عملیات بعدی را نمود. حمله لشکر ۲۱ حمزه نیز از همین سرپل شروع گردید. تصور من بر این است که گرفتن این سرپل بقای خوزستان را تضمین نمود و روحیه پرسنل ارتش جمهوری اسلامی ایران را که تا آن مدت به علت شکست‌های مکرر ضعیف شده بود به طور محسوس بالا برد و تو خالی بودن و ضعیف بودن ارتش مزدور عراق با تمام تبلیغاتی که می‌نمود فاش گرداند. تیپ با تلاش فراوان از سرپل تصرفی پدافند نمود و تلاش دشمن را که برای پس گرفتن سرپل مرتباً پاتک می‌کرد خنثی نمود.

۲- حمله لشکر ۲۱ پیاده در سرپل و عبور از تیپ ۲ زرهی:

لشکر ۲۱ پیاده در مورخه ۵۹/۷/۲۳ با استفاده از سرپل غرب رودخانه کرخه که توسط تیپ ۲ دزفول تصرف و تأمین گردیده بود از خط یگان‌های تیپ ۲ دزفول عبور از خط و حمله خود را به ارتش مزدور عراق آغاز کرد.

لشکر ۲۱ قبل از حمله به علت اینکه وقت کافی برای شناسایی نداشت نتوانست شناسایی کاملی از منطقه عملیات به عمل آورد. حتی شناسایی تا رده فرماندهان گردان به طور کامل انجام نشد. در نتیجه لشکر آمادگی کامل برای این حمله نداشت. من قبل از شروع حمله

وضعیت منطقه دشمن را تا رده فرماندهان گردان آن لشکر تشریح کردم و نکات حساسی که بایستی به آن توجه کامل شود و من در این مدت به آن برخورد نموده بودم و تجربه ارزنده‌ای از آن به دست آورده بودم یادآوری نمودم. بایستی یادآور شوم که در منطقه سرپل نادری در روی رودخانه کرخه ۲ عدد پل نصب شده بود. یک پل فلزی که مخصوص عبور خودروهای چرخ‌دار و نفربرها و اصولاً خودروهای شنی‌دار سبک و یک پل پی‌ام‌پی مخصوص عبور تانک‌ها. لشکر در حدود ۱۰۰ دستگاه تانک داشت که بایستی از پل عبور نماید. با توجه به مراتب فوق عبور ۱۰۰ دستگاه تانک از یک پل آن هم در تاریکی شب نیاز به تنظیم زمانبندی دقیق جهت عبور و دقت کنترل زیاد داشت که من این مسأله را در موقع توجیه به فرماندهان تذکر دادم، ولی متأسفانه زمانبندی لازم تا قبل از شروع حمله برای عبور از پل پیش‌بینی نشد بود و اگر هم شده بود رعایت نشد. در نتیجه تانک‌ها با یک بی‌نظمی و دیرتر از زمان تعیین شده از پل عبور نمودند و در نتیجه پس از عبور در مسیرهایی که تعیین شده بود تانک‌های چیفتن از مسیر سمت راست و تانک‌های ام ۴۷ از مسیر سمت چپ عبور ننموده‌اند و تعداد زیادی تانک از مسیری که من قبلاً توجه داده بودم به علت وجود سلاح‌های ضد تانک از آن عبور ننمایند عبور کردند و مورد اصابت سلاح‌های ضدتانک دشمن قرار گرفتند. این عمل باعث شد در پرسنل ارتش ترس و وحشت به وجود آید.. حفاظت اصولاً رعایت نمی‌شد. به طوری که زمان حمله لشکر ۲۱ حمزه را علاوه بر اینکه کلیه پرسنل نظامی و غیرنظامی منطقه می‌دانستند، ارتش مزوردر عراق نیز کاملاً اطلاع داشت. چنانچه به منظور برهم زدن این حمله در روز ۵۹/۷/۲۲ در ساعت ۱۶۰۰ حمله شدیدی به منطقه تیپ ۲ دزفول نمود و این حمله تا ساعت ۲۰۳۰ همان روز ادامه داشت و یگان‌های تیپ با کمال شجاعت و شهامت با تعداد محدود تانک‌ها و سلاح‌های موجود توانست این حمله را دفع نماید. ولی تانک‌های تیپ به علت تیراندازی زیاد به خط قرمز رسیده بودند. به نحوی که پس از دفع حمله دشمن و تثبیت منطقه پدافندی فقط ۳ دستگاه تانک تیپ در خط پدافندی قادر به تیراندازی بود. ارتش مزدور عراق پس از اینکه توانست با حمله خود منطقه را به خطر بیاندازد و مانع حمله لشکر ۲۱ حمزه شود. لذا کلیه اقدامات لازم برای خنثی نمودن حمله لشکر ۲۱ حمزه را نمود. چنانچه کلیه سلاح‌های ضدتانک خود را در نقاط حساس مستقر نموده و منجمله در اطراف جاده آسفالتی که از دزفول

به طرف عین خوش می رفت و همان جاده ای که من قبل از حمله به خطر آن توجه داده بودم که تانک ها از آن عبور نکنند. این سلاح های ضد تانک در ساعات اولیه حمله ضربات زیادی به تانک های لشکر ۲۱ وارد کرد. ضمناً باعث ایجاد وحشت و هراس بین پرسنل گردید. چنانچه تعداد زیادی از پرسنل پس از اصابت تانک ها روحیه خود را از دست دادند عملیات لشکر شاید به علل بالا که در عملیات بی اثر نبود و یا علل دیگر که من از آن اطلاعی ندارم ناموفق بود. چنانچه عملیات که از ساعت ۰۵۰۰ روز ۵۹/۷/۲۳ شروع شده بود در ساعت ۱۰۰۰ همان روز با شکست خاتمه یافت و در نتیجه پدافند منطقه عملیات مجدداً به تیپ ۲ دزفول واگذار شد. البته بایستی در نظر داشت که لشکر ۲۱ حمزه اولین عملیات جنگی خود را آغاز می نمود و هنوز پرسنل لشکر تجربه جنگی کافی به دست نیاورده بودند. حتی گوش آنها به صدای تیراندازی و چشم آنها به شهید دادن و آتش گرفتن تانک ها عادت نکرده بود. تیپ ۲ تا تاریخ ۵۹/۸/۷ در منطقه غرب رودخانه کرخه (سرپل ذکر شده) پدافند نمود. در این مدت به علت نداشتن لودر و بولدوزر حتی نتوانست مواضع مناسبی برای تانک ها و سلاح ها و پرسنل تهیه نماید. البته یک بولدوزر از بروجرد اعزام و در اختیار تیپ قرار گرفت. ولی به علت سنگینی و سفت بودن زمین منطقه مرتباً خراب می شد و کارایی مناسبی نداشت. با توجه به مراتب بالا تیپ متحمل تلفات ضایعات زیادی شده بود. ولی با تمام این مشکلات منطقه پدافندی را حفظ نموده بود و اجازه نمی داد دشمن به خط پدافندی نزدیک و یا اینکه آن را بشکافد تا بالاخره نیروی زمینی تصمیم گرفت منطقه تیپ را به یک تیپ از لشکر ۲۱ حمزه واگذار کند و این عمل در تاریخ ۵۹/۸/۷ اجرا شد و تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی منطقه عقب رفت و در منطقه تجمع دوکوهه مستقر گردید.

گفته‌های سرهنگ زرهی سید علی بدرخواهان رئیس رکن سوم لشکر ۹۲ در آغاز جنگ

تحمیلی^۱

معرفی راوی

متولد: ۱۳۱۷ ورود به دانشکده افسری: ۱۳۳۶

دوره‌های آموزشی: مقدماتی، عالی، فرماندهی و ستاد

مشاغل و مأموریت‌ها: به مدت یک سال افسر حافظ صلح در ویتنام، فرمانده دسته، گروهان و گردان تانک، استاد تاکتیک در مرکز زرهی، رئیس رکن سوم لشکر ۹۲ زرهی در آغاز جنگ تحمیلی، فرمانده تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی و شرکت در عملیات نصر، فرمانده دافوس

تک تیپ ۱ لشکر ۹۲ مستقر در حوالی کارخانجات نورد به سمت ایستگاه آب‌تیمور در مورخه

۵۹/۷/۱۶

۱- یگان‌های تیپ ۱ شامل گردان ۲۶۴ تانک (-)، گردان ۱۲۱ پیاده مکانیزه (-)، یک گروهان پیاده مکانیزه (-) از گردان ۱۶۵، یک گردان سوار زرهی (-) و گروه رزمی ۳۷ تانک (-) (یک گروهان تانک از مرکز زرهی و یک گروهان پیاده از مرکز پیاده) که می‌بایستی پس از سازمان‌دهی در فولی‌آباد، زیر امر تیپ ۱ قرار گیرد.

۲- گروه رزمی ۳۸ تانک (-) از شیراز وارد اهواز شده و در فولی‌آباد مستقر بود. روز ۵۹/۷/۱۵ فرمانده لشکر به من مأموریت داد تا به اتفاق یکی از افسران رکن ۱ لشکر از گروه رزمی مزبور بازدید نموده و سازمان‌دهی به عمل آید و شبانه از فولی‌آباد به منطقه تیپ ۱ حرکت و پس از توجیه در منطقه تیپ ۱ در تک روز ۵۹/۷/۱۶ شرکت نماید.

از گروه رزمی مزبور بازدید به عمل آمد (فرمانده گروه رزمی به ستاد لشکر ۹۲ احضار شده بود). نظر به این که گروه رزمی مزبور سازمانی نبوده و تعدادی افسر، درجه‌دار همراه دو گروهان تانک و پیاده از مرکز زرهی و مرکز پیاده اعزام شده بودند، لذا سازمان‌دهی موقت انجام و فرمانده گروه رزمی ۳۸ تانک با دریافت دستور تک، حدود ساعت ۱۳۳۰ روز مزبور از ستاد لشکر مراجعت نمود.

۱. مطالب این بخش، از کتاب «تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی در آغاز جنگ تحمیلی» به قلم سرهنگ زرهی ستاد سید یعقوب حسینی، انتشارات ایران سبز، سال ۱۳۹۲، بهره برداری شده است.

۳- حدود ساعت ۱۶۰۰ روز ۵۹/۷/۱۵، از ستاد لشکر به گروه رزمی تانک (-) دستور داده شد، عناصری از گروه رزمی را به جنگل حوالی دب حردان اعزام و پرسنل عراقی را که با علامت دادن به هلی کوپترهای ارتش جمهوری اسلامی ایران قصد تسلیم شدن داشتند، آنان را دستگیر نمایند. فرمانده گروه رزمی برابر دستورات صادره اقدام و حدود یک گروهان پیاده از گروه رزمی مزبور وارد جنگل شدند و در حین کاوش با عناصر چریکی دکتر چمران برخورد نمودند که خوشبختانه پس از شناسایی یکدیگر، درگیری به وجود نیامد.

۴- در ساعت ۲۱۰۰ روز ۵۹/۷/۱۵، لشکر دستور داد یگان اعزامی از جنگل خارج شده و گروه رزمی آماده اجرای تک در صبح روز ۵۹/۷/۱۶ باشد. فرمانده گروه رزمی درخواست نمود تک حداقل ۲۴ ساعت به تأخیر بیفتد که مورد موافقت قرار نگرفت. منطقه فولی آباد زیر آتش شدید توپخانه دشمن قرار داشت و گروه رزمی در حدود ساعت ۰۲۰۰ روز ۵۹/۷/۱۶، توانست یگان اعزامی را از جنگل خارج نماید. با توجه به مشکلاتی که داشت، عملاً نتوانست قبل از آغاز روشنایی به منطقه تیپ ۱ وارد شود.

۵- تک تیپ ۱ برابر برنامه پیش‌بینی شده (پدافند در منطقه دب حردان با گردان سوار زرهی (-) و تک گردان تانک (-) و گردان پیاده زرهی (-)) پس از اجرای آتش‌تهیه در حدود ساعت ۰۶۰۰ اجرا گردید و نیروهای تک‌ور پس از عبور از خط عزیمت و خط تماس و پیشروی حدود ۷۰۰ تا ۱۵۰۰ متر، در اثر تلفات و ضایعات وارده زمین‌گیر شدند. گروه رزمی ۳۸ (-) در حدود ساعت ۰۶۳۰ روز ۵۹/۷/۱۶ در حالی که زیر آتش شدید توپخانه دشمن قرار داشت، وارد منطقه تیپ ۱ شد (در این هنگام، من به منظور هدایت گروه رزمی ۳۸ در جنوب کارخانجات نورد بودم).

برابر درخواست فرمانده تیپ ۱، گروه رزمی ۳۸ (-) می‌بایستی از داخل عناصر گروه رزمی ۲۶۴ تانک که زمین‌گیر شده بود عبور از خط نماید. با توجه به این که منطقه زیر آتش شدید توپخانه و خمپاره‌انداز و تانک‌های دشمن قرار داشت، فرماندهان گروهان و تانک‌ها را در منطقه‌ای که می‌بایستی وارد عمل شوند، عملاً روی زمین (در حالی که با چشم منطقه را می‌دیدند) توجیه نمودم. حدود ۲۰ دقیقه بعد از وارد شدن یگان مذکور مشاهده گردید که تعدادی از تانک‌ها به سرعت منطقه عملیات را ترک نموده و به سمت عقب آمده که با لطف و

گفته‌های سرهنگ زرهی سید علی بدرخواهان رئیس رکن سوم لشکر ۹۲ در آغاز جنگ تحمیلی / ۳۱

عنایت پروردگار با زحمت زیاد توانستیم تانک‌ها را در سنگرهای قبلی عناصر تیپ ۱ مستقر نماییم (علت عقب‌نشینی تانک‌های گروه رزمی ۳۸، به شهادت رسیدن فرمانده گروهان تانک -شهید سرگرد دستوری- بوده است).

۶- فرمانده تیپ ۱ در بی‌سیم اعلام نمود که یگان‌های شیراز با عقب‌نشینی خود روحیه پرسنل را پایین آورده‌اند و پس از اطمینان از این‌که از طریق دب حردان تهدیدی متوجه نیروهای خودی نمی‌باشد، مجدداً تانک‌های گروه رزمی ۳۸ که عقب‌نشینی کرده بودند و خدمه کامل داشتند با زحمت زیاد توانستیم در منطقه گروه رزمی ۲۶۴ تانک هدایت نماییم. در حدود ساعت ۰۹۰۰، حدود ۱۵۰ نفر از نیروهای مردمی که از تهران اعزام شده بودند و مجهز به آرپی جی ۷ و تفنگ کلاشینکف بودند، وارد منطقه شدند، که از طریق کانال آب به منطقه عملیات هدایت گردیدند. یگان‌های در خط درخواست مهمات می‌نمودند که پیام وسیله آمبولانس‌های حامل زخمی‌ها به بنه‌های رزمی یگان‌ها اطلاع داده می‌شد و خودروهای حامل مهمات وارد منطقه می‌شدند و اغلب مورد اصابت موشک یا گلوله‌های تانک دشمن قرار می‌گرفتند و مشتعل می‌شدند.

در حدود ساعت ۱۱۰۰ روز ۵۹/۷/۱۶ از شدت تیراندازی طرفین در منطقه کاسته شد و تانک‌هایی که در زمین باز در منطقه گروه رزمی ۲۶۴ وارد عمل شده بودند، در پشت کانال‌های آب‌تیمور که مانع تیر مستقیم دشمن بود (محل استقرار قبلی تیپ ۱) مستقر و گردان ۱۲۱ پیاده و عناصری از گروه رزمی ۳۸ در داخل جنگل که حدود ۷۰۰ متر جلوتر از لجن قبلی بود مستقر گردیدند.

۷- این عملیات اگرچه ناموفق بود، ولی عملاً از ادامه تک دشمن به طرف اهواز جلوگیری نمود و نارسایی‌هایی که در این عملیات مشاهده گردید:

الف: نیروی هوایی پشتیبانی‌های پیش‌بینی شده را انجام نداد.

ب: نیروهای مردمی هم‌زمان با پیشروی یگان‌های تیپ ۱ وارد عمل نشدند (حدود ۳ ساعت

پس از اجرای تک وارد منطقه عملیات شدند و تعداد آن‌ها کم بود)

پ: به علت واگذاری مأموریت فرعی علاوه بر مأموریت اصلی به گروه رزمی ۳۸ تانک و درگیر شدن گروه رزمی مزبور، یگان مورد بحث نتوانست به موقع وارد منطقه عملیات شود و در نتیجه وسیله تیپ ۱ توجیه نگردید.

ت: تخلیه مجروحین از خط اول جبهه به عقب، اغلب وسیله تانک و نفربرها انجام می گرفت که در هنگام عقب آمدن آنها در روحیه یگان های رزمنده اثر منفی داشت.

ج: این عملیات بار دیگر نشان داد که تانک های خودی در زمین صاف و بدون عارضه در مقابل انبوه آتش موشک های ضد تانک مالیوتکا و میلان آسیب پذیرند.

خاطرات ۵۹/۷/۱۸ تا ۵۹/۱۰/۱۵

۱- در تاریخ ۵۹/۷/۱۸ فرمانده تیپ تعویض و سرهنگ سرانجام به عنوان فرمانده تیپ و من به عنوان معاون تیپ به منطقه اعزام شدیم. عملیات ناموفق در روحیه پرسنل یگان های عمل کننده اثر نامطلوبی به جا گذاشته بود و موجب عدم توجه به دستورات صادره گردیده بود. در عملیات ۵۹/۷/۱۶ پرسنل گردان ۲۶۴ تانک تحت فرماندهی شهید سرهنگ ۲ قاسمی، شجاعانه با نیروهای متجاوز عراقی جنگیدند و حدود ۱۶ دستگاه تانک و تعدادی خودروهای چرخدار گردان منهدم گردید و گردان ۲۶۴ تانک بعد از تک مزبور دارای ۷ دستگاه تانک (دو دستگاه تعمیری) بود.

۲- با توجه به وضعیت یگان های تیپ ۱ که تجهیزات آنان به شدت کاهش یافته بود، پدافند در منطقه (با توجه به وسعت منطقه واگذاری) مشکل بود و تنها راه حفظ پرسنل و تجهیزات و منطقه واگذاری نیاز به ایجاد خاکریز و مستحکم نمودن مواضع پدافندی بود که با کمک جهاد سازندگی اهواز و مقدمات مهندسی لشکر ۹۲ با لطف و عنایت پروردگار، با ایجاد چند رشته خاکریز در شب، تیپ ۱ توانست لجمن را از کانال آب به جلو (به طرف دشمن) تغییر داده و با ایجاد خاکریزهای جدید، هر چه بیشتر به دشمن نزدیک تر شود. جالب این که با این عمل، نیروهای تأمینی دشمن که در تیررس آتش مستقیم تانک ها و تفنگ ۱۰۶ مم خودی قرار گرفتند و مجبور شدند موضع خود را ترک نمایند. با اجرای این روش، در قسمت غربی جبهه حدود ۴ تا ۵ کیلومتر پیشروی حاصل شد.

در آبان‌ماه ۱۳۵۹ حدود سه گردان نیروهای بسیج خراسان وارد منطقه تیپ ۱ گردیدند (هر گردان حدود ۱۲۰ تا ۱۵۰ نفر) که در خاکریزها و کشف میدان‌های مین و تصرف (تأسیسات) یونیت شرکت نفت (در ۳ کیلومتری ملیحان) و ضربه زدن به دشمن در دب حردان (با اعزام گشتی و دیده‌بان توپخانه) کمک‌های بسیار مؤثری نمودند. (تهیه خاکریز در منطقه تیپ ۱ برای سایر یگان‌های لشکر ۹۲ و یگان‌های لشکر ۱۶ که تازه وارد منطقه خوزستان شده بودند، الگویی شده بود که نمایندگان مزبور پس از بازدید، در یگان مربوطه اقدام نمودند)

۳- در آذر ۱۳۵۹ مسئولیت اداره تیپ ۱ به عهده من گذاشته شد. در اواخر آذرماه در اثر هدایت آب (برابر طرح) به مواضع دشمن، نیروهای متجاوز عراق مجبور شدند در حدود ۳ تا ۶ کیلومتر عقب‌نشینی نمایند. قبل از اجرای عقب‌نشینی در ساعت ۱۵۰۰ یکی از روزهای اواخر آذرماه مواضع خودی را زیر آتش شدید توپخانه قرار دادند و یگان‌ها در خط گزارش نمودند که تانک‌های دشمن روشن بوده قصد پیشروی دارند که متعاقب آن اقدامات لازم به عمل آمد و توپخانه خودی مواضع دشمن را به شدت زیر آتش قرار می‌داد که تبادل آتش توپخانه و تانک‌های طرفین تا تاریک شدن هوا ادامه داشت. صبح روز بعد معلوم شد که دشمن عقب‌نشینی نموده است و تعدادی از نیروهای بسیج و نظامیان بدون دریافت دستور در امتداد جاده اهواز - خرمشهر با اشتیاق فراوانی که برای تعقیب دشمن داشتند به صورت انبوه (بدون اتخاذ هرگونه وضعیت تاکتیکی) به طرف ایستگاه آب‌تیمور در حرکت بودند. من خود را با یک جیپ به سرعت به جاده مورد بحث رساندم و جاده مورد شناسایی قرار گرفت. معلوم شد که جاده در حوالی ایستگاه آب‌تیمور حدود ۱۰ تا ۱۵ متر به وسیله بلدوزر بریده شده بود و آب با سرعت از آن عبور می‌کرد. به پرسنل بسیجی و نظامی که در امتداد جاده بودند تذکر داده شد که از محل بریدگی جلوتر نروند تا شناسایی کامل به عمل آید. ضمناً از جاده نیز خارج نشوند چون احتمال مین‌گذاری وجود داشت. در همین هنگام پرسنل روی جاده زیر آتش جنگ‌افزارهای کالیبر کوچک و توپخانه (با گلوله زمانی) دشمن قرار گرفتند که جیپ فرمانده تیپ در اثر ترکش گلوله پنجر گردید و توانستیم خود را به منطقه گروه رزمی ۱۲۱ پیاده مکانیزه برسایم و دو دستگاه تانک ام ۶۰ مأمور به گردان مزبور را در منطقه مناسبی که قبلاً از نظر نبودن مین کاوش شده بود هدایت نمایم. (بدون وسیله اولین اقدام در تغییر موضع نیروهای خودی

به طرف دشمن به عمل آمد) پس از پنج روز از عقب‌نشینی دشمن، با کشف و خنثی نمودن حدود ۳۵۰۰ مین ضد تانک و ضد نفر، یگان‌های تیپ ۱ با ایجاد نمودن خاکریز در چند رشته به مواضع نیروهای دشمن نزدیک شدند، به طوری که در ایستگاه آب تیمور بین نیروهای دشمن با نیروهای خودی حدود ۴۰۰ متر بود که اغلب نیروهای خودی زیر آتش خمپاره‌انداز ۶۰ م م قرار داشتند.

۴- در اوایل دی‌ماه برای پر کردن بریدگی جاده آسفالت‌ه در ایستگاه آب تیمور، چندین شب متوالی تلاش زیادی به عمل آمد و پرسنل داوطلب فداکاری‌های زیادی نمودند، ولی به علت مسلط بودن دشمن به منطقه مورد عمل، موفقیتی حاصل نگردید و پس از بررسی کامل به این نتیجه رسیده شد که برای تصرف خاکریز دشمن می‌بایستی با ایجاد شکاف در خاکریز دشمن، آب را در مواضع دشمن هدایت نمود. و یا نیروهای خودی با قایق خود را به خاکریز دشمن رسانیده و سپس تک را آغاز نمایند.

۵- در مورد شکافتن خاکریز دشمن تیراندازی با موشک تاو، تانک، تفنگ ۱۰۶ م م و توپخانه با تیر غیر مستقیم ۲۰۳ م م و ۱۵۵ م م و توپخانه ۲۰۳ م م با تیر مستقیم از فاصله ۴ کیلومتر به عمل آمد ولی نتیجه موفقیت آمیز نبود.

۶- برای تصرف خاکریز و شکافتن خاکریز دشمن با همکاری نیروهای چریکی دکتر چمران با استفاده از قایق و استفاده از مواد منفجره که حدود ۱۰۰۰ پوند تی-ان-تی برآورد شده بود، اقدام گردید ولی تک شبانه در ساعت ۰۰۳۰ یکی از شب‌های اوایل دی‌ماه کشف با توجه به شجاعت و شهامتی که پرسنل مورد بحث ابراز داشتند، ولی قادر به انجام مأموریت واگذاری نشدند و با کمک توپخانه خودی عملاً قطع درگیری تا ساعت ۰۶۰۰ به طول انجامید.

تک ۵۹/۱۰/۱۵

۱- برابر دستورات صادره، تیپ ۱ می‌بایستی در امتداد خط تماس با گردان ۱۲۱ پیاده مکانیزه (-) و گردان ۲۶۴ (-) در حالی که گردان ۲۳۲ تانک (-) در احتیاط تیپ ۱ ولی بنا به دستور لشکر وارد عمل می‌گردیدند، در منطقه محوله پدافند و گردان ۲۳۱ تانک (-) (شامل ۱۸ دستگاه تانک ام ۶۰) و قرار بود یک گروهان از گردان ۱۶۵ پیاده مکانیزه زیر امر گردان مذکور قرار گیرد. از طریق جنوب ملیحان به خاکریز دشمن تک نماید و همزمان با تک، گردان مزبور و گردان ۲۹۱ تانک و یک گردان سوار زرهی در فارسیات عبور از رودخانه می‌نمودند و زیر

گفته‌های سرهنگ زرهی سید علی بدرخواهان رئیس رکن سوم لشکر ۹۲ در آغاز جنگ تحمیلی / ۳۵

امر تیپ ۱ قرار می‌گرفتند و می‌بایستی به طرف پادگان حمید پیشروی نموده با عناصر لشکر ۱۶ زرهی الحاق نمایند.

۲- شناسایی از منطقه عمل گردان ۲۳۱ تانک در روی زمین تا جایی که وضعیت موجود اجازه می‌داد با فرمانده گردان مزبور شخصاً به عمل آوردم، روز قبل از تک فرماندهان گردان‌های تیپ ۱ به پاسگاه فرماندهی لشکر احضار شدند، ولی متأسفانه فرمانده تیپ ۲ دعوت نشده بود. در حدود ساعت ۰۲۰۰ روز ۵۹/۱۰/۱۵ دستور عملیاتی لشکر به پاسگاه فرماندهی تیپ ۱ واصل گردید. پس از مطالعه دستور عملیاتی، فرماندهان گردان به پاسگاه فرماندهی تیپ احضار و توجیه گردیدند. هنوز گروهان پیاده گردان ۱۶۵ که می‌بایستی زیر امر گردان ۲۳۱ تانک قرار گیرد به منطقه تیپ نرسیده بود. در نتیجه در حدود ۵۰ تا ۶۰ نفر از پرسنل بسیجی زیر امر گردان ۲۳۱ قرار داده شد.

۳- فرمانده لشکر ۹۲ - سرکار سرهنگ قاسمی‌نو- در ساعت ۰۷۰۰ روز ۵۹/۱۰/۱ به منطقه تیپ ۱ وارد شدند. برابر دستور شفاهی تک در ساعت ۱۰۰۰ روز ۵۹/۱۰/۱۵ بدون اجرای آتش تهیه آغاز گردید. برای کنترل هر چه بیشتر منطقه عملیات، نفربر پاسگاه فرماندهی تیپ ۱ در فاصله ۵۰۰ الی ۷۰۰ متری یگان‌های در حال پیشروی گردان ۲۳۱ تانک در ملیحان مستقر گردید. پس از آغاز تک، ارتباط بی‌سیم فرمانده گردان ۲۳۱ تانک با پاسگاه فرماندهی تیپ ۱ قطع گردید.

دیدبانان توپخانه به بالای مسجد ملیحان که مسلط به میدان نبرد بود، هدایت شدند و از بالای مسجد آتش توپخانه به مواضع دشمن هدایت می‌گردیدند و از این محل نحوه پیشروی تانک‌ها که با آتش و حرکت توأم بود به وضوح دیده می‌شد. تعداد ۷ دستگاه تانک، در حال پیشروی، به مین برخورد نمودند و سپس مورد اصابت موشک ضد تانک قرار گرفتند و مشتعل شدند. بقیه تانک‌ها عقب‌نشینی نمودند که به زحمت جلوی تانک‌های در حال عقب‌نشینی گردان ۲۳۱ تانک گرفته شد و در نزدیک نفربر پاسگاه فرماندهی تیپ مستقر گردیدند.

تعدادی از تانک‌های دشمن از مواضع خود خارج شده و قصد تعقیب تانک‌های خودی و دور زدن آن‌ها را داشتند که با اجرای آتش شدید توپخانه و بمباران هوایی مانع از حرکت تانک‌های دشمن گردید. برای حفظ دور تک از فرمانده لشکر درخواست گردید گردان ۲۳۲ تانک (-) که در

احتیاط تیپ ۱ بود و باید بنا به دستور لشکر وارد عمل می‌گردید، وارد عمل گردد که مورد موافقت قرار نگرفت و در نتیجه در منطقه گردان ۲۳۱ نیز وضعیت پدافندی اتخاذ گردید.

در حدود ساعت ۱۲۳۰ روز ۵/۱۰/۵۹ فرمانده گردان ۲۳۱ تانک را ملاقات نمود و علت عدم ارتباط، مورد استفسار قرار گرفت. معلوم شد پس از شروع تک، تانک فرمانده نقص فنی پیدا کرده بود و وی از تانک پیاده شده و نفربر پاسگاه فرماندهی وی نیز خراب شده بود. نامبرده پیش‌بینی ارتباط مضاعف با بی‌سیم پی‌آرسی ۷۷ را به عمل نیاورده بود.

۴- گردان سوار زرهی با استفاده از پل احداث شده در روی رودخانه کارون در فارسیات از رودخانه عبور و سرپل را تصرف نمود و سپس گردان ۲۹۱ از رودخانه عبور نمود و سرپل را گسترش داد. تماس گردان‌های مزبور با پاسگاه فرماندهی تیپ ۱ که در ملیحان مستقر بود برقرار بود و به درخواست آتش پشتیبانی آنان پاسخ مثبت داده می‌شد. گردان سوار زرهی با استفاده از موشک تاو، توانست حدود ۵ دستگاه تانک دشمن را منهدم نماید. هواپیمای دشمن تلاش می‌کردند پل احداثی را بمباران کنند. یک هواپیمای دشمن با آتش پدافند هوایی سقوط نمود. به گردان‌های مذکور دستور داده شد که برای توسعه سرپل، با استفاده از بلدوزر و لودر، مواضع تهیه نمایند (و برای ۲ نفر از پرسنل شجاع گردان سوار زرهی که تعدادی از تانک‌های دشمن را منهدم نموده بودند درخواست ترفیع درجه گردید که مورد تصویب لشکر قرار گرفت و به آنان ابلاغ گردید)

۵- با استفاده از بلدوزر گروهان مهندسی مأمور به تیپ ۱ در ظرف ۳ شب، ۳ رشته خاکریز تهیه گردید و تانک‌های سالم گردان ۲۳۱ از پشت کانال آبی به مواضع جدید در جنوب ملیحان و بیوض تغییر مکان داده شد، به طوری که در شب سوم مواضع تانک‌های خودی در حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ متری تانک‌های به مین برخورد نموده خودی (در روز ۵/۱۰/۵۹) رسیده بودند و بدین‌وسیله به دشمن ثابت گردید زمینی که تصرف شده، از دست نخواهیم داد.

۶- با توجه به وضعیت گردان ۲۳۱ و فاصله ۲ گردانی که از رودخانه عبور نموده بودند تا ملیحان حدود ۶ تا ۷ کیلومتر فاصله بود. به گردان سوار زرهی زیر امر تیپ دستور داده شد، جناح چپ تیپ ۱ را از ملیحان (در امتداد رودخانه کارون) تا فارسیات را پرده پوشش نموده و با گردان سوار زرهی لشکر ۹۲ در حوالی فارسیات ارتباط برقرار نماید.

گفته‌های سرهنگ زرهی سید علی بدرخواهان رئیس رکن سوم لشکر ۹۲ در آغاز جنگ تحمیلی / ۳۷

۷- پس از این که در مرحله دوم عملیات، لشکر ۱۶ موفق نگردید که به طرف هدف تعیین شده پیشروی نماید و با توجه به نیروهای تقویتی دشمن که به طرف پادگان حمید اعزام گردیده بودند، در تاریخ ۱۸ یا ۱۹ دی ماه ۱۳۵۹ به ۲ گردان ۲۹۱ تانک و سوار زرهی دستور داده شد که با عقب‌نشینی از رودخانه کارون عبور نموده و در ساحل شرقی رودخانه مستقر شوند.

۸- اگرچه تیپ ۱ در عملیات ۵۹/۱۰/۱۵ موفق نگردید به هدف‌های تعیین شده (تصرف خاکریز دشمن در منطقه جنوب ملیحان و بیوض و الحاق با عناصر لشکر ۱۶ زرهی در پادگان حمید) دست یابد، ولی نیروهای زیادی از دشمن را متوجه جبهه‌های تیپ ۱ نمود و در نتیجه از اعزام سریع نیروی تقویتی به طرف لشکر ۱۶ جلوگیری به عمل آمد و در نتیجه لشکر ۱۶ توانست در مرحله یکم عملیات خود سریعاً به موفقیت شایان توجهی دست یابد. گردان ۲۳۱ تانک نیز توانست از مواضع قبلی حدود ۵ کیلومتر تا ۷ کیلومتر پیشروی نماید.

۹- نارسایی‌های مشاهده شده در این عملیات:

الف: گروهان پیاده مکانیزه گردان ۱۶۵ که می‌بایستی با گردان ۲۳۱ تانک در تک شرکت نماید عملاً ۲۴ ساعت بعد از اجرای تک وارد منطقه تیپ ۱ گردید.

ب: قطع ارتباط فرمانده گردان با پاسگاه فرماندهی تیپ و عدم پیش‌بینی ارتباط مضاعف به وسیله فرمانده گردان (بی‌سیم پی‌آرسی ۷۷)

پ: نیروهای دشمن با استفاده از عوامل ستون پنجم (تعدادی از مردم بومی ملیحان) منطقه نیروی خودی را به شدت زیر آتش سلاح‌های خود قرار می‌دادند.

ت: عدم پشتیبانی هوایی کافی در منطقه، موجب افزایش فعالیت‌های هوایی دشمن شده بود.

ج: عدم وجود لودر و بلدوزر همراه یگان‌های در خط.

عملیات در فروردین ۱۳۶۰

۱- قرار بود با کمک برادران پاسدار زیر امر تیپ ۱ از منطقه شمیره به طرف پادگان حمید تک محدودی اجرا و ارتباط جاده خرمشهر به طرف آب‌تیمور که نیروهای دشمن را تدارک می‌نمود قطع گردد.

۲- برای تهیه مقدمات کار و صرفه‌جویی در قوا، جلوگیری از دور زدن نیروهای دشمن از منطقه بیوض، به طرف شمیره، وسیله جهاد سازندگی خراسان خاکریز احداث شده بود و در سمت دشمن در جلوی خاکریز، آب عبور می‌نمود. قبل از این که تک انجام پذیرد، خاکریز

ایجاد شده در حوالی شمریه در ۶۰/۱/۳ در اثر فشار آب شکسته شد و آب، منطقه عمل (بین شمریه به طرف پادگان حمید) را فرا گرفت و مانع اجرای طرح گردید.

۲- در اثر بالا آمدن آب رودخانه کارون منطقه بیوض، مکسر و قسمتی از ملیحان زیر آب فرو رفت و خطر آبگرفتگی در منطقه گردان ۲۳۱ تانک جناح چپ تیپ ۱ احساس می گردید. بر حسب اجبار می بایستی گردان ۲۳۱ تانک تغییر محل نماید، ولی با ایثارگری شبانه روزی پرسنل فداکار تیپ به ویژه گردان ۲۳۱ با ایجاد خاکریزهای جدید مانع از نفوذ آب به عقب نیروهای خودی گردید، تا آب رودخانه کارون فروکش کرد. «والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته»

نگارش سرتیپ ۲ کریم پیروزان درباره روزهای آغاز جنگ^۱

معرفی نویسنده

سرتیپ دوم زرهی کریم پیروزان در سال ۱۳۲۳ شمسی در شهر شیراز متولد و در سال ۱۳۴۷ وارد دانشکده افسری ارتش شده و در مهرماه سال ۱۳۵۰ با درجه ستوان دومی رسته زرهی از آن دانشکده فارغ التحصیل شده و در سال ۱۳۵۱ به لشکر ۹۲ زرهی منتقل گردید. دوره‌های آموزشی: دوره مقدماتی و عالی زرهی، دوره های عرضی موتور، مخابرات، فرماندهی اسکورپیون، تفسیر عکس‌های هوایی، تانک در نقش توپخانه و دوره دافوس. افتخارات: با آغاز جنگ تحمیلی عراق به جبهه اعزام و تا پایان جنگ به مدت ۱۲۰ ماه متوالی در جنگ تحمیلی شرکت داشته است. ۱۸ ماه ارشدیت به علت رشادت در عملیات دفاعی غرب دزفول و آزادسازی شهر سوسنگرد. دریافت لوح سپاس در عملیات ثامن الائمه، فتح‌المبین و بیت‌المقدس. مشاغل: فرمانده دسته، فرمانده گروهان و فرمانده گردان تانک و سوارزرهی، افسر عملیات و اطلاعات تیپ ۳۷، افسر عملیات قرارگاه عملیاتی غرب، استاد دانشکده زرهی و رئیس ستاد قرارگاه نظامی استان فارس.

شرح تجربیات

مشکلات عدم یکپارچگی یگان‌های نزاجا در روزهای اول جنگ:

یکی از بزرگترین مشکلات ارتش از اول انقلاب، عدم یکپارچگی یگان‌ها هنگام اعزام به مأموریت به ویژه در شروع و روزهای اول جنگ تحمیلی بود؛ مخصوصاً زمان تبدیل تیپ ۳۷ زرهی به گروه رزمی ۳۷ زرهی، کما اینکه یک گروهان تانک مختلط شامل: تانک ام ۴۷، ام ۶۰ چیفتن مرکب از سه دسته تانک، هر دسته شامل: پنج دستگاه تانک که هر کدام از دسته‌ها از یک گردان جداگانه گرد آمده و خدمه آنان از پرسنل تمام یگان‌ها مانند: گروهان ارکان گردان، ستاد گردان، گردان خدمات و... تشکیل شده بود، حال شما مجسم کنید فرماندهی بر چنین گروهانی در زمان جنگ چه مشکلات عدیده ای را در جهت اجرای مأموریت در بر دارد؟ با همه

۱. مطالب این بخش، در پاسخ به پرسشنامه نگارنده و مصاحبه حضوری با امیر سرتیپ ۲ کریم پیروزان در آبان ماه ۱۳۹۷ تهیه گردیده است.

این مشکلات تیپ ۳۷ با بهره برداری از وسائل ترابری سازمانی و کمک های مردمی و ناوگان ترابری غیر نظامی قبل از آغاز حمله سراسری دشمن خود را به خطوط مرزی خوزستان رسانید. در حالیکه تبادل آتش روز ۵۹/۶/۲۵ در پاسگاه های سمیده، فکه، دویرج سوبله و طاووسیه شدت یافته بود و در ساعت ۲۰:۵۰ همان روز پاسگاه های رشیده، دویرج و طاووسیه مورد تهاجم نیروهای زرهی عراق قرار گرفت و سقوط کرد و از تاریخ ۵۹/۶/۲۶ طرفین با سلاح سنگین به یکدیگر اجرای آتش کردند و تعدادی از خودروهای راه سازی و ادوات زرهی عراق منهدم گردید.

- در ساعت ۱۹:۰۰ روز ۵۹/۶/۲۶ ژاندارمری اعلام کرد پاسگاه های رشیده، طاووسیه، سوبله، صفریه سقوط نموده و به دست نیروهای عراقی افتاده است.
- با این گزارش فرمانده گروه رزمی شخصاً با گروه های کمکی به سمت پاسگاه های مزبور حرکت و در ساعت ۲۲:۰۰ همان روز پاسگاه های یاد شده مجدداً به تصرف نیروهای ایرانی در آمد.

در روز ۵۹/۶/۲۷ در حالی که تبادل آتش بین طرفین ادامه داشت، مسئولیت پاسگاه های مرزی به گروه رزمی ۳۷ واگذار شد تا در کنار سایر یگان های لشکر ۹۲ در مقابل شدید ترین حملات نیروهای مهاجم از مرزهای کشور دفاع نماید.

پدافند گروه رزمی ۳۷ در ارتفاعات تینه:

۱- در ادامه درگیری ها گروه رزمی ۳۷ به واسطه موقعیت زمین در منطقه عمومی فکه، توانسته بود در مقابل دشمن مقاومت نموده و حرکت دشمن را کند نماید.

۲- استعداد گروه رزمی به هیچ وجه با لشکر مجهز و آماده لشکر ۱ مکانیزه عراق که در منطقه دست به تهاجم زده بود قابل مقایسه نبود و در آن تاریخ با استعداد کم پرسنلی خود در منطقه ای به عرض ۴۰ کیلومتر گسترش یافته بود لذا از لشکر ۹۲ درخواست نمود گردان ۱۳۸ پیاده لشکر ۲۱ را که به عنوان احتیاط لشکر در ارتفاعات دوسلک مستقر بود، به منطقه فکه اعزام و زیر امر گروه رزمی ۳۷ قرار دهد تا در قسمت جنوب فکه جهت پرهیز از محاصره شدن توسط دشمن به کار گیرد.

زیر امر گرفتن گردان ۱۳۸ پیاده:

درخواست مکرر گروه رزمی ۳۷ از لشکر ۹۲ باعث گردید که در شب ۵۹/۷/۱ گردان ۱۳۸ پیاده به فرماندهی سرهنگ دوم مهدی پور و یک گروهان تانک چیفتن به فرماندهی سروان فخرالدین محمودیان جمعی لشکر ۲۱ حمزه که تازه وارد منطقه شده بود به ارتفاعات تینه اعزام و زیر امر گروه رزمی ۳۷ قرار گیرند.

نگرانی فرماندهان منطقه فکه:

۱- واقعاً نیروهای منطقه فکه خیلی خوب جنگیده و با عملیات تأخیری ۱۰ روز زمین را با زمان تعویض نموده و جلو پیشروی دشمن را به امید رسیدن نیروی کمکی گرفتند و در بعضی مواقع دشمن را به عقب رانده بودند ولی عدم تعادل قوا و خستگی از درگیری‌های چند روز گذشته و عدم پشتیبانی‌های لازم برای مقابله با دشمن، فرماندهان را در نگرانی فرو برده و احساس مسئولیت موجب شده بود علاوه بر ترقیب یگان‌ها به ادامه مقاومت، آخرین وضعیت را به رده بالا گزارش نموده و درخواست کمک نمایند.

۲- در روز دوم مهرماه ۱۳۵۹ فشار دشمن بر روی گروه رزمی ۳۷ زرهی و گردان ۱۳۸ پیاده و گروهان تانک چیفتن مأمور از لشکر ۲۱ حمزه، شدت یافت و باعث ایجاد اختلال و درهم ریختگی در سازمان‌های یاد شده گردید و فرمانده گروه رزمی ۳۷ اعلام نموده بود چنانچه نیروی کمکی و پشتیبانی توپخانه و هوایی واصل نگردد، مجبور به عقب نشینی خواهد بود.

۳- نبرد شدید روز دوم مهرماه در منطقه عین خوش و فکه در حالی پایان یافت که نیروهای دشمن با تلفات و ضایعات بسیار روبرو شده و پس از عبور از مرز تا روز سوم مهر ۱۳۵۹ نتوانسته بودند به هدف‌های زمینی خود که تصرف مواضع عین خوش و دو سلک بود دست یابند.

۴- در این روز نیروهای عراقی با لشکر ۱۰ زرهی و تیپ ۲۴ مکانیزه، به مواضع نیروهای ایران تک نمودند. نیروهای تیپ ۲ زرهی دزفول در عین خوش، همراه با گروه رزمی ۳۷ و گردان ۱۳۸ پیاده و گروهان تانک چیفتن اعزامی از تهران که عملاً یک هفته با دشمن درگیر بودند، در حالی که توان رزمی آنها به حداقل کاهش یافته بود، به پیکار با دشمن ادامه دادند.

۵- مقاومت نیروهای ایرانی در شرایطی انجام می‌گرفت که همه عوامل میدان جنگ به نفع دشمن بود تنها امید آنان خداوند متعال بود که به یاری او بتوانند از دین، آئین، شرف و غیرت خود پاسداری کنند و به همین انگیزه دلاورانه به مقاومت خود ادامه می‌دادند.

۶- رزمندگان گروه رزمی ۳۷ زرهی با استقرار در مواضع سرکوب ارتفاعات تینه نیروهای عراقی را که در دشت مقابل آنها گسترش یافته بودند زیر آتش داشتند و تلفات قابل توجهی به آنها وارد کردند.

۷- به خوبی مشخص بود با توجه به عقب نشینی نیروهای سمت راست «تیپ ۲ دزفول»، به زودی خط مقدم شکسته خواهد شد و دشمن پیشروی خود را به داخل کشور ادامه خواهد داد، با این وجود، تا رسیدن نیروی کمکی چاره‌ای جز مقاومت و دفاع در مقابل دشمن نداشتیم.

تقاضای کمک توسط فرماندهان درگیر عملیات:

۱- روز ۱۳۵۹/۷/۶ گزارشات فرماندهان، از تلاش دشمن برای تصرف سریع مواضع آنان حکایت می‌کرد طوریکه ضمن دریافت این پیام اعلام شد چنانچه تا ساعت ۰۹:۰۰ واحد کمکی به منطقه اعزام نشود، تمام واحدها منهدم خواهند شد و مانعی سر راه پیشروی دشمن به منطقه وجود نخواهد داشت.

۲- لشکر ۹۲ در مقابل درخواست یگان‌ها پیامی ابلاغ نمود: «لشکر به تمام مشکلات آن یگان آگاه است و نیروهای کمکی در حال حرکتند.»

تصمیم‌گیری انجام عملیات تأخیری:

گزارشات فرماندهانی که درگیر عملیات بودند، در لشکر ۹۲ ایجاد نگرانی نمود و به این نتیجه رسیدند که در صورت عدم توانایی در مواضع عین خوش و تینه با اجرای عملیات تأخیری، دشمن را در غرب رودخانه کرخه متوقف نمایند تا دشمن نتواند اندیمشک و دزفول را تهدید کند.

دستور عقب نشینی در منطقه فکه:

ساعت ۱۹:۰۰ روز ۵۹/۷/۵ لشکر ۹۲ زرهی به گروه رزمی ۳۷ دستور داد به علت عقب‌نشینی تیپ ۲ دزفول از عین خوش و تخلیه سمت راست از نیروهای خودی، تیپ ۳۷ سریعاً با عملیات تأخیری مواضع ارتفاعات تینه را ترک و در شرق کرخه و جنوب پل نادری خط تأخیری دوم را به عنوان مواضع پدافندی اشغال و پیشروی دشمن را سد کنید.

مشکلات اجرای دستور لشکر در مورد عمل تأخیری:

برای اجرای دستور صادره از لشکر دو مسئله مطرح بود:

۱- تأمین سایت و بنه صحرایی تیپ ۳۷ زرهی.

۲- رساندن پیام به فرمانده گروه در ارتفاعات تینه.

عصر همان روز یک گروهان پیاده از مرکز پیاده شیراز به منطقه اعزام شده و در سایت ۵ بودند تا واحد قبلی مشابه خود را تعویض نمایند؛ سرپرستی این عده را غیر از فرمانده گروهان مربوطه، سرگرد پیاده بهمن جمشیدنژاد برعهده داشت.

برای اجرای تأمین سایت و بنه صحرایی، با سرگرد جمشیدنژاد صحبت کردم و اظهار داشتم چون شما ارشدترین فرد در سایت هستید، فرماندهی به عهده شما و ما همگی مجری دستورات شما خواهیم بود.

یکی از مسائل مهم و خوب در ارتش این است که هر جا چند نفر نظامی وجود داشته باشند، بدون چون و چرا ارشدترین نفر فرمانده و بقیه مطیع دستورات او می باشند؛ در این جا هم همینطور بود و ناخودآگاه اجرا شد؛ کما اینکه در آینده هم موارد مشابه تکرار شد.

کلیه پرسنل در اطراف سایت ۵ سنگربندی کرده و هر اندازه سلاح آر پی جی ۷ که در سایت بود، بین آنها تقسیم شد، نفربرهای بی‌ام‌پی ۱ که مجهز به تیربار و موشک مالیوتکا و توپ‌های ۷۵ م م بودند، همراه با اسکورپیون‌ها، در اطراف سایت ۵ سازماندهی کرده و آماده پدافند دورادور شدیم.

تاریکی شب، تیراندازی‌های ایدائی دشمن، عدم آشنایی کافی به محیط و نبود جاده مشخص، اجازه نمی‌داد به راحتی برای رساندن پیام، امربری را به خط مقدم روانه کنم؛ به همین جهت پیام را به وسیله بیسیم به فرمانده گروه رزمی ۳۷ در خط مقدم ابلاغ کردم.

فرمانده گروه رزمی در پاسخ اظهار داشت: «نتیجه را به شما خبر خواهیم داد که چه کار بکنید»؛ اما تا فردا صبح هیچ دستوری به ما داده نشد و صبح روز بعد یعنی ۶ مهرماه ۱۳۵۹ با یک دستگاه نفربر پاسگاه فرماندهی از سایت حرکت کرده و به ارتفاعات تینه رفتیم؛ سرگرد اسدزاده فرمانده گروه رزمی ۳۷ همراه سرهنگ ۲ مهدی‌پور فرمانده گردان ۱۳۸ پیاده داخل نفربر فرماندهی بودند.

پیام را به آنها دادم، جناب اسدزاده پیام را گرفت و پس از مطالعه به جناب مهدی پور داد؛ او هم نگاهی گذرا به آن نمود و پس از مطالعه به من عودت دادند و اظهار کردم لطفاً پشت آن را امضاء کنید تا در سابقه نگهداری شود.

حدود ساعت ۳۰:۱۰ ششم مهر بود که سروان توکلی به سایت ۵ آمد و دستور داد سریعاً به خط تأخیری بعدی در شرق رودخانه کرخه بروید.

تجهیزات و وسایلی که از شب قبل پیش‌بینی و بارگیری شده بود به عقب حرکت داده و آشپزخانه‌های سیار را هم به دنبال خودروها بسته و روانه نمودیم و تا آنجا که امکان داشت سایت را تخلیه و به خط دوم فرستادیم؛ فقط مهمات موجود در زاغه‌ها را نتوانستیم جابجا نماییم.

خط مقدم جبهه در ارتفاعات تینه شکسته شد و نیروها زیر آتش شدید توپخانه و هجوم تانک‌های بی‌شمار دشمن در حال عقب‌نشینی بودند.

حرکت تانک‌ها و خودروهای زرهی دو لشکر عراقی که به سمت مواضع ما در حال پیشروی بودند، در هر نیروی پدافند کننده عادی که شاهد صحنه مقابل خود بود، ایجاد ضعف و تزلزل می‌کرد اما رزمندگان دلاور و با ایمان ارتش، تصمیم گرفته بودند با اتکاء به فضل الهی و با عشق به شهادت، در راه دین و میهن، تا آخرین قطره خون خود از مرزهای مقدس میهن اسلامی دفاع نمایند.

واقعاً وضعیت سختی بود و دل هر بیننده‌ای را به درد می‌آورد و اشک از چشمان وی جاری می‌ساخت؛ من خود این حالت را داشتم و در یک لحظه احساس نمودم داریم سرزمین عزیز را از دست می‌دهیم و هیچ کاری نمی‌توانیم بکنیم؛ به قول شاعر:

در رفتن جان از بدن، گویند هر نوعی سخن من خود به چشم خویشتن، دیدم که جانم می‌رود
دفاع هشت دستگاه تانک:

به گفته سرهنگ فکوری فرمانده نیروی هوایی ارتش، دزفول را هشت دستگاه تانک نجات داد که اشاره سمبلیک به تانک‌های تیپ دزفول، تیپ ۳۷، و سایر رزمندگان اسلام در منطقه است.

وضعیت گردان ۲۸۳ سوار زرهی در ابتدای جنگ تحمیلی:

گردان ۲۸۳ سوار زرهی در زمان دریافت مأموریت با کسری نیرو در تمامی رده‌ها مواجه بود و به عنوان مثال از تعداد ۳۰ نفر افسر سازمانی مورد نیاز، ۹ نفر افسر در اختیار یگان بود که به مرور زمان برخی از این نیازمندی‌ها رفع شد. این گردان روز ۲۴ شهریور ماه ۱۳۵۹ یعنی یک

هفته قبل از هجوم سراسری ارتش عراق به خاک کشورمان در محورهای محل مأموریت خود استقرار یافت.

منطقه واگذاری به گردان ۲۸۳ سوار زرهی، بسیار وسیع بود و هر گروهان رزمی باید بالغ بر ۲۵ کیلومتر را حراست می کرد، لذا هر دسته سازمانی با فاصله چند کیلومتر از یکدیگر مستقر می شدند و با ایجاد سنگرهای تأمینی، دیده بانی و اعزام گشتی شناسایی و رزمی، انجام وظیفه می کردند.

زمانی که نیروهای بعث در عملیات وسیع ابتدای جنگ برای دستیابی اهداف خود می خواستند شمال خوزستان را اشغال کنند، گردان ۲۸۳ به فرماندهی سرگرد مجتبی تهامی در کنار سایر نیروهای مستقر در منطقه خوزستان، یکی از یگان هایی بود که در برابر لشکرهای زرهی و مکانیزه ارتش صدام ایستادند و پیشروی آنان را سد کردند.

با آغاز تهاجم ارتش عراق، گردان ۲۸۳ از روز ۳۱ شهریور تا فردای آن روز، مردانه جلو پیشروی دشمن را گرفته و چندین مرتبه نیروهای متخاصم را وادار به عقب نشینی کردند و در نهایت زیر فشار بی امان متجاوز، با عملیات تأخیری از مواضع خود درنوار مرز خارج و به عنوان پهلودار تیپ ۲ زرهی دزفول عمل کرد.

عصر پنجمین روز تهاجم یعنی ۴ مهرماه ۱۳۵۹، شرایط به گونه ای بود که در صورت عبور دشمن از رود کرخه بر حجم ویرانگری و جنایت های بعثیان افزوده شده و کشور با مشکلات بزرگی مواجه می شد؛ از این رو هر یک از گروهان های گردان، با وجود شرایط حاد و بحرانی و نارسایی های فراوان، تحت فشارهای بی امان دشمن، با وارد آوردن حداکثر تلفات به دشمن عملیات تأخیری، به شرق رود کرخه آمده و با استقرار در ساحل شرقی پل نادری و دامنه های ارتفاعات کمانه بزرگ به عنوان تنها راه حل موجود و تنها یگان زرهی خط مقدم، تصمیم به پدافند از پل و گذارهای موجود شمال و جنوب پل که برای عبور دشمن قابل استفاده بود گرفتند و یگان های رزمی گردان و دسته موشک انداز تاو در بهترین و مشرف ترین مواضع ممکن استقرار یافته و آماده پدافند شدند.

دفاع از پل به گروهان ۱ واگذار و چند قبضه آرپی جی ۷ با خدمه مربوطه از سایر یگان ها در اختیار فرمانده گروهان یکم قرار گرفت تا توسط فرمانده یگان ساماندهی شوند.

پس از غروب آفتاب دیده‌ورهای یگان‌ها به همراه گروه‌های پیاده در جناح غربی پل نادری استقرار یافتند تا از نزدیک شدن احتمالی تانک‌ها و نیروهای دشمن به پل نادری جلوگیری کنند.

بالاخره روزهای اول جنگ لشکرهای عراق نتوانستند با یکدیگر عمل الحاق انجام دهند، و فیک السامرایی می‌گوید: "به ما گفته بودند مقابل شما نیرویی مقاومت نخواهد کرد، اما هنگامی که داخل منطقه عین خوش شدیم، با نیروهای مقاوم و ایثارگری روبه‌رو شدیم که تا به شهادت نمی‌رسیدند دست از فداکاری بر نمی‌داشتند. در منطقه فکه هم همین گونه بود یگان‌های زرهی ارتش ایران در یک روز ۲۵ دستگاه تانک ما را منهدم کردند و برای آنکه بتوانیم از مهلکه جان سالم به در ببریم تیپ ۱۲ که از تیپ‌های ورزیده عراق است را به کار گرفتیم تا ما را نجات دادند و به منطقه چانه رساندند. لشکر ۵ در میانه راه با پدافند سرسختانه ارتش ایران روبرو شد به همین دلیل برنامه پیش‌بینی شده ما به هم خورد و نتوانستیم به اهداف از پیش تعیین شده خود دسترسی نماییم"

رزمندگان شجاع و ایثارگر گردان ۲۸۳ با برخورداری از پشتیبانی‌های بی‌دریغ آتش گردان ۳۲۰ توپخانه کمک مستقیم تیپ ۲ دزفول و ۲ آتشبار ۱۷۵ م م و کاتیوشا که قبل از ظهر روزهای ۵ و ۶ مهر ۱۳۵۹ به منطقه وارد شدند و پس از توجیه حضوری، در تقویت گردان ۳۲۰ قرار گرفتند و با پشتیبانی نزدیک هوایی خلبان شجاع نیروی هوایی که روزانه در چندین نوبت، یگان‌های آرایش یافته ارتش عراق را در ساحل غربی رود کرخه و در حد فاصل پل نادری تا سه راهی قهوه‌خانه، زیر بمباران سنگین و دقیق خود قرار می‌دادند.

پرسنل غیور و جان برکف گردان ۲۸۳ سوار زرهی بارها تک‌های هماهنگ شده و پی‌درپی یگان‌های عراقی را در روزهای ۵ و ۶ و ۷ مهرماه ۱۳۵۹ برای عبور از رودخانه کرخه در هم شکستند. انهدام پی‌درپی تانک‌ها و ادوات زرهی دشمن و تحمیل تلفات و ضایعات سنگین به یگان‌های متجاوز عراق توسط موشک اندازه‌های تاو، تانک‌ها و سایر رزمندگان در خط مقدم نبرد و آتش‌های پر حجم توپخانه‌های موجود و بمب باران‌های سنگین شکاری بمب افکن‌های تیز پرواز نیروی هوایی، یگان‌های دشمن را وادار به عقب‌نشینی به سه راه قهوه‌خانه کرد و

نگارش سرتیپ ۲ کریم پیروزان درباره روزهای آغاز جنگ / ۴۷

زمین گیر نمود و بر اثر تلفات و ضایعات سنگین، روحیه و انگیزه خود را برای اجرای تک‌های بعدی در آن منطقه از دست دادند.

عصر روز ششم مهر عراق برای بار سوم جهت عبور از پل نادری هجوم آورد ولی با مقاومت پرسنل گردان ۲۸۳ و حمله هواپیماهای شکاری بمب افکن‌های نیروی هوایی مواجه و زمین گیر شدند.

انفجار تانک‌ها و ادوات عراقی که در حال آتش گرفتن بودند، در آن شرایط بسیار دیدنی بود و پس از ساعتی درگیری، عراقی‌ها که متوجه شدند نمی‌توانند از سد نیروهای ما بگذرند، عقب نشینی کرده و از تصمیم عبور از پل برای همیشه منصرف شدند.

به این ترتیب گردان ۲۸۳ سوار زرهی همراه سایر نیروهای مستقر در منطقه (لشکر ۹۲ زرهی، یگان‌های لشکر ۲۱، تیپ ۳۷ زرهی، نیروهای سپاه و بسیج مردمی) با ایثار و از خودگذشتگی، مانع پیشروی دشمن در منطقه شمال خوزستان شده و حماسه‌ای به یاد ماندنی به نام خود ثبت نمودند؛ یاد و خاطره دلیرمردان جاوید باد.

نگارش سرتیپ ۲ زرهی مجید صارمی از روزهای آغاز جنگ^۱

معرفی نویسنده:

متولد ۱۳۱۹/۱۰/۲۰ در محمدآباد شهرستان بیجار

در تاریخ ۱۳۳۶/۷/۱ پس از گذراندن آزمون در دبیرستان نظام تهران پذیرفته شده و در تاریخ ۱۳۳۹/۶/۲۹ وارد دانشکده افسری گردید. پس از طی یک سال دوره رسته زرهی (تخصصی) در تاریخ ۱۳۴۰/۷/۱ به درجه ستوانسومی نائل می‌گردد.

دوره‌های آموزشی: دوره مقدماتی و عالی زرهی، دوره‌های عرضی و تخصصی زرهی. افتخارات: حضور مداوم در جبهه‌های نبرد هشت سال دفاع مقدس، شرکت در عملیات‌های ثامن‌الائمه، فتح‌المبین، بیت‌المقدس و دریافت نشان فتح.

شرح تجربیات:

۱- پس از حمله ارتش متجاوز عراق در صبح روز ۱۳۵۹/۷/۱ طی گزارشی به فرمانده مرکز زرهی خواستار اعزام به لشکر ۹۲ زرهی به منظور مبارزه با دشمن شدم و به استناد همین گزارش اعلام کردم طی روز جاری به اهواز عزیمت خواهم نمود. در همین روز گروه رزمی ۳۸ شیراز از تیپ ۳۷ زرهی و دانشکده زرهی و سایر یگان‌ها و یک گروهان پیاده رزمی از مرکز پیاده شیراز به فرماندهی اینجانب سرگرد زرهی مجید صارمی آن زمان تشکیل و بعد از ظهر روز ۱۳۵۹/۷/۵ گروه رزمی ۳۸ شیراز در غرب اهواز مستقر و با دشمن درگیر شدیم.

۲- گروه رزمی ۳۸ شیراز در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۶ در عملیات قائم به اتفاق تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی اهواز به نیروهای دشمن که تا کارخانه نورد اهواز پیش آمده بودند حمله ور شدند و نیروهای دشمن را تا آب‌تیمور و دب حردان عقب راند گروه رزمی ۳۸ شیراز طی یک حمله شبانه و انهدام حدود ۳۰ دستگاه از ادوات زرهی دشمن نیروهای اهریمنی را تا ۲۰ الی ۲۵ کیلومتر غرب دب حردان عقب راند و اهواز را از برد توپخانه‌های برد بلند دشمن تأمین کرد.

۳- بعد از این عملیات بنده با درجه سرگردی توسط شهید امیر سرلشکر فلاحتی به فرماندهی تیپ ۳۷ زرهی شیراز منصوب و معرفی شدم. سپس تیپ ۳۷ در اوایل آذرماه ۱۳۵۹ از اهواز به ماهشهر و از ماهشهر به شادگان و از شادگان با حمله‌ای برق آسا به سوی آبادان در میدان تیر آبادان با نیروهای دشمن درگیر و از سقوط حتمی آبادان جلوگیری کرد.

۱. مطالب این بخش، از کتاب تیپ ۳۷ زرهی در عملیات ثامن‌الائمه به روایت سرتیپ ۲ زرهی مجید صارمی، انتشارات ایران سبز، ۱۳۸۷، برداشت شده است.

عملیات نصر در نگارش سرتیپ ۲ ایرج جمشیدی^۱

معرفی راوی:

متولد ۱۳۱۳ شهرستان سوادکوه

در سال ۱۳۳۳ وارد دبیرستان نظام، در سال ۱۳۳۵ وارد دانشکده افسری و در سال ۱۳۳۸

با رشته زرهی فارغ التحصیل گردید.

دوره‌های آموزشی: مقدماتی و عالی زرهی، فرماندهی و ستاد.

مأموریت‌ها و مشاغل: در سال ۱۳۵۳ به مدت یک سال به عنوان افسر ناظر صلح به کشور ویتنام اعزام گردید. از مشاغل ایشان: فرمانده دسته، گروهان و گردان تانک، به مدت ۵ سال استاد تاکتیک در مرکز آموزش زرهی، فرماندهی تیپ ۱ لشکر ۱۶ زرهی در آغاز جنگ تحمیلی، فرماندهی لشکر ۱۶ زرهی، معاون هماهنگ کننده نزاجا.

افتخارات: شرکت در عملیات‌های نصر، طریق القدس، فتح المبین، بیت المقدس، دریافت

مدال فتح ۲.

شرح تجربیات:

متأسفانه هیچ جایی مطرح نشده عملیات نصر در چه موقعیتی طراحی شد، چگونه اجرا شد و چه دستاوردهایی داشت. اصلاً مورد بررسی قرار نگرفته که دشمن در چه شرایطی بوده و ما در چه شرایطی بودیم به هر ترتیب ما قرار بود که تک را از شمال به جنوب انجام بدهیم، وقتی که شناسایی به عمل آمد و متوجه شدیم دشمن در شمال رودخانه کرخه کور در حدود ۱۵ کیلومتر در شرق هویزه حضور ندارد، شخصا تصمیم گرفتیم با هماهنگی سپاه هویزه منطقه را بازدید کنم، لذا جنوب رودخانه کرخه کور، جاده سوسنگرد - هویزه و حوالی آن را تا حدود ۸ کیلومتر به طرف شرق به صورت میدانی بازدید کردم. اثری از دشمن ندیدم. بنابراین پیشنهاد کردم بهتر است که تیپ یکم به جای اینکه از شمال به جنوب تک کند، تک را از غرب به شرق انجام دهد. مطمئن بودم تکی را که ما از غرب به شرق انجام دهیم به نیروهای احتیاط و توپخانه دشمن می‌رسیم، در نتیجه تیپ سوم که از شمال به جنوب تک می‌کند به راحتی اهداف

۱. مطالب این بخش، از آرشیو نوارهای صوتی مصاحبه هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی با فرماندهان ۸ سال دفاع مقدس که در سال ۱۳۹۲ انجام گرفته بود، استخراج شده است.

خود را تأمین خواهد کرد، یعنی ما با توجه به توانایی های یگان زرهی یک تک احاطه ای یک طرفه انجام می دهیم و عمل احاطه توسط تیپ یکم زرهی انجام می شود. هنگامی که این پیشنهاد را به فرمانده لشکر سرهنگ لطفی از روی نقشه توضیح دادم ایشان هم پیشنهاد بنده را تأیید کرد. این طرح را به قرارگاه نیروی زمینی در جنوب پیشنهاد شد و پس از طی مراحل در شورای عالی دفاع به تصویب رسید. در نتیجه نیروهای تیپ یکم، مستقیماً از فولی آباد به جنوب رودخانه کرخه کور در شرق هویزه مستقر شدند. با تعمیر تانک ها، نفربرها و خودروهای تعمیری و بهره برداری از کارکنان وظیفه چهار گردان، شامل دو گردان تانک، یک گردان مکانیزه و یک گردان پیاده را برای این عملیات سازماندهی کرده بودیم. ما در نظر گرفتیم به منظور استفاده از حداکثر غافلگیری تک را در ساعت ۱۰ صبح انجام بدهیم.

دشمن مطمئن بود که ما می خواهیم حمله کنیم. یقیناً تصور دشمن به این بود که تک ما از شمال به جنوب هست و به طرف پادگان حمید و جنوب و احتمال کمتری می داد که نیروهای ما از رودخانه کارون عبور نماید. تیپ در جنوب رودخانه کرخه کور در یک دشت باز مستقر شد. دشت بسیار وسیعی که نیروی عظیمی از دشمن در این دشت مستقر بود، با توجه به این که جناحین تیپ باز بود این نگرانی وجود داشت که دشمن ما را دور بزند و محاصره کند. دشمن که احتمال حمله را از شمال به جنوب می داد، در این جبهه هوشیار شد به همین دلیل که فشار زیادی را به تیپ سوم که از سمت مورد انتظار دشمن تک کرده بود آورد، در نتیجه تیپ سوم با دادن تلفات زیادی متوقف شد و تعدادی از تانک هایش با موشک های مالیوتکا زده شدند، این موشک ها هم سوار بر نفربر و هم سوار بر سکوی زمینی بودند، خدمه آنها تمرین زیادی با این موشک ها داشتند، البته این موشک ها را ما هم داشتیم، ولی ما آموزش کافی روی این موشک ها ندیده بودیم که قادر باشیم که این موشک ها را هدایت بکنیم، یعنی زمانی که ما موشک ها را تحویل گرفتیم، لازم بود که افسران و متخصصین ما در آن زمان به اتحاد جماهیر شوروی سابق می رفتند دوره می دیدند و تعدادی سمیلاتور تیر اندازی هم خریداری می شد که این کار انجام نشده بود، ما آن موقع موشک های ضد تانک تاو را داشتیم که خدمه ماهری داشتند. ما در جنگ تحمیلی استفاده خوبی از این موشک ها کردیم ولی تعداد موشک های تاو محدود بود، موشک تاو فقط در اختیار آمریکا و اسرائیل بود، از رژیم اشغالگر

اسرائیل تحت هیچ شرایطی حاضر نبودیم که سلاح بگیریم و خب آمریکا هم به ما اسلحه نمی داد، آنهایی را هم که می خواستیم به دست بیاوریم دست دوم و دست سوم بود و بسیار مشکل بود و در نتیجه موشک های ضد تانک ما کم بود و ما توانایی کمتری در سلاح های ضد تانک نسبت به دشمن داشتیم. دشمن تهاجمی به منطقه ای که یگان های لشکر ۹۲ از کارون عبور کردند انجام نداد. ولی فشار روی تیپ سوم بسیار زیاد شده بود، اما تیپ یکم تقریباً بدون برخورد با دشمن به طرف هدف پیش رفت و حوالی ساعت ۲ بعد از ظهر به توپخانه و یگان احتیاط دشمن رسید. وقتی که ما به آنجا رسیدیم دیگر فشار به طور کلی از تیپ سوم برداشته شد و تیپ سوم توانست به سرعت خودش را به رودخانه کرخه کور برساند و از رودخانه کرخه کور هم عبور کند. تیپ یکم به صورت غافلگیرانه به توپخانه دشمن رسید و توپخانه دشمن را سالم تصرف کرد، یک گردان توپخانه ای که در آنجا مستقر بود به طور سالم به دست تیپ یکم افتاد. با این حرکت تیپ یک پشت نیروی احتیاط دشمن بسته شده بود آنها تجهیزاتشان را رها کردند و سعی کردند که فرار کنند، بیش از ۸۰۰ نفر از نیروهای دشمن به وسیله نیروهای ما اسیر شدند یعنی نیروهایی بیش از اسرایی که ما در عملیات طریق القدس اسیر کردیم. ما در عملیات طریق القدس بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر اسیر گرفتیم ولی ما در این عملیات بیشتر از ۸۰۰ نفر اسیر گرفتیم. حالا من این مطلب را یک مقدار رویش تأکید دارم به این دلیل هست که می خواهم اهمیت عملیات نصر را بیان بکنم که چه تأثیر روانی مهمی می توانست روی دشمن داشته باشد. درست است که به ما به همه ی اهداف از پیش تعیین شده یعنی حمیدیه نرسیدیم و در شمال رودخانه کرخه کور پدافند نکردیم به جنوب جاده حمیدیه سوسنگرد آمدیم، این عملیات قدرت زرهی ما را به رخ دشمن کشید و عملاً به او تفهیم کرد این تصور را در ذهن داشته باشد از اینکه نمی تواند باز هم تهاجمی را انجام بدهد و یا با عبور از رودخانه های کرخه کور، کرخه، مالکیه و رودخانه کارون بیش از این گسترش پیدا کند. بنابراین بعد از عملیات نصر دشمن جرئت نکرد که بیشتر از این گسترش پیدا بکند تمام تلاشش را گذاشت که در پشت همین موانع پدافند منطقه ای بکند پدافندی که قادر باشد مواضع خودش را در پشت این رودخانه ها حفظ کند. البته دشمن در اینجا ها هم اشتباهات تاکتیکی عظیمی را کرد، دشمن آمد از رودخانه مالکیه حدود دو کیلومتر بیشتر یا کمتر فاصله گرفت و مواضعش را در آنجا مستحکم

کرد، حالا چرا من نمی دانم به چه دلیلی این کار را کرد، شاید تصورش این بود که پدافند متحرک بکند و اینکه یک زمانی اگر نیروهای ما از رودخانه مالکیه عبور کردند، با اجرای پاتک آنها را نابود کند. شاید به این تصور بود. البته این تصور از لحاظ تاکتیکی اشتباه بزرگی بود. در عملیات بیت المقدس هم همین طور بود. برابر اصول تاکتیکی، زمانی یک نیرو دفاع را دور از ساحل نزدیک انجام می دهد که ساحل نزدیک یا رودخانه یک مانع عمده نباشد، یا ساحل نزدیک برای دفاع مناسب نباشد، در ساحل دور موانع مناسبی به مراتب بهتر از مواضع رودخانه در ساحل نزدیک داشته باشد و یا اینکه دشمن در نظر داشته باشد به اینکه یک پدافند متحرک انجام بدهد، نه پدافند منطقه ای. یگانی که عمل پدافند متحرک انجام می دهد باید قادر باشد نیروهایی را که از رودخانه عبور کرده اند نابود بکنند، به هر حال یک چنین شرایطی در ساحل دور رودخانه مالکیه وجود نداشت که دشمن چنین کاری را بکند، او بهای این اشتباه تاکتیکی خود را بعداً پرداخت نمود. اصلاً دو عملیاتی که ما در غرب سوسنگرد انجام دادیم مقدمه ای شد برای انجام عملیات بزرگ طریق القدس. به هر حال ما روز ۱۵ دی ماه توانستیم تجهیزات فراوانی را از دشمن به غنیمت بگیریم و حدود ۸۰۰ نفر دشمن را به اسارت در بیاوریم، دشمن چون انتظار چنین حمله غافلگیرکننده‌ای را نداشت تا پادگان حمید عقب نشینی کرد. برنامه ما این بود که تک را طبق دستور به طرف جنوب یعنی به طرف پادگان حمید ادامه دهیم و با یگان‌های لشکر ۹۲ که از رودخانه کارون عبور کرده بودند الحاق حاصل نماییم. به هر ترتیب قبل از هر اقدام دیگری از جانب ما صبح زود روز ۱۶ دی دشمن با لشکر ۹ زرهی با هدایت هلی کوپتر و با پشتیبانی نیروی هوایی و با آتش سنگین توپخانه پاتک خود را علیه ما آغاز کرد و با توجه به اینکه نیروهای ما در یک منطقه باز بدون داشتن هیچگونه مواضع مستحکم که قابل دفاع باشد قرار داشت بسیار آسیب پذیر بود.

تانک همانطور که قدرت میدان نبرد است، اگر در یک عملیات پدافندی حفاظ نداشته باشد خیلی سریع منهدم می شود. تانک‌های ما حفاظ نداشتند، سגר نداشتند، سگر تانک باید بدنه محفوظ باشد یا برجکش محفوظ باشد یعنی حتی برجکش هم دیده نشود موقعی که میخواهد تیراندازی کند می رود روی سکو که فقط بدنه محفوظ باشد، تیراندازی می کند مجدداً به عقب برمی گردد، به هر ترتیب تانک‌های ما موضع و حتی خاکریز دفاعی نداشتند که

از دید و تیر دشمن محفوظ باشد تا خودروهای تدارک کننده در پشت این مواضع بتوانند مهمات غذا و آب یگان‌های رزمی را تأمین نمایند، شهدا و مجروحین را تخلیه کنند بدون خاکریز و مواضع مستحکم، یقیناً یگان‌های پشتیبانی کننده قادر نخواهند بود به وظایف خود عمل نمایند چون در دید و تیر دشمن قرار میگیرند به ویژه مهمات سلاح سنگین اعم از توپ، خمپاره، تفنگ ۱۰۶. باید تأنجا که ممکن است با خودرو در نزدیکترین مسافت خط مقدم تخلیه شوند تا از آنجا خدمه بتوانند این مهمات را به داخل تانک یا مواضع توپخانه منتقل بکنند. لازم است یک خاطره ای که به نظرم خیلی عجیب بود بیان کنم، وقتی نیروهای ما به پشت رودخانه کرخه کور منتقل شدند در ساحل رودخانه ها یک سیل بند است این سیل بند عرضش حدود حدود ۲ متر است. پاسگاه فرماندهی من که یک سرباز بر ام ۱۱۳ بود درست در حاشیه شمالی این سیل بند قرار گرفته بود یک کامیون ۵ تن پراز مهمات در حال عبور از کنار پاسگاه فرماندهی مورد اصابت موشک قرار گرفت خودرو آتش گرفت و راننده اش هم شهید شد. کامیون حامل مهمات توپخانه و خمپاره انداز بود، افسران و درجه دارانی که داخل نفر بر با من بودند سریعاً به پشت کانال رفتند و سنگر گرفتند. به دلیل اینکه اگر این کامیون منفجر می شد نفر بر پاسگاه با تمام افرادی که در آن بودند نابود می شدند. ولی من نمی توانستم نفر بر را ترک کنم برای اینکه یگان ها نمی توانستند بدون فرمانده بمانند شاید تصمیم بهتری باید می گرفتم ولی داخل نفر بر ماندم و از نزدیک شاهد انفجار گلوله های توپ و خمپاره بودم برخلاف انتظار گلوله ها، بدون آنکه آسیبی به ما بزند، تک تک پرتاب شده و در فاصله ۱۰۰ تا ۲۰۰ متری منفجر می شدند، این پدیده را من یک امداد غیبی و لطف خداوند متعال می دانم. من قبلاً این مطلب را بیان کرده ام باز هم بیان میکنم که، تجربه جنگی در میدان جنگ به دست می آید هرچه که عملیات ما پیش رفت ما تجربه ی بیشتری به دست آوردیم ما در عملیات نصر تجربه کمی داشتیم اولین عملیاتی بود که با استعداد حدود ۲ لشکر انجام می شد. مطمئناً ما اگر تجربه کافی داشتیم اصلاً در طرحمان عنوان نمی کردیم که بعد از این عملیات آماده باشید بنا به دستور تک را به طرف پادگان حمید ادامه بدهید. در یک طرح عملیاتی باید به وضعیت زمین استعداد نیروهای خودی و دشمن توجه دقیق شود اگر ما در این موارد اطلاع دقیق داشتیم و برآور حساب شده ای انجام می دادیم می گفتیم، تک کنید نیروها را از شمال رودخانه

کرخه کور بیرون برانید، در شمال رودخانه کرخه کور پدافند کنید چرا برای اینکه استعداد دشمن از ما بیشتر بود و ساحل شمالی رودخانه کرخه کور قابل پدافند بود.

دشمن حتماً پاتک می‌کند:

هنگامی که در دانشگاه زرهی تدریس می‌کردم و می‌گفتم در یک عملیات آفندی اگر استفاده از موفقیت و تعاقب صورت نگیرد و یگان‌های احتیاط او دست نخورده باقی بمانند دشمن حتماً پاتک می‌کند. نیروی آفند کننده وقتی که به هدف می‌رسد اولین کار این است که باید هدف را آرایش دهد و تأمین را فراهم نماید، چون دشمن حتماً پاتک می‌کند، هنگامی که این مطالب را در کلاس بیان می‌کردم، با خودم می‌گفتم شاید پاتک نکرد، یعنی چی حتماً پاتک می‌کند. خودم به این حرف اعتقاد نداشتم. استاد بودم، خودم تدریس می‌کردم، ولی بی توجه به این که بابا این که دشمن حتماً پاتک می‌کند در دفتر کار و زیر کولر نوشته نشده است. کسانی که آئین نامه ها نوشته اند آن را در میادین جنگ تجربه کرده اند، میدان‌های جنگ به آنها نشان داده که دشمن حتماً پاتک می‌کند وقتی که به منطقه آمدم و عملیات آفندی نصر را در ۱۵ دی اجرا کردیم عملاً تجربه شد که دشمن حتماً پاتک می‌کند. پس بنابراین نگهداری و تأمین هدف بایستی اصولی باشد. در غیر این صورت نیروی آفند کننده اگر نتواند هدف را نگه داری کند ناچار باید با تلفات عقب نشینی کند، هدف باید قابل دفاع باشد هدف بایستی در توان یگان تک کننده باشد هدف باید عملیات آینده را تسهیل نماید بنابراین وقتی که ما به هدف رسیدیم حالا هدف هر شرایطی که می‌خواه داشته باشه بایستی یگان بتواند این هدف را حفظ کند در غیر این صورت دشمن حتماً پاتک می‌کند و مواضع از دست رفته را پس می‌گیرد. پس از تأمین و تثبیت هدف حالت دیگری که به رزمندگان آسیب می‌رساند استقرار طولانی در موضع پدافندی است، فرسایش از این جا شروع میشود یعنی جنگ وقتی طولانی می‌گردد فرسایشی است و نفرات در مواضع پدافندی بسیار خسته می‌شوند حالا این قضیه برای یگان‌های زرهی بسیار سخت تر است.

نگارش سرتیپ ۲ زرهی امرالله نوجوان درباره عملیات آفندی نصر (هویزه)^۱

معرفی نویسنده:

سرتیپ ۲ امرالله نوجوان در سال ۱۳۲۶ در شهرستان ساوه متولد شد. ایشان در سال ۱۳۴۶ وارد دانشکده افسری و پس از فارغ التحصیلی وارد رسته زرهی شد. دوره‌های آموزشی: دوره‌های مقدماتی و عالی زرهی را در سال‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۵۶ و دوره دانشکده فرماندهی و ستاد را در سال ۱۳۶۴ طی نمود. افتخارات: حضور مستمر در ۸ سال دفاع مقدس، سه سال ارشدیت در جنگ. مشاغل: وی در یگان‌های مرکز زرهی شیراز، لشکر ۹۲ زرهی اهواز، لشکر ۸۸ زرهی زاهدان، لشکر ۱۶ زرهی قزوین، دانشگاه افسری امام علی (ع)، ستاد مشترک ارتش، ستاد کل نیروهای مسلح در مشاغل مختلف، فرماندهی از رده دسته تا تیپ در یگان‌های زرهی و استادی در مرکز زرهی و دانشگاه افسری امام علی (ع) و ستادی در لشکرهای ۲۱ و ۸۸ و اداره سوم ستاد مشترک و معاونت بازرسی ستاد کل انجام وظیفه نموده است. وی در سال ۱۳۸۱ پس از ۳۵ سال خدمت سربازی بازنشسته گردید.

عملیات آفندی نصر (هویزه)

یک هفته پس از ورود ما به هویزه که استقرار یگان‌ها کاملاً تکمیل نشده بود به گردان ابلاغ شد فردا بایستی به جلو برویم. البته روز قبل که ما در حال شناسائی بودیم، اولین هلی کوپتر دشمن را که به سمت ما تیر اندازی نمود رؤیت کردیم. مسئله را به خوبی درک نمی‌کردیم و نمی‌دانستیم که «جلو برویم» یعنی چه؟ و منظور چیست؟ به هر حال ۳ ساعت قبل از شروع تک متوجه شدیم که گروهان یکم با ادغام در گردان ۱۸۵ می‌بایست یک تک هماهنگ شده انجام دهد و درست نیم ساعت قبل از شروع عملیات یعنی ساعت ۹:۳۰ مورخه ۵۹/۱۰/۱۵ دستور عملیاتی توسط رئیس رکن سوم گروه رزمی ابلاغ شد. یکی از معایب عمده عملیات مذکور این بود که فرماندهان گروهان شناسائی لازم را انجام نداده و در مورد چگونگی عملیات توجیه نشده بودند. تک هماهنگ شده تیپ ۱ زرهی قزوین با ۲ گروه رزمی در خط (گروه رزمی

۱. مطالب این بخش از کتاب «از هویزه تا آتش بس» خاطرات سرتیپ ۲ زرهی امرالله نوجوان، انتشارات ایران سبز، ۱۳۸۸، استخراج شده است.

و نیروهای زیادی از دشمن کشته و بیش از ۸۰۰ نفر از نیروهای دشمن توسط یگان‌های لشکر ۱۶ اسیر گردیدند. دشمن کاملاً غافلگیر شده و تجهیزات، ادوات زرهی، و توپخانه زیادی را در منطقه به جا گذاشته و فرار کرده بود. خوشحالی زایدالوصفی حکمفرما گردیده بود زیرا از ابتدای حمله دشمن به خاک ج.ا.ا این عظیم‌ترین پیروزی برای نیروهای خودی بود. از طریق لشکر به هر گروهان یک دستگاه بلدوزر جهت ایجاد سنگر واگذار شده بود.

اولین باری بود که پس از سال‌ها مطالعه و دیدن دوره‌های دانشکده افسری، مقدماتی و عالی عملاً صحنه نبرد را تجربه و لمس می‌کردیم و با چشم‌های خود منظره سوختن نفرات دشمن در داخل تانک‌ها و خودروها، مجروحین جنگی، اسرای دشمن، غنائم و وسایل زیاد به جا مانده از دشمن را که هر کدام درسی برای ما بود می‌دیدیم. با تلاش یکی از سربازان گروهان، یک دستگاه لودر دشمن را که در منطقه بود روشن نموده و جلو هر تانک چند بیل خاک به منظور حفاظت آن ریخته شد.

خدمه تانک‌ها و نفرات پیاده به علت بی‌تجربگی و خوشحالی و سرور بیش از حد در منطقه پراکنده شدند. گروهان با مشقت تمام آنها را جمع‌آوری و سازمان‌پذیراندی اتخاذ نمود. شب از فرط خستگی و بی‌خوابی لحظه‌ای در تانک فرماندهی کنار بی‌سیم پی‌آرسی ۷۷ چرت زدیم. معاون گردان ۱۸۵ سرهنگ ۲ الماسی فر مسئول تدارکات، اعم از آب و جیره و مهمات بود ولی نامبرده آنروز به علت شدت آتش و کمبود خودرو نتوانست به موقع مهمات مورد نیاز تانک‌های ما را از بنه رزمی به جلو بفرستد. به ناچار فردا صبح با خواهش از فرمانده گردان ۲۲۰ وی به مهمات‌دار گردان دستور داد تا نسبت به تأمین کسری مهمات ما اقدام کند. مهمات‌دار گردان با یک دستگاه خودرو اورال مهمات تانک‌ها را به جلو آورده و در یک وضع نامناسب و با عجله آنها را روی زمین ریخته و به عقب برگشت و متأسفانه تعداد زیادی از مهمات و خرج‌ها در داخل جعبه‌ها بود که خدمه تانک‌ها زیر آتش شدید دشمن آنها را از داخل جعبه‌ها خارج کرده و بار مبنای تانک‌ها را تجدید می‌کردند که البته این امر را با غر و لند زیاد اجرا می‌کردند و تمام این مشکلات مربوط به نداشتن تجربه خصوصاً در صحنه واقعی نبرد بود.

انجام پاتک توسط دشمن

دشمن در ساعت ۹ صبح مورخه ۵۹/۱۰/۱۶ با اجرای آتش شدیدی پاتک خود را با سه لشکر زرهی شروع نمود و تانک‌های زیادی از دشمن با صورت‌بندی بسیار عالی که توسط

هلی کوپتر هدایت می شدند، به سمت نیروهای ما پیشروی کردند. از پشت بیسیم متوجه شدیم که تلفات گردان های رزمی ۲۰۱ و ۱۸۵ هر لحظه بیشتر می شد و دائماً تقاضای آمبولانس می کردند. در ساعت ۱۴ به گروهان یکم ابلاغ شد که منطقه خالی بین گردان های ۲۲۰ و ۱۸۵ را پر کند. بلافاصله به سمت محل مربوطه حرکت کرده و در حالی که بقیه تانک ها به دنبال تانک فرماندهی بودند، بدون راهنما و با استفاده از بیسیم، تانک ها را در فضای تعیین شده مستقر نمودیم. نبود خاکریز در جلو تانک ها آسیب پذیری آنها را بیشتر می کرد، در یک لحظه من یک خاکریز کوتاه را در پشت منشور دیده بانی رؤیت کرده و به راننده دستور دادم که پشت آن خاکریز مستقر شود. آرایش مرتب و انبوه تانک های دشمن که توسط هلی کوپتر هدایت می شدند، کاملاً از پشت دوربین تانک فرماندهی مشخص بود. خدمه تانک های ما به علت عدم تجربه، بدون دقت و نشانه گیری صحیح پی در پی در حال تیراندازی بودند، در حالی که هنوز تانک های دشمن در تیررس آنها نبودند. فرمانده دسته یکم ستوان یکم دلشاد پشت سرهم تقاضای کمک و پشتیبانی آتش داشت زیرا به تدریج تانک های دشمن به یگان های ما نزدیک تر شده و قصد احاطه و محاصره کردن نیروهای ما را داشتند. در همین لحظه صدای فرمانده دسته (ستوان دلشاد) قطع شد و از طریق دوربین فرماندهی مشاهده کردم که تانک وی مورد اصابت موشک مالیوتکا دشمن قرار گرفته است و برابر اعلام راننده تانک، وی از ناحیه چشم و دست مجروح شده و توپچی وی دانش آموز اشرفی نیز شهید شده است.

بقیه تانک ها هم پشت سر هم مورد هدف و اصابت گلوله های تانک و موشک های دشمن قرار گرفته و منهدم می شدند. نفرات مجروح سریعاً از تانک ها تخلیه و به عقب برده می شدند و چون تخلیه مجروحین برابر روش نبود، بنابراین رفت و آمد آمبولانس ها با کندی و تاخیر انجام گرفته و مجروحین در وضعیت نامناسب در تانک ها می ماندند. در ساعت ۱۶ از طریق بیسیم گردان دستور داده شد که یگان ها یک خیز به عقب حرکت کنند. در یک لحظه مشاهده کردم که کلیه تانک ها و نفربرهای تیپ به صورت ستون و با یک وضع شلوغ و بی نظمی در حال حرکت به عقب هستند و اصول عملیات عقب نشینی را رعایت نمی کردند و چنانچه هواپیماهای دشمن بمباران می کردند، مسلماً تلفات و خسارات جبران ناپذیری به نیروهای خودی وارد می شد. تعدادی از نفرات پیاده روی تانک ها سوار و عده ای هم با پای پیاده در حال حرکت به عقب

بودند و گرد و خاک زیادی منطقه را در بر گرفته و دشمن هم نتوانست عملیات استفاده از موفقیت و تعاقب را به خوبی انجام دهد و گرنه می توانست تلفات زیادی به نیروهای ما وارد کند.

وضعیت گروهان یکم پس از پاتک دشمن

در جلو پل کرخه کور که تا منطقه عملیات در حدود ۱۰ کیلومتر فاصله داشت، تانک‌ها و نفربرها و اسکورپیون هاتوسط فرماندهان جمع آوری و وضعیت پدافندی اتخاذ گردید. حالت ناراحتی و اضطراب همه را فراگرفته بود هر گروهان مشغول آمار گرفتن از نفرات و ادوات و وسایل خود بود، وضعیت تعدادی از پرسنل مشخص نبود و برخی از خدمه‌ها هم به علت آسیب دیدن تانک‌های مربوط آنها را جا گذاشته و به حالت سینه خیز خود را به عقب کشیده بودند. از تعداد ۱۰ دستگاه تانک گروهان یکم، ۶ دستگاه آن منهدم و چهار دستگاه به عقب آمده بودند.

تعدادی از هم‌زمان گروهان یکم شهید، یا مجروح شده بودند. غروب همان روز (۵۹/۱۰/۱۶) دستور دادم بنه گروهان از عقب به جلو و به منطقه کرخه کور بیاید. روز ۵۹/۱۰/۱۷ تجدید سازمان و ادامه آمارگیری از یگان به عمل آمد. فرماندهان و مسئولان بسیار ناراحت بوده و وضعیت نامطلوب و نگران کننده بود. هواپیماهای دشمن دائماً منطقه را بمباران می کردند. در هر بمباران باز هم تعدادی از نفرات خودی شهید یا مجروح می شدند.

به علت داد و فریادی که در بیسیم و در جابجایی تانک‌ها و هدایت گروهان کرده بودم صدایم به کلی گرفته بود. در اثر بمباران هوایی دشمن، فرمانده دسته دوم گروهان به نام ستوان دهاقین و همچنین راننده جیب فرماندهی گروهان به نام سرباز پاشازاده مجروح شدند. با انهدام جیب مذکور گروهان فاقد خودرو سبک فرماندهی گردید. دستور دادم که فوراً بنه گروهان که هر لحظه امکان نابودی آن متصور بود، به عقب حرکت کند. به علت کمبود وسایل مهندسی مثل لودر و بلدوزر تانک‌های گروه رزمی ۲۲۰ در داخل رودخانه کرخه کور مستقر شده بودند و این شاید یکی از اشتباهات تاکتیکی بود، زیرا تانک‌ها نبایستی در داخل رودخانه که یک هدف مشخصی بود قرار گیرند. گردان ۱۸۵ در احتیاط تیپ بود، در ساعت ۱۳:۳۰ مورخه ۵۹/۱۰/۱۷ مجدداً به گروهان یکم دستور داده شد که در منتهی الیه چپ گروه رزمی ۲۲۰ مستقر شود.

منطقه درگیری مورخه ۵۹/۱۰/۱۶ که در دست دشمن بود کاملاً مشخص و همه با حسرت به آن منطقه خیره شده بودیم، منطقه‌ای که تعدادی از هم‌زمان ما شهید یا مجروح شدید

شده بودند و ما نتوانسته بودیم آنها را به عقب تخلیه کنیم و در آنجا جا ماندند. سرباز معصومی فشنگ‌گذار تانک فرماندهی که در منطقه نبرد گم شده بود، مجدداً پس از چهار ساعت غیبت مراجعت کرد. با تلاش زیاد از گردان یک دستگاه لودر جهت ایجاد خاکریز به منظور حفاظت تانک‌ها دریافت کردیم که متأسفانه به علت شدت آتش سلاح‌های کالیبر کوچک و سنگین دشمن لودر نتوانست هیچ خاکریزی ایجاد نماید. گرچه پرسنل جانانه دفاع و مقاومت می‌کردند و منتظر بودیم که نیروی کمکی برسد تا ضربه هولناکی به دشمن که در زمین باز قرار دارد بزنیم، ولی متأسفانه هیچ نیروی کمکی نرسید.

انجام پاتک مجدد توسط دشمن

در ساعت ۲ بامداد ۵۹/۱۰/۱۸ دشمن تعدادی گلوله‌های رنگی به هوا پرتاب و همه پرسنل فکر می‌کردند که دشمن اقدام به تک شیمیائی نموده و همه ماسک زدند، در صورتی که بعداً مشخص شد چنین چیزی نبوده بلکه گلوله‌های اعلام خبر بوده است.

در ساعت ۸ صبح مورخه ۵۹/۱۰/۱۸ مجدداً پاتک عظیم دشمن آغاز شد. آتش تهیه، تیرهای مستقیم، موشک مالیوتکا، گلوله‌های توپخانه و خمپاره دشمن شدیداً مواضع ما را، که در داخل رودخانه کرخه‌کور بود، زیر آتش قرار داد. در همین موقع فرمانده گردان به من دستور داد تا فرماندهی چهار دستگاه تانک باقیمانده گروهان را به ارشدترین فرمانده دسته یعنی ستوان خیرخواه تحویل داده و خودم به عقبه یگان (بنه گردان) بروم و خدمه‌ها و یا پرسنلی که به هر دلیل در آنجا هستند، به سلاح‌های انفرادی تجهیز کرده تا به عنوان نفرات پیاده در رزم شرکت کنند.

من به آن طرف رودخانه کرخه‌کور رفتم ولی چون وسیله‌ای جهت عزیمت به عقب یگان پیدا نکردم و بُعد مسافت تا بنه زیاد بوده و آتش دشمن هم بسیار شدید بود، مجدداً به جلو (خط مقدم) مراجعه کرده و به فرمانده گردان گزارش دادم که در حال حاضر رفتن به عقب میسر نیست. ضمناً تعداد محدودی از خدمه تانک‌ها که تانک‌هایشان سوخته یا منهدم شده هم‌رزمان مجروح و شهید خود را در داخل تانک‌ها مشاهده کرده‌اند، از روحیه مطلوبی برخوردار نیستند که بتوانند مثل افراد پیاده در رزم شرکت نمایند تعدادی نیز بر اثر بمب باران هوایی دچار موج گرفتگی شده بودند.

از داخل نفربر فرماندهی گردان که خارج شدم دانش آموز لشکری مکانیک موتوری تانک و کارمند واجاری مکانیک بیسیم را دیدم و به اتفاق آنها به سمت تانک‌های گروهان رفته و مشاهده کردیم که متأسفانه ستوان خیرخواه فرمانده دسته یکم و استوار رحمتی (راننده تانک) داخل تانک خود در حین مهمات‌گیری به علت اصابت گلوله تانک دشمن شهید شده و سوخته‌اند و یک گلوله موشک مالیوتکا هم به تانک فرماندهی (تانکی که با آن گروهان را هدایت می‌کردم) اصابت نموده، و فشنگ‌گذار تانک سرباز معصومی که قبلاً نام وی را ذکر کرده بودم، شهید و توپچی تانک گروهان رودکی هم مجروح شده است. وضعیت بسیار بحرانی و تأسفبار بود. به علت انفجار مهمات تانک‌ها و انبوه آتش که در اثر انفجار آنها داخل تانک‌ها ایجاد می‌شد، نتوانستیم به تانک ستوان خیرخواه و استوار رحمتی جهت تخلیه پیکر مطهر آنها نزدیک شویم و برابر اظهار گروهان یکم فتوتی و سرباز ناصر که تانکشان در جوار تانک آنها بود، ستوان خیرخواه و استوار رحمتی کاملاً سوخته بودند.

با کمک درجه‌داران گروهان پیکر شهید معصومی را از داخل تانک در آورده و به عقب تخلیه کردیم لحظه به لحظه فشار دشمن زیاد می‌شد و فرماندهان و پرسنل بسیار ناراحت و مضطرب بودند و از نیروی کمکی هم خبری نبود. موشک‌های ضد تانک مالیوتکای دشمن که توسط نفرات پیاده آنها هدایت می‌شد، هرگونه وسیله متحرکی اعم از آمبولانس، خودرو، تانک و غیره را منهدم می‌کردند. به علت افزایش تعداد شهدا و مجروحین نفرات پیاده باقیمانده هم توان رزمی خود را از دست داده بودند. به دلیل کمبود آمبولانس مجروحین و شهدا با کامیون‌های غذا و مهمات به عقب تخلیه می‌شدند. نفرات بسیج که به عنوان نیروی کمکی به یگان‌ها مأمور شده بودند، به علت انبوه حجم آتش دشمن نمی‌توانستند جلو بروند. با توجه به نابرابری نیروی خودی و دشمن یگان‌ها حالت پدافندی اتخاذ نمودند، زیرا نیروی کمکی و یگان احتیاطی در دسترس نبود. هواپیماهای دشمن با بمباران شدید و در سطح پائین و رگبار تیربارهای مربوطه تلفات زیادی به نیروهای خودی وارد آوردند، گرچه اکثر رزمندگان با امکانات موجود سرسختانه پدافند و مقاومت می‌کردند، به طوری که بر اثر انبوه شلیک لوله‌های بعضی از خمپاره‌اندازها و تانک‌ها ترکیب شدند.

عقب‌نشینی نیروها پس از پاتک دشمن

بالاخره در ساعت ۱۷ (مورخه ۵۹/۱۰/۱۸) دستور داده شد که در شروع تاریکی یگان‌ها یک خیز برای اشغال خط تأخیری بعدی به عقب بروند، ولی در همین لحظه تانک‌ها و نفرات پیاده و نفربرها و سایر ادوات به علت اشتباه در زمان عقب‌نشینی مجدداً با بی‌نظمی و بدون رعایت اصول تاکتیکی شروع به عقب‌نشینی کردند. روی تانک‌ها علاوه بر خدمه‌ها حدود ۲۰ الی ۲۵ نفر پیاده سوار شده بودند. خوشبختانه دشمن هم به علت ترس و وحشتی که از رزمندگان ما داشت نتوانست استفاده از موفقیت و تعاقب را انجام دهد و گرنه تلفات لشکر در حد جبران ناپذیر و بسیار سنگین می‌گردید. تعدادی از مجروحین و پیکر شهدا در منطقه کرخه‌کور باقی ماند. خودروهای چرخدار و شنیدار به عقب می‌رفتند تا اینکه در بین راه با تلاش تعدادی از پرسنل و فرماندهان عقب‌نشینی یگان‌ها را متوقف کرده و در منطقه جلالیه و ابوحمیظه کنار جاده اهواز - سوسنگرد مستقر نموده و به حالت ناراحت و نگران شب را به صبح رساندیم. تعدادی از فرماندهان، واحدهای خود را گم کرده بودند. با شروع سپیده دم صبح ۵۹/۱۰/۱۹ نفرات کم‌کم یکدیگر را پیدا کرده و مجدداً دستور داده شد که در حاشیه جاده حالت پدافندی اتخاذ کنیم که بلافاصله نفرات و خدمه تانک‌های گروهان را یکی، یکی پیدا کرده و در حال سازماندهی گروهان برای پدافند گردیدیم. پس از مدت کوتاهی، بمباران هوایی دشمن شروع شد که این امر باعث ایجاد تلفات و خسارات برای نفرات و تجهیزات برخی از یگان‌ها گردید. یک فروند هواپیما که در حال بمباران خط پدافندی خودی بود توسط موشک‌های سهند یکی از یگان‌ها مورد اصابت قرار گرفت و در جلو خط منهدم و تبدیل به کوهی از آتش شد. همه خوشحال شده و شادی نمودیم، ولی متأسفانه پس از بررسی مشخص شد که هواپیمای خودی بوده که اشتباهی خط مقدم خودی را بمباران کرده. لذا آن شادی، مجدداً به تأسف و ندامت و ناراحتی تبدیل شد، زیرا خلبان کاملاً سوخته بود.

درخواست یک یگان داوطلب و حرکت نیروها یک خیز به جلوتر

پس از چند روز از استقرار ما در حالت پدافندی، به منظور تأمین جاده اهواز به سوسنگرد از تیر مستقیم تانک دشمن، فرمانده تیپ خواستار یک یگان داوطلب شده بود که به اندازه یک کیلومتر به جلو برود. فرمانده گردان ۲۲۰ اجرای امر مذکور را تقبل نموده، بنابراین اولین تانک داوطلب به فرماندهی استوار غلام‌بیگی، جمعی گروهان یکم، به همراه فرمانده گردان

(سرگرد فردوسی) و یک دستگاه تانک از گروهان سوم در تاریخ ۵۹/۱۰/۲۲ به جلو حرکت کرد و تعدادی نفرات پیاده هم شبانه به محل جدید اعزام شدند و فردا (مورخه ۵۹/۱۰/۲۳) قرار بود که همه گروهان ها نیز یک خیز به جلو حرکت کنند. در همان موقع که در حال شناسائی در جلو بودیم، اطلاع دادند که استوار غلامبیگی با گلوله تانک خود یک فروند هلی کوپتر دشمن را منهدم کرده و باعث شور و شادی زیادی بین خدمه های مذکور شده است. متأسفانه پس از چند لحظه یک فروند موشک مالیوتکا دشمن به تانک استوار غلامبیگی اصابت کرده و نامبرده بلافاصله شهید می گردد. شهادت استوار دلیر و ایثارگر و باشهامت اثر عمیقی در روحیه پرسنل گذاشته و همه را متأثر کرد. بالاخره گردان یک خیز حدود سه کیلومتر به جلو حرکت کرده و در محل جدید به همراه کلیه فرماندهان اعم از گردان و گروهان مستقر گشت. مبادله آتش بین طرفین به شدت ادامه داشت. کم کم منطقه پدافندی تثبیت شد و به علت حجم آتش و تیر مستقیم دشمن تدارکات آب و غذا و ایاب و ذهاب نفرات اکثراً در شب انجام می گرفت.

نظری اجمالی به محاسن، معایب و علل شکست نیروها در عملیات هویزه (عملیات نصر) محاسن:

۱. تک در ساعت ۱۰ صبح مورخه ۵۹/۹/۱۵ اجرا گردید و دشمن کاملاً غافلگیر شد، به طوری که اسرا اظهار می کردند ما اطلاع داشتیم که شما می خواهید حمله کنید، ولی بعد از ساعت ۹ صبح دستور دادند که به سنگرهای خود برویم و مشغول صرف صبحانه بودیم که شما حمله کردید.

۲. پس از تک گسترده دشمن به مرزهای ج. ا. ا، این اولین تک هماهنگ بود که در مرحله اول آن بیش از ۸۰۰ نفر، از نیروهای دشمن اسیر و بیش از ۱۰۰۰ نفر کشته و مجروح شده و تیپ های ۳۵ و ۴۳ دشمن کاملاً منهدم شدند.

۳. تعداد قابل ملاحظه ای تانک خودی در این عملیات شرکت نمود که عملیات زرهی به این گستردگی در منطقه سابقه نداشت.

۴. تلفات نیروهای خودی در مرحله تک بسیار ناچیز بود و اهداف اولیه بصورت برق آسا تصرف شد.

۵. شناسایی از منطقه بسیار خوب انجام گرفته بود.

۶. دشمن، تجهیزات و ادوات زیادی از خود به جا گذاشت که به عنوان غنائم به عقب تخلیه شدند.

۷. اخلاق و رفتار نیروهای خودی با مجروحین و اسرای دشمن قابل تحسین بود.

۸. حفاظت و طبقه‌بندی طرحها و دستور عملیاتی و ساعت تک به نحو مطلوب انجام گردید.

۹. ایمان، روحیه، رشادت و ایثارگری نیروهای رزمنده ایرانی در زمان تک بسیار بالا بود.

۱۰. پشتیبانی مردمی در سطح بسیار عالی بود، خصوصاً واگذاری آمبولانس و تانکر آب و غیره.

معایب:

۱. اکثر فرماندهان برای اولین بار در جنگ واقعی شرکت کرده بودند.

۲. غرور نفرات پس از عملیات ۵۹/۱۰/۱۵ که با کمترین تلفات موفقیت بزرگی را به دست آورده بودند. بعداً همه قبول کردند نباید دشمن را در عملیات حقیر شمرد.

۳. نداشتن نیروی احتیاط قوی، جهت ادامه تک و اجرای مرحله بعدی.

۴. عدم استفاده مطلوب از نیروی پیاده، در صورتیکه دشمن به نحو مؤثر از نفرات پیاده مجهز به موشک‌های ضد تانک مالیوتکا استفاده نمود.

۵. عدم اطلاع دقیق و برآورد صحیح از نیروهای دشمن که پاتک نمودند.

۶. ضعف پدافند هوایی.

۷. حفاظت ارتباط و مخابرات به خوبی رعایت نشده بود.

۸. کمبود بولدزر و لودر و سایر اقلام مهندسی جهت ایجاد سنگر و خاکریز.

۹. هماهنگی در رده‌های پائین خوب نبود.

۱۰. پس از تصرف هدف اعمال روی هدف (تحکیم هدف و تجدید سازمان) بخوبی انجام نگرفت.

نگارش سرهنگ غلامرضا برهان حقیقی از عملیات نصر^۱

معرفی راوی:

در ۲۳ شهریور ماه ۱۳۲۹ در شهر شیراز دیده به جهان گشود و در مرداد سال ۱۳۴۸ با اخذ مدرک دیپلم وارد دانشکده افسری و در سال ۱۳۵۱ فارغ التحصیل گردید. دوره‌های آموزشی: مقدماتی و عالی زرهی، فرماندهی و ستاد. افتخارات: ۵۲ ماه حضور در جبهه‌های جنگ تحمیلی، شرکت در عملیات‌های والفجر ۴ و والفجر ۹، تدریس در مرکز آموزش زرهی و دافوس، تدوین نشریات آموزشی. شرح تجربیات:

در اواخر آذر ۵۹ طرح آفندی به نام نصر تهیه و از طریق نیروی زمینی به لشکر ۱۶ زرهی ابلاغ شد. بر مبنای طرح مذکور لشکر ۱۶ زرهی طرح خود را به نام طرح فاتح تهیه کرد که در ابتدای کار بود در دو مرحله انجام شود و در صورت موفقیت دو مرحله دیگر تا آزادی خرمشهر و پیشروی به سوی ساحل شرقی اروندرود ادامه یابد.

در مرحله اول، تیپ سوم لشکر ۱۶ زرهی در منطقه شمال کرخه‌کور تک نموده، دشمن را منهدم می‌نماید. همزمان تیپ یکم لشکر از منطقه هویزه تک نموده و کرانه جنوبی رودخانه کرخه‌کور را تأمین می‌نماید. سپس در مرحله دوم همزمان با تیپ سوم به سمت پادگان حمید پیشروی نموده و هدف مزبور را تصرف می‌نماید.

بر مبنای طرح مذکور دستور عملیاتی تهیه و به یگان‌های تابعه صادر شد. در مورد تعیین ساعت (س) روز (ر) پیشنهاد شد. ساعت ۱۰ صبح روز پانزدهم دی ماه تک انجام شود به دلیل آن که دشمن در منطقه حداکثر تا ساعت ۸ صبح انتظار هر گونه حمله‌ای را از ایران داشتند. بعد از این ساعت از آمادگی خارج شده و به استراحت و صرف صبحانه می‌پرداختند. ضمناً روز پانزدهم دی ماه مصادف با ۲۸ صفر روز رحلت پیامبر اکرم (ص) بود و دشمن تصور حمله در چنین روزی را نداشت.

۱. مطالب این بخش، از مصاحبه نگارنده با سرهنگ غلامرضا برهان حقیقی و پاسخ به پرسشنامه، برداشت شده است.

برابر دستور عملیاتی نیروی زمینی تیپ ۲ لشکر ۱۶ زرهی به عنوان احتیاج نیرو در منطقه غرب اهواز قرار می گرفت و تیپ ۲ لشکر ۹۲ که در موضع شمال کرخه کور مستقر بودند زیر امر لشکر قرار می گرفتند و با عبور از خط به لشکر ۱۶ زرهی کمک می کردند.

سازمان و گسترش نیروهای دشمن:

الف) لشکر ۹ زرهی شامل:

تیپ ۳۵ زرهی: گردان تانک البدر

گردان تانک دیر یاسین

اجرا و هدایت عملیات: (۵۹/۱۰/۱۵)

ساعت ۹:۳۰ آتشباری توپخانه های لشکر ۱۶ و اجرای آتش پر حجم به مدت ۱۵ الی ۲۰ دقیقه آتش تهیه.

ساعت ۱۰:۰۰ شروع حرکت و تک به مواضع دشمن.

تیپ ۳ لشکر ۱۶ با عبور از خط تیپ ۲ لشکر ۹۲ در جنوب جاده سوسنگرد حمیدیه گسترش و به سوی کرخه کور پیشروی نمودند.

ساعت ۱۰:۰۰ از هویزه حرکت و علیرغم آتشباری دشمن به تک خود ادامه دادند.

۱۰:۲۵ درگیری تیپ ۳ با دشمن، غافلگیری و انهدام و اسارت دشمن با عقب نشینی آنها

۱۲:۲۷ تیپ ۳ با نصب پل روی کرخه کور با عبور از آن به سمت جنوب حرکت کرد.

۱۳:۰۰ گروه رزمی ۲۳۸ سوار زرهی با نصب پل پی ام پی از فارسیات از کارون عبور و در

ساحل غربی کارون پیشروی کردند.

۱۳:۰۰ گروه رزمی ۲۹۱ لشکر مشهد با نصب پل در ملیجان از کارون عبور کردند.

۱۳:۱۵ گروه رزمی ۲۹۱ به میدان مین برخورد، سه دستگاه تانک روی مین رفته و متوقف شد.

۱۳:۱۵ گروه رزمی ۲۸۳ سوار زرهی در تیررس موشک های مالیوکا قرار گرفت و متوقف شد.

۱۴:۰۰ تیپ ۳ لشکر ۹ زرهی عراق تار و مار و حدود ۷۰۰ نفر به اسارت گرفته شد. به علاوه

مقادیر زیادی تانک، نفربر، خودرو، توپ و... به غنیمت گرفته شد.

۱۶:۰۰ تیپ ۱ و ۳ به مواضع توپخانه دشمن رسیده و آنها را به غنیمت گرفتند.

۱۶:۰۰ لشکر ۱۶ زرهی به گروهان سوار زرهی و یک گروه رزمی لشکر ۹۲ دستور تأمین

جناح غربی (منطقه عقب لشکر از غرب رودخانه نیسان و مالکیه) صادر کرد.

عناصر گروه جنگ‌های نامنظم دکتر چمران که در محور طراح فارسیات عمل می‌کردند پس از عبور از کرخه‌کور به سمت جنوب به پیشروی خود ادامه می‌دادند که زیر آتش شدید توپخانه و تیر مستقیم دشمن قرار گرفتند و تعدادی از رزمندگان شهید یا مجروح شدند. به آنها دستور عقب نشینی داده شد و جهت جلوگیری از تعقیب آنها توسط دشمن، به گروهان مکانیزه تأمین جاده حمیدیه، طراح دستور تقویت و جلوگیری از نفوذ دشمن صادر شد.

روز دوم عملیات نصر: (۵۹/۱۰/۱۶)

۰۸:۰۰ لشکر آماده پیشروی به سمت شرق بود که برابر گزارش خلبانی که بر فراز منطقه پرواز شناسایی داشت اطلاع دادند که نیروهای دشمن در جناح جنوبی لشکر متمرکز شده‌اند. این وضعیت در حالی است که لشکر ۱۶ در زمین کاملاً باز قرار داشته و از جناح راست و عقبه آن آسیب‌پذیر بود.

۰۹:۳۰ پاتک دشمن علیه لشکر ۱۶ زرهی آغاز شد (با تانک‌های TV۲)

۰۹:۵۰ دشمن از جنوب و شرق به یگان‌های لشکر که در دشت کاملاً باز و بدون جانپناه عمل می‌کردند حمله نمودند.

تیپ ۱ که در جناح راست عمل می‌کرد مورد فشار شدید قرار گرفت. پیشروی تیپ متوقف و یگان‌ها حالت پدافندی گرفتند.

عقبه لشکر از غرب سوسنگرد تهدید شد که توسط گردان ۱۴۸ پیاده و عناصری از سپاه، دشمن در ساحل نیسان متوقف شد.

۱۳:۰۰ تک دشمن به تیپ ۱ از سه طرف شرق، جنوب و غرب آغاز شد. علیرغم تلاش لشکر ۱۶ زرهی و هوانیروز و نیروی هوایی، دشمن در ساعت ۱۴:۰۰ به یک کیلومتری محل استقرار تیپ ۱ رسیدند و جنگ واقعی تانک‌ها شروع شد. (لشکر ۱۶ زرهی ۱۳۰ دستگاه تانک و نفربر از دست داد که ۷۸ تانک آن چیفتن بود)

دشمن با استفاده از موشک‌های مالیوتکا، نفربرهای BMP و مالیوتکا چمدانی تانک‌های تیپ ۱ را مورد اصابت قرار می‌دادند.

۱۵:۰۰ دشمن به عقبه تیپ ۱ حمله کرد که این تک توسط هوانیروز خنثی شد و یگان‌های تک‌ور دشمن به عقب رانده شدند.

لشکر به تیپ ۱ دستور عقب نشینی داد و عناصری از تیپ ۳ و تیپ ۲ لشکر ۹۲ به کمک تیپ ۱ فرستاده شد که به علت درگیری قطعی تیپ ۱ نتوانست یک خیز به عقب حرکت کند. ۱۶:۰۰ آتشباری دشمن فروکش کرد و یگان‌های لشکر با تشدید سازمان عناصر باقی مانده و تجدید سوخت و تجدید مهمات خود را برای مقابله با دشمن مهیا کرد.

روز سوم عملیات نصر (۵۹/۱۰/۱۷)

۰۹:۰۰ تک دشمن از جنوب و شرق روی تیپ ۳ شروع شد. ۱۰:۰۰ یک واحد زرهی دشمن از غرب نیسان به آبادی مشرفه رسیدند بر اثر تلاش گردان ۱۴۸ پیاده و عناصری از رزمندگان سپاه عبور آنها متوقف شد. ۱۳:۰۰ فشار دشمن از طرف جنوب تیپ زیاد شد و قرارگاه لشکر مورد اصابت بمباران قرار گرفت.

واحدهای دشمن به ۹ کیلومتری هویزه رسیدند و در حال پیشروی بودند. ۴ فروند هواپیما و ۶ فروند هلیکوپتر به کمک لشکر ۱۶ زرهی آمدند و به لشکر ۱۶ زرهی دستور عقب‌نشینی به شمال کرخه کور داده شد.

روز چهارم عملیات نصر (۵۹/۱۰/۱۸)

۰۷:۳۰ تانک‌های دشمن به سوی کرخه کور پیش روی و به فاصله ۱۵۰ متری مواضع تیپ ۳ رسیدند.

لشکر دستور اجرای آتش‌های نزدیک منطقه نبرد را صادر کرد و آماده اجرای آخرین آتش‌های استحقاقی شد.

نیروی هوایی و هوانیروز تانک‌های دشمن را مورد اصابت قرار دادند. جناح شرقی تیپ ۳، که به یگان سوار زرهی و رزمندگان سپاه واگذار شده بود، در هم شکست و رخنه از سمت جنوب شرقی متصور بود.

۱۰:۳۰ لشکر دستور عملیات تأخیری به کرانه شمالی کرخه کور صادر کرد. در پایان روز ۵۹/۱۰/۱۸ یعنی بعد از چهار روز عملیات نفس‌گیر، لشکر مجبور به عقب‌نشینی به مواضع پدافندی اولیه خود قبل از عملیات نصر گردید.

روز پنجم عملیات نصر (۵۹/۱۰/۱۹)

در این روز دشمن از انجام هرگونه عمل آفندی خودداری و لشکر ۱۶ زرهی از این پس در جهت تحکیم مواضع خود در جنوب جاده حمیدیه سوسنگرد پرداخت. برابر شناسایی هلیکوپترها، دشمن در مواضع خود قبل از عملیات نصر مستقر شده بود. شهر هویزه در قبل از عملیات توسط رزمندگان سپاه و بسیج حفظ و نگهداری می شد و دشمن در آن حضور نداشت اکنون با توجه به شرایط پیش آمده توسط دشمن اشغال شده بود. بین سپاه های دو و سه عمل الحاق انجام شد.

روزهای ۲۰، ۲۱ و ۲۲ دی ماه، دشمن در جناح راست لشکر جهت تصرف مجدد سوسنگرد فشارهایی وارد می نمود که با تلاش باقیمانده لشکر ۱۶ زرهی و توپخانه و نیروی هوایی و هوانیروز اقدام او ناکام ماند.

تجزیه و تحلیل عملیات نصر

۱- اصل هدف: این اصل که اساس و شالوده سایر اصول است. در این عملیات منظور بوده است. هدف این عملیات در آن برهه زمانی یک هدف سیاسی می توان فرض کرد چرا که احساسات مردم و فشار مقامات مبنی بر اینکه ارتش می تواند حمله کند و دشمن را بیرون کند ارتش را وادار به طرح ریزی و اجرای این عملیات کرد. از طرفی در نظر گرفتن هدف نهایی که بیرون راندن دشمن از مرز و استقرار نیروی خودی در ساحل غربی اروندرود بود می توانست یک هدف استراتژیک باشد. چرا که بعد جهانی آن وسیع بود. از نظر تاکتیکی هم در نظر گرفتن هدف های هر مرحله هم قابل قبول است به دلیل آن که برای هر مرحله هدف مشخصی در نظر گرفته شده بود (هدف مرحله اول پادگان حمید) کاملاً مشخص بود. امکان دسترسی به این هدف چون از غرب مشکل بود (باتلاقی بودن زمین) این امکان را از طرف شمال در نظر گرفتند و به همین علت باتلاقی بودن زمین دسترسی به هدف مشکل شد. در صورت دسترسی به آن قابل نگهداری بود. هدف مرحله بعد با خط خیز مشخص شده بود مثل خط خیز کرکس در امتداد سیمرغ.

۲- اصل آفند: پیشروی به سوی دشمن به منظور کسب آزادی عمل، ابتکار عمل، بالا بردن روحیه، برهم زدن تعادل دشمن و به ویژه تحمیل اراده به دشمن این عملیات بر پایه اصل آفند بود چرا که با اجرای آن روحیه پرسنل بالا رفته، آزادی عمل به دست آوردیم. در مرحله یکم

وقتی که تیپ ۴۳ عراق محاصره شد و ۸۰۰ نفر اسیر گرفتیم بیشتر اسراء از ترس، از تانک پیاده شده و قصد فرار داشتند که به اسارت نیروهای ما در آمدند.

۳- اصل سادگی: یعنی ساده بودن طرح‌ها و دستورات و نداشتن ابهام از نظر اجراء، کاملاً ساده و روشن بود به طوری که آتش و مانور و الحاق دو تیپ عمل کننده را روی خط هدف هماهنگ و قابل اجراء کرد و عمل الحاق به خوبی انجام شد. مشکل در تدارکات به وجود آمد به علت نبود جاده مجبور شدند به نفرات مأموریت بدهند که به عقب رفته و مهمات بیاورند، این امر باعث سردرگمی و عقب ماندن تانک‌ها هم شد و یکی از علل ناکامی مرحله دوم همین مسئله می‌باشد و گزینه طرح ساده بود.

۴- اصل وحدت فرماندهی: یعنی هدایت تلاش‌ها و منابع در یک جهت و به سوی یک هدف مشترک زیر امر یک فرمانده.

در اصل وحدت فرماندهی در رده‌های بالا کاملاً رعایت شده است. شخصیت و خصایل فرمانده، ستاد و قابلیت آنها و سازمان تحت کنترل او کاملاً عالی بود و لشکر ۱۶ واجد تمام شرایط بود. شخص فرمانده لشکر و فرماندهان تیپ، حتی فرماندهان گروه‌های رزمی همه از افسران لایق و خوشنام و باسواد بودند. ستاد لشکر ۱۶ قزوین یکی از قویترین و بهترین سازمان‌های نذاجا بود و همیشه الگو و نمونه بود. خود یگان‌ها هم نسبت به سایر لشکرها نسبتاً کامل‌تر بود هم از نظر پرسنلی و هم از نظر تجهیزات.

ممکن است بعضی روی شخص بنی‌صدر ایراد بگیرند که مقام معظم رهبری که آن زمان نماینده حضرت امام در شورای عالی دفاع و در منطقه حضور داشتند خیانت او را در این عملیات روا ندانستند چرا که این عملیات توسط ستاد مشترک (شهید فلاحی) و فرمانده نیروی زمینی (سرتیپ ظهیرنژاد) و لشکر ۱۶ طرح‌ریزی و اجراء شد.

در ماده ۴ طرح و دستور عملیاتی قرار شده بود استانداری خوزستان لودر و بلدوزر مورد نیاز لشکر ۱۶ را تأمین کند. متأسفانه استانداری (آقای مهندس غرضی) نتوانست لودر و بلدوزر مورد نیاز را پس از رسیدن تانک‌ها و نفرات روی هدف در اختیار لشکر قرار دهد و همین مسئله باعث شد روز دوم تانک‌ها در زمین باز و مورد اصابت موشک‌ها قرار گرفتند. عدم ارتباط ۱۵۰ نفر رزمندگان سپاه پاسداران به فرماندهی شهید علم‌الهدی در روز دوم ناشی از عدم رعایت اصل وحدت فرماندهی بوده است.

۵- اصل تمرکز قوا: یعنی تمرکز قدرت رزمی برتر در زمان و مکان معین. با توجه به استقرار دشمن می‌توان گفت تمرکز در نقطه ضعف دشمن یعنی همان شکاف یا فضای خالی ۱۰ کیلومتری ما بین لشکر ۵ و لشکر ۹ عراق در جنوب هویزه. با اجرای آتش تهیه یگان‌های لشکر ۱۶ زرهی (تیپ ۱) از این فاصله تک خود را آغاز و با یک مانور احاطه، تیپ ۴۳ و گردان ۱۴ تانک را محاصره و ۸۰۰ نفر عراقی را به اسارت درآوردند.

۶- اصل صرفه جویی در قوا: برای صرفه جویی در قوا بایستی نیروهای غیرضروری را از مناطق کم اهمیت برداشت تا در نقطه مورد نظر تمرکز داد. با توجه به کمبود نیرو در سراسر منطقه، نیرویی که بتوان از منطقه برداشت نبود لذا رعایت این اصل نه در این عملیات بلکه در سراسر جبهه‌ها رعایت نشده بود.

۷- اصل مانور: یعنی حرکت و جابجایی حساب شده عده‌ها و آتش‌ها در زمان و مکان معین و قرار دادن آنها در وضعیتی برتر نسبت به دشمن. اجرای عملیات با یگان‌های زرهی خود رعایت اصل مانور است. به ویژه اجرای عمل تیپ ۱ که با احاطه به سوی هویزه، تیپ ۴۳ عراق را به محاصره انداخت.

مانور به کار رفته در مرحله یکم در نوع خود بی نظیر است زیرا تیپ ۳ با اجرای تک جبهه‌ای دشمن را از روبرو درگیر و تیپ ۱ با عمل احاطه حدود ۲۰ کیلومتر شرق هویزه پشت توپخانه عراق سر درآورد.

با اجرای این مانور در روز اول تا ساعت ۴ بعد از ظهر حدود ۸۰۰ نفر به اسارت گرفته شدند. تیپ ۱ و تیپ ۳ در همان روز اول نبرد حدود ۳۰ کیلومتر پیشروی کردند، که بسیار عالی است. ۸- اصل غافلگیری: یعنی ضربه زدن به دشمن در زمان و مکانی که آمادگی آن را نداشته باشد یا فرصت عکس العمل نداشته باشد.

در طرح‌ریزی اصل غافلگیری مد نظر بوده چون علیرغم آنکه در روزهای قبل از عملیات همه جا گفته می‌شد که حمله خواهیم کرد. حتی امام جمعه اهواز در نماز جمعه گفته بود دشمن جابجایی‌های ارتش را زیر نظر داشت و احتمال حمله ایران را می‌داد. با اطلاعات به دست آمده معلوم شد که دشمن آمادگی مقابله با ایران را داشته و احتمال می‌داده که شب یا اوایل صبح حمله خواهد کرد. لذا تا ساعت هشت هر روز آماده بودند و از آن به بعد از آمادگی

خارج می‌شدند و به صرف صبحانه و استراحت و کارهای شخصی می‌پرداختند. طراحان و فرماندهان با توجه به این عادت دشمن ساعت ده صبح را جهت آغاز حمله انتخاب کردند همچنین حمله روز رحلت پیامبر اکرم(ص) بود که عراقی‌ها احتمال نمی‌دادند ایران در این روز حمله کند. لذا با انتخاب زمان دقیق و مناسب در زمان تک عراقی‌ها کاملاً غافلگیر شدند. عراق هیچ گاه فکر نمی‌کرد ایران روز حمله کند و همین امر باعث غافلگیری آنها شد. و فیک سامرایی به این مسئله اذعان می‌کند که اجرای تک در روز روشن موجب غافلگیری ما شد.

۹- اصل تأمین: یعنی رعایت مواردی که از غافلگیر شدن جلوگیری می‌کند و آزادی عمل را برای فرمانده حفظ می‌کند. با رعایت این اصل نمی‌توانیم بگوییم به پیروزی می‌رسیم ولی با عدم رعایت تأمین و استفاده دشمن از عدم تأمین ما موجب شکست خواهد شد. در این عملیات اصل تأمین قبل از عملیات رعایت نشد. دشمن به خوبی می‌دانست که با تعویض تیپ ۲ لشکر ۹۲ و استقرار لشکر ۱۶ زرهی حمله‌ای در کار خواهد بود و هر روز آماده حمله بوده است لیکن روز و ساعت آن را نمی‌دانست. انجام عملیات در روز روشن و روز عزاداری پیامبر اکرم(ص) باعث غافلگیری دشمن شد.

از نظر ارتباط و مخابرات هم اصل تأمین در قبل از عملیات کاملاً رعایت و سکوت موجب غافلگیری دشمن شد. ولی با اجرای عملیات و گفت‌وگوهای فرماندهان در روزهای بعد این اصل رعایت نشده است. حتی اصابت موشک‌ها و گلوله‌ها به تانک‌ها بدون کد اعلام می‌شد یعنی به راحتی به دشمن گرا داده می‌شد.

دشمن بارها در جبهه وسیع عملیات سوسنگرد تا کرخه‌کور (حدود ۴۰ کیلومتر) در جناح راست لشکر از حدود نisan خواست به ما ضربه بزند که لشکر ۱۶ با بکارگیری گردان ۱۴۸ پیاده و عناصری از رزمندگان سپاه خطر را رفع نمود. هم می‌خواست به جاده طراح حمیدیه دست پیدا کند که آن هم با گردان سوار زرهی برطرف شد.

محاسن و معایب عملیات نصر

محاسن:

۱- انتخاب ساعت (س) روز (ر) خوب بود و همین مسئله باعث غافلگیری دشمن شد. سکوت رادیویی قبل از عملیات خوب بود.

- ۲- مانور احاطه تیپ ۱ باعث محاصره تیپ ۴۳ و توپخانه دشمن و به اسارت گرفتن حدود ۸۰۰ نفر عراقی شد. آنقدر خیالشان راحت بود که جلوی مواضع خود سبزی کاشته بودند.
- ۳- تلفات خودی در مرحله اول ناچیز بود و هدف‌های اولیه به صورت برق آسا تصرف شدند.
- ۴- تعداد قابل ملاحظه‌ای تانک در این عملیات شرکت داشتند که عملیات زرهی با این گستردگی سابقه نداشت.
- ۵- برای اولین بار رزمندگان ما عقبه و آرایش دشمن را در عمق دیدند.

معایب:

- ۱- اکثر فرماندهان و نفرات برای اولین بار در جنگ واقعی شرکت می‌کردند.
- ۲- پیروزی اولیه باعث غرور پرسنل و کوچک شدن دشمن و همین امر باعث کم کردن توان آمادگی یگان در روز بعد شد (رها کردن تانک‌ها در ۵۹/۱۰/۱۵، رها کردن و حرکت به سوی حمیدیه در ۵۹/۱۰/۱۶)
- ۳- نداشتن احتیاط قوی و متحرک یا معادل جهت ادامه تک یا مقابله با پاتک (تأخیر سه ساعته در نصب پل و عبور از رودخانه عامل اصلی ناکامی)
- ۴- عدم استفاده از پیاده نظام در همکاری تانک و پیاده و عدم استفاده از موشک‌های ضدتانک
- ۵- ضعف پدافند هوایی
- ۶- قطع ارتباط و مخابرات در کلیه رده‌ها (عدم ارتباط با عناصر سپاه پاسداران ۵۹/۱۰/۱۶)
- ۷- کمبود لودر و بلدوزر و سایر اقلام مهندسی جهت ایجاد خاکریز یا جان پناه و مواضع پدافندی
- ۸- پس از رسیدن روی هدف اعمال تحکیم هدف و تجدید سازمان صورت نگرفت
- ۹- ساعت ۳ بعد از ظهر (۵۹/۱۰/۱۶) هواپیماهای خودی مواضع خودی را به اشتباه بمباران کردند که باعث در هم ریختگی بیشتر نیروها شد.
- ۱۰- به نفرات اعلام شد برای دریافت مهمات به عقب بیایند سپس به جلو بازگردند که به اشتباه تانک‌ها هم به عقب رفتند که این اقدام موجب بی نظمی در منطقه نبرد شد.

نگارش سرهنگ زرهی سید یعقوب حسینی درباره عملیات الله اکبر (طرح خیبر)^۱

معرفی نویسنده:

در سال ۱۳۱۱ در شهرستان ابهر به دنیا آمد. در سال ۱۳۳۱ وارد دانشکده افسری و در سال ۱۳۳۴ با درجه ستواندومی فارغ التحصیل گردید.

دوره های آموزشی: مقدماتی و عالی زرهی، فرماندهی و ستاد
مشاغل: فرمانده گروهان، گردان و تیپ زرهی، افسر عملیات لشکر ۹۲ زرهی، در سال ۱۳۵۹ با آغاز جنگ تحمیلی به سمت جانشین فرمانده نزاآجا در خوزستان منصوب شد. در سال ۱۳۶۰ بازنشسته گردید.

پس از بازنشستگی، در دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش مشغول تهیه و تنظیم تاریخ جنگ شد و توانست تعداد قابل توجهی کتاب درباره ۸ سال دفاع مقدس تدوین نماید.
ایشان در سال ۱۳۸۸ به دیار ابدی پیوستند. روحش شاد و یادش گرامی باد.

شرح نویسنده:

مأموریت کلی در این طرح این بود: «قرارگاه مقدم نیروی زمینی در جنوب با بکار بردن عناصری از لشکرهای ۱۶ و ۹۲ زرهی و تیپ ۵۵ هواورد و سپاه پاسداران اهواز و نیروی نامنظم دکتر چمران در ساعت «س» روز ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ در غرب سوسنگرد و تپه الله اکبر حمله می کند و نیروهای دشمن را در منطقه نابود و تپه الله اکبر را تصرف و تأمین می نماید.»
تدبیر عملیاتی در این طرح این بود که عناصر لشکر ۹۲ زرهی در شمال رودخانه کرخه حمله می کند، تپه الله اکبر را تصرف و تأمین می نماید. همزمان با حمله لشکر ۹۲ زرهی، عناصر لشکر ۱۶ زرهی در جنوب رودخانه کرخه و غرب سوسنگرد حمله می کند و خاکریزهای دشمن را در ۶ کیلومتری غرب سوسنگرد بین رودخانه کرخه و رودخانه مالکیه تصرف و تأمین می نماید. مأموریت لشکرهای عمل کننده بر مبنای این تدبیر تعیین و ابلاغ شده بود. در این طرح نیروهای سپاه پاسداران و نیروی نامنظم زیر امر لشکرها قرار داده شده بود. با توجه به

۱. مطالب این بخش از کتاب «تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی در آغاز جنگ تحمیلی» به قلم سرهنگ زرهی ستاد سید یعقوب حسینی، انتشارات ایران سبز، سال ۱۳۹۲، بهره برداری شده است.

ملاحظات برآورد شده درباره وضعیت نیروهای خودی و دشمن و زمین و شرایط جوّی نکات مهم زیر به عنوان دستورات هماهنگی به یگان‌های شرکت‌کننده داده شده بود:

- (۱) مرحله آمادگی هرچه زودتر تمام شود.
 - (۲) غافلگیری مورد توجه قرار گیرد.
 - (۳) باتوجه به گرمای هوا مدت زمان عملیات تا ساعت ۱۰۰۰ روز ۳۱ پیش‌بینی شود.
 - (۴) به مرحله تحکیم هدف و خنثی کردن پاتک دشمن توجه شود.
 - (۵) برای جلوگیری از تلفات تانک‌ها، رده‌های مقدم حمله‌ور پیاده نظام باشد.
- به منظور تهدید جناح چپ (شمال) دشمن یک آتشبار توپخانه در دامنه جنوب‌شرقی میشداغ مستقر شود، با آتش شدید عملیات پوشش و فریب انجام دهد.
- بر مبنای دستور عملیاتی خیبر، قرارگاه مقدم نیروی زمینی در جنوب لشکرهای ۱۶ و ۹۲ زرهی دستورات عملیاتی خود را تهیه و به واحدهای تابعه ابلاغ نمودند. موضوع حائز اهمیت در این عملیات هماهنگی‌های اولیه در مرحله طرح‌ریزی بین یگان‌های نیروی زمینی و سپاه پاسداران و نیروی نامنظم بود. باتوجه به تجربه تلخی که در عملیات کرخه‌کور از ناهماهنگی بین سپاه پاسداران و لشکر ۱۶ زرهی به دست آمده بود، لازم بود نهایت تلاش به عمل آید تا از ایجاد هرگونه ناهماهنگی جلوگیری گردد. برای این منظور در شورای عالی فرماندهی، در پاسگاه ژاندارمری اهواز با حضور فرمانده کل قوا، رئیس ستاد مشترک، وزیر دفاع، جانشین عملیاتی فرمانده نیروی زمینی در جنوب، دکتر چمران فرمانده نیروی نامنظم و فرمانده سپاه پاسداران اهواز و فرماندهان لشکرهای ۱۶ و ۹۲ زرهی هم‌چنین کمیسیون‌هایی که در ستاد لشکر ۹۲ زرهی چندین بار تشکیل شد، تمام جزئیات طرح عملیات مطرح شد و مسئولیت‌ها مشخص گردید و همه فرماندهان حضوراً مسائل مشترک را درمیان گذاشتند و هماهنگی کامل به عمل آمد و بر مبنای هماهنگی‌های به عمل آمده یک دستور عملیاتی جداگانه بر اساس دستور عملیاتی خیبر برای سپاه پاسداران و نیروی نامنظم تهیه شد و به امضای فرمانده کل قوا رسید و به آنان ابلاغ شد.

خلاصه طرح عملیاتی لشکرها و سپاه پاسداران و نیروی نامنظم به این ترتیب بود که در منطقه شمال رودخانه کرخه لشکر ۹۲ زرهی تلاش اصلی را عهده‌دار بود، تیپ ۳ این لشکر حمله

می‌کرد و تیپ ۲ زرهی به عنوان احتیاط در منطقه عملیات مستقر بود که مأموریت تعرضی برای آن پیش‌بینی نشده بود. بلکه برای حفظ مواضع سدکننده پدافندی و یا سد کردن پاتک احتمالی دشمن در معابر وصولی خطرناک در نظر گرفته شده بود. تلاش اولیه با نیروهای سپاه پاسداران و گروه نامنظم بود که بایستی به محض باز شدن آتش تهیه به مواضع مقدم دشمن در تپه الله اکبر نزدیک می‌شد و خودروها و نفرات دشمن را با هجوم ناگهانی منهدم می‌کرد. طرح مانور تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی که تلاش اصلی را عهده‌دار بود، این بود که با دو گروه رزمی گردانی در جناح راست (شمال) در تپه‌های رملی عبور کرده و تپه شحیطیه در شمال غربی تپه الله اکبر را تصرف کند و با دو گروه رزمی گردانی به عنوان تلاش فرعی مستقیماً به تپه الله اکبر حمله نماید. قبل از وصول یگان‌های این تیپ به مواضع دشمن نیروهای نامنظم دکتر چمران از شمال و جنوب به مواضع دشمن نزدیک شده و نیروهای مقدم دشمن را نابود سازند.

در جنوب رودخانه کرخه تیپ ۵۵ پیاده تقویت شده با سپاه پاسداران حمله می‌کند. خاکریزهای مقدم دشمن را تصرف می‌نماید و تیپ ۱ لشکر ۱۶ زرهی تیپ ۵۵ را دنبال و پشتیبانی می‌نماید. آخرین هماهنگی‌ها در صبح روز ۳۰ اردیبهشت‌ماه در ستاد لشکر ۹۲ زرهی با حضور کلیه فرماندهان به عمل آمد و ساعت شروع حمله ساعت ۰۴۰۰ صبح روز ۳۱ اردیبهشت‌ماه تعیین و حضوراً به فرماندهان ابلاغ گردید و مدت زمان آتش تهیه ۳۰ دقیقه تعیین شد که از ساعت ۰۳۳۰ بایستی آغاز گردد.

هدایت عملیات

فرماندهی عملیات با جانشین عملیاتی فرماندهی نیروی زمینی در جنوب (سرهنگ زرهی ستاد حسینی) بود. قرارگاه مقدم نیروی زمینی در جنوب در دزفول مستقر بود، لذا برای هدایت عملیات گروه فرماندهی قرارگاه مقدم به اهواز عزیمت کرده بود و در کنار قرارگاه تاکتیکی لشکر ۹۲ زرهی واقع در تپه‌های شمال غربی حمیدیه مستقر شده بود. فرمانده نیروی زمینی تیمسار سرتیپ ظهیرنژاد در این موقع برای خرید تجهیزات و مهمات به کره شمالی سفر کرده بود، کلیه تغییر مکان‌ها تا روز ۳۰ اردیبهشت تکمیل گردید و یگان‌های شرکت‌کننده آماده حمله شدند. شب ۳۰ به ۳۱ اردیبهشت‌ماه کلیه رزمندگان به ویژه فرماندهان آخرین تلاش‌های خود را برای آمادگی هرچه بیشتر به کار بردند. دستور داده شده بود که کلیه پرسنل شب را استراحت کنند تا برای حمله نیروی جسمانی کافی داشته باشند، ولی عملاً اکثر پرسنل

بخصوص فرماندهان در آن شب بخواب نرفتند. زیرا این نبرد برای فرماندهان یک نبرد سرنوشت ساز و آغازگر تعرض متقابل ارتش ایران برعلیه متجاوزین عراقی بود. موفقیت یا شکست این عملیات اثرات شایان توجهی در عملیات بعدی داشت و بعد از چهار ماه توقف، اولین زورآزمایی جدی ارتش ایران با ارتش متجاوز بود و در حقیقت این نبرد کلید درهای بسته شده جنگ بود و چنانچه نیروهای ما با استفاده از این کلید موفق می شدند درهای پیش روی را برای نیروهای ما باز کنند، ادامه پیش روی امکان پذیر می شد. در غیر این صورت عملیات برای ماه های طولانی دیگر هم چنان متوقف و مسدود می ماند و این حالت کلاً به ضرر کشور جمهوری اسلامی ایران بود، از طرفی این حساسیت فوق العاده نبرد تا حدودی نگرانی ها را نیز افزایش می داد و فرماندهان را وادار می کرد که محتاط تر عمل کنند و تا حدودی از جسارت و روح تهاجمی فرماندهان کاسته می شد. سرهنگ حسینی فرمانده عملیات خیبر در خاطرات خود چنین می گوید:

«شب قبل از حمله در قرارگاه لشکر ۹۲ زرهی با فرمانده لشکر و افسران ستاد بسر بردیم. تا ساعت ۲۴۰۰ با هم صحبت می کردیم و احتمالات نتیجه نبرد را بررسی می نمودیم. همه امیدوار بودیم که پیروز می شویم و لشکرها می توانند هدف های تعیین شده را تصرف نمایند. تنها نگرانی ما از جناح چپ منطقه عملیات در امتداد کرخه کور بود که تیپ ۳ لشکر ۱۶ زرهی به سمت جنوب دفاع می کرد و هرگونه تلاش دشمن در این جبهه می توانست حداقل عملیات لشکر ۱۶ زرهی را مختل سازد. چنان که روز ۲۹ اردیبهشت دشمن در این منطقه حمله کرد ولی نتیجه ای نگرفت. بهر حال ساعت ۲۴۰۰ خوابیدیم، ولی هیچ کدام از افسران به خواب نرفتند. همه برای رسیدن ساعت ۰۳۳۰ انتظار می کشیدند، ساعت ۰۳۰۰ همه برخاستند، شب مهتابی و شاعرانه ای بود. یک روح صفای عرفانی در جبهه محسوس می شد، تانک ها به حرکت درآمدند، صدای غرش تانک های چیفتن که از دور به گوش می رسید و در آن بیابان بیکران می پیچید، احساس خاصی در انسان ایجاد می کرد، همه شاد و خوشحال بودند، قبل از آغاز حمله افسران نماز صبح را خواندند، من بعد از نماز از خداوند بزرگ درخواست کمک کردم. برای شخص من این عملیات به منزله تعیین سرنوشت جنگ بود و تصمیم داشتم در صورت موفقیت در این نبرد عملیات تعرضی را در تمام جبهه جنوب اجرا کنم و اگر در این نبرد موفق

نمی‌شدیم همه امیدهای من بر باد می‌رفت. افسران دیگر هم مثل من بودند. به خصوص سرهنگ نیاکی، فرمانده لشکر ۹۲ زرهی، که پیش من بود کاملاً با من هم‌عقیده بود. بالأخره ساعت موعود یعنی ساعت ۰۳۳۰ صبح روز ۳۱ اردیبهشت‌ماه فرا رسید و توپ‌ها به غرش درآمدند و با غرش توپ‌ها همه نگرانی‌ها و اضطراب‌ها برطرف شد و مثل این که شاهد موفقیت در همان لحظه نصیب ما شد. »

هشت گردان توپخانه یابیش از یکصد قبضه توپ ۱۳۰ و ۱۵۵ و ۱۷۵ و ۲۰۳ میلی‌متری مواضع دشمن را زیر آتش گرفتند. آتش تهیه به مدت ۳۰ دقیقه پیش‌بینی شده بود، ولی اجرای آن بنا به دستور قرارگاه بود. این دستور روز قبل از اجرا صادر شده بود. منتهی با این شرط که این آتش در زمان هجوم پیاده نظام، پاسداران و نیروهای نامنظم به مواضع مقدم دشمن به مواضع عقب دشمن اجرا گردد، بنابراین آتش تهیه از نظر انهدام مواضع مقدم دشمن و تسهیل پیش‌روی نیروهای مقدم ما تأثیر زیادی داشت. آتش تهیه کمک بسیار بزرگی به موفقیت اولیه کرد. زیرا افراد دشمن که ناگهانی زیر آتش سنگین توپخانه ما قرار گرفتند، هم‌زمان با آن رزمندگان ما به مواضع مقدم دشمن هجوم بردند، دشمن در مقابل یک وضع مبهم و غیرعادی قرار گرفت و طبق اظهارات اسرا در همان دقایق اولیه کنترل و فرماندهی دشمن دچار اختلال شد. روش عملیات رده مقدم حمله به این صورت پیش‌بینی شده بود که در جبهه الله‌اکبر شبانه دو گروه پیاده از عناصر نیروی نامنظم از شمال و جنوب به مواضع دشمن نزدیک شوند. حرکت این افراد هنگام نزدیک شدن باید در اختفای کامل انجام می‌گرفت تا دشمن متوجه آنها نشود و آنها باید تا ساعت ۰۴۰۰ صبح خود را به نزدیک سنگرهای دشمن می‌رساندند، به نحوی که رأس ساعت ۰۴۰۰ به داخل سنگرهای دشمن می‌ریختند. این برنامه با دقت کامل اجرا شد و درست رأس ساعت تعیین‌شده و هم‌زمان با بلند کردن آتش توپخانه رزمندگان ما به سنگرهای دشمن ریختند و با آر. پی. جی ۷ تانک‌ها و نفربرهای دشمن را زیر آتش گرفتند. صداهای انفجار و دود و آتش تانک‌ها و نفربرهای تیرخورده دشمن وحشت عجیبی در نفرات دشمن ایجاد کرد و نظر به این که منطقه هدف خیلی وسیع نبود و تقریباً تمام منطقه هدف تحت آتش توپخانه قرار گرفته بود، عوامل دشمن که در مواضع عقب‌تر مستقر بودند تصور کرده بودند که مواضع جلو کاملاً سقوط کرده، لذا مقاومت قابل ملاحظه‌ای نکرده و از همان اول بی‌نظمی در

سازمان دشمن و عقب نشینی آنها گزارش گردید. با آغاز روشنایی عناصر تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی به حرکت درآمدند و به سمت هدف پیش روی کردند. گزارشات اولیه حاکی از ضعف مقاومت دشمن بود و در ساعات اول حمله افراد دشمن تسلیم می شدند، بدون این که عکس العمل قابل ملاحظه ای نشان دهند. پیش روی عناصر تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی ابتدا در هر دو محور شمالی و جنوبی خیلی سریع بود، ولی محور شمالی که تلاش اصلی بود هنگام پیش روی به میدان مین برخورد کرده بود. این میدان در شمال شرقی تپه شحیطیه به وسیله دشمن و در نزدیک مواضع آن ایجاد شده بود. لذا گروه رزمی ۱۴۵ و ۲۶۱ تیپ ۳ زرهی در مقابل این میدان مجبور به توقف شده بود و دشمن موفق شده بود ۶ دستگاه تانک و ۱۳ دستگاه نفربر این دو گروه رزمی را با موشک ضدتانک از کار بیاندازد. پرسنل نامنظم دکتر چمران که با این میدان مین برخورد کرده بودند، به علت وسعت زیاد آن نتوانسته بودند به موقع مین ها را خنثی نمایند و تعدادی از آنان (حدود ۳۰ نفر) که از شوق ایمان به هیجان آمده بودند، داوطلبانه و ایثارگرانه خود را به داخل میدان مین زده بودند تا با نثار جان خود این مانع را از سر راه نیروهای ما بردارند. تعدادی از آنان در این عمل شهید شدند، متأسفانه میدان مین باز نشد و ستون محور شمالی تیپ ۳ زرهی نتوانست آن میدان را دور بزند و هدف خود را که تپه شحیطیه بود، تصرف نماید. ولی جناح چپ (جنوب) تیپ موفق شد تا ساعت ۰۸۰۰ صبح یعنی ظرف ۴ ساعت تمام تپه الله اکبر را تصرف و از وجود دشمن پاک سازد. تلفات یگان محور جنوبی تیپ ۳ خیلی جزئی بود و فقط دو دستگاه تانک آسیب دیده بود. در حدود ساعت ۰۸۰۰ فرمانده تیپ ۳ زرهی تصرف تپه الله اکبر را گزارش کرد، ولی به علت نامشخص بودن وضعیت زمین در تپه شحیطیه عدم موفقیت جناح شمالی تیپ تا ساعت ۱۲۰۰ مشخص نگردید و در این موقع وضعیت بررسی شد و معلوم گردید که قسمت شمال شرقی هدف تیپ ۳ هنوز در دست دشمن است. وضعیت زمین طوری بود که چنانچه فرمانده تیپ تصمیم می گرفت تلاش فرعی خود را که در محور جنوبی بود به تلاش اصلی تبدیل کند و به پیش روی ادامه دهد، باید تلفات قابل ملاحظه ای را قبول می کرد، چون پس از عبور از تپه الله اکبر به سمت غرب یک زمین نسبتاً بازی وجود داشت که بعد از مسافتی به دامنه شرقی میشداغ می رسید و این دامنه به سمت شرق میدان دید و تیر خوبی داشت و در اشغال دشمن بود و پیاده نظام نیز نمی توانست به سادگی از این زمین

باز بگذرد و خود را به دامنه ارتفاعات برساند. چون حرکت و راهپیمایی در زمین‌های رملی سخت و خستگی‌آور بود، عدم موفقیت تلاش اصلی تیپ ۳ زرهی سبب شد که در آن روز عملیات به همان قسمت اکتفا شود. گرمای سخت هوا نیز یک عامل محدودکننده دیگر بر توقف عملیات بود. نظر دکتر چمران این بود که سعی شود تپه شحیطیه در همان روز تصرف گردد، فرمانده عملیات جنوب نیز با این نظر موافق بود، ولی حرکاتی از دشمن از سمت بستان مشاهده گردید که به نظر می‌رسید دشمن آماده اجرای حمله متقابل می‌شود. باتوجه به تجربیات جنگ‌های گذشته که از شدت پاتک دشمن داشتیم، تصمیم گرفته شد که ابتدا در تپه الله‌اکبر تحکیم هدف شود و لشکر ۹۲ زرهی آماده خنثی کردن پاتک دشمن گردد و برای تصرف تپه شحیطیه برآورد و طرح‌ریزی مجدد شود. باید قبول کرد چنانچه فرمانده گروه رزمی ۱۴۵ مکانیزه و ۲۶۱ تانک در سمت شمال حمله می‌کرد و جسارت بیشتری به کار می‌برد، می‌توانست تا عصر همان روز تپه شحیطیه را از تصرف دشمن خارج سازد. زیرا در این تپه فقط یک گروهان تقویت‌شده تانک دشمن مستقر بود و باتوجه به اینکه کلیه عناصر تیپ ۳۵ دشمن که در تپه الله‌اکبر دفاع می‌کردند یا منهدم شده و یا عقب‌نشینی کرده بودند، مسلماً با کمی فشار عناصر باقیمانده در تپه شحیطیه نیز فرار را بر قرار ترجیح می‌دادند. ولی دور زدن میدان مین و عبور از تپه‌های رملی غرب محور پیش‌روی این گروه رزمی کمی مشکل بود. بهرحال ادامه پیش‌روی برای تصرف تپه شحیطیه در آن روز میسر نشد و ۵ روز بعد این تپه به تصرف رزمندگان ما درآمد. در جبهه جنوب رودخانه کرخه که لشکر ۱۶ زرهی حمله می‌کرد، هم‌زمان با حمله در شمال کرخه تیپ ۵۵ پیاده و سپاه پاسداران به خاکریزهای عقب دشمن حمله کردند و در مراحل اولیه خاکریز سوم دشمن سقوط کرد و عناصر دشمن بدون مقاومت چشمگیری تسلیم شدند. با سقوط خاکریز سوم خاکریزهای اول و دوم که از عقب مورد تهدید قرار گرفتند بدون مقاومت چندانی تسلیم شدند و لشکر ۱۶ موفق شد هدف تعیین‌شده را قبل از ساعت ۰۸۰۰ صبح تصرف و تأمین نماید.

عملیات در جنوب کرخه خیلی ساده‌تر انجام گرفت و یگان‌های حمله‌ور به مانع مهمی برخورد نکردند. عناصر هر دو لشکر موفق شدند قبل از ساعت ۱۰۰۰ که در دستور عملیاتی خیبر تعیین شده بود، هدف‌های اشغال شده را تحکیم کنند و آماده برای مقابله با پاتک دشمن

باشند. در این عملیات از افراد دشمن بیش از ۷۰۰ نفر اسیر و بیش از ۴۰۰ نفر کشته شدند و بیش از یکصد دستگاه تانک، خودرو زرهی دشمن منهدم گردید و یا سالم به غنیمت گرفته شد. در موفقیت این عملیات فعالیت پرسنل نامنظم و سپاه پاسداران و افراد پیاده نظام فوق العاده مؤثر بود و اما نقطه ضعف اصلی این عملیات عدم امکان استفاده از موفقیت بود. با وجود این که موفقیت اولیه رزمندگان ما به حدی درخشان و مؤثر بود که عناصر دشمن رویاروی این رزمندگان ما حداکثر توان رزمی خود را در همان ساعات اول از دست دادند و عناصر باقی مانده به سمت بستان عقب نشینی کردند، ولی لشکرهای ۱۶ و ۹۲ زرهی فاقد احتیاط پر قدرت بود تا بتواند از این موفقیت استفاده کند و حمله را به سمت غرب ادامه دهد. تنها احتیاط موجود تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی بود که استعداد آن حدود ۴۰٪ بود، آن هم در حقیقت برای تأمین عقب این لشکرها در نظر گرفته شده بود و در صورتی که این احتیاط به کار برده می شد، برای مقابله با تهدیدهای احتمالی و پاتک دشمن هیچ نیروی دیگری در دسترس نمی بود و قبول خطر کردن و وارد عمل کردن این تیپ چندان منطقی به نظر نمی رسید و این کمبود سبب شد ما یک فرصت بسیار مناسب را برای فتح بستان و جدا کردن نیروهای دشمن از دست دادیم و مجبور شدیم این مرحله از عملیات را به آینده موکول کنیم. در هر حال این عملیات اولین عملیات موفقیت آمیز ما در وارد کردن ضربت فیزیکی و روانی به دشمن و ایجاد اعتماد و اطمینان به قدرت رزمی ما برای بیرون راندن نیروهای متجاوز بود و بعد از این عملیات پیش روی ما به سمت غرب ادامه پیدا کرد و در کلیه عملیات تا زمان بیرون راندن دشمن از مرز همیشه موفقیت نصیب نیروهای ما بود. لازم به یادآوری است که همزمان با حمله نیروهای ما در جبهه سوسنگرد در ۳۱ اردیبهشت ماه تیپ ۲ لشکر ۲۱ پیاده نیز در غرب شوش حمله محدود کرد و با موفقیت هدف تعیین شده را تصرف نمود و بیش از ۱۲۶ نفر از افراد دشمن را به اسارت گرفت که شرح این عملیات در قسمت دیگر بیان می گردد.

فرمانده کل قوا و جانشین رئیس ستاد مشترک و وزیر دفاع در ساعت ۱۱۰۰ روز حمله به قرارگاه لشکر ۹۲ زرهی آمدند و همراه فرمانده عملیات جنوب به خط مقدم جبهه در تپه الله اکبر رفتند و از منطقه عملیات بازدید کردند. همزمان با این بازدید تظاهرات نیروهای دشمن برای حمله متقابل مشاهده گردید و یگانهای زرهی دشمن از سمت بستان به طرف

تپه الله اکبر حرکت کردند، ولی با آتش توپخانه و تانک نیروهای ما دشمن از ادامه پیشروی خودداری کرد و در حدود ۴ کیلومتری مواضع نیروهای ما متوقف گردید.

مسئله حساسی که باقی مانده بود، پاک کردن شحیطیه از وجود عناصر دشمن بود. زیرا این تپه نسبت به مواضع یگان های ما از غرب به شرق میدان دید و تیر خوبی داشت و مزاحم نیروهای ما بود. از طرفی شرایط یگان های ما طوری بود که قبول تلفات زرهی دشوار بود. مسئله در شورای عالی فرماندهی در شب یکم خردادماه مطرح شد و تصمیم گرفته شد این تپه به وسیله پیاده نظام متشکل از نیروی نامنظم دکتر چمران و گردان ۱۴۵ مکانیزه تیپ ۳ زرهی با پشتیبانی آتش توپخانه و هلی کوپترها تصرف گردد. طرحریزی و اجرای این مأموریت به فرمانده لشکر ۹۲ زرهی (سرهنگ نیاکی) محول گردید. دشمن در روز دوم خرداد اقدام به پاتک شدید در منطقه الله اکبر کرد، ولی با مقاومت تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی مواجه گردید و عقب نشینی نمود. در همین روز عناصر دشمن در غرب شوش در منطقه تیپ ۲ لشکر ۲۱ پیاده پاتک کرد، ولی موفق نشد مواضع آبادی انگوش را از این تیپ پس بگیرد. ولی در این پاتک به گردان ۱۶۹ پیاده تیپ ۲ لشکر ۲۱ تلفات سنگینی وارد شد و حدود ۱۵۰ نفر از افراد این گردان شهید یا مجروح شدند.

طرح پاک سازی تپه شحیطیه در روز پنجم خردادماه اجرا شد و این تپه به تصرف نیروهای ما درآمد. عکس العمل دشمن در حمله به این تپه قابل ملاحظه نبود و همان گونه که پیش بینی شده بود، پیاده نظام ما ساعت ۰۸۰۰ روز پنجم خرداد این تپه را تصرف کردند و عملیات خیبر با موفقیت کامل پایان یافت.

مسائل لجستیکی

توقف و رکود ۴ ماهه در جبهه ها (بعد از نبرد کرخه کور در دی ماه ۱۳۵۹) به یگان ها فرصت داده بود تا حدودی وضعیت لجستیکی خود را بهبود بخشند و آمادگی بیشتری برای مبارزه جدی با دشمن متجاوز پیدا کنند. تلاش اساسی برای بهبود وضعیت لجستیکی صرف تعمیر وسایل ازکارافتاده بخصوص خودروهای رزمی شده بود. ولی این بهبود در چنان سطحی نبود که قسمت اعظم کمبودها را جبران نماید و کمبودهای شدید، بخصوص وسایل و تجهیزات همچنان باقی بود. بعد از نبرد کرخه کور و تحمل تلفات نسبتاً سنگین در نظر گرفته شد که وسایل و تجهیزات از کشورهای فروشنده خریداری شود و جایگزین کمبودها گردد. هیئت هایی

برای خرید وسایل و تجهیزات و مهمات به کشورهای بلوک غرب و شرق اعزام شد. نظر به این که سیستم تجهیزات ارتش ایران از دو سیستم شرقی و غربی بود، الزاماً از لحاظ تدارک قطعات و مهمات و جایگزینی وسایل بایستی به همان کشورهای سازنده و فروشنده مراجعه می‌شد. باتوجه به محاصره اقتصادی کشور ما از طرف کشورهای بلوک غرب و اکراه فروش تجهیزات نظامی از طرف شوروی که فروشنده اصلی نفربرهای زرهی توپ‌های ۱۳۰ میلی‌متری و کاتیوشا و جنگ‌افزار ضدتانک آر. پی. جی ۷ و توپ‌های ضدهوایی بود، خرید وسایل و تجهیزات و مهمات با مشکلات شدیدی مواجه گردید و به ترتیبی که جنگ طولانی‌تر می‌شد و وسایل و تجهیزات و مهمات موجود مصرف می‌گردید و فرسوده می‌شد، مشکلات رزمی یگان‌ها شدیدتر می‌گردید. از اوایل جنگ با برقراری روابط تجاری تسلیحاتی با کشور کره شمالی تهیه مهمات و بعضی جنگ‌افزار ساخت شوروی که مشابه آنها در کشور کره شمالی ساخته می‌شد تا حدودی برطرف گردید، ولی مشکل تهیه وسایل مورد نیاز از بلوک غرب به سادگی امکان‌پذیر نبود و باتوجه به اینکه کلیه تانک‌ها و قسمت عمده توپ‌های ما و موشک‌اندازها و تفنگ ۱۰۶ میلی‌متری و هلی‌کوپتر و هواپیما و وسایل مخابراتی ساخت کشورهای امریکا و انگلستان بود، عدم جایگزینی این وسایل و عدم تهیه مهمات و قطعات یدکی سبب کاهش توان رزمی ما می‌شد و این کاهش توان رزمی سبب نگرانی فرماندهان می‌گردید. مسئله فوق حساس مربوط به تانک‌ها و توپخانه ۱۵۵ میلی‌متری خودکشی و توپخانه ۱۷۵ میلی‌متری خودکشی و موشک تاو بود که وسیله اصلی رزمی نیروی زمینی بود و مهمات این جنگ‌افزارها از ماه سوم جنگ (آذرماه سال ۱۳۵۹) محدودیت پیدا کرد و با طولانی‌تر شدن جنگ و مصرف مهمات موجود، محدودیت مهمات شدیدتر و حادثه‌تر می‌شد و کراراً به یگان‌ها ابلاغ می‌گردید که از مصرف مهمات نهایت صرفه‌جویی را به عمل آورند. ولی در میدان نبرد غیرفعال تنها عامل نگهداری روحیه و میل به رزم‌جویی و خنثی کردن اثرات روانی آتش دشمن و تا حدودی وارد کردن تلفات و خسارات به دشمن آتش جنگ‌افزارهای با برد زیاد است و اگر نیروهای خودی که امکان تحرک را از دست داده امکانات آتش را نیز از دست بدهد قدرت مقاومت و مبارزه جویی خود را از دست می‌دهد. برای مشخص شدن وضع مهمات به یک نمونه اشاره می‌شود:

در تاریخ ۶۰/۲/۱۹ فرماندهی مهمات نیروی زمینی طی شماره ۱۲۰۲/۰۲/۳۶ نامه زیر را به قرارگاه مقدم جنوب اعلام کرده است:

«مهمات مشروحه زیر کاملاً در محدودیت می باشد و بعضی از آنها در آمادگاه های تابعه و سایر یگان های نیروی زمینی موجود نیست. خواهشمند است دستور فرمایید مراتب را به یگان های مستقر در آن منطقه ابلاغ فرمایند تا در مصرف مهمات مورد بحث نهایت صرفه جویی را بنمایند.»

این مهمات ۱۶ قلم از جمله شامل توپ ۱۷۵ میلی متری کاتیوشا، موشک تاو، خمپاره ۱۲۰، موشک دراگون، گلوله توپ ۹۰ میلی متری تانک، موشک آرپی جی ۷، توپ ۱۳۰ میلی متری و توپ ۱۵۵ میلی متری بود.

بر اساس اعلام فرماندهی مهمات نیروی زمینی، افسر مهمات قرارگاه مقدم جنوب بررسی هایی برای تعیین وضعیت مهمات به عمل آورد. نتیجه بسیار نگران کننده بود. به عنوان نمونه بر اساس مهمات منظور شده برای هر جنگ افزار در ذخیره عملیاتی موجودی مهمات بعضی از جنگ افزارهای مهم و حساس به این شرح بود:

توپ تانک ام ۴۷ برای ۱۳ روز، خمپاره ۸۱ میلی متری ۱۵ روز، توپ ۱۰۵ میلی متری هویتزر ۱۳ روز، توپ تانک ام ۶۰ برای ۵ روز، تفنگ ۱۰۶ میلی متری ضدتانک ۲ روز، توپ ۱۲۰ تانک چیفتتن ۵۳ روز، توپ ۱۳۰ روسی ۲ روز، توپ ۱۵۵ میلی متری کمتر از یک روز، توپ ۱۷۵ میلی متری کمتر از یک روز و سایر جنگ افزارهای سنگین کمتر از دو روز. البته این برآورد بر مبنای حاضر به کار بودن کلیه جنگ افزارها و اجرای آتش با نواخت تیر تعیین شده عملیات فعال با کلیه جنگ افزارها تهیه شده بود که مسلماً در عمل با مهمات موجود خیلی بیشتر از مدت زمان برآورد شده امکان اجرای آتش بود. نکته ای که لازم به یادآوری است، این است که درباره میزان مهمات خریداری شده در رژیم پادشاهی مسئله به طور اغراق آمیز مطرح شده بود و ملت ایرن و رهبران غیرنظامی چنین استنباط کرده بودند که ارتش ایران زمان شاه مهمات بیش از ۲۰ سال را ذخیره کرده است. در صورتی که برابر دستورالعمل های نظامی ذخیره مهمات برای ۶۰ روز در فرماندهی مهمات و برای ۳۰ روز در منطقه استقرار یگان ها و برای ۱۰ روز در دسترس لشکرها و بار مینا و مهمات آموزشی نیز در اختیار لشکرها بود. یعنی بر مبنای محاسبات لجستیکی مهمات موجود در کشور برای حدود ۴ ماه کافی بود و هنگامی که جنگ

آغاز می‌شد، باید مدت زمان احتمالی جنگ برآورد می‌گردید و به ترتیبی که مهمات موجود مصرف می‌شد، مهمات جدید یا در کشور ساخته می‌شد یا از خارج خریداری می‌گردید و جایگزین مهمات مصرف‌شده می‌شد و به همین علت بود که از ماه سوم جنگ محدودیت مهمات احساس شد و تلاش‌های شدیدی برای تهیه مهمات به عمل آمد که البته به طور نسبی موفقیت‌آمیز بود و در طول عملیات مهمات هیچ جنگ‌افزاری به صفر نرسید.

این محدودیت مهمات در عملیات الله اکبر تأثیر داشت و تلاش نیروهای ما بر این بود که در مصرف مهمات نهایت صرفه‌جویی به عمل آید. درباره وسایل و تجهیزات بخصوص خودروهای زرهی نیز این محدودیت شدید احساس می‌شد. به عنوان شاهد مثال در نبرد الله اکبر منهدم کردن و به غنیمت گرفتن بیش از یکصد دستگاه وسیله زرهی دشمن، فرماندهان ما را آن قدر خوشحال نکرد که از دست دادن ۱۰ دستگاه تانک و ۱۳ دستگاه نفربر آنها را ناراحت کرد. در روز دوم پس از تصرف الله اکبر، شکارچیان تانک دشمن موفق شدند با موشک مایوتکا با پایه پرتاب زمینی ۴ دستگاه تانک چیفتن گردان ۲۹۳ تانک لشکر ۹۲ زرهی را که در خط مقدم غرب الله اکبر موضع دفاعی گرفته بود، منهدم نمایند. تحمل این تلفات برای ما خیلی سنگین به نظر می‌رسید. زیرا گردان ۲۹۳ تانک در آغاز حمله (۳۱ اردیبهشت) حدود ۳۰ دستگاه تانک داشت. با از دست دادن ۴ دستگاه تانک دیگر استعداد آن به کمتر از ۵۰٪ می‌رسید. ضمن اینکه امکان دادن حتی یک دستگاه تانک جایگزین به این گردان وجود نداشت. البته تعداد زیادی تانک چیفتن از کار افتاده در تعمیرگاه‌ها بود که بیش از ۵۰ دستگاه آن در پارک زرهی تیپ دزفول بود، ولی به علت نداشتن قطعات یدکی امکان تعمیر این تانک‌ها وجود نداشت.

در این عملیات سایر مسائل لجستیکی نیز در حدود وضعیت مهمات و تجهیزات بود، فقط وضعیت تدارکات طبقه یک، یعنی مواد غذایی بسیار خوب بود و هیچ‌گونه کمبود قابل ملاحظه‌ای مشاهده نمی‌شد. وضعیت سوخت خودروها نیز خوب بود. از لحاظ تانک‌های بزرگ ۲۰ هزار لیتری محدودیت بود، ولی نظر به اینکه عمق منطقه عملیات کم بود و از چند کیلومتر تجاوز نمی‌کرد، مشکلی از نظر سوخت خودروها مشاهده نگردید. سایر اقلام تدارکاتی محدودیت داشت، ولی مانع اجرای مأموریت‌ها نبود. از نظر نگهداری دو مشکل اساسی بود. اول کمبود قطعات یدکی، دوم کمبود مکانیسمین و تعمیرکار که کمبود تعمیرکاران را تا حدودی پشتیبانی‌های مردمی برطرف می‌کرد، ولی کمبود قطعات یدکی روز به روز شدیدتر می‌شد.

تلاش‌هایی برای تهیه قطعات یدکی در داخل کشور به عمل می‌آمد، ولی این تلاش‌ها هنوز به نتیجه بهره‌برداری نرسیده بود. از نظر امکانات ترابری با وجود این که خودروهای چرخ‌دار یگان‌ها کمبودهای زیادی داشت و مقدرات فرماندهی ترابری نیروی زمینی هم خیلی ضعیف شده بود، ولی با تلاش و کوشش فرماندهان و مسئولین و رانندگان خودروها جبران این کمبود می‌شد و به هر ترتیبی بود وسایل و تجهیزات و تدارکات مورد نیاز یگان‌ها در دسترس آنها قرار می‌گرفت. از نظر خدمات پزشکی و بهداری و آمبولانس و دارو وضعیت مانند سایر مسائل لجستیکی با محدودیت مواجه بود، ولی تلاش شبانه‌روزی پرسنل مسئول موجود مانع از رکود غیرعادی فعالیت‌های خدمات پزشکی می‌شد. نتیجه کلی آنکه در عملیات الله‌اکبر هیچ‌گونه مشکل بفرنج لجستیکی بوجود نیامد و کلیه یگان‌های شرکت‌کننده با وسایل و تجهیزات و امکانات موجود توانستند عملیات را پشتیبانی نمایند.

نتیجه‌گیری از عملیات خیبر (الله‌اکبر)

عملیات الله‌اکبر اولین عملیات تعرضی موفقیت‌آمیز ارتش جمهوری اسلامی ایران در سطح نسبتاً وسیع بود که در آن عناصر دو لشکر زرهی حمله به هدف محدود را طرح‌ریزی و اجرا کردند. باتوجه به گذشت هشت ماه از آغاز جنگ و اجرای نبردهای تدافعی و تعرض متعدد در جبهه‌های گوناگون و کسب تجربیات عملی در میدان‌های جنگ، در طرح‌ریزی این عملیات سعی شده بود کلیه نکات مؤثر در پیروزی یا شکست مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد و برای هر مسئله پاسخ مناسبی تهیه شود. تلاش همه عناصر و یگان‌های شرکت‌کننده در سطح عالی بود. هماهنگی کامل بین فرماندهان نظامی و فرماندهان پاسدار و نیروی نامنظم برقرار شده بود. میل به مبارزه‌جویی در کلیه پرسنل در حد عالی بود. ایمان و اعتقاد همه شرکت‌کنندگان مبنی بر لزوم خارج شدن از بن‌بست جنگ و تغییر جنگ از حالت تدافعی به تعرضی در سطح ممتاز بود و نتیجه کلی که از این عملیات گرفته شد، این بود که به نیروهای ما اعتماد به نفس و اطمینان به پیروزی نهایی داد و رزمندگان ما روح تهاجمی پیدا کردند. به رزمندگان ما ثابت شد که ارتش مزدور عراق توان رزمی چندانی ندارد تا در مقابل هجوم نیروها مقاومت کند و به طور کلی روحیه رزمی پرسنل ما در اثر این پیروزی فوق‌العاده قوی شد و فرماندهان ما در رده‌های مختلف فرماندهی بیش از پیش متوجه نقاط ضعف دشمن شدند که

در عملیات بعدی اثرات شایانی در موفقیت‌ها داشت. نکات مثبت و منفی حائز اهمیت در این عملیات به شرح زیر بود:

الف) نکات مثبت مؤثر در پیروزی این عملیات

(۱) برآوردها و بررسی‌های ستادی به نحو مطلوب انجام گرفته بود و عوامل مؤثر در عملیات شامل مأموریت و جو و زمین و وضعیت نیروهای خودی و دشمن بررسی و ارزیابی گردیده بود.

(۲) زمان کافی (قریب ۲ ماه) برای بررسی‌ها و مرحله آمادگی در اختیار فرماندهان بود.

(۳) میل مبارزه جویی شدید و اجرای تعرض و شکستن بن‌بست رکود جبهه‌ها در همه رزمندگان ایجاد شده بود.

(۴) طرح‌های عملیاتی باتوجه به کلیه امکانات و واقعیت‌ها به نحوی تهیه شده بود که در اجرای آنها مشکلی مشاهده نگردید.

(۵) امکانات و استعداد رزمی موجود به نحو مطلوب به کار برده شده بود.

(۶) هماهنگی کامل بین رده‌های فرماندهی بخصوص فرماندهان نظامی و فرماندهان پاسدار و نیروی نامنظم به عمل آمده بود.

(۷) به نسبت شرایط موجود، اصول جنگ و اصول کاربرد یگان‌ها رعایت شده بود.

(۸) از آتش‌های پشتیبانی توپخانه و هوایی و هلی کوپتر در زمان و مکان مناسب به نحو مطلوب استفاده شده بود.

(۹) با رعایت اصل تمرکز قوا نیروی کافی برای اجرای تعرض در منطقه متمرکز شده بود و برتری نسبی برای نیروی خودی بوجود آمده بود.

(۱۰) از نظر نیازمندی‌های لجستیکی برآوردهای درستی انجام گرفته و در حدود مقدرات و وسایل مورد نیاز فراهم گردیده بود.

(۱۱) روحیه و ایمان و اعتقاد پرسنل در چنان سطح عالی بود که اکثریت قریب به اتفاق پرسنل برای شروع حمله بی‌تابی می‌کردند و علاقمند بودند هرچه سریع‌تر حمله آغاز گردد.

ب) نکات منفی مؤثر در عملیات

(۱) ملاحظات بیش از حد سبب شده بود که عملیات حتی المقدور محدود گردد و از توسعه عملیات اجتناب شود.

- (۲) تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی در برخورد به مقاومت شدید دشمن موفق نشد طرح مانور را تغییر دهد و تلاش پشتیبانی را به تلاش اصلی تبدیل نماید.
- (۳) عملیات استفاده از موفقیت و تعاقب به علت کمبود توان رزمی اجرا نگردید و یک فرصت مناسب برای آزادسازی شهر بستان از دست رفت.
- (۴) به علت نگرانی که از پاتک دشمن در فرماندهان وجود داشت، تعداد زیادی از وسایل سالم زرهی و مهمات باقیمانده دشمن در تپه الله اکبر به وسیله نیروهای خودی منهدم گردید. در صورتی که امکان تخلیه این وسایل به عقب جبهه وجود داشت و بیش از ۳۰ دستگاه تانک و نفربر سالم دشمن که باقی مانده بود، به وسیله پرسنل ما منهدم گردید.
- (۵) به مرحله تحکیم هدف توجه کافی نشده و در روز سوم عملیات دشمن موفق شد ۴ دستگاه تانک ما را منهدم نماید. والسلام.

نگارش سرتیپ ۲ محمود فردوسی درباره عملیات الله اکبر^۱

معرفی نویسنده:

محمود فردوسی در خرداد ماه سال ۱۳۴۴ با اخذ دیپلم ریاضی، وارد دانشکده افسری، در سال ۱۳۴۷ با پایان دوره سه ساله دانشکده افسری با درجه ستوان دومی فارغ التحصیل شده و جهت طی دوره مقدماتی به مرکز آموزش زرهی منتقل می‌گردد.

در خرداد ماه سال ۱۳۴۸ پس از طی دوره رزم مقدماتی و دوره چتربازی از شیراز به اسلام‌آباد غرب و گردان ۲۲۲ منتقل می‌گردد.

سال ۱۳۵۴ پس از طی دوره عالی به لشکر ۱۶ زرهی و گردان ۲۲۰ تانک منتقل می‌شود. با آغاز جنگ تحمیلی به عنوان فرمانده گردان ۲۲۰ به منطقه دزفول اعزام شد و در عملیات‌های عمده از جمله عملیات نصر، الله اکبر، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس در خط مقدم نبرد حضور داشت مشارالیه چندبار در صحنه نبرد مجروح شده و به جمع جانبازان هشت سال دفاع مقدس می‌پیوندد.

شرح تجربیات:

روز ۶۰/۰۲/۲۸ قرارگاه مقدم نزا جا دستور تک عملیات «الله اکبر» را ابلاغ نمود. بر همین اساس لشکر ۱۶ زرهی یگان‌هایی را که قرار بود در عملیات الله اکبر شرکت کنند در اختیار تیپ ۵۵ گذاشت؛ که از آن جمله گروه رزمی ۲۲۰ تانک بود ساعت ۸ شب یگان مهندسی پل شناور را در محل تعیین شده روی رودخانه کرخه قرار داد. آن شب و شب بعد با استفاده از تاریکی، تانک‌ها از روی پل عبور کرده و داخل سنگرهایی که از قبل آماده شده بود، مستقر و آماده شروع تک شدند.

پیروزی در عملیات الله اکبر

نیمه شب ۶۸/۰۲/۳۱ همه منتظر بودیم، قرار بود پس از اعلام رمز، ابتدا نفرات پیاده از محورهای پیش‌بینی شده حمله کنند و سپس گردان ما وارد عمل شود. نیم ساعت بعد از نیمه شب رمز مقدس «یا رسول الله (ص)» از بی‌سیم شنیده شده که آغاز عملیات الله اکبر را اعلام

۱. مطالب این بخش، از کتاب «مأموریت در ساحل نیسان» به قلم سرتیپ ۲ زرهی محمود فردوسی، انتشارات صریر، سال ۱۳۸۵، برداشت شده است.

می‌کرد. با شروع تک نفرات پیاده به سمت خاکریز دشمن حمله‌ور شدند، اما دشمن آتش سنگین گشود و در نتیجه رزمندگان ما نتوانستند به اهداف تعیین شده برسند. ده دقیقه نگذشته بود که فرمانده تیپ ۵۵ به گروه رزمی ۲۲۰ تانک دستور حرکت داد. بی‌درنگ دستور حرکت را به یگان‌های خود صادر کردم.

من در تانک فرمانده گروهان یکم ستوان فلکی بودم و به همراه تانک‌های دیگر به سمت دشمن حمله‌ور شدیم بر جک تانک ما باز بود و من از روی برجک همه تانک‌ها را زیر نظر داشتم. ستوان فلکی از داخل برجک پای مرا کشید و گفت «بیاید داخل، در برجک را ببندید و از پریسکوپ استفاده کنید» گفتم «کار از این حرف‌ها گذشته، این طور بهتر می‌توانم گردان را هدایت کنم».

همگی شروع به شلیک کردیم و از مسیرهای شناسایی شده به طرف خاکریزهای سوم و چهارم به حرکت خود ادامه دادیم. دشمن انتظار حضور تانک را نداشت با نزدیک شدن ما در هم شکست و شروع به عقب‌نشینی کرد.

۳۰ دقیقه بعد از شروع تک، تانک‌های گروهان یکم در خاکریز چهارم و گروهان دوم در خاکریز سوم مستقر شدند.

ساعت یک بامداد فرمانده تیپ ۵۵ هوا بر به لشکر ۱۶ پیام داد که تانک‌ها نرسیدند. فرمانده لشکر در جریان بود پاسخ داد: «تانک‌های فردوسی روی خاکریز چهارم است. جلوتر بروید آنها را می‌بینید بنا به گزارش فردوسی دشمن در حال فرار است».

ساعت ۱:۱۵ بامداد یک نفر بر شنی دار روسی دشمن با گلوله تانک گروهان شهبان شهبان منهدم شد و همه نفراتش کشته و زخمی شدند. در بین آنها کلی افسر و درجه دار بود.

ساعت ۱:۳۰ بامداد پس از حضور در خاکریز چهارم خط حد یگان‌ها را تعیین کرده و دستور دادم سریعاً موضع پدافندی خود را آماده کنند.

بچه‌های گروهان پیاده ۱۷۶ را هم بین تانک‌ها مستقر نمودم، به همه‌شان گفتم: «هوشیار باشید، احتمال پاتک عراق زیاد است».

نیم ساعت بعد فرمانده تیپ یکم پای خاکریز چهارم آمد و دستور داد: تانک‌ها را جابه‌جا کنید و آماده ادامه تک باشید».

دیدم سکوت جایز نیست. به سیم آخر زدم و باصراحت مقابل دستور ایشان ایستادم، گفتم «برنامه‌ای که در پایان عملیات نصر به سر ما آمد، بس است. اگر من فرمانده گردان هستم و مسئولیت یگان با من است، دستورات لازم را داده‌ام. در مورد دستور تک باید عرض کنم تا زمانی که شناسایی کامل از وضعیت دشمن نشود، مواضع خود را ترک نمی‌کنیم» جناب سرهنگ جمشیدی فردی منطقی و باسواد بود. وقتی حد خط از گروهان را توضیح دادم، آن را منطبق دانست و تأیید کرد.

در طول ۲ ساعت، تأثیر عملیات بر قوای عراق به خوبی خود را نشان داد. تمرکز آن‌ها برای حفظ پل‌های روی رودخانه نیسان بود و با حضور تانک‌ها در خاکریز چهارم مواضع توپخانه‌شان را به سمت عقب تغییر مکان دادند.

ساعتی بعد تیپ ۵۵ هوابرد در خاکریز دوم و جناح چپ نزدیک پل الوان مستقر گردید. پس از این پیروزی، لشکر ۹۲ هم موفقیت یگان‌های خود را در تپه‌های الله اکبر اعلام کرد. همانطور که پیش‌بینی کرده بودیم، پاتک عراق ساعت ۳:۰۸ صبح ۶۰/۰۳/۰۱ به سمت یگان‌های مستقر در غرب سوسنگرد آغاز شد. تلاش اصلی دشمن عقب زدن نیروهای نزدیک پل الوان و رودخانه نیسان بود. نحوه استقرار گروه رزمی ۲۲۰ تانک به صورت قوسی در نیم دایره‌ای به شعاع سه کیلومتر از مقابل رودخانه نیسان تا رودخانه کرخه بود. همین امر موجب اجرای آتش دقیق و مؤثری به سمت استقرار آنها در کنار پل‌ها و رودخانه نیسان بود و در نتیجه دشمن با دادن تلفات سنگین به مواضع پدافندی قبلی عقب نشست.

ساعتی بعد یگان‌های عراقی باز هم توان خود را در اجرای پاتکی دیگر به کار بردند که از کرده خودپشیمان شدند و نفرات و تجهیزات دیگری را از دست داده و فرار کردند. دشمن در این عملیات و پاتک‌هایش در مجموع فقط در منطقه گردان ما حدود ۲۰۰ کشته و ۱۵۰ اسیر داد. پنج دستگاه تانک و دو دستگاه نفربرشان کاملاً منهدم شد. دو دستگاه تانک و هفت دستگاه نفر بر هم سالم به غنیمت ما درآمد.

گروه رزمی ۲۲۰ تانک در مجموع عملیات تک و پاتک‌های دشمن، هشت مجروح و سه شهید داشت: سرباز شهید حمید سلیمانی، استوار شهید محمد تقی شمائلی و سرگرد شهید محمد قاسمی شیرسوار.

شهید محمد قاسمی بچه بابل و از رفقای نزدیک من بود. ایشان فرمانده گروهان ارکان و شغل سازمانی اش ستادی و امدادی و محل استقرارش عقبه گردان بود، اما به خاطر عشق و علاقه و تعهدش به خط آمده بود. دم غروب در پاتک دوم، دشمن آتش شدیدی را اجرا کرد. چند گلوله در نزدیکی ما نشست. ترکش کوچک یکی از آنها به سر او اصابت کرد. وقتی سراغش رفتم، در دم به شهادت رسیده بود.

شهادت او برای گردان ضایعه بزرگی بود. گروهان ارکان به لحاظ تعداد نفرات سه برابر گروهان رزمی است. او افسری بود که بین سربازانش تفاوتی قائل نبود. محمد قاسمی را عین چشم خودم دوست داشتم.

دو سال بعد از این واقعه با یکی از دوستان رفتیم بابل تا خانواده ایشان را ببینیم. پدر بزرگوارش در شالیزار بود. یک نفر رفت دنبالش، به او گفته بود فردوسی آمده؟ وقتی آمد گفت: «من منتظر شما بودم، دیشب محمد به خوابم آمد و گفت پدرجان! فردا میهمانی برای شما می آید که برای من خیلی عزیز است. از او خوب پذیرایی کنید».

درباره دیانت، صداقت و رفتارش صحبت کردم و در کنار پدر و مادر بزرگوارش یک دل سیر گریه کردیم.

پیروزی عملیات الله اکبر بچه های گردان را سر حال آورد. روحیه عجیبی گرفته بودند. برعکس، دشمن بدون انگیزه و روحیه بود. آن ها اسارت را بهترین راه حل می دانستند و به راحتی دست هایشان را بالا می بردند، ولی نیروهای ما اسارت را بدترین مرحله می دانستند کما اینکه ما حتی یک اسیر ندادیم. بچه های ما به محض اینکه کسی شهید یا مجروح می شد، بلافاصله جایش را پر می کردند و با انگیزه فوق العاده ای می جنگیدند. در جنگ هیچ کس را نمی توان مجبور به جنگیدن کرد، بلکه باید انگیزه جنگیدن را در او ایجاد کرد.

در یکی از همین روزهای بعد از عملیات الله اکبر با بی سیمچی ام سرباز حسنی مشغول بازدید از مواضع رزمندگان بودم. یک فیلمبردار دوربین بزرگی روی دوشش بود و به کمک یک نفر دیگر در حال فیلمبرداری بودند. فیلمبردار دوربین را به طرف من و سرباز حسنی گرفت. در همین لحظه کمک فیلمبردار به فیلمبردار گفت «ارتشی اند!» او هم بلافاصله دوربین را قطع کرد. دیدم حسنی خیلی ناراحت شد. بازویش را گرفتم و گفتم «ناراحت نشو! هدف ما بسیار بالاتر از این حرف ها است ما که برای فیلم بازی کردن نیامده ایم».

نگارش سرتیپ ۲ مجید صارمی درباره تیپ ۳۷ زرهی در عملیات ثامن الائمه (ع)^۱

روز ۱۳۶۰/۷/۴ به پایان می‌رسید. رزمندگان قهرمان و دلاور جمهوری اسلامی ایران در انتظار دریافت خبری خوش (شنیدن رمز شروع عملیات) برای ساختن حماسه‌ای بزرگ و تاریخی بودند تا با اجرای این عملیات نیروهای متجاوز مستقر در شرق کارون و شمال آبادان را منهدم، و آبادان را از محاصره دشمن آزاد کنند و به این وسیله برگ زرینی بر افتخارات تاریخ کهن این سرزمین باستانی بیفزایند.

زمان شروع عملیات تیپ ۳۷ مساوی بود با عکس‌العمل دشمن که آن هم نامعلوم بود. چرا که نیروهای پیاده عمل کننده تیپ‌های لشکر ۷۷ با آغاز تاریکی شب ۱۳۶۰/۷/۵ با استفاده از اصل غافلگیری به سوی اهداف مربوطه پیشروی می‌کردند.

قرار شده بود حتی‌الامکان نیروهای خطوط پوششی و مقدم دشمن غافلگیر شوند و یگان‌های تک‌ور با استفاده از اصل غافلگیری به سوی اهداف‌شان پیشروی کنند. پس از کشف عملیات، تیپ ۳۷ زرهی و توپخانه‌های موجود عمل کننده در منطقه، آتش‌های سنگین و ویرانگر خود را بر مواضع دشمن فروریزند و عکس‌العمل دشمن را خنثی نموده تا پیشروی نیروهای خودی را به سوی مواضع دشمن تسهیل نمایند.

نیروهای پیاده خودی با استفاده از اصل غافلگیری و عبور از خطوط عزیمت توانستند تا حدودی نیروهای پوشش دشمن مستقر در خاکریزهای مقدم را منهدم و یا اسیر نمایند. حدود ساعت یک بعد از نصف شب ۱۳۶۰/۷/۵ نیروهای دشمن عملیات ما را کشف و عکس‌العمل خود را آغاز نمود؛ در این هنگام کلیه یگان‌های توپخانه و زرهی خودی در منطقه با اجرای آتش مواضع دشمن را در شمال و جنوب و شرق منطقه اشغالی مورد هدف قرار دادند، با گذشت لحظه‌ها نیروهای عمل کننده بر شدت و حجم آتش خود می‌افزودند. دشمن پس از این که دریافت از سه جناح شمال و شرق و جنوب منطقه اشغالی مورد حمله نیروهای رزم‌آور ایرانی قرار گرفته، با گسیل دادن نیروهای احتیاط به خطوط مقدم پدافندی خود، مقاومت نیروهایش را در مقابل پیشروی و نفوذ نیروهای ما به شدت تقویت نمود.

۱. مطالب این بخش، از کتاب «تیپ ۳۷ زرهی در عملیات ثامن الائمه» به روایت سرتیپ ۲ زرهی مجید صارمی، انتشارات ایران سبز، ۱۳۸۹، برداشت شده است.

با توجه به استعداد رزمی و استقرار نیروهای دشمن، گردان ۲۳۹ تانک می‌بایست ضمن خنثی کردن مقاومت آن‌ها پیشروی نیروهای خودی را تسهیل و تیپ ۶ زرهی را در مقابل خود درگیر نماید و آماده باشد بنا به دستور به مواضع مستحکم آن تیپ حمله کرده و نیروهای او را در هم کوبیده و تک را به طرف پل مارد ادامه دهد.

گردان (۱۷۷ پیاده مکانیزه) (-) تقویت شده با یک دسته تانک و حدود یک گروهان پیاده غیرسازمانی و یک گروهان سوار زرهی در مقابل تیپ ۸ مکانیزه که همواره تهدیدی جدی برای دور زدن تیپ ۳۷ زرهی و قطع جاده ماهشهر - آبادان به شمار می‌رفت پدافند می‌نمود. کنترل نیروهای دشمن شدیداً مورد توجه بود. از طرفی وقتی دشمن دریافت مورد حمله جدی نیروهای ایرانی قرار گرفته است، با استفاده از حداکثر توان خود مواضع ما را مورد آتش‌باری قرار داد.

علی‌رغم حمله همه جانبه نیروهای خودی به مواضع دشمن در سر پل شرق کارون دشمن می‌پنداشت که تلاش‌های شمال و جنوب نیروهای ما فریبنده و تلاش اصلی از طرف تیپ ۳۷ زرهی خواهد بود. بنا بر این استدلال، از لحظه کشف عملیات نیروهای ما در شمال و جنوب منطقه، دشمن تمامی آتش‌های خود را بر مواضع تیپ ۳۷ زرهی فرو می‌ریخت. تیپ ۶ زرهی دشمن با آتش مستقیم کلیه سلاح‌ها، به مقابله با گردان ۲۳۹ تانک و نیروهای تیپ ۳۷ زرهی پرداخته و مواضع ما را مورد هدف قرار داده بود و با گذشت لحظه به لحظه زمان بر شدت آتش‌باری خود می‌افزود.

ابلاغ دستور به گردان ۲۳۹ تانک

به گردان ۲۳۹ تانک ابلاغ شده بود تا قبل از آغاز روشنایی صبح روز ۱۳۶۰/۷/۵ به هر طریق ممکن تعداد پنج محل عبور و مرور جهت ادوات زرهی نیروهای خودی، به صورتی که اولین دریچه در مسافت سیصد متری شمال جاده ماهشهر - آبادان، و بقیه هر یک به فاصله سیصد متر از دیگری در امتداد خاکریز خط مقدم به طرف شمال ایجاد نماید.

دومین دریچه در فاصله هفتصد متری شمال جاده ماهشهر - آبادان را محور پیشروی شماره ۱ و پنجمین دریچه در فاصله ۱۵۰۰ متری شمال جاده را محور پیشروی شماره ۲ نامگذاری نموده و هر دو محور پیشروی را تا قبل از آغاز روشنایی با استفاده از تیم‌های

آموزش دیده مین برداری، تا نزدیک ترین مسافت ممکن به مواضع دشمن پاکسازی و نتیجه را اعلام دارد.

گردان ۲۳۹ تانک در ساعت ۰۵۱۰ مورخه ۱۳۶۰/۷/۵ اعلام نمود که محور شماره یک تا مسافت پنجاه متری و محور شماره ۲ تا مسافت هفتاد متری از دشمن پاکسازی و علامت گذاری گردیده است. باید خاطر نشان کرد که فقط در سایه ایمان توأم با فداکاری و ایثار بود که در آن وضعیت فوق العاده بحرانی این مأموریت به انجام رسید.

با آغاز روشنایی صبح روز ۱۳۶۰/۷/۵ شدت آتش دو طرف به اوج خود رسید. در نتیجه تبادل آتش بی حد و حصر، فضای منطقه نبرد به صورت هاله‌ای از ابر سیاه ناشی از گرد و خاک و دود انفجار انواع و اقسام گلوله‌های توپخانه، خمپاره، تانک و بمباران‌های هوایی و سایر جنگ افزارهای دو طرف درآمده بود.

در ساعت ۰۵۰۰ گردان ۱۷۷ مکانیزه از پیشروی نیروهای زرهی دشمن به سوی قرارگاه تیپ ۳۷ زرهی شیراز و جاده ماهشهر - آبادان خبر داد و به محض دریافت این خبر به گروهان قرارگاه تیپ ۳۷ زرهی، سروان عباس گرگین، ابلاغ شد که تیم آرپی جی زن خود را سریعاً در کنترل عملیاتی گردان ۱۷۷ مکانیزه قرار دهد و نتیجه را اعلام نماید. و به گردان ۱۷۷ مکانیزه ابلاغ شد که حرکت دشمن بیش از یک تلاش مذبوحانه و فریبکارانه نیست، با استفاده از توپچی‌های ورزیده و ماهر، تانک‌ها و ادوات زرهی، تیم‌های آرپی جی زن و جنگ افزارهای موجود، نیروهای دشمن را منهدم و به آتش کشیده و مجبور به عقب نشینی نمایید.

در ساعت ۰۵۲۰ مورخه ۱۳۶۰/۷/۵ امیر ظهیرنژاد، فرمانده محترم نیروی زمینی، شخصاً طی پیامی از طریق بی سیم به بنده فرمودند که تیپ ۳۷ زرهی از همین لحظه به محل استقرار تیپ ۶ زرهی در شمال محور ماهشهر - آبادان تک نموده، نیروهای دشمن را منهدم و مجبور به عقب نشینی نماید و تک را به طرف پل مارد ادامه دهد. صدور دستور و اجرای این مأموریت به خاطر این بود که از حرکت نیروهای احتیاط دشمن - که خود را برای اجرای پاتک و سرکوب نیروهای تیپ ۱ لشکر ۷۷ پیاده آماده کرده بودند جلوگیری نموده و یا حداقل با اخلال مواجه کند. از همین لحظه مأموریت تیپ ۳۷ زرهی با حمله به مواضع تیپ ۶ زرهی دشمن آغاز گردید.

حمله به تیپ ۶ زرهی دشمن؛ مأموریت سرنوشت ساز تیپ ۳۷

ما از قبل پیش‌بینی می‌کردیم که حمله به مواضع تیپ ۶ زرهی دشمن مستقر در ضلع شرقی سرپل کارون و رخنه در آن به تیپ ۳۷ زرهی واگذار خواهد شد، بنابراین برای انتخاب بهترین راهکار ممکن برای اجرای این مأموریت چند جلسه شور ستادی برگزار کردیم که سرگرد غفار رامین، جانشین فرمانده تیپ، سروان حسین حاتمی، رئیس رکن سوم تیپ، سروان پیروزان، رئیس رکن دوم تیپ و سروان بهرام‌زاده افسر عملیات و سروان غلام آئینه افسر عملیات، سرگرد زرهی علی عباسی، فرمانده گردان ۲۳۹ تانک، سروان ناصر محب، معاون گردان، سروان عبدالله‌پور، رئیس رکن چهارم و سروان کاملی، رئیس رکن یکم و... اعضای آن را تشکیل داده و طی بحث و گفتگوهای زیاد و مستمر به این نتیجه رسیده بودیم که در چنین وضعیت، بهترین راهکار این است که با استفاده از دو تیم زرهی - از دو محور شماره ۱ و ۲ با آتش و حرکت به سوی مواضع دشمن حرکت کنیم، به طوری که هنگام پیشروی تیم ۱ زرهی به سوی مواضع دشمن، تیم ۲ زرهی از منطقه خاکریز خط مقدم، با استفاده از حداکثر آتش موجود، نیروهای دشمن را تحت فشار قرار داده و بدین وسیله به پیشروی تیم ۱ زرهی و رخنه آن در مواضع دشمن کمک و عملیات آن تیم را تسهیل نماید. آن گاه پس از رخنه تیم ۱ و توسعه آن، تیم ۲ زرهی با استفاده از محور شماره ۲ در مواضع دشمن نفوذ نماید. پس از ورود تیم ۲ زرهی در مواضع دشمن تیم ۱ زرهی با اتخاذ آرایش رزمی به طرف غرب و جنوب، و تیم ۲ زرهی با اتخاذ آرایش رزمی با آتش و حرکت به طرف غرب و شمال پیشروی می‌کنند و هیچ گونه فرصتی به نیروهای دشمن برای استقرار در مواضع تأخیری در محور پیشروی نیروهای ما به طرف جاده اهواز - آبادان و پل مارد ندهند. به علاوه تیم ۲ زرهی خود را به قسمت پاشنه (محل انحنای) خاکریز ضلع شرقی دشمن به طرف شمال شرق رسانده و از عقب نشینی دشمن جلوگیری نماید تا ضمن ممانعت از کمک آن یگان به سایر نیروهای دشمن، بتوان به طور کامل آنان را به اسارت درآورد و مهمتر این که بدون هیچ گونه برخورد، با نیروهای دشمن تیپ ۳ خودی در شمال، و تیپ ۱ خودی در جنوب، بتوانند الحاق حاصل نمایند.

مورد دیگری که پیش‌بینی شده بود و در زمان پیشروی به طرف مواضع دشمن دقیقاً به اجرا درآمد و موفقیت نیروها را در رخنه به مواضع آنها تضمین و تکمیل کرد این بود که اگر تیم ۲ هنگام رخنه در مواضع دشمن با مقاومت نیروهای زرهی دشمن مستقر در پاشنه (منتهی‌الیه

شمال مواضع دشمن) روبه‌رو شد، یک دسته از تانک‌های تیم ۲ (در قسمت شمال محور پیشروی تیم ۲) به عنوان مبدأ آتش، نیروهای زرهی مزاحم دشمن را در قسمت پاشنه شدیداً درگیر و رخنه تیم ۲ به داخل مواضع دشمن را تسهیل و کمک نماید.

پس از دریافت دستور امیر ظهیرنژاد - مبنی بر این که نیروهای تحت امر تیپ ۳۷ زرهی به مواضع دشمن حمله کرده و با قلع و قمع آنان تک را تا پل مارد ادامه دهند - بلافاصله به گردان ۲۳۹ تانک که با دو گروهان پیاده و مکانیزه تقویت شده بود، دستور داده شد که تیم رزمی «الف» را به فرماندهی سروان زرهی ناصر قدرت، آماده حرکت از محور شماره ۱ و تیم رزمی «ب» را به فرماندهی سروان زرهی، معصوم‌شاهی در محور شماره ۲ به صورت تانک در خط زنجیر، با آتش و حرکت به طرف مواضع دشمن آماده حرکت نماید (منظور از تانک در خط فقط برای تیم ب بود) علاوه بر آن ستوان چهارمحالی، با تعدادی از نفرات مین بردار با ابزار مربوطه، برای باز کردن قسمت‌های باقی مانده از میدان مین، به تیم رزمی الف مأمور شدند. همچنین، تعدادی از نفرات همین دسته مین جمع کن به تیم رزمی ب مأمور شدند تا در صورت امکان، مین‌های باقی مانده در معبر وصولی شماره ۲ را پاکسازی نماید.

گردان ۲۳۹ تانک، تیم‌های رزمی الف و ب خود را در محورهای وصولی شماره ۱ و ۲، آماده پیشروی به سوی مواضع تیپ ۶ زرهی می‌نمود؛ روشنایی صبح روز ۱۳۶۰/۷/۵ فرا می‌رسید، نیروهای زرهی و احتیاط دشمن برای اجرای عملیات پاتک علیه تیپ ۱ پیاده که از قسمت جنوبی مواضع دشمن تا جاده ماهشهر - آبادان پیشروی کرده بود آماده می‌شدند. منطقه عملیات را هاله‌ای از ابر سیاه که ترکیبی از گرد و خاک و دود ناشی از انفجار انواع و اقسام گلوله‌ها، توپ‌ها، خمپاره‌ها، موشک‌ها و بمب‌ها و سایر جنگ افزارهای با تیر کشیده و مستقیم نیروهای درگیر بود، فرا گرفته بود. نیروهای دشمن حداکثر تلاش خود را برای جلوگیری از پیروزی نیروهای ایرانی به کار گرفته بودند. نیروهای رزمنده جمهوری اسلامی ایران، این سلحشوران، با ایمان با قلبی سرشار از نوید پیروزی، بدون توجه و واهمه‌ای از آتش باری دیوانه‌وار دشمن، در صدد پیشروی و نفوذ در مواضع دشمن برآمده بودند؛ از طرفی آتش باری دشمن به اوج خود رسیده بود و هرگونه پیشروی نیروهای خودی را با مشکل جدی مواجه کرده بود.

ساعت ۰۶۰۰ صبح نیروهای زرهی دشمن به طرف ضلع شرقی و جنوب منطقه اشغالی؛ یعنی مقابل تیپ ۳۷ زرهی و تیپ ۱ لشکر ۷۷ پیاده به حرکت درآمدند. بنا بر شرایطی که پیش آمده بود تنها یک راهکار در پیش روی ما بود و آن حمله به مواضع دشمن بود. با استدلال بر این ایده و راهکار، سرگرد علی عباسی، فرمانده گردان ۲۳۹، مأموریت یافت که ضمن هدایت و نظارت بر حرکت و آتش تیم ب رزمی (گروهان دوم تانک) و کنترل گردان ۱۷۷ مکانیزه، یک دسته از تانک‌های تیم رزمی ب را برای جلوگیری از مزاحمت نیروهای زرهی مستقر در قسمت پاشنه و سرکوب آنها برای پیشروی نیروهای تکور از محورهای شماره ۱ و ۲ در کنترل خود داشته باشد.

من با سرگرد رامین و سروان بهرام‌زاده و سروان پیروزان مصلحت را در آن دیدم که همراه تیم الف تانک از محور شماره ۱ به قلب مواضع تیپ ۶ زرهی دشمن پیشروی کنیم؛ زیرا تجربه نشان داده که هرگاه رزمندگان قهرمان، فرماندهان خود را در کنارشان ببینند از هیچ خطری احساس ترس و واهمه نمی‌کنند و با لبخند زدن به مرگ زمزمه‌گویان می‌خوانند:

مرگ اگر مرد است گو نزد من آی تا در آغوشش بگیرم تنگ تنگ
من از او عمری ستانم جاودان او ز من دلقی بگیرد رنگ رنگ

بنا بر آن چه گذشت نیروهایمان را به خدای بزرگ سپردیم و هر تقدیری را در رضای او پنداشتیم و دل را از همه چیز دنیا کنَدیم و سر را به او سپردیم.

هر لحظه بر شدت آتش دشمن افزوده می‌شد، چاره‌ای نبود جز روبه‌رو شدن با گلوله‌های ثاقب و محترقه، تیربارها، ادوات زرهی و جنگ افزارهای بی حد و حصر آنها. با توکل به خدای رحمان ستوان عباس چهارمحالی و تیم مین بردار با یک دستگاه خودرو در جلو و یک دستگاه بولدوزر و یک دستگاه لودر به دنبال او حرکت کردند. من و سرگرد رامین و ستوان بابامراد نادری با یک دستگاه جیپ لندرور بدون چادر و شیشه خوابیده حرکت کردیم (برای تقویت روحیه رزمندگان). سروان بهرام‌زاده و سروان پیروزان به حالت دو در جلوی تانک‌ها، هدایت ادوات زرهی را از داخل معبر وصولی به عهده گرفته بودند که بر اثر انحراف از محور پاکسازی شده، بر روی مین دشمن نروند و منهدم نشوند. به سوی سنگرهای نیروهای زرهی تیپ ۶ زرهی دشمن با حداکثر سرعت ممکن و در حالی که کلیه تانک‌ها و ادوات زرهی به صورت یک در

میان لوله‌های توپ‌ها را به چپ و راست چرخانده بودند و تانک‌ها و نیروهای فعال دشمن را مورد هدف قرار می‌دادند به پیش می‌رفتیم. نیروهای تیم رزمی ب در شمال محور پیشروی ما با پیشروی بی‌امان خود به صورت آتش و حرکت، مجالی به نیروهای دشمن برای کند کردن پیشروی تیم الف در محور شماره ۱ نداده بودند.

تیم الف حدود چهار صد متر از خط مقدم به طرف دشمن پیشروی کرده بود و به حد فاصل بین نیروهای خودی و دشمن رسیده بود که ناگهان یک دستگاه لودر به دلیل چند قدم انحراف رفتن از معبر وصولی پاکسازی شده، با انفجار مین از کار افتاد و از حرکت باز ماند. گویی زمین و فضای منطقه پیشروی ما به جهنمی از آتش نیروهای خودی و دشمن مبدل گشته بود؛ لحظه به لحظه بر حجم آتش دشمن افزوده می‌شد، هلیکوپترهای خودی و دشمن وارد عمل شدند، نیروهای زرهی ما در حال پیشروی بر روی زمین صاف و فضای باز بهترین شکار برای هلیکوپترها و تانک‌های دشمن در آمده بودند. برای ممانعت نسبی دید دشمن از پیشروی نیروهای زرهی الف و ب، از محورهای وصولی شماره ۱ و ۲ به خصوص محور شماره ۱ به توپخانه کمک مستقیم و آتش‌بار ۲۰۳ م م ابلاغ شده که تا سر حد توان با شلیک گلوله‌های دود انگیز در صد متری جلو مواضع دشمن پرده دود ایجاد کنند، لیکن قدرت آتش توپخانه‌ها در حدی نبود که بتوانند در مسافتی حداقل به طول دو کیلومتر برای پوشش نیروهای خودی از دید دشمن پرده دود ایجاد کنند. تیم زرهی الف در محور شماره ۱ به حدود ۲۵۰ متری سنگرهای نیروهای زرهی دشمن رسیده بود تانک‌ها و نفرات ما با تیراندازی توپ‌ها و جنگ‌افزارهای موجود خود شدیداً و دقیقاً سنگرهای نیروهای دشمن را مورد اصابت قرار می‌دادند و فرصتی به دشمن برای جلوگیری از حرکت نیروهای ما نمی‌دادند؛ همین امر موجب دلگرمی و امیدواری نیروهای ما و نومی‌دی و ترس نیروهای دشمن شده بود. ما سه چهار نفر که پیشاپیش نیروهای خودی در حرکت بودیم، ضمن نظارت بر وضعیت و مراقبت دشمن، در هدایت نیروها به فرماندهان کمک می‌کردیم. توپخانه‌های ما برای لحظاتی کوتاه خاموش گشتند. نیروهای تک‌ور در یک وضعیت سخت و بحرانی قرار گرفتند. انتخاب یکی از این دوراه باقی مانده بود؛ یا به سنگرهای دشمن یورش برده و آنها را نابود و منهدم کنیم و خود جایگزین آنها شویم یا تا کمتر از چند دقیقه متحمل تلفات و ضایعات سنگینی شویم.

در یکی از سخت‌ترین لحظات بحرانی در رویارویی با دشمن قرار گرفته بودیم. همه چیز فراموش شده بود الا خدای بزرگ که فقط برای نجات نیروها از این بحران و کسب پیروزی متوسل او بودیم. ناگهان به یاد آن خواب و آن سرگرد توپخانه افتادم و گفتم: پروردگارا! پس آن سرگرد توپخانه که گفت: اهل مشهد به ما گفته‌اند تا نیروهای دشمن را منهدم نکنید، حق برگشت ندارید، چه شد؟

در این اندیشه بودم که سراسر خط جلویی مواضع دشمن (تقریباً به طول دو کیلومتر) با گلوله‌های دود انگیز گلوله باران شد. در مدت چند لحظه بیش از صدها گلوله دود انگیز دیواره‌ای از پرده دود در جلوی مواضع دشمن ایجاد کرد که عبور از آن را شاید غیر ممکن می‌نمود. الله اکبر! خدای را شکر که چنین تفضلی عطا فرمود. در پوشش این پرده دود ایجاد شده، گروه مین جمع کن با وجود این که سه نفر از آنان به شهادت رسیدند و دو نفر هم مجروح، به طور برق آسا آن تعداد از مین‌های باقیمانده از معبر وصولی را پاکسازی نمودند و سپس راننده بولدوزر، با نام خدای بزرگ بیل خود را بر خاکریز خط مقدم تیپ ۶ زرهی دشمن (برای ایجاد معبر) قرار داد. در همین هنگام یک دستگاه از نفربرهای حائل موشک مالیوتکای دشمن برای زدن بولدوزر از سنگرش خارج شد که بلافاصله توسط توپچی‌های تانک زبردست ما به آتش کشیده شد. در پی آن دو دستگاه از تانک‌های دشمن به قصد جلوگیری از فعالیت ما، از مواضع خود خارج شدند که هردو دستگاه تانک توسط توپچی‌های گرانامیه و قهرمان تانک‌های ما منهدم شدند. در این زد و خورد بولدوزر موفق به ایجاد معبر شد. در ساعت ۰۷۳۰ دو دستگاه نفربر حامل نیروهای پیاده برای پوشش تانک‌ها و سه دستگاه تانک به طور سریع و برق آسا وارد سنگرهای دشمن شدند. یکی از این تانک‌ها در داخل مواضع دشمن به طرف شمال و دیگری به طرف غرب (قلب مواضع دشمن) و سومی به طرف غرب و جنوب غربی به اجرای آتش پرداختند. همزمان نیروهای تیم الف - که شامل یک گروهان تانک و یک گروهان پیاده مکانیزه بود - به داخل مواضع دشمن رخنه پیدا کردند، در همین هنگام گروه مین بردار تیم ب مین‌های باقیمانده معبر وصولی شماره ۲ را جمع‌آوری و پس از پاکسازی این معبر چند دستگاه از نفربرهای حامل پیاده نظام، و چند دستگاه از تانک‌های تیم ب از محور شماره ۲ وارد مواضع تیپ ۶ زرهی دشمن شدند. با وارد شدن قسمتی از نیروهای تیم ب به مواضع

دشمن در فاصله ۱۵۰۰ متری شمال جاده ماهشهر - آبادان من شخصاً با یک دستگاه نفربر پاسگاه فرماندهی، از داخل مواضع دشمن، خود را به نیروهای تیم ب، به فرماندهی ستوان آرمانفر و ستوانیکم پیاده تعصب رسانیدم. به سرگرد رامین گفتم: شما با سروان بهرامزاده تیم الف را به فرماندهی ستوانیکم زرهی ناصر قدرت، در توسعه رخنه، با استفاده از تعاقب نیروهای دشمن به طرف غرب جاده اهواز - آبادان تا الحاق به نیروهای تیپ ۱ پیاده همراهی کنید. من هم همراه سروان پیروزان در رخنه تیم ب به طرف شمال و شمال غرب و نهایتاً جاده اهواز - آبادان و الحاق به نیروهای تیپ ۳ همکاری و کمک می‌کنم. سعی و تلاش ما بر این بود که نیروهای رزمنده تیم‌های الف و ب با سرافرازی و جانفشانی برگرفته از لطف پروردگار قادر متعال، خاکریز خط مقدم نیروهای سنگین تیپ ۶ زرهی دشمن را در هم کوبیدند و با رخنه در قلب مواضع دشمن در حال تعاقب نیروهای شکست خورده و فراری دشمن بودند، و با آهنگ حرکت متعادل و در هوشیاری کامل توانسته بودند، نیروهای زرهی دشمن را با گلوله‌های ثاقب، سنگرهای اجتماعی پیاده نظام دشمن را با گلوله‌های محترقه شدید، نفرات پیاده نظام و خودروهای سبک دشمن را با تیربارهای هم محور و تیربارهای فرماندهی مورد هدف قرار دهند، و با استفاده از فرصت به دست آمده نیروهای زرهی و رزمنده تیم‌های الف و ب، با آتش و حرکت و حفظ دور تک از استقرار نیروهای دشمن در خاکریزهای ایجاد شده در عمق مواضع - که برای به تأخیر انداختن در پیشروی نیروهای خودی احداث شده بودند - جلوگیری کنند.

حمله مجدد دشمن به قصد قطع جاده ماهشهر - آبادان

در همین گیر و دار سرگرد کرامت فلاحت‌پیشه، فرمانده گردان ۱۷۷ پیاده مکانیزه، از حمله مجدد و سنگین دشمن به قصد دور زدن و قطع جاده ماهشهر - آبادان خبر داد. به گردان ۱۷۷ پیاده مکانیزه ابلاغ شد: یک دسته پیاده نظام از گروهان قرارگاه تیپ را در کنترل عملیاتی بگیرد و با استفاده از حداکثر امکانات موجود، در مقابل پیشروی نیروهای دشمن مقاومت کند؛ تا چند لحظه دیگر همه آن نیروها منهدم و یا به اسارت نیروهای ما در خواهند آمد، (لازم به یادآوری است که) نیروهای رزمنده گردان ۲۳۹ تانک، هم اکنون در حال قطع کردن جاده اهواز - آبادان و نزدیک شدن به پل مارد هستند؛ شما از تلاش‌های مذبحانه دشمن هراسی به دل راه ندهید. به سرگرد علی عباسی ابلاغ شد ضمن حفظ ارتباط با گردان ۱۷۷ پیاده مکانیزه، یک دسته پیاده، گروهان قرارگاه را به گردان ۱۷۷ اعزام کند. مسئله بسیار مهم و قابل توجه

دیگر این بود که از ساعت ۰۶۰۰ بر اثر مقاومت و پایداری شدید نیروهای دشمن در شمال و جنوب و جنوب شرقی منطقه اشغالی نیروهای رزمنده خودی از ادامه پیشروی باز مانده بودند و می‌بایست یک گروه مین جمع کن از واحد مهندسی تیپ ۱ لشکر ۷۷ برای پاکسازی محورهای پیشروی نیروهای تیپ ۳۷ زرهی اعزام می‌گردید تا در تاریکی شب معابر وصولی را پاکسازی نماید، اما با وجودی که گروه مذکور به موقع اعزام گردیده بود، به علت درگیری‌های شدید و آتش باری منطقه نبرد، تا ساعت ۰۸۰۰ نتوانسته بود تیپ ۳۷ زرهی را پیدا، و خود را برای اجرای مأموریت معرفی نماید؛ در نتیجه نیروهای تک‌ور تیپ هم به سیصد متری مواضع دشمن رسیده بودند و راهی جز پیشروی و نفوذ در مواضع دشمن نداشتند؛ چرا که در صورت توقف تمامی نیروهای ما منهدم می‌شدند چنین وضعیتی رخنه نیروهای تیپ ۳۷ زرهی را به داخل مواضع دشمن موجب می‌گشت تا رکودی که در پیشروی نیروهای خودی به وجود آمده بود، شکسته شود و دور جدید پیشروی نیروهای خودی در قلب مواضع دشمن، پایان عملیات و پیروزی قطعی رزمندگان ما را نوید دهد؛ چرا که رخنه نیروهای ما در قلب و عمق مواضع نیروهای دشمن صورت می‌گرفت و در صورت تحقق آن سرنوشت میدان جنگ به نفع ما و پیروزی صد در صد ارتش جمهوری اسلامی ایران رقم می‌خورد، لذا با این استدلال و توکل به خدای بزرگ با استفاده از نفرات آموزش دیده در پاکسازی میادین مین در ساعت ۰۷۳۰ مورخه ۱۳۶۰/۷/۵، نیروهای تیم الف و حدود بیست دقیقه بعد از آن (ساعت ۰۷۵۰) نیروهای رزمی تیم ب در مواضع تیپ ۶ زرهی عراق وارد شدند. با توجه به شرحی که گذشت؛ بنده و سروان پیروزان، تیم ب به فرماندهی سروان معصوم‌شاهی و سرگرد رامین و سروان بهرام‌زاده تیم رزمی الف به فرماندهی سروان ناصر قدرت را همراهی می‌کردیم. دلاور رزمندگان فداکار ما در ساعت ۰۸۰۰ مورخه ۱۳۶۰/۷/۵ با چشیدن طعم لذیذ پیروزی؛ یعنی گرفتن آرایش رزمی به طرف شمال و غرب و جنوب در عمق مواضع دشمن، با بی‌قراری در صدد پیشروی سریع با آتش و حرکت برای توسعه وضعیت بودند، اما بنده پیوسته توسعه وضعیت را تا حد کنترل آن به فرماندهان سفارش می‌کردم، چرا که نیروهای احتیاطی در کار نبود.

در ساعت ۰۸۰۰ تیم رزمی ب در داخل مواضع دشمن به طرف شمال (انتهای پاشنه) و شمال غرب، و تیم رزمی الف به طرف غرب جاده اهواز - آبادان و جنوب غرب، با آتش و حرکت،

نیروهای دشمن را تعقیب نمودند و سنگرها و خاکریزهای دشمن در عمق مواضعش یکی پس از دیگری فرو می‌ریخت شادمانی و سرخوشی رزمندگان ما از دیدن این وضعیت و نتیجه فداکاریشان آنها را از خود بی خود کرده بود، دیگر از گلوله دشمن و مرگ و میر باکی نبود، یگان‌های دشمن منطقه خود را در شمال شرق تیپ ۳۷ - که برای قطع محور ماهشهر - آبادان با گروه رزمی ۱۷۷ پیاده مکانیزه درگیر بودند - ترک کردند و به طرف غرب؛ یعنی جاده اهواز - آبادان به حرکت درآمدند. در ساعت ۰۸۱۰ سرگرد علی عباسی از برگشت یگانی از دشمن و نزدیک شدن آنها به محل پاشنه - که نیروهای رزمی تیم ب ما در آنجا مشغول نبرد بود - خبر داد. به سرگرد عباسی ابلاغ شد که با دسته تانک مبدأ آتش که منطقه پاشنه را با آتش‌های بی‌امان خود کنترل می‌کرد و با استفاده از حداکثر قدرت آتش، ستون زرهی یگان دشمن را مورد هدف قرار دهد و در حرکت آنها ایجاد اختلال کند. به علاوه به تانک‌ها دستور داده شد به محض رسیدن سر ستون نیروهای زرهی دشمن تا پانصد متری نیروهای خودی، آتش‌بس نموده، و با گلوله گذاری گلوله ثاقب ضد تانک آماده باشند پس از عبور حداقل ده دستگاه از تانک‌های دشمن با اولین شلیک، چندین دستگاه از ادوات زرهی دشمن را منهدم نمایند و به همین ترتیب اقدام شد.

نیروهای رزمنده، با اولین تیراندازی خود تعداد یازده دستگاه از تانک‌ها و نفربرهای دشمن را به آتش کشیده و منهدم کردند. نیروهای دشمن پس از این زد و خورد، خود را در محاصره نیروهای ما یافتند. در نتیجه به مواضع قبلی خود برگشتند. و پس از عقب نشینی، آن چنان فعالیت از خود نشان ندادند. به سرگرد عباسی ابلاغ شد که دیگر از طرف تیپ مکانیزه تهدیدی نخواهد بود. ضمن در نظر گرفتن فعالیت احتمالی تیپ دشمن، دسته تانک مبدأ آتش را سریعاً به تیم رزمی ب اعزام نمایید. در ساعت ۰۸۲۰ اکثر نیروهای دشمن به غرب جاده اهواز - آبادان (نزدیک پل مارد) تغییر موضع دادند. در نتیجه تیپ ۱ به غرب جاده اهواز - آبادان یورش برده و با استفاده از موقعیت پیش آمده به عمق منطقه اشغالی پیشروی نمود. ضمناً در ساعت ۰۸۳۰ قرارگاه یگان دشمن در مختصات (۲۹، ۳۰ - ۱۸، ۴۸) به دست رزمندگان تیپ ۳۷ افتاد. در ساعت ۰۸۳۵ روز ۱۳۶۰/۷/۵ امیر ظهیرنژاد به منظور بازدید از چگونگی وضعیت و موقعیت تیپ ۳۷ زرهی در پاسگاه عملیاتی تیپ ۳۷ حضور یافت و از سرگرد علی

عباسی وضعیت و موقعیت تیپ و نیروهای تیپ ۳۷ زرهی و چگونگی موقعیت دشمن را جویا شدند. سرگرد عباسی ایشان را از وضعیت پیشروی نیروهای تیپ ۳۷ زرهی و تسخیر قرارگاه تیپ دشمن آگاه نمود. سپس امیر ظهیرنژاد طی پیامی به وسیله بی سیم موفقیت نیروهای تیپ ۳۷ زرهی را به اینجانب تبریک گفت و فرمود: سلام و درود من را به فرد فرد رزمندگان قهرمان و دلاور تیپ ۳۷ زرهی برسانید.

سرانجام، فرمانده تیپ ۲ قوچان در ساعت ۱۸۲۰ روز ۱۳۶۰/۷/۶ گزارش داد که تأمین پل و شرق کارون برقرار و مأموریت به طور کامل اجرا گردید. به این ترتیب عملیات پیروزمند ثامن الائمه که طی آن سرپل اشغالی در شرق کارون از لوث وجود دشمن پاکسازی و شهرستان آبادان آزاد گردید به پایان رسید.

فصل سوم

سال دوم جنگ تحمیلی

عملیات طریق القدس

شهید سرلشکر سید علی صفوی سُهی، یکی از فرماندهان افتخارآفرین در عملیات طریق القدس متولد ۷ مرداد ۱۳۱۹ روستای سُه شهرستان نطنز، در سال ۱۳۴۲ وارد دانشکده افسری و در سال ۱۳۴۵ به درجه ستواندومی نائل گردید.

دوره‌های آموزشی: چتربازی، رنجر، مقدماتی و عالی زرهی، فرماندهی و ستاد. افتخارات: امیرسرلشکر شهید صفوی در عملیات‌های گوناگون از جمله آزادسازی ارتفاعات الله اکبر، ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین، بیت المقدس و رمضان شرکت نمود. در نهایت در تاریخ یازدهم مرداد ۱۳۶۲ در منطقه فکه در اثر ترکش توپخانه دشمن به درجه رفیع شهادت رسید. پس از شهادت ایشان آیت الله خامنه‌ای در نماز جمعه تهران چنین فرمودند: "مناسب می‌بینم از بزرگ مردان و سرداران شهیدی که در این سه روزه در جبهه‌ها به شهادت رسیده‌اند، یاد نیک بکنم. شهید صفوی از سربازان فداکاری است که در این جبهه به شهادت رسید در کنار عده‌ای دیگر از عزیزان ارتشی و سپاهی که با رشادت و فداکاری جنگیدند و بخاطر هدفی مقدس به شهادت رسیدند. بارالها شهیدان عزیز ما را با شهدای کربلا محشور کن." (روزنامه کیهان ۶۲/۵/۱۴)

مشاغل: فرمانده دسته، گروهان تانک. فرمانده گردان ۲۹۳ تانک در عملیات طریق القدس، فرمانده تیپ ۳ لشکر ۹۲ در عملیات‌های فتح المبین، بیت المقدس و رمضان. شرح تجربیات:

اینجانب افتخار دارم اولین دوره دافوس بعد از انقلاب را همراه شهید صفوی طی نمایم لذا مطالبی که در ادامه خواهد آمد خاطراتی است که آن شهید بزرگوار در حین دوره از عملیات طریق القدس بیان نموده اند و بخش دیگری نیز به نقل از هم‌زمان ایشان وعده مطالب از کتاب عملیات طریق القدس نوشته برادر ارجمند امیر سرتیپ ۲ بختیاری آورده شده است. شهید صفوی در این عملیات با درجه سرگردی فرمانده گردان ۲۹۳ تانک تیپ ۳ لشکر ۹۲ بود که مأموریت حساس احاطه نیروهای دشمن در شمال رودخانه کرخه از طریق تپه های رملی دامنه جنوبی ارتفاعات میش داغ را به عهده داشت. شناسایی دقیق، طراحی ماهرانه و اجرای جسورانه این عملیات نمونه کم نظیر اجرای مانور احاطه ای است که عامل اصلی وکلید موفقیت قوای خودی در عملیات کربلای یک بوده است. (سرتیپ پورشاسب)

نبرد طریق القدس که امام راحل (ره) آن را در پیام خود به درستی فتح الفتوح نامیده اند در واقع پس از عملیات ثامن الائمه (ع) دومین عملیات آفندی نسبتاً بزرگ نیروهای جمهوری اسلامی ایران بر علیه متجاوز در مناطق اشغال شده خوزستان محسوب می گردد.

عملیات در این جبهه از آن جهت اهمیت دارد که پیروزی در آن سبب شد تا پیوستگی خطوط مواصلاتی دشمن از جنوب به شمال و بالعکس در منطقه عملیاتی خوزستان قطع گردیده و در عملیتهای آتی نتواند به سهولت با جابجایی نیروهای خود جبهه شمالی یا جنوبی را تقویت نماید. پس از آزاد شدن مناطق اشغال شده در واقع در جبهه میانی خوزستان، خطوط مواصلاتی دشمن طولانی تر گردید زیرا در صورت نیاز به جابجایی نیروهای خود مجبور بود هورالعظیم را دور بزند.

بررسی منطقه عملیات طریق القدس:

به جرأت می توان گفت بارزترین ارزش نظامی جبهه میانی در این منطقه، وجود محور حلفائیه، چڑابه، سوسنگرد، حمیدیه و اهواز می باشد. در یک سر این معبر اهواز (مرکز خوزستان) به فاصله ۹۰ کیلومتری از مرز قرار دارد و با استفاده از این محور عراق می تواند این شهر را از سمت غرب مورد تهدید قرار دهد، متقابلاً شهر حلفائیه مرکز استان عماره عراق در آن سر دیگر این معبر و در فاصله ۴۰ کیلومتری از مرز ایران قرار دارد و دستیابی ایران به حلفائیه موجب قطع محور بغداد، عماره، بصره می شود که از دیدگاههای تاکتیکی و استراتژیکی عراق را دچار محظورات شدید و خطرناکی می نماید.

اگر مبدأ محور یاد شده را حلفائیه بگیریم پس از ۴۰ کیلومتر به پاسگاه مرزی شیب عراق رسیده که در مقابل آن پاسگاه مرزی ایران به نام سوبله قرار دارد و پس از طی ۱۵ کیلومتر از این پاسگاه، محور مزبور به شمال بستان می رسد، در فاصله میانه بین سوبله تا شهر بستان به علت وجود تپه ماهورهای رملی در شمال و سواحل مردابی هورالعظیم در جنوب، عرض معبر تنگ شده که این نقطه به نام تنگ چڑابه معروف است. عرض تنگ چڑابه در فصول مختلف به سبب پر آبی یا کم آبی هورالعظیم بین ۲ تا کمتر از یک کیلومتر متغیر می باشد.

محور یاد شده پس از رسیدن به شمال بستان به دو شاخه تقسیم می شود که یک شاخه در امتداد کرانه شمالی کرخه و دیگری (از طریق پل بستان روی کرخه) و در کناره جنوبی رودخانه امتداد می یابد. هر دو محور شمالی و جنوبی در حمیدیه به هم متصل شده و به صورت یک

محور واحد تا اهواز ادامه می‌یابد. در امتداد محور شمالی هیچ شهر بزرگ یا کوچکی وجود نداشته ولی دهکده‌های متعددی در کنار رودخانه وجود دارند. در این معبر و به فاصله حدود ۲۰ کیلومتری شرق بستان، تپه‌های الله‌اکبر (با ارتفاعی نزدیک ۲۰۰ متر) که دارای دید و تیر عالی روی محور شمالی و حثی قسمتی از محور جنوبی بوده و قابلیت‌های یک موضع پدافندی عالی را دارا می‌باشد قرار دارند. پس از تپه‌های الله‌اکبر تا پادگان دشت آزادگان چندین تپه دیگر با ارتفاع نزدیک ۷۰ متر وجود دارند که می‌توانند به صورت مواضع تأخیری مورد استفاده قرار گیرند.

محور شمال کرخه در انتهای مسیر خود (با استفاده از یک پل فلزی که روی رودخانه کرخه در مقابل پادگان دشت آزادگان قرار گرفته است) با حمیدیه ارتباط پیدا می‌کند. در محور جنوبی شهرهای بستان، سوسنگرد و حمیدیه قرار گرفته‌اند.

با توجه به آنچه گذشت شهرهای بستان، سوسنگرد، حمیدیه بویژه شهر سوسنگرد عوارض حساس محور جنوبی و تپه‌های الله‌اکبر عارضه حساس محور شمالی محسوب می‌شوند، تنگ چژابه و پلهای روی رودخانه کرخه در بستان، سوسنگرد، حمیدیه نیز عارضه حساس محسوب می‌شوند. موانع منطقه رودخانه کرخه و انشعابات آن، مرداب هورالعظیم و مناطق رملی شمال کرخه و دامنه میشداغ هستند.

اهداف ارتش عراق از تجاوز به منطقه دشت آزادگان:

متجاوز در پی اهداف تاکتیکی و استراتژیکی خود، تمام مناطق غربی خوزستان را از شمال تا جنوب و در عمق زیاد مورد هجوم قرارداد برآورد می‌شود که به احتمال قوی عراق در تجاوز به منطقه دشت آزادگان تمامی یا تعدادی از اهداف زیرین را دنبال می‌نموده است:

الف- پیوستگی جبهه شمالی و جنوبی خود در خوزستان از نقطه نظرهای تأمینی، همچنین ربط این دو جبهه از نظر تسهیل و تسریع جابجایی یگان‌های نظامی از جبهه شمالی به جنوبی و بالعکس و کوتاه نمودن مسیرهای تدارکاتی و آمادی بدون دور زدن مرداب هورالعظیم در داخل عراق.

ب- تهدید اهواز (مرکز خوزستان) از سمت غرب و از محور بستان، سوسنگرد، حمیدیه،

اهواز و محور کرخه‌کور- حمیدیه، اهواز

ج- تصرف شهرهای عرب زبان بستان، سوسنگرد و حمیدیه با تصوّر استقبال مردم این منطقه از انضمام به عراق.

د- دور نگهداشتن شهر حلفائیه و استان عماره عراق از دسترس نیروهای مسلّح ایران در یک حمله متقابل (این منظور با تصرف زمینها و مناطق مناسب پدافندی در داخل خاک ایران مانند تنگ چّزابه و ارتفاعات الله اکبر امکان پذیر می گردید).

بر مبنای تدبیر کلّی و طرح ابلاغی مبنی بر اجرای عملیات در منطقه عمومی بستان، بررسی های مقدماتی آغاز شد. یکبار دیگر دقیقاً و بطور اساسی اینکه عملیات ابتدا در جبهه دزفول یا جبهه بستان و یا اصولاً توأم باشند در دست بررسی قرار گرفت. مباحثات فراوان در این زمینه به عمل آمد و سرانجام تقدّم عمل در جبهه میانی (غرب سوسنگرد و بستان) مورد توافق قرار گرفت و فرم کلّی مانور به صورت تک در شمال کرخه برای تأمین بستان و تک در جنوب کرخه برای تأمین مناطق غرب سوسنگرد تا کناره شرقی هورالعظیم تعیین شد.

طرح عملیات طریق القدس:

دلیل اصلی برای تقدّم اجرای عملیات در منطقه جبهه میانی، قطع ارتباط منطقه اشغالی شمالی دشمن یعنی منطقه دزفول با منطقه اشغالی جنوبی او در غرب رودخانه کارون و یا شکافتن جبهه دشمن در منطقه خوزستان از وسط بود. قطع پیوستگی و ارتباط جبهه های شمالی و جنوبی دشمن در خوزستان سبب می شد که در عملیات آینده در خوزستان دشمن نتواند از یکی از این دو جبهه به نفع جبهه دیگر نیروهای آزاد خود را برداشت نماید.

دلایل دیگری نیز برای انتخاب این منطقه نسبت به سایر مناطق عملیاتی وجود داشت که

عبارت بودند از :

صرفه جویی در قوا که در طرح ریزی این عملیات اساسی ترین عامل انتخاب این منطقه نبود، به این معنی که در صورت کسب پیروزی و بازپس گیری منطقه طرح ریزی شده مقدور می گردید که با استفاده از موانع طبیعی منطقه مانند تنگ چّزابه، ساحل شرقی هورالعظیم و کرانه رودخانه نیسان پدافندی مطمئن با نیرویی به استعداد یک لشکر امکان پذیر گردد و لذا دو لشکر زرّهی مستقر در این منطقه به منظور کاربرد در سایر مناطق آزاد، همچنین انهدام نیرو و کاهش توان رزمی متجاوز در این جبهه مورد نظر قرار داشت و برآورد گردید که در صورت

موفقیت، نیروهای خودی به انهدام حداقل ۳ تیپ دشمن توفیق یافته که مفهوم این کار کاهش یک لشکر از توان رزمی دشمن بود.

تلاش برای طراحی یک مانور احاطه ای:

مانور نیروهای خودی در طرح اولیه کربلا ۱ یک مانور رخنه ای بود به این صورت که با تک به مواضع پدافندی دشمن و شکافتن و ایجاد و توسعه رخنه در آنها به سوی هدفهای تعیین شده، پیشروی می‌گردید.

مسئله ای که در طرح عملیاتی کربلا ۱ بیش از همه مورد بحث قرار گرفت فرم مانور نیروهای خودی بود و همانطور که قبلاً ذکر شد مانور طرح ریزی شده برای این عملیات مانور رخنه ای بود که سپاه آن را اصطلاحاً (تک از روبرو) می‌خواند.

با توجه به تجربیات به دست آمده از نبردهای گذشته با دشمن، اجرای این نوع مانور همواره با مشکلات و دشواریهای فراوان و تحمّل تلفات سنگین همراه شده و اغلب هم با عدم موفقیت مواجه گردیده بود ولی در عوض اجرای مانور احاطه ای بر علیه دشمن و تک به جناح و عقبه او سبب از هم پاشیدگی سریع نیرو و سیستم فرماندهی و سقوط مواضع دشمن شده و نتایج درخشان و چشمگیر و موفقیت آمیزی را بار آورده بود. البته محاسن مانور احاطه ای و ارجح بودن آن بر مانور رخنه ای یک واقعیت تاکتیکی بسیار روشنی است و ذکر این نکته ضرورت دارد که هر فرمانده و طراح عملیاتی در موقع طرح ریزی عملیات همواره در صدد پیدا کردن راهی برای تهدید جناح و عقبه دشمن و کسب پیروزی سریع و قابل اطمینان با استفاده از این طریق است و به این خاطر طرفین درگیر همواره توجه خاصی به برقراری تأمین جناح و عقبه خود داشته و اقداماتی را مبذول می‌دارند تا پهلوها و عقبه خود را از گزند دسترسی خصم مصون و محفوظ دارند.

در اوایل جنگ تحمیلی پس از اینکه پیشروی نیروهای متجاوز عراق سد گردید و در مناطق اشغالی حالت پدافندی اتخاذ نمود نیروهای خودی عملیات آفندی را با دامنه ای محدود که متناسب با توان و امکانات موجود آن زمان بود بر علیه متجاوز آغاز نمودند و در همین عملیات بود که لمس کردند اجرای مانور رخنه ای و جبهه ای به مواضع پدافندی دشمن آن هم با امکانات کم و محدودیت های تجهیزاتی یا نیرویی با چه مشکلات و تلفاتی مواجه است و لذا

درصدد برآمدند که به هر نحو شده راهی برای حمله به جناح و عقبه دشمن بیابند و در این زمینه به تلاشهای جسورانه ای دست زدند که به موقع خود اشاره ای به آنها خواهد شد.

با در نظر گرفتن این تجارب و آزموده ها بود که پذیرش مانور رخنه برای عملیات کربلا ۱ مورد تردید واقع شد بخصوص که شناسایی های به عمل آمده از مواضع پدافندی عراقی ها بویژه در شمال کرخه این مواضع را به قدری مستحکم و شکست ناپذیر نشان می داد که احتمال موفقیت در حمله به آنها بسیار ضعیف و رخنه در آن و شکستن و ساقط کردن این مواضع را بسیار دشوار و حتی بعید و غیرممکن می نمود (با توجه به امکانات موجود از نظر نیرو و تجهیزات). در آخرین عملیات انجام شده بر علیه متجاوز در این منطقه، که در تاریخ ۶۰/۶/۱۱ انجام شده بود (عملیات موسوم به خیبر) نیروهای خودی به علت عدم دسترسی به جناحین دشمن ناگزیر از اجرای مانور رخنه ای گردیده و در نتیجه موفقیت به دست آمده ناچیز و هدفهای پیشبینی شده تأمین نگردید زیرا دشمن با اتکا به مواضع پدافندی مستحکم و آرایش یافته و پشتیبانی آتش سنگین موفق گردید تلاش آفندی ما را خنثی نموده و مانع از سقوط خطوط پدافندی خود شود. لذا در جلسات شور ستادی این مسئله مورد مطالعه قرار گرفت که آیا امکان احاطه و تهدید جناح و عقبه دشمن وجود دارد یا نه و اگر دارد کجا و چگونه؟ نتیجه بررسی ها این بود که در منطقه جنوبی کرخه احاطه دشمن امکان ندارد زیرا پهلوهایی شمالی و جنوبی، دشمن در این منطقه به رودخانه های کرخه و نیسان متکی گردیده و گسترش یگان های متجاوز به نحوی است که هیچ جناح باز یا ضعیفی که امکان اجرای مانور احاطه ای را برای نیروهای ما فراهم آورد وجود ندارد و لذا در منطقه عملیاتی جنوب کرخه چاره ای بجز پذیرش مانور رخنه ای وجود نداشت.

در منطقه عملیاتی شمال کرخه نیز تقریباً وضعیتی مشابه وجود داشت به این ترتیب که پهلوی جنوبی دشمن در این منطقه به رودخانه کرخه و پهلوی شمالی به تپه ماهورهای رملی دامنه کوه میشداغ متکی گردیده بود بنابراین تهدید جناح جنوبی و دسترسی به عقبه دشمن بخاطر رودخانه کرخه ممکن نبود، زمینهای رملی شمال نیز غیر قابل عبور بوده و حرکت و مانور نیروها بخصوص نیروی زرهی و موتوری در آن غیر ممکن بود. گرچه این معبر باز در جناح شمالی دشمن وجود داشت ولی به علت رملی بودن زمین از دیدگاه تحرک و مانور نیرو و انجام

امور لجستیکی و تدارکاتی غیر قابل عبور و در واقع یک مانع بود و به همین علت هم نیروهای متجاوز در شمال کرخه پهلوی راست خود را جهت برقراری تأمین و جلوگیری از آسیب پذیری، به این منطقه رملی متکی کرده بودند.

اما از مدتها پیش در منطقه رملی مزبور شناسایی های کامل و دقیقی توسط نیروهای خودی (سپاه و ارتش) انجام گرفته و اطلاعات دقیق و کاملی از وضعیت زمین و دشمن در این منطقه در دست بود.

سپاه پاسداران با توجه به این شناسایی ها، استفاده از معبر رملی را برای تهدید جناح دشمن در شمال کرخه و احاطه بستان با بکارگیری یگان های سبک پیاده نظام خود که از نیروهای بسیج مردمی تشکیل شده بود پیشنهاد کرد و اعلام آمادگی نمود که با یک تیپ پیاده از نیروهای بسیجی خود از منطقه رملی بر علیه پهلوی شمالی و عقبه دشمن وارد عمل شود. اگر نیروهای ما قادر به اجرای موفقیت آمیز این کار می گردیدند احتمال موفقیت عملیات کربلای ۱ بسیار بالا می رفت و می شد پیش بینی نمود که نتیجه کار در منطقه عملیاتی شمال کرخه با پیروزی توأم خواهد شد. بالطبع شکست دشمن در شمال کرخه، در افزایش روحیه و موفقیت یگان های عمل کننده در جنوب کرخه دارای اثرات مثبت زیادی بود و آفند بر علیه متجاوز را تسهیل می کرد چرا که با پیروزی نیروهای خودی در شمال کرخه، دشمن در جنوب کرخه از پهلوی در معرض تهدید قرار می گرفت و این در حالی بود که متجاوز از روبرو نیز با فشار آفندی مواجه و درگیر بود (با لشکر ۱۶ زرهی قزوین و یگان های سپاهی).

طرح کلی برای عمل در معبر رملی مبتنی بر استفاده از پیاده نظام سبک اسلحه در این ناحیه بوده و با توجه به بافت و سازمان یگان های نیروهای بسیجی، سپاه پاسداران نیازهای تدارکاتی و لجستیکی آنرا چندان حائز اهمیت و غیر قابل حل ندانسته و اعلام نمود که مشکل و سختی حرکت در رمل برای افراد بسیجی مسئله ای نیست و با آمادگی و توانایی کامل این کار را انجام خواهند داد البته همانطور که در پیش گفته شد معبر رملی برای یگان های زرهی و موتوری و پیاده نظام سنگین قابل عبور نبود.

موقعیت نیروهای متجاوز:

متجاوز در شمال کرخه از کناره رودخانه در حوالی آبادی جابر همدان به خط مستقیم رو به شمال تا تپه ماهورهای رملی و غیر قابل عبور دامنه میشداغ یک خاکریز دیوار مانند به ارتفاع

۲/۵ و عرض بیش از ۳ متر که خاک آن کاملاً کوبیده و محکم شده بود به وجود آورده و در داخل آن سنگرهای جنگ افزار انفرادی و اجتماعی و پناهگاه نفرات را به صورت چسبیده و مرتبط بهم احداث نموده بود که با کیسه های شن، الوار، تیرآهن و نبشی های ضخیم و سطحه های فلزی مسقف و محکم شده بودند و به فاصله هر ۱۰۰ متر، یک سکوی آتش برای تانک یا نفربرهای حامل موشک های مالیوتکا در پشت این خاکریز تعبیه گردیده بود طول این خاکریز که از جنوب به مانع رودخانه ای کرخه و از شمال به زمینهای رملی متکی می گردید در حدود ۶ کیلومتر بود و در انتها یعنی در زمینهای رملی با یک زاویه تقریباً ۷۰ درجه به سمت غرب پیچیده و حدود ۲/۵ الی ۳ کیلومتر در امتداد و چسبیده به تپه ماهورهای رملی ادامه می یافت که طبعاً این قسمت برای برقراری تأمین در پهلوی شمالی ساخته شده بود.

این خاکریز که بخاطر شکل آن به خاکریز عصا موسوم شده بود توسط یگان های پیاده و مکانیزه دشمن و با تانک و انواع جنگ افزارهای انفرادی ضد زره به صورت متراکم اشغال و پدافند می گردید. استعداد این نیروها به بیش از یک تیپ تقویت شده بالغ می شد. از این خاکریز تا شهر بستان که مسافتی نزدیک ۲۰ کیلومتر بود دشمن برای سازمان دادن پدافند در عمق، خاکریزهای عرضی و طولی متعدد دیگری نیز که به صورت مواضع پدافندی آرایش یافته بودند ایجاد نموده بود تا هرگونه رخنه و نفوذ را به این منطقه از شرق به غرب یا از شمال به جنوب کنترل و خنثی نماید. نیروهای متجاوز عراقی در جلوی خاکریز مقدم موسوم به عصا، میدان مینی به عرض ۲۰۰ متر از انواع مینهای ضد نفر، ضد تانک، جهنده و روشن کننده که در سراسر طول خاکریز به صورت پیوسته ای ادامه داشت ایجاد کرده و جلوی میدان مین و خاکریز مزبور با کشیدن چندین رشته سیمهای خاردار حلقوی و عمودی مانع دیگری نیز ایجاد کرده بودند. این میدان مین با آتش تیربارهای سنگین و جنگ افزارهای سبک ضد زره که در سنگرهای مسقف داخل خاکریز قرار داشتند، پوشیده می شد بعلاوه در جلوی میدان مین یاد شده که به صورت منظم بود یک میدان مین نامنظم بعرض ۱۰۰ متر ایجاد گردیده بود.

مواضع اصلی پدافندی دشمن در ساحل جنوبی کرخه در امتداد خاکریز عصا و با همان ویژگیها و مشخصات و حتی مستحکم تر از آن احداث شده بود این خاکریز ابتدا به کناره یکی از انشعابات کرخه به نام نهر عبید متکی گردیده که استفاده از مانع رودخانه ای، پدافند را

تقویت می نمود و سپس به طول ۱۴ الی ۱۵ کیلومتر به طرف جنوب و تا رودخانه نیسان امتداد می یافت و در پشت آن، خاکریزهای مواضع دیگری وجود داشتند که پدافند در عمق را سازمان می دادند. مواضع جنوب کرخه توسط حدود ۴ تیپ مکانیزه و زرهی دشمن و آتش حداقل ۴ گردان توپخانه پدافند می شد که با ۲ تیپ زرهی و مکانیزه قابل تقویت سریع بود.

به طور مختصر نیروهای عراقی یک موضع و دژ پدافندی بسیار مستحکم، پیوسته و مداومی را که از جنوب به رودخانه نیسان و در شمال به تپه های رملی دامنه میشداغ متکی گردیده بود با بهره گیری از انبوه جنگ افزار و موانع طبیعی و مصنوعی، سازمان داده و بدین ترتیب امکان هرگونه پیشروی در این منطقه را عملاً بی نهایت دشوار و بنا به قولی غیرممکن نموده بودند. در پناه این استحکامات، متجاوز با آسودگی و اطمینان خاطر پدافند می نمود.

شناسایی برای یافتن بهترین معبر:

بعد از عملیات الله اکبر در ۳۱/۲/۶۰ تلاش شده بود که از منطقه تپه ماهورهای دامنه میشداغ که متجاوز، پهلوی شمالی خود را برای تأمین، به آن متکی کرده بود، برای رفت و آمد عناصر پیاده تا حوالی بستان و کسب اطلاعات از فعالیتهای متجاوز در منطقه شمال کرخه استفاده شود لذا تعدادی از پرسنل سپاه و گردان ۲۹۳ تانک تیپ ۳ زرهی لشکر ۹۲ با سرپرستی یکی از اعضای سپاه خوزستان به نام علی حسینی کار شناسایی دقیق مناطق رملی، را با جدیت و پشتکار کم نظیری آغاز نمود

این عناصر معدود برای خنثی نمودن هوشیاری دشمن از حضور خود در مناطق رملی، ضمن بکار بستن اقدامات حفاظت اطلاعاتی شدید، فعالیتها و اقدامات و حرکات خود را مخفی کرده و برای انجام این مقصود مخفیانه پایگاهی برای اقامت خود در حدود ۴ کیلومتری شمال شرقی تپه سبز و نزدیک چاه آب متروکه ای که در زمان گذشته شتربانان از آن استفاده می کردند بر پا، و کاملاً استتار نمودند تا هم رفت و آمد را به واحدهای خودی به حداقل رسانیده و جلب توجه نکنند و هم با توجه به دشواری حرکت در رملها آنها را با پای پیاده، بتوانند با فراغ بال و سهولت و فرصت بیشتری شناسایی های خود را انجام دهند.

هفته های متوالی در شرایط طاقت فرسای بیابانهای خوزستان و طوفانهای شن، آنها با پای پیاده و گاهی با شتر در دل رملهای داغ و سوزان به شناسایی منطقه پرداخته و سرانجام موفق شدند سه دیدگاه مناسب روی تپه های بلند رملی و مشرف بر مواضع دشمن انتخاب نمایند و

از این دیدگاهها اطلاعات دقیق و با ارزشی از وضعیت نیروها و مواضع پدافندی و فعالیت‌های دشمن از خط مقدّم تا شهر بستان و عقبه کسب نمایند.

دیدگاه اوّل به فاصله ۷ کیلومتری شمال غربی تپه سبز روی تپه رملی بلندی که دارای تک درخت‌های مخصوص این قبیل نواحی بود قرار داشت و به خوبی خطوط پدافندی مقدم متجاوز را از فاصله ۵ - ۶ کیلومتری دیده بانی می‌کرد. دیدگاه دوّم به فاصله ۴ الی ۵ کیلومتری از دیدگاه اول بود و بر منطقه میانی دشمن در شمال کرخه تسلّط کافی داشت و بالاخره دیدگاه سوّم که به فاصله ۶ الی ۷ کیلومتری از دیدگاه دوم انتخاب شده بود و به عقبه دشمن، شهر بستان و حتّی تنگ چزّابه دارای دید کافی بود.

ضمناً گروه شناسایی یاد شده برای سهولت در رفت و آمد خود به دیدگاه‌های یادشده و اجتناب از گم کردن و طولانی شدن راه، مسیر مناسبی را نیز شناسایی و مشخص کرده بودند که از زمین‌های محکم میان تپه‌های رملی حداکثر استفاده را می‌نمود و عبور از زمین‌های رملی را از پایگاه اولیه تا سه دیدگاه مزبور به حداقل می‌رساند این مسیر در حدود ۱۲-۱۳ کیلومتر طول داشت.

پس از دیدگاه سوّم دشت باز و وسیعی قرار دارد که تا شهر بستان ادامه مییابد و به نام دشت نبعه معروف است و با اینکه اینجا و آنجا از قطعات رملی پوشیده شده بود ولی زمین برای حرکت وسائل شنی دار و چرخدار مانعی ایجاد نمی‌کند. همانطور که قبلاً کزّاراً اشاره شد در حین طرح ریزی طرح عملیاتی کربلای ۱ که بیش از یکماه و نیم به طول انجامید با توجّه به تجربیات ناشی از نبردهای گذشته با دشمن و مشکلات و دشواریهای مانور جبهه ای، تلاش می‌گردید که راه کاری انتخاب گردد که انجام یک مانور احاطه ای را حتّی المقدور در برداشته باشد و همانطوری که ذکر شد در معبر جنوبی کرخه که امکان احاطه و دستیابی به عقبه دشمن با توجّه به وضعیت زمین و گسترش نیروهای متجاوز وجود نداشت و در معبر شمالی هم در نظر اوّل، چنین مانوری امکان پذیر به نظر نمی‌رسید و تنها معبر موجود برای احاطه دشمن معبر تپه ماهورهای رملی به حساب می‌آمد که آنهم غیر قابل عبور (البته نه غیر قابل نفوذ) بود.

منطقه رملی طبعاً نمی‌توانست مورد استفاده یگان‌های زرّهی قرار بگیرد زیرا این یگان‌ها از لحاظ حرکت و مانور کاملاً به وضعیت زمین متکی هستند، سپاه پاسداران یگان‌های بسیجی

را برای وارد عمل شدن در زمینهای رملی و احاطه کردن دشمن مناسب می دانست و برای اینکار یک تیپ متشکل از ۹ گردان پیاده از نیروهای بسیجی را پیشنهاد نمود.

به عنوان بخشی از مانور کلی قرار شد که تیپ مزبور در منطقه رملی مخفیانه نفوذ نموده و در حوالی دیدگاههای سه گانه مستقر شود و از این نقاط توأم با غافلگیری به جناح دشمن نزدیک گردیده و به این ترتیب همزمان با تک رخنه ای به مواضع مقدم دشمن، وسط و عقبه دشمن نیز از پهلو مورد هجوم قرار گیرد.

بهترین نیرو برای انجام این منظور یک گردان تانک و مناسب ترین محل برای شروع حرکت این گردان حوالی دیدگاه سوم در ۹ الی ۱۰ کیلومتری شمال بستان بود لذا پیشنهاد گردید که یک گردان تانک از ارتش مأمور اجرای این مأموریت گردد، اما مشکلات این عمل بسیار و تقریباً لاینحل به نظر می رسیدند.

اول: خطر ناشی از استقرار یک گردان تانک قبل از آغاز عملیات در فاصله ای تقریباً نزدیک به جناح نیروهای متجاوز و در عمق حدود ۱۵ الی ۱۶ کیلومتری از خط تماس، که طبیعی بود در صورت کشف آن توسط دشمن علاوه بر اینکه عملیات فاش گردیده و بازوی احاطه مانور خنثی می گردید هیچگونه کمکی هم برای جلوگیری از انهدام این گردان تانک و یگانهای پیاده مستقر در منطقه رملی مقدور نبود و حتی آنها قادر به عقب نشینی سریع به سبب زمین رملی نبودند و حداقل دشمن می توانست با استفاده از مقدورات هوایی و بمباران سنگین به آن یگانها، صدمات و خسارات شدیدی وارد آورد، علاوه بر همه اینها و پذیرش خطرات احتمالی یاد شده، مشکل عمده این بود که اصولاً چگونه این گردان به حوالی دیدگاه شماره ۳ نقل مکان نماید زیرا حرکت تانکها و خودروها و حتی خودروهای سبک به هیچ وجه در تپه ماهورهای رملی مقدور نبود. البته پس از ۷-۸ کیلومتر اولیه در زمینهای رملی، یک دشت باز با زمینی محکم و مناسب وجود داشت که حرکت و مانور یگانهای زرهی و موتوریزه را تا شمال بستان امکان پذیر می ساخت. اما مسئله اصلی در چگونگی عبور دادن این گردان تانک از تپه های رملی بود. ضمناً سپاه پاسداران نیز به این نتیجه رسیده بود که دست کم برای سهولت استقرار، تجمع، تدارک و تخلیه مجروحین نیروهای پیاده بسیجی خود در این منطقه در آغاز یا حین عملیات نیاز اساسی به استفاده از خودرو دارد و لذا وجود یک جاده که حداقل ظرفیت

رفت و آمد خودروهای سبک را داشته باشد امری ضروری است. بدین ترتیب فکر ایجاد یک جاده که جوابگوی حداقل نیازها باشد قوت گرفت. همانطوری که قبلاً ذکر شد بین تپه ماهورهای رملی بعد از حوالی دیدگاه یکم تا دیدگاه سوم زمینهای محکم و قابل استفاده برای تحرّک مکانیزه که در فواصل متناوبی توسط رمل از هم گسسته شده بودند شناسایی و مشخص شده بودند و چنانچه می توانستیم آنها را به نحوی با یکدیگر مرتبط کرده و علاوه بر آن در ۶ الی ۷ کیلومتری اولیه، از جاده الله اکبر - تپه سبز تا دیدگاه یکم (که تپه ماهورهای رملی به یکدیگر پیوسته بودند) جاده مناسبی احداث نماییم، این منظور برآورده می شد و حتی حرکت گردان تانک تا حوالی دیدگاه ۳ ممکن می گردید.

کار جاده سازی بلافاصله شروع شد (دهه دوم آبانماه ۱۳۶۰ مطابق با نیمه دوم ماه محرم) و با توجّه به اینکه فرماندهان بر آن بودند که اجرای عملیات حتماً در ماه محرم باشد لذا کار با سرعت و تلاش کم نظیری در دست اجرا قرار گرفت تا پیش از اتمام ماه محرم به پایان رسد.

احداث جاده را جهاد سازندگی استان سمنان به سرپرستی آقای حسن بیگی و با مسئولیت اجرایی آقایان مهندس علی آبادی و میری تقبل کرد، حدود ۸۰ کامیون کمپرسی بدون وقفه خاک را از تپه شحیطیه (حوالی الله اکبر) حمل کرده و در مسیر تعیین شده روی رملها می ریختند که توسط ماشینهای مختلف جاده سازی پخش و در رمل کوبیده می شد برای سهولت حرکت، تپه های بلند رملی بریده شده و شیب مناسبی برای جاده ایجاد شد.

بالاخره پس از دو هفته کار خستگی ناپذیر در بعد از ظهر روز ۶/۹/۶۰ (روز آخر محرم) آخرین کارهای ساختن یک جاده خاکی روی رملها در حدود ۷ کیلومتر اولیه از جاده تپه سبز تا دیدگاه یکم به پایان رسید. شهید صفوی در این رابطه می گوید "با وجود زحماتی که در احداث این جاده کشیده شد، ما در عمل با دو مشکل عمده مواجه بودیم، اولین مشکل وزش باد و جابجایی تپه های رملی بود که در زمان کوتاهی جاده را مسدود می کرد، مسئله بعد این بود که در شب عملیات ما می بایست در تاریکی مطلق در طول یک جاده باریک دردل دریایی از شن های روان حرکت می کردیم در این حالت با کوجکترین انحراف از مسیر اصلی تانک در شن فرو می رفت، بنا بر این تصمیم گرفته شد

، در کناره های این راه برای جلوگیری از ریزش تپه های شنی روی جاده و حرکت رمل با هزاران کیسه شن دیواره سازی شود و از دیدگاه ۱ تا ۳ برای مشخص بودن امتداد مسیر و جلوگیری از گم شدن و انحراف تانک ها و رزمندگان از مسیر در شب، به فاصله هر ۱۰۰ متر دستک های کوتاه چوبی یا آهنی نصب گردید و فانوسهای کوچکی به آن آویخته شود "

این کاری بود بس عظیم و پرتلاش که جهاد گران جهاد سازندگی انجام دادند و این عمل به عنوان یک اقدام برجسته مهندسی و تاکتیکی که ناشی از اراده استوار و خواست آهنین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در جهت پیروزی بر متجاوز و آزادسازی مناطق اشغال شده در تاریخ نظامی میهن اسلامی ما ثبت شده است. این مسیر که در طول هشت سال دفاع مقدس و بعد از آن متروکه گردیده بود به همت شهید صیاد توسط لشکر ۹۲ زرهی خوزستان آماده شده و به عنوان یکی از یادگارهای جنگی حفظ می گردد، بعد ها شهید صیاد نام جاده پیروزی را بر آن نهاد.

مانور طرح ریزی شده در طرح عملیاتی طریق القدس:

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در منطقه عمومی غرب الله اکبر و غرب سوسنگرد متشکل از ۴ تیپ زرهی ارتش جمهوری اسلامی ایران و ۴ تیپ پیاده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تک نموده پس از انهدام دشمن در منطقه غرب الله اکبر در تنگترین معبر شمالغرب بستان از روستای چژابه تا تپه های رملی (تنگ چژابه) پدافند می نماید و در منطقه غرب سوسنگرد پس از انهدام دشمن در کناره شمالی نهر نیسان پدافند نموده بنا به دستور آماده می باشند که نیروهای دشمن در کناره جنوبی نهر نیسان را هم منهدم و بنا به دستور مراجعت یا پدافند نمایند. قابل تذکر است که مسئولیت سرزمینی (منظور پدافند از مناطق آزادشده) با واحدهای ارتش جمهوری اسلامی ایران در منطقه می باشد.

الف: غرب الله اکبر در شمال کرخه

تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی ارتش جمهوری اسلامی ایران و تیپ ۳ پیاده امام حسین (ع) و تیپ ۴ پیاده امام سجاد (ع) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در ساعت (س) روز (ر) از دو محور عمده زیر تک نمایند:

اول: خط مقدم پدافندی دشمن از دهکده جابر همدان در کناره کرخه تا تپه سبز.

دوم: دامنه های رملی در جناح شمالی دشمن و پس از انهدام دشمن تأمین منطقه شمال شهر بستان و شمال ناحیه ابوچلاچ را بر قرار نموده و در تنگ چزابه پدافند نماید. (اجرای این مأموریت به عهده گروه رزمی ۲۹۳ به فرماندهی سرهنگ دوم صفوی بود)

ب: غرب سوسنگرد در جنوب کرخه

(۱) تیپ ۲ لشکر ۱۶ زرهی ارتش جمهوری اسلامی ایران و تیپ ۲ پیاده کربلا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ساعت (س) روز (ر) از دو محور، یکی در شمال جاده سوسنگرد بستان با عبور از نهر عبید و دیگری در جنوب جاده سوسنگرد - بستان تک نموده و پس از انهدام دشمن و تصرف پلهای روی رودخانه سابلله وارد منطقه بین رودخانه سابلله و کرخه گردیده و پس از تأمین منطقه و شهر بستان از پل های روی نهر رمیم عبور کرده و وارد ناحیه ابوچلاچ شده و آن را تصرف نمایند و بنا به دستور آماده خواهند بود به حرکت خود ادامه داده و به مأموریت نیروی شمال کرخه کمک نمایند.

(۲) تیپ ۱ زرهی لشکر ۱۶ ارتش جمهوری اسلامی ایران و تیپ ۱ پیاده عاشورا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ساعت (س) روز (ر) در محور دغاغله تک نمایند و پس از انهدام دشمن و تصرف پلها و سرپلهای دشمن روی شط نیسان ضمن پدافند در کنار شمالی این نهر بنا به دستور آماده می شوند که تک را به سمت نیروی دشمن در جنوب شرق نیسان ادامه دهند و پس از انهدام نیروهای دشمن مراجعت و در سراسر کناره شمالی این شط از دغاغله تا روستای ابوسخیل پدافند نمایند.

لازم به توضیح است که هدایت عملیات با تمرکز بر اقدامات گروه رزمی ۲۹۳ در شمال کرخه تشریح می گردد.

حرکت گروه رزمی ۲۹۳ به منطقه تجمع:

تانک های چیفتن گردان ۲۹۳، تک تک و با فاصله، از جاده عبور کرده و به سوی منطقه تجمع خود در حوالی دیدگاه شماره ۳ در حرکت بودند. موتور سواران و وانت های سپاه پاسداران در رفت آمد بودند و علیرغم ادامه داشتن کار جاده سازی ترافیک سنگینی از تانک و نفربر و خودرو و پرسنل اعم از پیاده و سواره در میان رملها و در حوالی دیدگاه ۱ به وجود آمده بود. در میان تپه ماهورهای رملی حوالی دیدگاهها، هنگامه غریبی برپا بود. رزمندگان در گوشه و کنار مجتمع شده و عکسهای یادگاری می انداختند و دوربینهای تلویزیونی سپاه از آنها فیلم

تهیه می‌کرد و تعداد معدودی نفربر و تانک‌های عراقی که از عملیات‌های قبل به غنیمت سپاه درآمده بود در گوشه و کنار تپه‌های رملی استتار شده بودند، گردان ۲۹۳ تانک چیفتن تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی به جلوترین موضع می‌رفت.

آخرین تهیه‌های این حمله تدارک می‌شد، تانک‌های گردان ۲۹۳ هنوز غرش کنان از میان رملها گذشته و در منطقه تجمعی حوالی عقبه دشمن و به فاصله ۷ الی ۸ کیلومتری از جناح شمالی دشمن مستقر می‌گردیدند. نیروهای بسیج مردمی مجهز به جنگ افزارهای سبک و نارنجک اندازه‌های آرپی جی ۷، که نوارهای پارچه ای قرمز و سبز به پیشانی خود بسته بودند اینجا و آنجا به مناسبت ایام سوگواری محرم و صفر به سینه زنی و نوحه خوانی و روضه خوانی و عبادت نشسته بودند.

تلاش و هیجانی عظیم در دل رملها و در فاصله ۵ الی ۶ کیلومتری جناح شمالی نیروهای عراقی در جریان بود. نیروهای متجاوز کاملاً آگاه از حمله قریب الوقوع ایرانیان، اما بی خبر از نحوه و چگونگی انجام آن در انتظار بودند.

از ساعت ۱۹۰۰ روز ۶۰/۹/۸ هوا به مرور ابری گردید و باران شروع به باریدن نموده و کم کم شدت گرفت، ابتدا ریزش باران به فال نیک گرفته شد زیرا باران رملها را محکم کرده و توان نگهبانی و دیده بانی دشمن روی میادین مین و سیستم‌های سد موانع و استفاده از گلوله منور را کاهش می‌داد ولی با شدت یافتن و مداومت ریزش باران که منجر به پیداش اشکال حرکت روی زمینهای غیر رملی می‌گردید، آثار اضطراب بر چهره‌ها پیدا شد. در ستاد قرارگاه عملیاتی کربلا ۱ در شمال کرخه، آرامش حکمفرما بود، آخرین تلفن‌ها، پیامها و دستورات مخابره و مبادله می‌گردید، بی سیمها روشن و به گوش بودند و عقربه‌های ساعت به کندی حرکت می‌کردند. افسران عملیات قرارگاه کربلا ۱ خود را برای هدایت عملیات آماده می‌ساختند. در قرارگاه کربلا ۱ تصمیم گرفته شد برای آنکه دشمن از حمله آگاه نشود هیچگونه رمز شروع عملیات به یگان‌ها مخابره نشود و به همان امریه زمان تک که قبلاً ابلاغ گردیده است اکتفا گردد.

هدایت عملیات:

با قرار گرفتن عقربه ساعت روی ساعت ۰۰۳۰ ناگهان صدای غرش توپها و غریو شلیک موشکهای کاتیوشا مانند رعد در فضا پیچید، این اجرای یک آتش سنگین توپخانه بود که برابر طرح لشکر ۱۶ زرهی توسط تیپ ۳ آن لشکر در منطقه طراح کرخه کور برای فریب دشمن اجرا

می گردید که بلافاصله با آتش متقابل و بسیار سنگین عراق جواب داده شد، برق دهانه توپها و انفجار گلوله ها مداوم فضا را روشن و غرش رعدآسای شلیک توپخانه در منطقه طراح و نورد (جنوب اهواز) لحظه ای قطع نمی گردید. در همین ساعت (۰۰۳۰ روز یکشنبه هشتم آذر ماه ۱۳۶۰) لشکر ۱۶ زرهی و تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی طی پیامی به ستاد کربلا ۱ اعلام داشتند که عملیات را شروع نموده اند و بدین ترتیب نبرد طرح عملیاتی کربلا ۱ پس از حدود یک ماه و نیم تلاش و تهیه برای آمادگی، آغاز گردید.

روز اول نبرد (۶۰/۹/۸)

دقایق اولیه پس از شروع تک، به آرامی و به کندی می گذشت، مکالمات بیسیم برای غافلگیری و رعایت تأمین عملیات، به حداقل رسیده بود. اگر چه زمان تک ساعت ۰۰۳۰ بود اما نیروهای خط شکن از حدود ساعت ۲۲۰۰ روز ۶۰/۹/۷ به جلو حرکت کرده و مشغول باز کردن معبر روی میدانهای مین شده بودند تا زمان حمله طرح ریزی شده روی خاکریزهای عراقی سرازیر شوند. نیروهای بسیجی ادغام شده با یگان های پیاده مکانیزه ارتش با استفاده از تاریکی، زیر ریزش شدید باران به سوی مواضع دشمن جلو می رفتند و یگان های زرهی و مکانیزه ارتش در مواضع خود در انتظار باز شدن معابر بسر می بردند. غرش توپها و برق انفجار گلوله ها در طراح و نورد (منطقه تیپ ۳ لشکر ۱۶ زرهی و تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی) با شدت عجیبی ادامه داشت و حجم آتش توپخانه عراق نیز، در این منطقه واقعاً چشمگیر بود. در ساعت ۰۱۱۰ (چهل دقیقه پس از آغاز تک) اولین پیام از لشکر ۱۶ زرهی دریافت گردید مبنی بر اینکه در سمت راست منطقه تیپ ۱ زرهی (مگاسیس) مواضع عراقیها شکافته شده و نیروهای سپاه روی خاکریز دشمن سرازیر شده اند.

در ساعت ۰۱۲۲ مجدداً لشکر ۱۶ زرهی اعلام داشت که قسمتی از مواضع دشمن در سمت چپ تیپ ۱ شکسته شده و نیروهای مقدم تک ور موفق به نفوذ در خاکریز عراقیها شدند. تا این ساعت از منطقه تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی در شمال کرخه خبری دریافت نگردیده بود اما ساعت ۰۱۳۸ دقیقه خبر هیجان انگیزی از بی سیم شنیده شد که خاکریز عصا شکل از قسمت شمال شکسته شده و دو دقیقه بعد اعلام گردید که یک گردان بسیجی از سر خاکریز عصا شکل به داخل آن نفوذ کرده اند، در ساعت ۰۱۴۳ خاکریز عصا شکل با آن همه عظمت و

استحکام از وسط و در امتداد جاده شنی درهم شکسته شده و یگان‌های بسیجی و ارتشی وارد پشت این خاکریز شده و در سمت شمال و جنوب به انهدام نیروهای دشمن پرداختند. بدین ترتیب در مدتی کمتر از دو ساعت مواضع مقدم پدافندی عراق با آن همه استحکام و قدرت عالی پدافندی خود سقوط کرد.

با اعلام شکستن خاکریز عصا شکل بلافاصله یگان‌های تیپ چهارم نیروهای بسیجی که از سمت جاده و زمینهای رملی خود را به میادین مین جناح شمالی دشمن نزدیک کرده بودند، همزمان در سه نقطه با گشودن معابر روی میادین از این موانع عبور و از جناح به دشمن حمله‌ور شدند.

تیپ ۳ زرهی لشکر ۹۲ با ملاحظه باز شدن معابر و سقوط خطوط مقدم پدافندی دشمن به یگان‌های زرهی و مکانیزه خود از جمله گردان ۲۹۳ تانک چيفتن به فرماندهی سرهنگ ۲ صفوی (شهید) که در حوالی دیدگاه ۳ موضع گرفته بود دستور داد سریعاً از مناطق باز شده وارد منطقه پدافندی متجاوز گردیده و با انهدام دشمن برای تأمین هدف‌های واگذاری پیشروی نمایند.

در ساعت ۰۲۰۰ بامداد باران قطع گردید.

نیروهای دشمن علیرغم آمادگی و آگاهی و دریافت دستور آماده باش کامل غافلگیر شده بودند.

توپخانه‌های خودی تقریباً فقط گلوله‌های منور را بطور مداوم شلیک می‌کردند زیرا که دوست و دشمن درهم مخلوط شده بودند، در ساعت ۰۱۵۲ دقیقه یگان‌های سپاه پاسداران در حوالی تپه دارشیاع به مواضع توپخانه دشمن نزدیک شدند.

در ساعت ۰۲۰۵ بامداد فرمانده تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی دستور داد که یگان‌های زرهی و مکانیزه چراغها را روشن نموده و با سرعت هر چه تمامتر به سوی هدفهای واگذاری پیشروی کنند. در ساعت ۰۲۳۰ دقیقه خاکریز دوم دشمن (مواضع احتیاط) سقوط کرد و نیروهای خودی درخواست روشنایی در عمق منطقه نمودند.

در ساعت ۰۲۳۵ مواضع توپخانه دشمن در حوالی تپه دار شیاع سقوط نموده و گردان‌های توپخانه ۱۵۲ م و ۱۳۰ م متجاوز به دست نیروهای خودی افتاده و برای همیشه خاموش

گردید. در ساعت ۰۲۴۰ دقیقه تانک‌های گردان ۲۹۳ زرهی از موضع تجمع خود در حوالی دیدگاه شماره ۳ رو به جنوب حرکت و وارد دشت شمال بستان شده تا با وصول به جاده بستان- تنگ چژابه ضمن قطع این جاده، به منظور سد راه عقب نشینی ها و تقویت‌های دشمن این تنگه را نیز تأمین نماید.

در ساعت ۰۲۴۵ یعنی تقریباً دو ساعت و پانزده دقیقه بعد از آغاز تک، تیپ ۳ زرهی با مشاهده سقوط خاکریز اول و دوم و مواضع توپخانه و پاسگاه فرماندهی متجاوز اعلام نمود که منطقه اشغالی متجاوز در شمال کرخه تقریباً سقوط نموده است.

گردان ۲۹۳ تانک چیفتن که مأموریت تأمین تنگ چژابه را داشت و در ساعت ۰۲۴۰ دقیقه از منطقه تجمع خود در حوالی دیدگاه شماره ۳ حرکت کرده بود گزارش داد که به سبب دشواری زمین با کندی بسیار حرکت می کند و نیاز به وسایل مهندسی برای برداشتن موانع و تسطیح زمین دارد و در ساعت ۰۴۴۰ اعلام داشت به هدف نزدیک گردیده ولی به علت عدم تشخیص دقیق محل هدف متوقف گردیده است. واقعیت این بود که گردان مزبور پس از حرکت از حدود دیدگاه شماره ۳ به دشت باز شمال بستان که تپه رملی دارشیاع آن را تنگ می کند وارد شده ولی به این علت که برای کوتاه کردن مسیر هدف میان بر زده بود از لحاظ سمت قدری منحرف و مسیر را از دست داده بود در زمین های رملی تپه دارشیاع متوقف گردید، تاکید فرمانده تیپ ۳ به این یگان مبنی بر استفاده از امتداد جاده بستان- تنگ چژابه بود که به عنوان یک مسیر قابل تشخیص پیشروی به سوی باختر و وصول به تنگ چژابه را تسهیل می کرد اما یگان یاد شده که به یک منطقه نسبتاً رملی منحرف شده بود نمی توانست جاده مزبور را پیدا کند و لذا در پشت تپه دارشیاع و در فاصله ۱-۲ کیلومتری جاده بستان - تنگ چژابه و به انتظار روشنایی روز و روشن شدن وضعیت متوقف باقی ماند. شهید صفوی در این رابطه میگوید "پس از حرکت به سمت تنگ چژابه با وجود پیش بینی های انجام شده، به علت تاریکی شب یک دستگاه از تانک‌های گروهان یکم بعد از دیدگاه سوم از مسیر خارج شد و در میان رمل ها گیر افتاد، فرمانده گروهان برای خارج کردن تانک از میان شن های روان سعی کرد با استفاده از تانک دیگر آن را بکسل نماید که متأسفانه تانک دوم هم در زمین فرو رفت، من بلافاصله خودم رابه صحنه حادثه رساندم وبا توجه به تجربه ای که در این

رابطه داشتیم فرمانده دسته تعمیر نگهداری را احضار نموده و دستور دادم با استفاده از خودرو اخراجات تانک‌ها را از میان شن‌های روان بیرون بکشد، حدود یک ساعت طول کشید که با استفاده از وینچ کششی تانک‌ها از میان شن زار خارج شده و در مسیر اصلی قرار گرفتند. در این مدت جاده کاملاً مسدود شده بود و تعداد قابل توجهی تانک و خودرو به صورت متراکم پشت سر هم جمع شده بودند، اگر دیده بان‌های دشمن متوجه حضور ما در نزدیکی خود می‌شدند با آتش توپخانه تلفات سنگینی به ما وارد می‌کردند و چه بسا سرنوشت عملیات طور دیگری رقم می‌خورد."

در ساعت ۰۵۱۱ دقیقه گردان ۲۶۱ تانک به هدف واگذاری (حد فاصل شمال بستان تا تپه دارشیاع که بنام دهانه بستان معروف است) رسید و در ساعت ۰۵۳۵ دقیقه گردان ۲۳۱ زرهی که در پهلوی جنوبی تیپ در امتداد کرخه عمل می‌نمود به پلهای بستان نزدیک شد و گزارش نمود که با آتش آنها را تأمین نموده است. تعدادی از تانک‌ها و خودروهای زرهی دشمن که از عبور از پل بستان و فرار به سمت جنوب ناامید شده بودند تلاش کردند که از طریق زمینهای رملی و تنگ چژابه فرار کنند و لذا دست به مقاومت زدند که توسط گردان ۲۶۱ تانک منهدم گردیدند. در ساعت ۰۶۳۰ دقیقه گردان ۲۹۳ تانک اعلام نمود که به سمت تنگ چژابه در حال پیشروی است و سپس گزارش نمود که این تنگ را تأمین کرده است. پیام حضور این یگان در پشت نیروهای دشمن از بلندگوی متصل به بیسیم توسط سرهنگ صفوی در قرارگاه جنوب پخش گردید (محسن صادق نیا ۳۵، ۱۳۸۹).

نیروهای دشمن در شمال کرخه با توجه به اینکه تنگ چژابه مسدود گردیده بود برای فرار به سمت جنوب روی آوردند و مجبور بودند از تنها پل شناور روی کرخه در حاج مسلم در نزدیکی بستان استفاده کنند و بسیاری پیاده و یا با تانک و نفربر با خودرو به زمینهای رملی یا هورالعظیم زده و در این زمین‌های دشوار بسیاری از آنها به کام مرگ افتادند روز بعد تعداد زیادی از این فراریان در زمینهای رملی حدود تنگ چژابه پیدا و محاصره شدند.

خلاصه عملیات روز ۶۰/۹/۹

۱- در شمال کرخه :

الف- عملیات تحکیم هدف در تنگ چزآبه انجام و مقاومت‌های باقیمانده پاکسازی گردید و بخشی از نیروها به ابوچلاچ وارد شدند. پلهای رودخانه رمیم تأمین گردید و شهر بستان تصرف شد. بالاخره اینکه یگان‌هائی از نیروهای خودی به منطقه شمال سابله وارد شدند.

ب- فعالیت شدید نیروی هوایی عراق در منطقه سوسنگرد - بستان و مبادله آتش توپخانه.
۲- در جنوب کرخه :

پاتکهای مکرر دشمن به لشکر ۱۶ زرهی به ویژه در منطقه تیپ ۱ آن لشکر در ناحیه مگاسیس اجرا گردید که با مقاومت سرسختانه لشکر مواجه و دفع گردیدند، گردان ۱۲۵ مکانیزه از تیپ ۲ و یگان‌های تیپ کربلا توانستند تا حدودی در کناره جنوبی سابله پیشروی کرده و خود را به پل سابله نزدیک سازند.

۳- پاتک‌های مداوم وسنگین دشمن تا تاریخ ۱۳/۹/۱۳۶۰ در جنوب کرخه به ویژه شمال پل سابله ادامه داشت، که با مقاومت رزمندگان اسلام از جمله گردان ۱۲۵ مکانیزه به فرماندهی سرگرد مخبری، دشمن مجبور به پذیرش شکست در ساعت ۰۹۴۵ منطقه را ترک نمود و درگیری خاتمه یافت.

شهید سپهبد علی صیادشیرازی در خاطرات خود در مورد طرح ریزی و هدایت عملیات طریق القدس چنین می‌گویند:

... در خط همه در کنار هم بودند خطی که در دست ارتشی‌ها بود، بچه‌های ارتش و سپاه، برای تک جبهه ای مستقر شده بودند.

ولی تکی که کلید تاکتیک ما در عملیات طریق القدس بود، تک احاطه ای بود، با یک بازو که از سمت راست به وسیله دو گردان انجام شد.

یک گردان که شماره اش یادم نیست (گردان ۲۹۳ تانک)، گردان تانکی از لشکر ۹۲ زرهی بود و احتمالاً فرمانده اش هم سرتیپ شهید صفوی بود. بعد از این عملیات فرمانده تیپ شد. فرماندهی گردان پیاده بسیجی بود (علی زاهدی). این دو گردان هماهنگ با هم، از جناح

راست به صورت یک بازویی حرکت کرده بودند که نه تنها به قلب دشمن، بلکه به عمق و قرارگاه دشمن بزنند.

محل قرارگاه دشمن را نمی دانستند کجاست. پیشروی که کردند، به آن رسیده بودند. فرمانده تیپ دشمن، از ترس به طرف هور رفته بود که هلیکوپتری او را نجات داد. تیپ ۲۶ پیاده مکانیزه دشمن دفاع از این محور را به عهده داشت.

ما روی آتش حساب باز نکرده بودیم، به دلیل اینکه مهمات کم داشتیم. گفته بودیم همه مهمات ذخیره شود تا در شرایط بحرانی از آن استفاده کنیم. می خواستیم تجربه تک در شب را پیاده کنیم.

تطبیق اصول جنگ با طرح عملیاتی کربلا ۱

اصل هدف

دست آورد یا دست آوردهای سیاسی و نظامی که بایستی با اجرای یک عملیات رزمی حاصل آیند هدف یا هدفهای استراتژیکی و تاکتیکی آن عملیات را تشکیل می دهند. کلیه تلاشهای رده های گوناگون شرکت کننده در عملیات بایستی در راستای دستیابی هدف نهایی قرار داده شده و سرانجام متمرکز شوند و این در حالی است که مفهوم هدف عملیات برای رده های مختلف، متناسب با استعداد و مأموریت واگذاری به آنها متفاوت است.

هدف باید اصولی، تعیین کننده، مشخص، قابل نگهداری و متناسب با توانائیها و مقدرات نیروی مأمور به تصرف و تأمین آن باشد. در تعیین و انتخاب هدف یا هدفها بایستی ارزش هدف از نظر ضرورت و لزوم دستیابی به آن از نقطه نظر کسب برتری های تاکتیکی و استراتژیکی نسبت به دشمن و متقابلاً سلب برتری ها و امتیازات دشمن و همچنین ارزش و جایگاه این هدف برای توسعه عملیات و وصول به هدف های بعدی و نزدیک شدن به هدف نظامی نهایی که همانا انهدام نیروی دشمن و میل جنگجویی و تحمیل اراده به اوست دقیقاً تجزیه و تحلیل و بررسی گردند.

تصمیم به اجرای آفند در جبهه مرکزی خوزستان با هدف کلی انهدام و بیرون راندن نیروی متجاوز از مناطق اشغالی و رسیدن به خطوط مرزی رسمی، هدف استراتژیکی نیروهای مسلح ما به شمار می آمد و تدبیر فرماندهی عالی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بر آن بود که کلیه نیروها و امکانات لازم برای انجام آن بسیج شوند.

هدفهای انتخاب شده تاکتیکی و استراتژیک در نبرد طریق القدس عبارت بودند از :

اول : انتخاب منطقه نبرد با منظور قطع پیوستگی جبهه سراسری دشمن در خوزستان برای سلب تسهیلات آمادی دشمن در منطقه و قطع مسیر تغییر مکان عده های عمده دشمن در یک مدت زمان کوتاه از یک جبهه به جبهه دیگر که بالمآل سبب تسهیل عملیات آفندی بعدی ما می شده و لذا یک هدف تاکتیکی باارزش محسوب می گردید.

دوم : انهدام نیروهای دشمن در این منطقه نیز یک هدف تاکتیکی منطقی بود زیرا حداقل با نابودی نیروهای متجاوز در حد یک لشکر توان رزمی دشمن تقلیل یافته و با محدودیت های پرسنلی و قلت جمعیت عراق جایگزینی آن برای دشمن مشکل و نیازمند زمان بود و نتیجه کلی آن کاهش توان رزمی متجاوز می گردید که در جهت اهداف استراتژیکی ما و هدف اصلی هر جنگ یعنی انهدام میل و اراده جنگجویی طرف متخاصم، قرار داشت.

سوم : انتخاب بستان به عنوان شهری که باید از دشمن پس گرفته شود یک هدف استراتژیکی و هم تاکتیکی بود. استراتژیکی از این نظر که در جنگ تصرف شهرها و تبلیغات درباره آن یک حربه تبلیغاتی بزرگ برای متقاعد ساختن افکار عمومی مردم هر دو کشور درباره قدرتمندی نیروهای نظامی فاتح و زبونی نیروی مغلوب است.

افکار عامه که به مسائل نظامی آشنائی چندانی ندارد و ارزش نظامی یک ارتفاع یا یک معبر و عوارض حساس و کلیدی میدان جنگ را خیلی به زحمت درک و فهم می نماید در عوض با نام شهر آشنائی دارد هر چند که از میزان ارزش تاکتیکی و استراتژیکی آن آگاه نباشد و لذا سقوط یک شهر و یا تصرف آن را نمادی از شکست و پیروزی نیروهای نظامی میداند و بهمین سبب نمونه های بسیاری وجود دارد که لجاجت فرماندهان نظامی برای تصرف یک شهر آنان را از دستیابی به هدف های کلی و اساسی تری در نبرد باز داشته است.

به هر حال این یک واقعیت است که با از دست دادن یک شهر افکار عمومی شکست و با فتح یک شهر غرور و هیجان پیروزی را احساس می کند.

پس گرفتن بستان نیز تابع این قانون بود و در شرایط و مقدرات کشور و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در آن زمان، آزاد کردن بستان بسیار ممکن تر از خرمشهر به نظر می رسید و لذا برای افزایش روحیه و متقاعد ساختن افکار عمومی در مورد کفایت و توان مندی نظام

جمهوری اسلامی و تخریب و تزلزل افکار عمومی دشمن، بستان می توانست هدف قابل دسترسی باشد.

بستان یک هدف تاکتیکی جالب نیز بود، این شهر یک مرکز مواصلاتی و تدارکاتی دشمن در جبهه مرکزی دشمن در استان خوزستان به شمار می آمد که به جبهه های شمال و جنوبی متجاوز راه سهل الوصول و نزدیکی داشت و با دستیابی بر آن دشمن از این نقطه مواصلاتی محروم می شد.

چهارم: مهم ترین هدف این عملیات که میتوان از آن به نام هدف قاطع نام برد عبارت بود از تنگ چّزّابه که یک عارضه حساس و کلیدی زمین و کنترل کننده منطقه به شمار می آمد که تصرف آن علاوه بر تسهیل در نگهداری و پدافند از بستان راه مواصلاتی جبهه شمال و جنوبی دشمن را در این نقطه قطع می کرد و بعلاوه با تصرف این هدف که در عقبه دشمن در منطقه شمال کرخه قرار داشت نیروهای دشمن مجبور به انهدام در مواضع خود می شدند و لذا انتخاب گردان ۲۹۳ به فرماندهی یک افسر با تجربه وشجاع (شهید صفوی)، از دیدگاه نظامی کاملاً منطقی و با ارزش و بجا بوده است.

با توجه به نکات یاد شده، هدف های زمینی انتخاب شده در طرح عملیاتی کربلا ۱ به خوبی ارزیابی گردیده و این هدفها اصولی، قاطع، مشخص و منطقی و تقریباً متناسب با توانائیهای نیروهای خودی برای نگهداری آن بودند.

اصل آفند

آفند تنها عمل و وسیله ای است که با آن یک تصمیم به موفقیت رسیده و پیروزی تحصیل می گردد، پدافند می تواند ما را از شکست نجات دهد ولی به موفقیت و پیروزی نمی رساند و بالاخره آفند کننده اراده و تمایلات خود را بر دشمن تحمیل می کند.

لازم است گفته شود که در بکارگیری اصل تعرّض، داشتن روحیه تهاجمی عالی و انگیزه و ایمان یکی از مهمترین عوامل است. در نبرد طریق القدس این روحیه سلحشوری و تهاجمی در عالیترین درجه در نیروهای مسلّح ما و نیروهای بسیج مردمی وجود داشته و اعتقاد و ایمان به اصالت نبرد بر علیه متجاوزی که بر خلاف تمام موازین بین المللی و حقوق همسایگی به خاک کشور ما هجوم آورده و مناطق وسیعی را بدون هیچ گونه دلیلی به ویرانی و نابودی کشیده و شهرها و روستاها را با خاک یکسان و مصائب بسیاری را بار آورده بود و میل به جنگیدن و

تاختن بر دشمن را در رزمندگان ما به شدت افزایش داده بود و این میل جنگجویی توان رزمی ما را نسبت به دشمن افزایش می داد.

اصل آفند می گوید. علاوه بر روحیه باید وسایل لازم برای آفند موجود باشد و اگر وسایل کافی و لازم وجود نداشته باشد از آفند نتیجه مورد نظر گرفته نخواهد شد.

در زمینه تدارک لازم برای آفند، در نبرد طریق القدس تلاش های مؤثری به عمل آمد که امکانات پرسنلی، تجهیزاتی لازم فراهم شده و برتری نسبی توان رزمی نسبت به دشمن در حد مقدورات مهیا گردد.

اصل مانور:

با تعیین هدفهای تاکتیکی در یک عملیات آفندی که می بایستی تأمین و تصرف شوند حال باید طراحان عملیات و فرماندهان برای دستیابی و تأمین هرچه سریعتر، آسانتر و قابل اطمینان تر این هدفها، در مورد چگونگی گسترش عده ها و آتشها در منطقه نبرد به منظور قرارداد آنها در موقعیتی برتر نسبت به دشمن در زمان و مکان مورد نظر و لحاظ نمودن عکس العملهای احتمالی دشمن اتخاذ تصمیم نموده و هم چنین نیروی لازم و مناسب برای این عملیات را برآورد نمایند.

اگر به تدبیر کلی عملیات (مانور) طرح کربلا ۱ دقت کنیم ملاحظه می گردد که مانور کلی در این عملیات مانور رخنه ای بوده است، منتهی در قسمتی از منطقه عملیات (شمال کرخه) مانور احاطه ای یکطرفه نزدیک انجام شده است.

در تعریف مانور احاطه ای گفته می شود که این مانور عبارت است از عبور از طرفین دشمن با اجتناب از مواضع پدافندی اصلی او و تصرف هدفی در عقبه دشمن که تصرف این هدف راه فرار دشمن را قطع کرده و او را مجبور به انهدام در مواضعش بنماید. این مانور در شرایطی امکان پذیر است که جناح دشمن قابل وصول باشد.

با توجه به این تعریف دیده می شود که نیروهای ما در شمال کرخه یک مانور احاطه ای را اجرا نمودند و هدفی که در عمق دشمن انتخاب گردید تنگ چژابه بود نکته اینجا است که بازوی احاطه خود در سه نقطه و بطور تقریباً همزمان اقدام به رخنه در مواضع دشمن از جناح نموده و با حمله به تنگ چژابه و تصرف آن در مجموع یک عمل احاطه را انجام داد، بطور

خلاصه چون نتیجه عمل این نیرو دستیابی به نتایج یک مانور احاطه ای بود می توان گفت که مانور احاطه در شمال کرخه صورت گرفت.

در مانور احاطه شمال کرخه، نیروی احاطه با یک تیپ پیاده (۹ گردان پیاده) و یک گردان تانک (گردان ۲۹۳) و نیروی فشار مستقیم با یک تیپ پیاده و یک تیپ زرهی وارد عمل گردیدند. برابر تدبیر عملیات، بازوی احاطه موقعی وارد عمل و درگیر می شد که نیروی فشار مستقیم قادر به ایجاد رخنه در مواضع اصلی پدافندی شده باشد و لذا می توان گفت که در شمال کرخه تک اصلی (نیروی احاطه) کاملاً به تک پشتیبانی (نیروی فشار مستقیم) متکی گردیده بود. نیروهای جنوب کرخه ناگزیر از اجرای یک مانور رخنه ای بودند که البته این رخنه در طول جبهه در نقاط متعدد انجام می گرفت.

گرچه نیروی احاطه در شمال کرخه به عملیات نیروی فشار مستقیم متکی شده و در جنوب کرخه هم چاره ای جز قبول مانور رخنه ای نبود اما تدبیر کلی به هر حال توانست نتیجه سرنوشت سازی را در نبرد بوجود آورد که منجر به انهدام دو تیپ پیاده و زرهی دشمن در شمال کرخه و در حدود یک تیپ در جنوب کرخه گردد.

اصل تمرکز

انتخاب نوع مانور و شکل اجرائی موفقیت آمیز آن در واقع مستلزم فراهم آوردن توان رزمی برتر نسبت به دشمن در جبهه تک اصلی است.

پس از انتخاب جبهه مرکزی به عنوان منطقه نبرد، متناسب با وضعیت دشمن اقدام به تمرکز قوا گردید. که مهمترین آنها بسیج نیروی مردمی و تمرکز آنها در این منطقه بود همچنین اختصاص حداکثر تلاشهای توپخانه، هوانیروز و نیروی هوایی و جهاد سازندگی به این عملیات و نقل مکان یک تیپ زرهی از منطقه شوش به غرب سوسنگرد.

بطور خلاصه وارد عمل نمودن ۴ تیپ پیاده، ۴ تیپ زرهی، ۲ توپخانه لشکری و اختصاص حداکثر تلاشهای پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی به این منطقه در حد مقدمات موجود حداکثر اقداماتی بود که به منظور تحصیل قدرت رزمی برتر نسبت به دشمن انجام گرفت و می توان گفت که اصل تمرکز قوا در حد توانائی نیروهای مسلح ما در نبرد طریق القدس رعایت گردید.

اصل صرفه جوئی در قوا

برای نیل به تمرکز قدرت رزمی برتر در زمان و مکان مناسب، لازم است که نیروی کمتر در جبهه کم اهمیت ترقرار داده شود.

در زمانی که عملیات طریق القدس تلاش اصلی نیروهای ما در منطقه خوزستان به شمار آمد، بایستی تقدم همه تلاشها به این عملیات، واگذار و در سایر مناطق حداکثر صرفه جوئی در کاربرد یگانها به عمل آید.

در آن موقع نیروهای ما در جبهه شوش و دزفول و همچنین جبهه کارون آن چنان در جبهه‌های عریضی گسترش یافته بودند که خودبخود اصل صرفه جوئی در قوا به کار گرفته شده بود و نمی شد گفت که نیروئی مازاد بر احتیاج در قسمتی از منطقه متمرکز گردیده است بنابراین تمرکز نیروهای بسیج مردمی سپاه پاسداران در منطقه عملیات طریق القدس و قرار دادن یگانهای کمتری از آنها در سایر جبهه ها و برداشت یک تیپ زرهی از جبهه شوش از جمله اقدامات ممکن صرفه جوئی در قوا در این عملیات بوده اند، همچنین لشکر ۱۶ زرهی با امکان برداشت نیرو از تیپ سوّم زرهی خود که عهده دار پدافند در منطقه طراح بود و لشکر ۹۲ زرهی با امکان برداشت نیرو از تیپ یکم زرهی خود که مأمور پدافند در جبهه جنوب غربی اهواز بود رعایت اصل صرفه جوئی در قوا در این نبرد را مشخص می سازند.

اصل غافلگیری

غافلگیری به معنی آن است که ما دشمن را در وضعیتی قرار دهیم که انتظارش را نداشته باشد، غافلگیری با حفظ اسرار عملیاتی، اختفاء حرکات، و سرعت عمل حاصل می شود.

مهمترین عامل غافلگیری که در این نبرد به کار برده شد، استفاده از زمینهای رملی برای تک به جناح و عقبه دشمن بوده و این تک جناحی عامل سرنوشت ساز و تعیین کننده این نبرد بوده است.

در بحث تدبیر متجاوز گفته شد که دشمن از حمله قریب الوقوع ما در این منطقه آگاه شده و اما از خطری که بیخ گوشش از سمت زمینهای رملی در حال پیدایش بود، بی خبر بود.

شاید بتوان گفت که حفظ اسرار عملیاتی بطور کامل و اختفاء حرکات به عنوان عوامل غافلگیری به صورت ضعیفی در این عملیات به کار گرفته شد و ضعف و غفلت و عدم رعایت تأمین اصولی از سوی دشمن، امکان غافلگیر کردن او را فراهم آورد. به هر حال بهره گیری از

نقاط ضعف دشمن در صحنه نبرد برای اغفال او از مهمترین عواملی است که همواره باید مورد توجه طراحان عملیات و فرمانده قرار گیرد.

در جنوب کرخه ما موفق به غافلگیر کردن دشمن نشدیم، اما عملیات پیروزمندانه در شمال همانگونه که دیدیم در فعالیت و اقدامات دشمن در جنوب کرخه تأثیر گذارده و در نهایت دشمن مجبور به عقب نشینی گردید.

بنابراین با بهره برداری از غفلت و سهل انگاری دشمن در تأمین جناح شمالی خود اصل غافلگیری با غافلگیر کردن دشمن توسط نیروهای ما به نحو مطلوب رعایت گردید و توانست پیش‌بینی‌ها و طرح‌های متجاوز را در نشان دادن عکس العمل مناسب و به موقع خنثی سازد.

اصل تأمین

تأمین به کلیه اقداماتی گفته می‌شود که غافلگیر نشدن را تضمین و آزادی عمل فرمانده را حفظ می‌کند. بدیهی است که تنها با رعایت اصل تأمین نمی‌توان جنگ را برد اما با عدم رعایت این اصل و استفاده به موقع دشمن، پیروزی در نبرد در معرض مخاطره جدی و حتی باخت قرار می‌گیرد.

انجام اقداماتی از قبیل به کار بردن عناصر تأمینی مانند پهلودار، جلودار و یا اقدامات شناسائی، ضد شناسائی، تأمین ارتباط و مخابرات، اختفاء و استتار، حفاظت اطلاعات، رعایت تفرقه، سرعت در حرکات، تأمین عملیات را برقرار می‌نمایند.

قبلاً اشاره گردید که برابر مدارک به دست آمده از دشمن، متجاوز از مقاصد ما بطور کلی آگاه بوده و این به سبب سستی رعایت اصول تأمینی مانند عدم اختفاء حرکات و عدم تأمین ارتباط و مخابرات و نظایر آن بوده، حتی در مورد فعالیت‌های ما در زمین‌های رملی و احداث جاده نمی‌توان گفت که ما اقدامات تأمینی را در سطح مطلوب رعایت کردیم، شاید بتوان گفت که رعایت حداکثر تأمین در آن شرایط بیش از این مقدور نبود. بطور خلاصه از دیدگاه اصول تأمینی در نبرد طریق‌القدس، این اصل به صورت نسبتاً ضعیفی از جانب ما و دشمن به کار گرفته شد.

عدم رعایت اصول تأمین و نتیجه موفقیت آمیز این عملیات به هیچ وجه نبایستی ما را فریب دهد که تأمین عملیات چندان ضرورت و اهمیتی ندارد، اگر دشمن در این عملیات موفق به

بهره برداری از اشتباهات تأمینی ما نگردید، نباید خط او را به حساب صحت اعمال خود بگذاریم و در بکارگیری اصول تأمینی در عملیات غافل شویم.

اصل سادگی

این اصل توصیه می کند که طرحها و عملیات برای آنکه توسط مجریان به راحتی قابل اجرا شود ساده باشند به عبارت دیگر موفقیت یک عملیات بستگی زیادی به این دارد که تا چه اندازه زیر دستان مأموریت و چگونگی انجام آن را درک نموده و اجرا نمایند. روی این اصل فرمانده بایستی از به کار بردن تاکتیکهای پیچیده و مبهم خودداری نماید.

ژرف نگری در طرح عملیات کربلا ۱ نشان می دهد که اگر چه طرح مانور این عملیات ظاهراً یک طرح ساده است که بطور خلاصه عبارت بود از رخنه در مواضع پدافندی دشمن و پیشروی بسوی هدفهای تعیین شده اما در واقع در پاره ای موارد که حسّاس و تعیین کننده سرنوشت عملیات نیز می باشند اجرای مانور احتیاج به تدابیر ویژه ای داشته است مانند عملیات عبور از نهر عبید و یا احداث جاده در زمینهای رملی که این طرح را از سادگی دور می کرد، همچنین اتکای نیروی احاطه به تک رخنه ای نیروی مأمور شکستن خاکریز عصا شکل.

در چهارچوب طرح کلی فوق، طرحهای مانور و عملیات تیپهای پیاده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تیپهای زرهی ارتش ساده و عبارت بودند از رخنه در مواضع دشمن و ساقط کردن آنها و پیشروی بسوی خاکریز بعدی تا هدف نهایی. گرچه این یگانها عملاً با دشواری هایی مانند عبور از زمینهای رملی و عبور از میادین مین و موانع و مواضع دشمن مواجه بودند ولی هدفهای داده شده به یگانها مشخص، تقریباً کم عمق و بدون نیاز به تغییر سمت عمده بود.

همچنین طرح عملیاتی پیش بینی شده برای عملیات شمال رودخانه نیسان نیز یک طرح ساده نبود و اجرای دو تک عمود بر هم و آن هم در فاصله ای نزدیک به هم و دو تغییر سمت عمده تیپهای زرهی نیاز به هماهنگی های بسیار و کنترل کامل عملیات داشت که البته با عقب نشینی نیروهای متجاوز از منطقه به مرحله اجرا در نیامد.

با توجه به موارد یاد شده شاید بتوان گفت که طرح عملیات کربلا ۱ طرح چندان ساده ای نبوده است.

اصل وحدت فرماندهی:

نیاز قاطع و اساسی به تطبیق و هماهنگی تلاشها و فعالیت های عناصر مختلف متشکله یک نیرو در عملیات و اجتناب از تفرقه و تشتت تلاشها در نیل به یک هدف و جلوگیری از لوث شدن مسئولیت ها و حداکثر استفاده از سرعت و قاطعیت در تصمیم گیری و هدایت عملیات، ضرورت لزوم به کارگیری شیوه و روش (وحدت فرماندهی) را به عنوان بهترین راه حل برای رسیدن بدین منظورها کاملاً مشخص و مدلل می نماید.

در نبرد طریق القدس هنوز روش فرماندهی مشترک بر عملیات بدانگونه که از آن به بعد در عملیات مشترک نیروی زمینی و سپاه پاسداران مرسوم گردید کاملاً پیاده نشده بود ولی وجود دو قرارگاه جداگانه (ارتش - سپاه) که هدایت کننده عملیات به شمار می رفتند، در واقع عدم رعایت وحدت فرماندهی به مفهوم کلاسیک آن به شمار می رفت. اما توافق تفکر و نظر فرمانده نیروی زمینی و فرمانده کل سپاه پاسداران و جدیت برای هماهنگ نمودن تلاشها سبب گردید که این دو گانگی اختلال بازدارنده ای در عملیات ایجاد ننماید.

بدیهی است که در سیستم فرماندهی مشترک در صورت وجود تفاهم و توافق کامل تفکر رزمی بین دو فرمانده و هماهنگی و همکاری کامل ستادهای آن به مفهوم رعایت همان اصل وحدت فرماندهی بوده و ضرورت حیاتی این اصل عملاً نقض نمی گردد.

در عملیات طریق القدس دو قرارگاه مجزای هدایت کننده ارتش و سپاه سبب بروز نارسائیهها و کندی در کار تصمیم گیری این تجربه را بیار آورد که از آن به بعد برای تسهیل در کار و دستیابی به حداکثر بهره، از سیستم یک قرارگاه مشترک فرماندهی متشکل از عناصر ستادی دو نیرو (ارتش و سپاه) استفاده گردد.

تیپ ۳۷ در عملیات فتح المبین در نگارش سرتیپ ۲ مجید صارمی^۱

مأموریت واگذاری قرارگاه کربلا به تیپ ۳۷ زرهی در عملیات فتح المبین:

تیپ مستقل ۳۷ زرهی آماده باشید؛ به محض رسیدن خودروهای تریلر در آغاز صبح روز ۱۳۶۱/۱/۳ به منظور ترابری تانک‌ها و ادوات زرهی به پای پل نادری (فرودگاه اضطراری غرب دزفول) تغییر مکان داده، به صورت محمول مستقر، نتیجه را گزارش و منتظر دریافت دستور بعدی باشید.

رعایت نکات تأمینی

نیروهای مذکور باید در ساعت ۰۱۰۰ مورخ ۱۳۶۱/۱/۳ مواضع خود را به طور مخفیانه ترک و به محل بارگیری از پیش تعیین شده برای سوار شدن و حرکت به محل جدید مأموریت تغییر مکان می‌دادند. این در حالی بود که در بعضی از مناطق فاصله خطوط پدافندی نیروهای خودی و دشمن به اندازه عرض رودخانه کارون بود و دشمن با شنیدن صدای غرش تانک‌ها در هنگام جابجایی و با احتمال اینکه تیپ ۳۷ زرهی به منطقه عملیاتی فتح المبین عزیمت می‌کند، مواضع و محل بارگیری نیروهای ما را گلوله باران خواهد کرد و در این وضعیت، دلاوران و رزمندگان خداجوی و خدمه جنگ افزارهای سنگین از قبیل تانک، نفربر و توپخانه و همچنین خمپاره اندازها تا لحظه ترک موضع و حرکت به سوی محل بارگیری با اجرای تیراندازی و شلیک گلوله‌های آتشین نیروهای دشمن را سردرگم کردند بطوری که نیروهای دشمن تصور می‌کردند نیروهای جدیدی وارد منطقه شده است و روی این اصل تیپ ۳۷ زرهی را تا آخرین خودرویی که از شرق کارون به محل جدید مأموریت عزیمت می‌کرد، با آتشباری ناجوانمردانه خود بدرقه کردند.

عزیمت تیپ ۳۷ زرهی به پای پل نادری از منطقه عمومی دارخوین

نیروهای تابعه تیپ ۳۷ زرهی باید بطور جداگانه و مستقل خودروهای چرخدار خود را به صورت ستون گردانی، همچنین تانک‌ها و نفربرهای زرهی را نیز پس از سوارکردن بر روی تریلی‌های تانک‌بر به صورت گردانی با راهپیمایی تاکتیکی و با به کارگیری اصول پدافند عامل هوایی از مبدأ به سوی مقصد حرکت می‌دادند.

۱. این بخش از کتاب: تیپ ۳۷ زرهی در عملیات فتح المبین، به روایت: سرتیپ ۲ زرهی مجید صارمی، انتشارات ایران سبز، سال ۱۳۸۷، برداشت شده است.

ساعت ۰۵۰۰ مورخ ۱۳۶۱/۱/۳ که خودروهای تانکبر به محل بارگیری رسیده بودند، گردان‌های تانک، سوار کردن تانک‌ها و نفربرها را بر روی خودروهای تانکبر شروع کردند و با سایر نیروها آمادگی ستون چرخدار خود را برای حرکت به سوی مقصد (پای پل نادری) اعلام داشتند. ساعت ۰۵۴۵ مورخ ۱۳۶۱/۱/۳ دستور حرکت ستون چرخدار نیروهای تیپ ۳۷ زرهی صادر شد و ساعت ۰۶۰۰ روز ۱۳۶۱/۱/۳ حرکت ستون چرخدار و سپس ستون تریلرهای تانکبر به سوی مقصد آغاز شد.

طول ستون راهپیمایی نیروهای تیپ ۳۷ زرهی از منطقه دارخوین، سلمانیه و آبادان به طرف اهواز و در نهایت از اهواز به پای پل نادری عظمتی را آفریده بود که ضمن جلب توجه هر بیننده‌ای فتح و پیروزی نیروهای سلحشور ایران اسلامی بر نیروهای اهریمنی را نوید می‌داد. ستون راهپیمایی نیروهای تیپ ۳۷ زرهی از محور آبادان - اهواز تا نزدیک فارسیات و کوت عبدالله در جنوب اهواز در معرض آتش دشمن بود و با بدرقه آتش‌های دشمن این مسیر را طی کرد.

هوایماهای شکاری بمب افکن دشمن، در دو نوبت ستون راهپیمایی را مورد حمله قرار دادند؛ اما در مقابل پدافند رزمندگان هوشیار تیپ ۳۷ زرهی آنها در هر مرحله متواری و مجبور به ریختن بمب‌های خود در بیابان‌های اطراف مسیر راهپیمایی شدند.

با گذشت ۴۸ ساعت از آغاز عملیات فتح‌المبین، نیروی هوایی دشمن مأموریت یافته بود که تمامی محورهای موجود منتهی به منطقه عملیاتی فتح‌المبین را مهار و نیروهای کمکی جمهوری اسلامی ایران که با عزیمت از این محورها به طرف منطقه عملیاتی فتح‌المبین در حرکت بودند را بمباران و به هر قیمت از ورود نیروهای ایرانی از این جاده‌ها به طرف منطقه جنگی ممانعت کند.

به رغم فعالیت جنگنده بمب افکن‌های دشمن در کسب فرصت و بمباران ستون راهپیمایی تیپ ۳۷ زرهی، رزمندگان پرشور و سلحشور تیپ ۳۷ زرهی با ادامه حرکت غرور آفرین خود به سوی پای پل نادری و عبور از شهر اهواز بار دیگر در منطقه عبدالخان حد فاصل شهرهای اهواز و اندیمشک مورد حمله هوایی شکاری بمب افکن‌های دشمن قرار گرفته و این بار هم بر اثر هوشیاری و پدافند عامل هوایی نیروهای تیپ ۳۷ زرهی راه به جایی نبرده و پس از متواری شدن، بمب‌های خود را در اطراف مسیر راهپیمایی فروریختند.

تیپ ۳۷ در عملیات فتح المبین در نگارش سرتیپ ۲ مجید صارمی / ۱۳۷

نیروهای تیپ ۳۷ زرهی با کوله باری از تجربه جنگی که از انهدام و به اسارت در آوردن نیروهای دشمن در منطقه آبادان (عملیات ثامن الائمه(ع)) کسب کرده بودند، مشتاقانه برای ورود هرچه سریع تر به عرصه عملیات فتح المبین، به سرعت راهپیمایی خود به سوی پای پل نادری شتاب بیشتری می دادند.

ساعت ۱۵۰۰ مورخ ۱۳۶۱/۱/۳ گروهان سوار زرهی، متعاقب آن ستون های چرخدار گردان ها و نیروهای تابعه تیپ ۳۷ زرهی به ترتیب ستونی وارد منطقه فرودگاه اضطراری پای پل نادری شدند.

صدور دستورات مراقبتی

به منظور جلوگیری از هرگونه آسیب پذیری در مقابل حمله هوایی دشمن، دستور تفرقه و استتار تعجیلی و استفاده از عوارض زمین اطراف فرودگاه و برقراری پدافند عامل هوایی به یگان های تابعه صادر شد.

احضار فرمانده تیپ به قرارگاه کربلا

فرماندهی قرارگاه کربلا در ساعت ۱۵۰۰ مورخ ۱۳۶۱/۱/۳ طی پیامی فرماندهی تیپ ۳۷ را به قرارگاه احضار نمود.

با دریافت پیام فوراً به سوی قرارگاه فرماندهی کربلا عزیمت و رأس ساعت ۱۶۰۰ روز ۱۳۶۱/۱/۳ به قرارگاه فرماندهی کربلا وارد شدم. به محض رسیدن و پیاده شدن از خودرو مشاهده کردم که جناب سرهنگ علی صیادشیرازی فرماندهی محترم نیروی وتعدادی از افسران ستاد قرارگاه در کنار یک فروند بالگرد آماده هستند.

پس از ادای احترام نظامی، فرماندهی محترم نیروی زمینی با ابراز لطف و محبت و خسته نباشید نسبت به اینجانب وضعیت حرکت و موقعیت ستون راهپیمایی نیروهای تیپ ۳۷ زرهی را جویا شدند، که به ایشان گزارش کردم: « با وجودی که ستون راهپیمایی تیپ ۳۷ زرهی در طول مسیر در سه نوبت مورد حمله شکاری بمب افکن های دشمن قرارگرفت، اما به لطف پروردگار و همت رزمندگان دلاور تیپ ۳۷ زرهی در پدافند عامل هوایی هیچ گونه آسیبی وارد نشد». سپس فرمودند سوار شوید.

پرواز از قرارگاه کربلا به سوی قرارگاه قدس

ساعت ۱۶۲۰ مورخ ۱۳۶۱/۱/۳ تمام افراد مذکور همراه با فرماندهی محترم نیروی زمینی بر فراز پادگان دوکوهه و جاده اندیمشک به طرف پل بالارود و از مسیر آبدانان به سوی محل استقرار قرارگاه فرماندهی قدس که در شمال شرقی عین خوش استقرار یافته بود، پرواز کردیم. با رسیدن بالگرد بر فراز قرارگاه قدس و در حالی که خلبان در پی پیدایش محل مناسب برای فرود بود ناگهان یک فروند شکاری بمب افکن دشمن، محل قرارگاه قدس را بمباران کرد که در اثر دود و گرد و خاک ناشی از این بمباران، خلبان بالگرد قادر به پیدا کردن محل فرود نبود و ناچار اقدام به مانور کردن در ارتفاع پایین بر فراز منطقه قرارگاه قدس نمود، تا پس از بر طرف شدن گرد و خاک و مشاهده محل فرود، بالگرد را بنشانند که یک فروند شکاری بمب افکن دیگر دشمن در ارتفاع خیلی پایین پیدا شد و با دیدن بالگرد حامل فرماندهی نیروی زمینی و همراهان چندین مرتبه شیرجه و بالگرد را مورد شلیک قرار داد که البته موفق نگردید و ناگزیر بمب های خود را در اطراف قرارگاه قدس به زمین فرو ریخت و منطقه را ترک نمود. پس از مدتی بالگرد به زمین فرود آمد و طی نشستنی خیلی کوتاه فرماندهی محترم نیروی زمینی خطاب به جناب سرهنگ امرالله شهبازی فرمانده قرارگاه قدس فرمودند: « از این لحظه ساعت ۱۷۰۰ روز ۱۳۶۱/۱/۳ تیپ ۳۷ زرهی در کنترل عملیاتی قرارگاه قدس قرار می گیرد و تلاش کنید تا با وارد عمل کردن تیپ ۳۷ در منطقه عمومی عین خوش از محاصره تیپ ۸۴ پیاده خرم آباد و تیپ ۱۴ امام حسین (ع) جلوگیری و فشار نیروهای دشمن را درهم شکسته و به پیشروی به سوی غرب امامزاده عباس و جاده دچه به ابوغریب ادامه دهید. لازم به ذکر است که درگیری نیروهای تابعه قرارگاه های چهار گانه با نیروهای دشمن و تبادل آتش های زمینی و هوایی به اوج خود رسیده بود و بالگرد ناچار به دور زدن این مسیر طولانی خارج از صحنه درگیری در رفت و برگشت به قرارگاه قدس بود.

تشریح عملیات توسط فرمانده قرارگاه قدس

در نشستنی کوتاه مدت در پاسگاه تاکتیکی قرارگاه قدس جناب سرهنگ امرالله شهبازی، فرمانده قرارگاه قدس، گزارشی از نبرد نیروهای تابعه این قرارگاه که از ساعت ۲۱۳۰ مورخ ۱۳۶۱/۱/۱ با نیروهای دشمن آغاز شد، مطرح نموده و نگرانی خود را از درگیری شدید واحدهای مستقر در عین خوش که عبارت از تیپ ۸۴ پیاده خرم آباد به فرماندهی جناب

سرهنگ بیرانوند و تیپ ۱۴ امام حسین (ع) از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود، ابراز و اظهار داشتند، که با وجود تلاش چشمگیر و قابل ستایش نیروهای مذکور در عین خوش، قرائن و شواهد، حاکی از این است که دشمن با افزایش لحظه به لحظه نیرو در منطقه عین خوش قصد انهدام، محاصره و یا به اسارت درآوردن نیروهای درگیر در منطقه عین خوش را دارد و در صورت شکست نیروهای خودی در عین خوش نیروهای دشمن از درگیری در این محل رهایی یافته و احتمال تهاجم دوباره نیروهای دشمن از محور عین خوش به امامزاده عباس دور از انتظار نیست، بنابراین از فرماندهی محترم نیروی زمینی درخواست یک تیپ زرهی جهت پشتیبانی از یگان‌های مزبور نمود. ایشان فرمودند: تیپ مستقل ۳۷ زرهی که یکی از نیروهای زبده می باشد از این لحظه در کنترل عملیاتی قرارگاه قدس قرار می گیرد و امیدوارم قرارگاه فرماندهی قدس با استفاده از تیپ ۳۷ زرهی و تقویت نیروهایش، زمینه انهدام و عقب راندن نیروهای دشمن در منطقه عمومی عین خوش را با طرح ریزی و کاربرد منطقی فراهم آورد.

عبور نصر ۶ (تیپ ۳۷) از خط مقدم (لجمن) نیروهای خودی

در ساعت ۰۳۲۰ روز ۱۳۶۱/۱/۴ با توسل به خدای منان با قدرتی کم نظیر و اراده پولادین و اعتماد به نفس کامل با دوگردان تانک و یک گروهان سوار زرهی در خط به صورتی که گردان ۲۳۹ تانک ام ۶۰ سمت راست جاده اصلی، گردان ۲۳۷ تانک چیفتن سمت چپ جاده و گروهان سوار زرهی سمت چپ، گردان ۲۳۷ تانک چیفتن به عنوان پهلو دار و گروه رزمی ۱۷۷ مکانیزه که با یک دسته تانک ام ۶۰ تقویت می شد بعنوان احتیاط که گردان ۲۳۷ تانک (تلاش اصلی) را دنبال می کرد. با عبور از خط لجمن، نیروهای خودی در تپه‌های علی گره زد، تک و پیشروی خود را به سوی غرب و عمق مواضع دشمن به منظور تصرف و تأمین اهداف از پیش تعیین شده آغاز نمود.

نیروهای رزمنده و دلاور نصر ۶ (تیپ ۳۷ زرهی) با استفاده بهینه از آتش و حرکت نیروهای زرهی در رزم شبانه، با سرعتی که امکان پذیر بود، برای رسیدن به منطقه عمومی دشت عباس و تصرف و تأمین جاده دچه به ابوغریب تا قبل از طلوع آفتاب، تلاش می کردند.

نیروهای دشمن در مواضع و خاکریزهای متوالی و متعددی در طول مسافت ۱۸/۵ کیلومتری از تپه‌های علی گره زد تا امامزاده عباس مستقر بودند.

نصر ۶ (تیپ ۳۷) زرهی برای تصرف و تأمین اهداف مربوطه مأموریت داشت تمامی نیروهای دشمن مستقر در این مواضع و خاکریزها را در طول مسافت ۱۸/۵ کیلومتری منهدم یا مجبور به فرار نماید.

پاسگاه تاکتیکی نصر ۶ (تیپ ۳۷) و هدایت نیروها

پاسگاه تاکتیکی نصر ۶ (تیپ ۳۷) که متشکل از فرمانده تیپ، جانشین فرمانده تیپ، افسران عملیات، افسران اطلاعات، درجه داران عملیات و اطلاعات، افسران ارتباط و مخابرات بود با فاصله پانصد متر به دنبال نیروهای تک ور و در حال پیشروی به سوی غرب، بر روی جاده آسفالتی حرکت می کرد. ارتباط کامل بین نیروهای عمل کننده و پشتیبانی کننده و قرارگاه فرماندهی نصر با پاسگاه تاکتیکی نصر ۶ برقرار بود.

سرگرد زارع پور، افسر مخابرات با تشکیل پست شنودی مجهز به کمک عناصر مخابراتی و چند نفر از سربازان عرب، زبان مکالمات و پیامهایی که بین فرماندهان دشمن و نیروهای آنان رد و بدل می گردید می شنید و در اختیار پاسگاه هدایت کننده تیپ قرار می داد. این اقدام امری بسیار مؤثر بود و ستاد عملیاتی را در ایفای نقش خود یاری می کرد.

تدبیر پاسگاه تاکتیکی بر این اساس بود که پس از تصرف و تأمین اهداف از پیش تعیین شده، پاسگاه تاکتیکی و ستاد عملیاتی تیپ ۳۷ زرهی (نصر ۶) را در پانصد متری سمت راست جاده اصلی به طرف ارتفاعات شاوریه و در یک کیلومتری شرق امامزاده عباس استقرار دهد تا ضمن استفاده از مواضع طبیعی، برای اختفا و پوشش بر منطقه نبرد و درگیری نیروهای دشمن اشراف کامل داشته باشد.

دریافت اولین پیام برخورد قطعی با نیروهای دشمن

ساعت ۰۳۵۰ روز ۱۳۶۱/۱/۴ گردان ۲۳۷ تانک چیفتن، طی پیامی، درگیری قطعی و تیراندازی شدید و آتشباری بی امان نیروهای مدافع دشمن به سوی محور پیشروی گردان مذکور را اعلام نمود. گردان ۲۳۹ تانک ام - ۶۰ نیز از تیراندازی و مقاومت شدید نیروهای دشمن که در صدد سد کردن پیشروی گردان ام ۶۰ بود خبرداد؛ همچنین گروهان سوار زرهی که به عنوان پهلو دار جناح چپ گردان ۲۳۷ تانک چیفتن پیشروی می کرد از تیراندازی بی وقفه نیروهای زرهی دشمن، مستقر در ارتفاعات تینه که به موازات جاده اصلی از تپه های علی گره زد به سوی امامزاده عباس استقرار یافته بودند و از سمت چپ، تیپ ۳۷ زرهی (نصر ۶) را با

گلوله‌های مستقیم توپ تانک‌های تی ۷۲ و توپخانه‌ها و خمپاره‌ها مورد آتشباری قرار داده بودند و تلاش می‌کردند تا به هر قیمت ممکن از پیشروی نیروهای نصر ۶ تا قبل از روشنایی صبح به امامزاده عباس و جاده دچه به ابوغریب جلوگیری نمایند و در صورت موفقیت پس از طلوع آفتاب با پانک‌های سنگین خود از جبهه روبرو و پهلوی چپ، با کمک بمباران هوایی و استفاده از بالگردهای ارتش بعث عراق تیپ ۳۷ زرهی (نصر ۶) را منهدم و دوباره تسلط خود را بر بخشی از منطقه درگیری و تپه‌های علی‌گره زد که از ارزش خاص نظامی برخوردار است تثبیت نمایند.

دریافت پیامها از نیروهای عمل کننده

طی دستورات شفاهی و جزء به جزء، حرکت گردان‌های تانک در محور پیشروی مربوطه به صورت خط زنجیر و تانک در خط توصیه شده بود و برای جلوگیری از سقوط احتمالی تانک‌ها به داخل دره و یا چاله‌های موجود در مسیر پیشروی در صورت نیاز به استفاده از افراد پیاده نظام با حالت دو و به ترتیب نوبتی در جلوی هر تانک در حال پیشروی تاکید شده بود.

دریافت پیامهای فرماندهان عمل کننده حاکی از مقاومت‌های سرسختانه نیروهای دشمن بود. دستور اجرای آتش‌ها در مبدا آتش صادر گردید. اجرای آتش‌های در مبدأ آتش که کلیه فرماندهان گردان، گروهان، دسته، فرماندهان و توپچی تانک و ادوات زرهی از آن آگاه بودند با شنیدن آن، هریک از تانک‌ها و نفربرهای در حال پیشروی طی یک توقف هفت الی ده دقیقه‌ای، تعداد سه تا پنج گلوله محترقه شدید به صورت تیر تراش (لوله توپ تانک‌ها، موازی با سطح افق و گاهی با دو درجه منفی) به سوی مواضع دشمن شلیک می‌کردند.

اجرای آتش و تیراندازی نیروهای زرهی در تاریکی شب با چنین شیوه‌ای بسیار، مفید و نتیجه بخش بود؛ چراکه ارتفاع خط سیر گلوله تا سطح زمین کمتر از ۱۸۰ سانتیمتر و یا کمتر از قد معمولی انسان بود؛ در نتیجه تمامی گلوله‌های شلیک شده به سنگرها، خاکریزها و مواضع دشمن اصابت می‌کرد. گلوله‌های محترقه شدید مانند گلوله‌های توپخانه مواضع و استحکامات نیروهای دشمن را درهم می‌کوبید و او را دچار رعب و وحشتی زاید الوصف می‌نمود به طوری که تصور می‌کردند نیروهای دلاور رزمنده ما با استفاده از وسایل پیشرفته دید شبانه، مواضع آنها را با این دقت غیر قابل تصور، در تاریکی شب مورد اصابت قرار می‌دهند. پس از اجرای نخستین آتش‌های در مبدا آتش، در ساعت ۰۴۰۰ روز ۱۳۶۱/۱/۴ دوباره دستور آتش

و حرکت و پیشروی نیروها به سوی غرب ابلاغ گردید؛ نیروهای زرهی تک‌ور با هماهنگی افراد پیاده هدایت کننده، در تاریکی شب با اجرای تیر تراش و استفاده از تیربارهای هم محور، تانک‌ها و تیر بارهای نفربرها نیروهای دشمن را در محور پیشروی به صورت رگبارهای عرضی و عمقی منهدم کردند و با وارد کردن فشار بر نیروهای مدافع دشمن، پیشروی نیروهای خودی را به سوی غرب تسهیل می‌نمودند.

نیروهای حماسه آفرین تیپ ۳۷ زرهی (نصر ۶) با اجرای اولین آتش‌های کوبنده خود در مبدا آتش و در هم کوبیدن مواضع و استحکامات نیروهای دشمن و کشته و مجروح کردن تعداد زیادی از افراد مستقر در خاکریزهای مقدم آنها را مجبور به عقب نشینی کردند و با حفظ تماس و تعاقب و مجال ندادن به دشمن برای استقرار در مواضع بعدی با آتش و حرکت و پیشروی خود به سوی غرب و رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده به حرکت خود ادامه می‌دادند. گروهان سوار زرهی پهلودار گردان ۲۳۷ تانک چيغتن از نیروهای عظیم زرهی دشمن، مستقر در ارتفاعات تینه که محور پیشروی تیپ ۳۷ زرهی را مورد آتشباری خود قرار داده بودند، خبر می‌داد.

درخواست آتش‌های پشتیبانی از قرارگاه نصر

در ساعت ۰۴۰۰ روز ۱۳۶۱/۱/۴ درگیری قطعی نیروهای در حال پیشروی خودی به سوی غرب و مقاومت شدید نیروهای مدافع دشمن به قرارگاه فرماندهی نصر گزارش شد و ضمن تقاضای آتش‌های پشتیبانی توپخانه برای در هم کوبیدن مواضع و خاکریزهای دشمن به منظور کمک و تسهیل در پیشروی نیروهای تک‌ور نصر ۶، تاکید شده بود که تیپ ۳۷ زرهی مصمم است به هر طریق ممکن اهداف از پیش تعیین شده را تصرف، تأمین و به موقع گزارش نماید. لیکن در آن شرایط بحرانی غیر قابل توصیف، درگیری شدید نصرهای شش گانه تابع قرارگاه فرماندهی نصر و تقاضای آتش‌های پشتیبانی توپخانه از طرف هریک از آنها و گزارش حالتهای اضطراری و بحرانی تمامی امکانات قرارگاه فرماندهی نصر به خصوص آتش‌های پشتیبانی توپخانه، درگیر عملیات و اجرای آتش در مناطق درگیر مربوط به خود بودند. در نتیجه نیروهای تیپ ۳۷ زرهی (نصر ۶) در آن لحظات حساس سرنوشت ساز در حال پیشروی به سوی غرب و منطقه عمومی امامزاده عباس، محروم از آتش‌های پشتیبانی توپخانه بود.

تیپ ۳۷ در عملیات فتح المبین در نگارش سرتیپ ۲ مجید صارمی / ۱۴۳

با این وصف فرماندهان نیروهای عمل کننده و افسران و درجه داران با استفاده از تجربیات خود و تیراندازی به موقع تانک ها و نفربرها، تیربارهای هم محور، و خمپاره اندازهای سازمانی خود کمبود آتش های پشتیبانی توپخانه ها را جبران و به پیشروی خود ادامه می دادند. ساعت ۰۵۰۰ روز ۱۳۶۱/۱/۴ نیروهای در حال پیشروی طی گزارش هایی پی در پی از مقاومت شدید نیروهای دشمن خبر می دادند.

پست شنود تیپ ۳۷ زرهی پیام فرماندهان عراقی به نیروهای مدافع خود را در محور پیشروی نصر ۶ دریافت کرد. در این پیام ها فرماندهان عراقی، ضمن امیدوار کردن نیروهای خود به رسیدن قریب الوقوع نیروهای کمکی از طرف عین خوش و امامزاده عباس نیروهای خود و فرماندهان آنان را در صورت عقب نشینی تهدید به مرگ می کردند ساعت ۰۵۰۰ روز ۱۳۶۱/۱/۴ نیروهای در حال پیشروی طی گزارش هایی پی در پی از مقاومت شدید نیروهای دشمن خبر می دادند.

پست شنود تیپ ۳۷ زرهی پیام فرماندهان عراقی به نیروهای مدافع خود را در محور پیشروی نصر ۶ دریافت کرد. در این پیام ها فرماندهان عراقی، ضمن امیدوار کردن نیروهای خود به رسیدن قریب الوقوع نیروهای کمکی از طرف عین خوش و امامزاده عباس نیروهای خود و فرماندهان آنان را در صورت عقب نشینی تهدید به مرگ می کردند.

پیام دریافتی از گردان ۲۳۷ تانک چیفتن

گردان ۲۳۷ تانک چیفتن با ارسال پیامی در ساعت ۰۷۳۰ روز ۱۳۶۱/۱/۴ از درگیری شدید و شاخ به شاخ تانک ها و نیروهای گردان مذکور با نیروهای دشمن و انهدام چندین دستگاه از تانک ها و نفربرهای آنان، همچنین انهدام یک دستگاه دیگر از تانک های نیروهای خودی خبر داد و اعلام کرد: با نیروهای بی شمار زرهی و مکانیزه دشمن در حوالی غرب امامزاده عباس و مشرف بر جاده دچه به ابو غریب مواجه شده و دشمن با آتشباری و بمباران، بی وقفه نیروهای خودی را به صورت طاقت فرسا تحت فشار قرار داده است. سپس تقاضای فوری پشتیبانی هوایی و توپخانه کرد.

پیام دریافتی از گردان ۲۳۹ تانک ام ۶۰

گردان ۲۳۹ تانک ام ۶۰ در ساعت ۰۷۴۰ روز ۱۳۶۱/۱/۴ سومین روز جنگ از درگیری نیروهای گردان با نیروهای زرهی دشمن، در مسافتی بسیار نزدیک در شمال شرقی امامزاده عباس همچنین انهدام دو دستگاه از تانک‌های نیروهای خودی و شهادت چهار نفر از افسران و درجه داران از خود گذشته گردان مذکور و انهدام تعداد نه دستگاه از تانک‌ها و نفربرهای نیروهای دشمن و وارد کردن تلفات زیادی به نفرات دشمن خبرداد و تقاضای پشتیبانی هوایی کرد.

اقدامات قرارگاه نصر ۶

پاسگاه عملیاتی تیپ ۳۷ زرهی، ضمن گزارش پیامهای دریافتی از نیروهای درگیر به قرارگاه فرماندهی نصر، بر توجه ویژه قرارگاه فرماندهی نصر به منطقه درگیری تیپ ۳۷ زرهی بانبروهای بی‌شمار دشمن در منطقه دشت عباس و اختصاص آتش‌های پشتیبانی توپخانه و پشتیبانی هوایی به این محل از صحنه نبرد و پیشروی هرچه سریعتر نصر ۲ در جناح چپ به منظور تأمین جناح چپ منطقه درگیری تیپ ۳۷ زرهی و پیشروی نصر ۵ از ارتفاعات شاوریه به شمال شرق امامزاده عباس به خاطر تأمین جناح راست منطقه درگیری تیپ ۳۷ زرهی اصرار می‌ورزید. به‌علاوه به دلیل فشار فوق‌العاده‌ای که از طرف نیروهای دشمن در سمت چپ امامزاده عباس و اطراف محور دچه به ابوغریب بر گردان ۲۳۷ تانک چيفتن وارد می‌آمد، تیپ ۳۷ زرهی به ناچار واحد احتیاط خود را که شامل گردان منهای ۱۷۷ مکانیزه تقویت شده با یک دسته تانک ام - ۶۰ بود، در خط درگیری گردان ۲۳۷ تانک چيفتن وارد عمل کرد و بدین ترتیب منطقه درگیری گردان ۲۳۷ تانک چيفتن تا اندازه‌ای تقویت گردید.

درگیری نیروهای خودی و دشمن در منطقه دشت عباس

به طوری که قبلاً به‌طور مختصر اشاره شد، تیپ ۸۴ پیاده خرم‌آباد و تیپ ۱۴ امام حسین (ع) از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که از واحدهای تحت کنترل قرارگاه قدس در منطقه و مواضع عین‌خوش استقرار یافته بودند، تحت فشار لشکر ۱۰ زرهی و نیروهای تقویتی عراق بودند. با وجود فشار فوق‌العاده نیروهای زرهی و مکانیزه دشمن به منظور انهدام و یا به اسارت درآوردن نیروهای ما، تصرف و تأمین مواضع منطقه عین‌خوش، با این حال تیپ ۸۴ پیاده خرم‌آباد و تیپ ۱۴ امام حسین (ع) از سپاه پاسداران با پایدردی و جانفشانی و مقاومت جانانه

تیپ ۳۷ در عملیات فتح المبین در نگارش سرتیپ ۲ مجید صارمی / ۱۴۵

خود تمامی حملات و تلاش‌های دشمن را سرکوب و از دسترس نیروهای دشمن به مواضع و مناطق یاد شده جلوگیری و ممانعت کرده بودند.

اخبار دریافتی پست شنود

پست شنود تیپ ۳۷ زرهی در ساعت ۰۷۳۰ روز ۱۳۶۱/۱/۴ سومین روز جنگ، اخباری را حاکی از نگرانی و اضطراب فرماندهان نیروهای دشمن مبنی بر حمله نیروهای زرهی ارتش جمهوری اسلامی ایران (تیپ ۳۷ زرهی) و ورود آنها به منطقه عمومی دشت عباس و تصرف امامزاده عباس و جاده دچه به ابوغریب دریافت کردند که طبق آن به لشکر ۱۰ زرهی دشمن مأموریت داده شده بود که با صرف نظر از مواضع عین‌خوش و با سرعت هرچه سریعتر به سوی شرق و منطقه دشت عباس حرکت و با استفاده از آتش‌های سنگین توپخانه و بمباران هوایی، نیروهای تیپ ۳۷ زرهی را منهدم کرده و به سوی تپه‌های علی‌گره‌زد و سه راهی قهوه‌خانه در غرب رودخانه کرخه پیشروی نمایند.

جابه‌جایی و تغییر آرایش تاکتیکی نیروهای دشمن

پیشروی برق‌آسای تیپ ۳۷ زرهی و حضور آن در منطقه امامزاده عباس، منجر به انصراف دشمن از تصرف مواضع عین‌خوش و اعزام تمامی نیروها به سوی منطقه امامزاده عباس برای مقابله با تیپ ۳۷ زرهی شد که نتیجه آن به رهایی تیپ ۸۴ پیاده خرم‌آباد و تیپ ۱۴ امام حسین(ع) از سپاه پاسداران که در مواضع عین‌خوش تحت فشار نیروهای دشمن قرار گرفته بودند، انجامید.

تحت فشار قرار گرفتن گردان ۲۳۷ تانک چیفتن

کلیه تانک‌ها و سایر ادوات زرهی گردان مذکور بر روی زمین صاف و بدون سنگر در حالت جنگ شاخ به شاخ تانک‌ها درگیر شده بودند. نقطه هماهنگی آنها در جناح راست با گردان ۲۳۹ تانک ام ۶۰ امامزاده عباس بود. با نزدیک شدن نیروهای دشمن از عین‌خوش و غرب ارتفاعات تینه به منطقه دشت عباس و افزایش بمباران هوایی و آتش‌های توپخانه‌ها و خمپاره اندازه‌ها بر منطقه نیروهای درگیر، تیپ ۳۷ زرهی به ویژه گردان ۲۳۷ تانک چیفتن تحت فشار فوق‌العاده قرار گرفته بود. در این شرایط مجالی برای اندیشیدن نبود. زنده ماندن مستلزم فداکاری، جنگیدن و گرفتن ابتکار عمل از دست دشمن بود. نیروها فداکار این گردان و سایر رزمندگان پرشور تیپ ۳۷ زرهی در آن لحظات فوق‌العاده، فقط در خواست مهمات می‌کردند.

گویی غیر از دریافت مهمات و به کارگیری آن برای انهدام نیروهای دشمن، هیچ توقع دیگری نبود. صادقانه می‌گوییم در آن لحظات، این رزمندگان سلحشور به تنها چیزی که می‌اندیشیدند مهمات بود و هیچ کس در فکر آب و نان و خواب و خوراک نبود. با یک اشتباه جزئی و یک لحظه سستی در تصمیم‌گیری فرماندهان، صدمات جبران ناپذیری به وجود می‌آمد. مهارت بسیار بالای خدمه‌های تانک و دیگر ادوات جنگی در تیراندازی و کاربرد جنگ افزارهای مربوطه، موجب انهدام دهها تانک، نفربر و خودروهای سبک و سنگین و کشته شدن تعداد زیادی از نفرات پیاده دشمن که به صورت پیاده نیروهای زرهی دشمن را همراهی می‌کردند، گردید. از جمله فرماندهان تانک: ستوانیار رضا بناکار، ستوانیار یداله پیرپور، استوار دوم هراتی، ستوان سوم حیدری که فرمانده دسته تانک چیفتن هم بود همچنین استوار حسن واحدی، استوار غلامعلی صولتی - استوار ابراهیم کشاورز، ستوان سوم بابامراد نادری، استوار شهید رضا کاظمیان، استوار سبزعلی، استوار محمد شایان بودند.

با وجود از خود گذشتگی‌های قابل ستایش رزمندگان، مهمترین خطری که ما را تهدید می‌کرد، استقرار نیروهای زرهی خودی بر روی زمین صاف و نبود امکانات مهندسی برای حفر سنگر و موضع برای نیروهای زرهی و احتمال اینکه تانک‌ها و نیروهای زرهی ما یکی پس از دیگری مورد اصابت گلوله مستقیم تانک‌های دشمن قرار گیرند متصور بود. در حالی که با سروان حسین حاتمی، سروان محمدطاهر بهرام‌زاده، سروان رضا نیک‌خواه (سرتیپ شهید) فرمانده گردان چیفتن و سروان منصور یزدان پرست، معاون گردان در حال مشورت برای چگونگی حفظ نیروهای خودی در قبال آتش‌های دشمن بودیم، یک دستگاه از تانک‌های چیفتن مورد اصابت گلوله مستقیم تانک دشمن قرار گرفت به طوری که گلوله به داخل دهانه لوله توپ تانک چیفتن اصابت کرد و آن را از دهانه تا نصف به صورت برش دو شاخه تیر کمان از هم جدا نمود.

درخواست وسایل سنگین مهندسی از قرارگاه فرماندهی نصر

تیپ ۳۷ زرهی طی پیامی در ساعت ۰۸۲۰ روز ۱۳۶۱/۱/۴ سومین روز جنگ با درخواست اعزام سریع وسایل سنگین مهندسی به عنوان امری حیاتی به منطقه امامزاده عباس چگونگی درگیری نیروهای خودی با دشمن را گزارش و مجدداً خواستار اختصاص آتش‌های پشتیبانی توپخانه و پشتیبانی هوایی به منطقه درگیری شد.

پیام دریافتی از گردان ۲۳۹ تانک ام ۶۰

گردان ۲۳۹ تانک ام ۶۰ به فرماندهی سرگرد زرهی علی عباسی که معاونت آن را سروان کریم پیروزان عهده‌دار بود، در ساعت ۰۸۴۰ روز ۱۳۶۱/۱/۴ طی پیامی عنوان کرد که سه دستگاه از نفربرهای حامل خمپاره انداز گردان مذکور که در پنجاه متری شمال شرق امامزاده عباس استقرار یافته و در حال نبرد با نیروهای دشمن بوده‌اند، بر اثر بمباران نیروی هوایی دشمن منهدم و تعداد یازده نفر از افسران و درجه داران و سربازان به شهادت رسیده‌اند و گردان ۲۳۹ تانک ام ۶۰ در معرض خطر جدی قرار گرفته است. با دریافت این پیام به سرعت به سوی محل پاسگاه فرماندهی گردان مذکور که در شمال جاده و در ۵۰۰ متری شرق امامزاده عباس استقرار یافته بود، حرکت کردیم. با ورود به مواضع و خط درگیری گردان ام - ۶۰ مشاهده گردید که درگیری این گردان هم با نیروهای متجاوز دشمن دست کمی از درگیریهای گردان چیفتن نداشت. پس از پیاده شدن از خودرو و حرکت از کنار تانک‌ها و سایر نیروهای جان بر کف که در حال تیراندازی بودند، با ابراز سلام و خسته نباشید با این از خود گذشتگان همیشه سرافراز دیدم، جناب سرهنگ نصرت الله معین وزیری که یکی از طراحان معروف و به نام نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران بوده و نظرات نتیجه‌بخش و سازنده‌شان در تعدادی از طرح ریزیهای عملیاتهایی گوناگون هشت سال دفاع مقدس مورد نظر بوده، همراه با سرگرد علی عباسی در حال سرکشی به تانک‌ها و نیروهای رزمنده درگیر می‌باشند و خدمه‌های تانک را به پایداری و مقاومت و تیراندازی دقیق و مسلسل‌وار به سوی تانک‌ها و نیروهای زرهی دشمن ترغیب و تشویق می‌نمایند.

حضور جناب سرهنگ نصرت الله معین وزیری در آن لحظات بحرانی و طاقت فرسا آن هم در حالی که در مقابل هر یک از تانک‌های خودی، پانزده تا بیست دستگاه از تانک‌های دشمن وارد عرصه جنگ شده و با فاصله بسیار کم و به حالت شاخ به شاخ یکدیگر را مورد اصابت گلوله‌های آتشین قرار می‌دادند بسیار ارزشمند بود. من هر چند آشنایی چندانی با ایشان نداشتم از دیدن ایشان بسیار تعجب کردم و. پس از سلام و احوالپرسی گفتم جناب سرهنگ؛ حضور شما در شرایط حساس کنونی در بین نیروها تیپ ۳۷ زرهی مایه دلگرمی و ارتقای روحی رزمندگان گردیده است، ایشان نیز مرا بوسیدند و گفتند: «پس از دریافت خبر رسیدن تیپ ۳۷ زرهی به امامزاده عباس و درحالی که درگیری قطعی با یگان‌های

دشمن صورت گرفته با زحمت فراوانی زیر بمباران های پی در پی و آتشباریهای توپخانه ها و سایر نیروهای دشمن، خود را به صحنه نبرد رسانده ام تا از نزدیک شاهد فداکاریها و دلاوریهای نیروهای رزمنده تیپ ۳۷ باشم. من حرکت تیپ ۳۷ زرهی را از منطقه عمومی دارخوین و فیاضیه آبادان و طی نمودن مسافت حدود ۲۵۰ کیلومتر با راهپیمایی تاکتیکی به پای پل نادری و به تپه های علی گره زد و عبور از خط لجمن و پیشروی و رسیدن به منطقه دشت عباس را که با انهدام و در هم شکستن مقاومت های دشمن در ظرف مدت یک روز در حد فاصل تپه های علی گره زد تا امامزاده عباس به عنوان هنر جنگ تعبیر می کنم. تیپ ۳۷ زرهی این مأموریت را به عنوان نیروی احتیاط در کمال شجاعت انجام داده و هم اکنون با حضور خود در امامزاده عباس و منطقه عمومی دشت عباس، معادلات منطقه جنگی و آرایش و اتخاذ تاکتیک نیروهای دشمن را بر هم زده است. »

اوج گرفتن شدت جنگ در ساعت ۰۸۴۰ روز ۱۳۶۱/۱/۴

در ساعت ۰۸۴۰ روز ۱۳۶۱/۱/۴ بمباران هوایی دشمن در محل استقرار نیروهای تیپ ۳۷ زرهی به صورت وحشتناکی اجرا گردید. به محض قطع بمباران هوایی آتش های توپخانه ها و خمپاره اندازها، همراه آتش مستقیم تانک ها و سایر نیروهای دشمن به صورت متمرکز، موضع نیروهای تیپ ۳۷ زرهی را در هم می کوبید. علاوه بر آن با ورود سریع نیروهای زرهی و مکانیزه و پیاده دشمن از طرف عین خوش و ارتفاعات تینه به طرف محل استقرار نیروهای ما و همچنین پیشروی نیروهای تیپ ۱۰ زرهی عراق (گارد ریاست جمهوری) از منطقه شرق ارتفاعات تینه به طرف جاده اصلی حد فاصل تپه های علی گره زد به امامزاده عباس به قصد تصرف و قطع جاده و دورزدن و انهدام نیروهای تیپ ۳۷ زرهی به خصوص آتش های مستقیم و انبوه تانک های دشمن در منطقه دشت عباس، نیروهای بدون سنگر تیپ ۳۷ زرهی را که با استقرار بر روی زمین صاف در حال جنگیدن بودند، به طور صد در صد تهدید می کرد. چنانچه درگیریها به همین روند ادامه می یافت، آسیب جبران ناپذیری به تیپ ۳۷ زرهی و محل نیروهای عمل کننده عملیات فتح المبین وارد می آمد. بنابراین لازم بود برای نجات تیپ ۳۷ زرهی با حفظ اهداف تصرف شده چاره اندیشی کرد.

تغییر موضع گردان‌های ۲۳۷ و ۲۳۹

در ساعت ۰۸۵۰ روز ۱۳۶۱/۱/۴ جناب سرهنگ غفار رامین، جانشین فرمانده تیپ، سروان محمد طاهر بهرام‌زاده و سروان غلامعلی آینه، افسران عملیات و اطلاعات ستاد تیپ ۳۷ زرهی و فرماندهان گردان‌های تانک را به پاسگاه فرمانده گردان ۲۳۹ تانک که در معرض شدید غیرقابل تحمل آتشباری بی‌امان نیروهای دشمن قرار گرفته بود، احضار شدند. در زمینه ادامه وضعیت با حفظ مواضع موجود و حفظ نیروها در مقابل بمبارانهای بی وقفه هوایی و آتش توپخانه به خصوص گلوله مستقیم نیروهای زرهی دشمن طی یک بحث و تبادل نظر تعجیلی به این نتیجه رسیدیم که برای زنده ماندن و جنگیدن و حفظ مواضع موجود تا روشن شدن وضعیت کلی جنگ چاره‌ای جز این نیست که گردان ۲۳۹ تانک ام ۶۰ به منظور استفاده از عوارض طبیعی که در فاصله ۱۵۰ تا ۲۰۰ متری پشت سر نیروهایش بود، بدون دور زدن تانک‌ها و در حالی که تانک‌ها تیراندازی می‌نمایند با عقب رفتن مواضع پشت سر خود را که دارای عوارض طبیعی است به صورت بدنه محفوظ اشغال و با نهایت قدرت هر چه تمام‌تر جنگ را ادامه دهند. همچنین به گردان ۲۳۷ تانک چیفتن نیز دستور داده شد که به همین صورت از جنوب غرب جاده اصلی به منظور استفاده از مواضع طبیعی به شمال شرق جاده اصلی تغییر مکان دهد و با استقرار در مواضع جدید به صورت بدنه مخفی با استفاده از حداکثر آتش‌های نشان شده به ویژه گلوله‌های ثاقب ضدتانک، نیروهای درحال پیشروی دشمن را مخصوصاً نیروهای زرهی آنان را منهدم و نتیجه را گزارش نمایند.

استقرار در مواضع جدید و قدرت نمایی نیروهای تیپ ۳۷ زرهی

گردان‌های تانک تیپ ۳۷ زرهی با جا به جایی ۱۵۰ تا ۲۰۰ متر و استقرار در مواضع جدید در شرق جاده اصلی توانستند در همان دقایق اولیه تعداد دوازده دستگاه از تانک‌ها و نفربرهای دشمن را منهدم کنند که دود ناشی از سوختن آنها و انفجار مهمات داخل تانک‌ها، نیروهای دشمن را به وحشت انداخته بود.

صحنه جنگ به طور محسوسی عوض شد. نیروهای خودی قدرت و توان نهفته خود را باز یافتند. نیروهای پرشور ما با استفاده از گلوله‌های ثاقب ضد تانک (چون سندان و چکش) تانک‌ها و ادوات زرهی دشمن را منهدم و متلاشی می‌کردند.

به رغم اینکه در اوایل، تلفات و ضایعاتی غم انگیز و دلخراش (که قبلاً شرح داده شد) به رزمندگان جان برکف تیپ ۳۷ زرهی وارد آمد، اما با اینحال نشاط دوباره سراپای رزمندگان قدرتمند نیروهای خودی را از اینکه به منطقه امامزاده عباس رسیده و نیروهای دشمن رامجبور به اتخاذ شیوه پدافندی کرده بودند دربرگرفته بود. خستگیها، بی خوابیها و عدم دسترسی به غذای مناسب چند روز گذشته سربازان حماسه ساز با انهدام تانکهای دشمن رفع می گردید بنابه آنچه گذشت، اتخاذ راهکاری منطقی و اصولی که برآیند نظرات فرماندهان مسئول و حاضر در صحنه بود، با به کارگیری کمترین نیرو و جبهه ۱۸/۵ کیلومتری از تپه های علی گره زد تا امامزاده عباس را در مقابل فشار خیلی سنگین و غیرقابل انکار تیپ ۱۰ زرهی عراق که با دو گردان مکانیزه و یک گردان پیاده تقویت شده بود پوشش و نیروهای دشمن مجبور به توقف و اتخاذ وضعیت پدافندی شدند.

شرح مختصری از مشخصات تیپ ۱۰ زرهی دشمن

با شرح مختصری از مشخصات تیپ ۱۰ زرهی دشمن توجه خوانندگان را به این نیروی زبده زرهی عراق که مجهز به تانکهای پیشرفته تی ۷۲ بودند جلب می کنم.

در دوران دفاع مقدس و در عملیاتهای سنگین در هر زمانی که دشمن احساس ضعف می کرد این نیروی زبده زرهی را به عنوان نیروی سرنوشت ساز وارد صحنه نبرد می کرد تا سرنوشت جنگ را به نفع خود رقم بزند. بنابراین دشمن با اطلاع از اینکه نیروهای ایرانی با شروع عملیات فتح المبین در نظر دارند که با استفاده از محور اصلی از پل نادری به تپه های علی گره زد و از ارتفاعات شاوریه به سوی امامزاده عباس و دشت عباس و عین خوش پیشروی نمایند، تیپ ۱۰ زرهی تقویت شده خود را در ارتفاعات تینه مستقر و در کمین برای دور زدن و محاصره نیروهای ایرانی عمل کننده در این محور حساس گمارده بود. جالب اینکه در جلسه قرارگاه کربلا با حضور جناب سرهنگ علی صیادشیرازی فرمانده محترم نزاجا و معاونین عملیات و اطلاعات هنگامی که تصمیم گرفته شد تیپ ۳۷ زرهی به عنوان احتیاط قرارگاه کربلا از محور اصلی پای پل نادری به سه راه قهوه خانه، تپه های علی گره زد و به سوی امامزاده عباس و جاده دچه به ابوغریب پیشروی نمایند، و من به عنوان فرمانده تیپ ۳۷ زرهی از جناب سرهنگ مفید استعداد رزمی و مشخصات نیروهای دشمن مستقر در ارتفاعات تینه را جویا

شدم. ایشان پس از سکوتی طولانی گفتند که نیروهای قابل ملاحظه‌ای که توان کند کردن پیشروی تیپ ۳۷ زرهی به سوی منطقه عین خوش را داشته باشند، وجود ندارد. پس از پیروزی حماسی جنگ فتح‌المبین و پایان عملیات از جناب سرهنگ مفید سؤال کردم که فرمودید نیروهای قابل ملاحظه‌ای در ارتفاعات تینه وجود ندارد، در حالی که تیپ ۱۰ زرهی عراق با دو گردان مکانیزه و یک گردان پیاده تقویت شده در ارتفاعات تینه استقرار یافته بود. ایشان بلافاصله گفتند به دلیل اینکه مبدا نیروهای خودی از شنیدن حضور تیپ ۱۰ زرهی عراق (گارد ریاست جمهوری) در ارتفاعات تینه هراس و واهمه به خود راه دهند و از پیشروی بازمانند، از گفتن آن خودداری کردم و مطمئن بودم که تیپ ۳۷ زرهی بر تیپ ۱۰ زرهی عراق فایق می‌آید. چرا که مهارت نیروهای تیپ ۳۷ زرهی به ویژه استفاده بهینه از تیراندازی توپ تانک‌ها زبازند همه می‌باشد.

تیپ مستقل ۳۷ زرهی در عملیات بیت المقدس در نگارش سرتیپ ۲ مجید صارمی^۱

تیپ ۳۷ زرهی پس از شرکت در عملیات پیروزمندانه و افتخار برانگیز فتح‌المبین، در شانه‌های شرقی ارتفاعات تینه در ابتدای تنگه ابوغریب مستقر شد. در خاتمه عملیات بنا به دستور، از تاریخ ۱۳۶۱/۱/۱۱ الی ۱۳۶۱/۱/۱۵ به شمالغرب اهواز نرسیده به پلیس راه اهواز- اندیمشک، و ارتفاعات فولی آباد تغییر مکان و در منطقه تجمع مستقر شد و به منظور عملیاتی که قرار بود در آینده بسیار نزدیک برای آزادسازی خرمشهر اجرا شود، با جدیت و تلاش خستگی ناپذیر به بازسازی، تعمیر و نگهداری و تجدید سازمان، خود پرداخت. تیپ ۳۷ زرهی شیراز در این عملیات در قالب فتح ۴ همراه با تیپ ۵۵ هوارد، تیپ ۲۵ کربلا و گردان بلال در مرحله یکم مأموریت داشت با عبور از رودخانه کارون به سوی خط سرپل (جاده اهواز - خرمشهر) پیشروی و خط سرپل را در منطقه محوله تصرف و تأمین نماید.

۱. این بخش از کتاب: تیپ ۳۷ زرهی در عملیات بیت المقدس، به روایت: سرتیپ ۲ زرهی مجید صارمی، انتشارات ایران سبز، سال ۱۳۸۷، برداشت شده است.

مأموریت تیپ ۳۷ زرهی در عملیات بیت المقدس

تیپ ۳۷ زرهی پس از اینکه از رودخانه کارون عبور کرد، در خط عزیمت گسترش می‌یابد و با شنیدن رمز شروع عملیات به دنبال یگان‌های پیاده (تیپ ۵۵ هواورد، تیپ ۲۵ کربلا، گردان بلال) به سوی غرب حرکت نموده و با هماهنگی و همکاری آن یگان‌ها هر گونه مقاومت دشمن را در هم شکسته و خط سرپل را تصرف و تأمین می‌نماید

در عملیات بیت المقدس (آزادسازی خرمشهر) جمعاً تعداد ۵ دستگاه پل شناور بر روی رودخانه کارون برای عبور نیروهای قرارگاه نصر و فتح به ساحل غربی رودخانه در روز موعود؛ یعنی پایان روز ۱۳۶۱/۲/۹ برقرار گردید که شمالی‌ترین پل برای عبور نیروهای قرارگاه فتح ۴ در نظر گرفته شده بود؛ و در محلی که این پل شناور برقرار می‌شد. رودخانه کارون دارای پیچ بزرگی بود در نتیجه سمت پل شناور از شمال به طرف جنوب بود.

برای این که در شب موعود عبور گردان‌ها در آن شرایط بحرانی مشکلی از نظر انحراف از معبرهای پیشروی خود ایجاد نکند افسران تیز هوش رکن ۲ و ۳ تیپ ۵۵ هواورد و تیپ ۳۷ زرهی با همفکری فرمانده تیپ ۲۵ کربلا به منظور جلوگیری از انحرافات نیروها به چپ یا به راست محور پیشروی و تداخل با یکدیگر و احیاناً درگیری با یکدیگر در اواخر روز ۶۱/۲/۹ طی یک اقدام زیرکانه یک خط مستقیم در غرب رودخانه به موازات جاده اهواز - خرمشهر در منطقه عمومی نثار و سولجتی ایجاد کردند. این خط مستقیم به عنوان خط عزیمت نیروهای قرارگاه فتح ۴ انتخاب گردید؛ عرض معبر پیشروی هر یک از گردان‌های تک‌ور بر روی این خط مشخص شده بود هر یک از نیروهای تک‌ور می‌باید تا رسیدن به جاده اهواز - خرمشهر تحت گرای ۲۷۰ درجه پیشروی نمایند.

انجام این تدبیر و ریزه کاری کمک شایانی در پیروزی قطعی مرحله یکم قرارگاه فتح ۴ محسوب می‌شد؛ فاصله تقریبی رودخانه کارون تا جاده اهواز - خرمشهر به علت پیچ‌وخم رودخانه از شانزده تا نوزده کیلومتر در محور پیشروی قرارگاه فتح ۴ بود لیکن این فاصله از خط عزیمت (خط سفید ایجاد شده) شانزده کیلومتر بود.

عبور تانک‌ها از روی پل‌های شناور

عبور تانک‌ها از روی پلهای شناور به ساحل غربی رودخانه، سنگینی تانک‌های چيفتن با بار مهمات همراه (بیش از پنجاه تن وزن)، حرکت چند کیلومتری نیروهای زرهی از روستای

سولجتی تا محل گسترش تانک‌ها در خط عزیمت با سر و صدای موتور، دستگاه تعلیق و شنی تانک‌ها دغدغه خاطر فرماندهان و مسئولان بود، اما علی‌رغم این مشکلات، تدبیر، درایت، وحدت فرماندهان، همدلی و ایمان خدمه‌های قهرمان و نیروهای زرهی انجام عملیات را - که آزادی خرمشهر را نوید می‌داد - آسان می‌نمود. به طوری که به محض عبور آخرین واحد پیاده از روی پل، حرکت و عبور تانک‌های گردان ۲۳۹ تانک به فرماندهی سرگرد زرهی کریم پیروزان و معاون ایشان سروان حسین کاملی، از ساعت ۲۱۰۰ آغاز گردید. تانک‌ها بایستی خیلی آرام بر روی پل حرکت می‌کردند. نفربرها را دو دستگاه حتی سه دستگاه با فاصله بر روی پل عبور می‌دادند. یک دستگاه تانک از ساحل شرقی بر روی پل می‌رفت و پس از ترک پل و رسیدن به ساحل غربی، تانک دیگر از ساحل شرقی شروع به حرکت می‌کرد. از طرفی با صدای بلند ناشی از حرکت تانک‌ها، نیروهای دشمن از حرکت نیروهای زرهی آگاه شدند و آتشی توپخانه خود را از ساعت ۲۱۰۰ مورخ ۱۳۶۱/۲/۹ به محل عمومی استقرار پل شناور ریختند و هر چند لحظه آتشباری خود را شدت می‌بخشیدند، با وجود این رزمندگان تیپ ۳۷ زرهی در کمال مسرت با سرعت و دقت مشغول عبور از رودخانه بودند. پس از عبور گردان ۲۳۹ تانک، بلافاصله گردان ۲۳۸ تانک به فرماندهی سرگرد زرهی علی عباسی و معاونت سروان زرهی طالبی حرکت خود را به غرب رودخانه آغاز نمود. پس از عبور گردان ۲۳۸ تانک، حرکت گردان ۲۳۷ تانک چیفتن به غرب رودخانه آغاز گردید. در نهایت با لطف و عنایت و کرم پروردگار و درایت و فداکاری همه افراد، آخرین تانک در ساعت ۰۰۱۰ مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۰ از روی پل به غرب کارون حرکت کرد. و یگان‌های تیپ در خط عزیمت گسترش یافتند و منتظر شنیدن رمز آغاز عملیات شدند.

خط زنجیر

آخرین واحد نیروهای پیاده تیپ ۵۵ هوابرد و تیپ ۲۵ کربلا و گردان بلال ساعت ۲۱۰۰ مورخ ۱۳۶۱/۲/۹ از پل عبور کرده بودند و در سراسر منطقه عمل قرارگاه فتح ۴ ابتدا روی خط عزیمت گسترش یافته سپس با استفاده از اصل غافلگیری، به حالت پیاده و در کمال دقت خود را به نزدیک مواضع و خطوط مقدم نیروهای تأمینی و پوششی دشمن در حومه امامزاده سید عبود ۱ رسانیده بودند و با کمین کردن در سیصد متری موضع دشمن، خود را آماده

می کردند تا با شنیدن رمز شروع عملیات به مواضع دشمن یورش برده و با انهدام و در هم کوبیدن نیروها و مواضع دشمن تک را به سوی خط سرپل ادامه دهند.

گردان های تانک و مکانیزه تیپ ۳۷ زرهی هم در سراسر منطقه عمل قرارگاه فتح ۴ بر روی خط عزیمت، از نثار بزرگ تاروستای سولجتنی؛ در ساحل غربی کارون، هر یک در معبر مربوط به خود گسترش یافته و آماده بودند که با شنیدن رمز آغاز عملیات به سوی غرب حرکت نمایند. یکی از اموری که بیش از حد مورد نظر بود، اتخاذ تدابیر فرماندهان دسته، گروهان گردان و همچنین، فرماندهان تانک و نفربرها به منظور جلوگیری از انحراف نیروهای زرهی از معبر پیشروی مربوطه و درگیری احتمالی با نیروهای خودی بود، لذا برای جلوگیری از هر گونه پیش آمدهای ناگوار، هر یک از گردان های زرهی، تانک ها و نفربرهای خود را به صورت خط زنجیر و به فاصله هفتاد هشتاد متری از هم مستقر کردند تا بدین ترتیب، ضمن پوشش سراسر منطقه عمل قرارگاه فتح ۴ و پیشروی به سوی خط سرپل تحت گرای ۲۷۰ درجه، فرماندهان در تمام احوال تانک و نفربرهای قسمت راست و چپ خود را در تاریکی شب تشخیص دهند. مضاف بر این، روی هر یک از تانک ها ۴ نفر سرباز قدرتمند سوار شدند تا هنگام پیشروی در صورت لزوم دو نفره و به ترتیب نوبت به حالت پیاده در جلوی تانک حرکت نمایند و ضمن شناسایی زمین از نظر مین، سیم خاردار و باتلاق و غیره نیروهای زرهی را هدایت نمایند.

پاسگاه فرماندهی

ساعت ۱۸۰۰ مورخ ۱۳۶۱/۲/۹ در ستاد قرارگاه فتح ۴ به سرهنگ کریم عبادت، فرماندهی تیپ ۵۵ هوارد و قرارگاه فتح ۴، گفتم مایل هستم که از این لحظه در پاسگاه فرماندهی تیپ ۳۷ زرهی حضور یابم تا ضمن انجام کمکهای لازم، نظاره گر اجرای عملیات، و پیشروی جانانه نیروهای رزمنده به سوی خط سرپل باشم. ایشان هم با استقبال تقدیرآمیز با تقاضایم موافقت کردند و از آن پس در پاسگاه فرماندهی تیپ ۳۷ زرهی (محل خودم) حضور یافتیم. در هنگام حمله به مواضع و نیروهای دشمن به دو دلیل از دو دستگاه نفربر برای پاسگاه فرماندهی استفاده می کردیم؛ یکی به دلیل حمل مسئولان از قبیل فرمانده و جانشین تیپ، افسران اطلاعات و عملیات، افسران و درجه داران ارتباط و مخابرات و نقشه وضعیت و... دوم اینکه اگر به دلیل حادثه ای یکی از نفربرها منهدم گردد، مأموریت بدون وقفه ادامه یابد.

شروع مرحله اول عملیات

لحظات شروع عملیات فرا می‌رسید. نیروهای تیپ ۵۵ هوارد، تیپ ۲۵ کربلا، گردان بلال در حدود سیصد تا پانصد متری نیروهای تأمینی و پوششی دشمن، در حومه امامزاده سیدعبود، به حالت آماده‌باش در کمین نشسته و منتظر شنیدن رمز آغاز عملیات بودند. نیروهای تیپ ۳۷ زرهی با آمادگی کامل با حفظ سکوت رادیویی در انتظار شنیدن رمز بودند.

اجرای عملیات توسط قرارگاه کربلا، به قرارگاه فتح و سپس به قرارگاه فتح ۴ و متعاقب آن به تیپ ۳۷ زرهی ابلاغ گردید.

اعلام رمز عملیات بیت المقدس

بسم الله الرحمن الرحيم

«بسم الله القاصم الجبارین، یا علی بن ابی طالب»

با ابلاغ این پیام، نیروهای تیپ ۳۷ با حرکت به سوی خط سرپل یگان‌های پیاده را دنبال کردند. حرکت تیپ ۳۷ زرهی در جبهه به عرض یازده کیلومتر صدای غرش تانک‌ها و نفربرها در آن تاریکی شب، نیروهای پیاده عمل‌کننده تیپ ۵۵ هوارد و تیپ ۲۵ کربلا را دلگرم می‌کرد. نیروهای پیاده عمل‌کننده با استفاده از اصل غافلگیری و یورش دلاورانه به مواضع و خط مقدم نیروهای تأمینی - پوششی دشمن، مواضع و خط مقدم آنها را تسخیر کردند و به سوی مواضع بعدی دشمن پیشروی نمودند. درگیری نیروهای ایرانی با نیروهای تأمینی دشمن موجب گردید که نیروهای دشمن به جدی بودن عملیات نیروهای ایرانی برای آزادسازی خرمشهر پی ببرند و در نتیجه نیروهای متفرقه دشمن در خاکریزهای بعدی فعالیت‌های خود را آغاز کردند و با مقاومت سرسختانه خود، پیشروی نیروهای رزمنده پیاده ما را کند و بعضاً متوقف نمودند.

درگیری‌های نیروهای رزمنده قرارگاه کربلا شامل قرارگاه‌های فتح و نصر در غرب رودخانه کارون به عرض چهل کیلومتر با نیروهای دشمن به اوج خود رسیده و زمین و آسمان در آتشباری نیروهای عمل‌کننده خودی و نیروهای پدافند کننده دشمن قرار گرفته بود. همزمان، قرارگاه قدس در محور جنوب غربی اهواز و کرخه‌کور به مواضع دشمن حمله نمود.

تیپ ۳۷ زرهی به گردان‌های تانک و مکانیزه خود ابلاغ نموده بود تا رسیدن به خط سرپل و پیوستن به نیروهای تیپ ۵۵ هوارد، تیپ ۲۵ کربلا و گردان بلال از اجرای آتشهای مستقیم

به سوی نیروهای دشمن خودداری نمایند؛ و در صورت نیاز پس از رسیدن به خط نیروهای پیاده آنها با استفاده از گلوله‌های محترقه شدید، تیربارهای هم محور تانک‌ها و تیربارهای فرماندهی، مواضع و استحکامات دشمن را تخریب نموده و هرگونه مقاومت نیروهای دشمن را در هم بشکنند.

نیروهای دشمن با پدافند سرسختانه خود، پیشروی نیروهای پیاده ما را در مقابل خاکریز دوم کند کرده بودند. ساعت ۰۱۳۰ بامداد روز ۱۳۶۱/۲/۱۰ گردان‌های تانک و مکانیزه تیپ ۳۷ زرهی، در حومه سیدعبود، به خط درگیری نیروهای تیپ ۵۵ هوابرد و تیپ ۲۵ کربلا و گردان بلال با نیروهای دشمن رسیدند و به محضی که از پدافند سرسختانه نیروهای دشمن، در متوقف کردن پیشروی نیروهای پیاده به سوی خط سرپل وقوف پیدا کردند، گردان‌های تانک و مکانیزه با ایجاد یک مبدأ آتش سنگین و تیراندازی گلوله‌های محترقه شدید تانک‌ها، تیربارهای هم محور تانک‌ها و تیربارهای فرماندهی به صورت متمرکز در سراسر منطقه عمل قرارگاه فتح ۴، به مدت تقریبی پانزده تا بیست دقیقه، مواضع و استحکامات خطوط دوم پدافند نیروهای دشمن را زیر آتش گرفتند و با انهدام نیروهای دشمن مقاومت پدافندی آنان را درهم شکستند، به طوری که فرماندهان نیروهای دشمن به علت ضربات وارده و عدم کنترل نیروهای خود مجبور به عقب‌نشینی و ترک مواضع پدافندی خود شدند.

عقب‌نشینی دشمن

ساعت ۰۱۵۰ مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۰ سرگرد کریم پیروزان فرمانده گردان ۲۳۹ تانک، پیام داد که دشمن توان خود را از دست داده و به نظر می‌رسد در حال عقب‌نشینی هستند. در جواب به ایشان ابلاغ گردید با همکاری یگان‌های پیاده فتح ۴ نیروهای در حال عقب‌نشینی دشمن را تعقیب نمایند و با استفاده از آتش و حرکت، از استقرار مجدد نیروهای دشمن در مواضع تأخیری بعدی تا تأمین خط سرپل جلوگیری کنید.

انجام این حرکت تاکتیکی برای این بود که مقرر شده بود پس از در هم شکستن مقاومت دشمن و مجبور کردن آنها به عقب‌نشینی، با تدبیر فرماندهان گردان‌های تانک و مکانیزه در هنگام تعقیب نیروهای فراری دشمن، هر ازگاهی نورافکن تانک‌ها و نفربرها را برای یک لحظه خاموش و روشن نمایند که انجام این کار در سراسر منطقه به عرض یازده کیلومتر موجب هراس و وحشت و ترلز در روحیه و ارکان دشمن می‌گردید و توان و پایداری خود را در استقرار در

مواضع بعدی و مقاومت در برابر پیشروی نیروهای ما را از دست می دادند به علاوه راننده تانک با روشن کردن نورافکن تانک در یک لحظه مسافتی حدود هفتاد تا هشتاد متر را می دید و می توانست در تاریکی از آنجا عبور کند. در ساعت ۰۲۰۰ مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۰ سروان رضا نیک خواه (شهید سرتیپ نیک خواه) فرمانده گردان ۲۳۷ تانک چیفتن، که در عرض چهار کیلومتری شمال محور پیشروی قرارگاه فتح ۴ عمل می کرد پیام داد که گردان ۲۳۷ تانک، استحکامات و مواضع دشمن را در هم کوبیده است و با به اسارت درآوردن تعدادی از نیروهای دشمن، در حال پیشروی به سوی خط سرپل و تعقیب نیروهای فراری دشمن می باشد. در جواب به گردان ابلاغ شد با همکاری یگان های پیاده با حفظ دور تک و انهدام نیروهای پراکنده دشمن، تا قبل از روشنایی صبح، خط سرپل را تصرف و تأمین نمایند.

ساعت ۰۲۰۰ مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۰ فرمانده گردان ۲۳۸ تانک، سرگرد علی عباسی، پیام داد که مقاومت سنگین نیروهای دشمن در هم شکسته شده است و تعدادی از افراد دشمن به اسارت درآمدند. پیروزی گردان ۲۳۸ تانک، در انهدام و قلع و قمع نیروهای متمرکز دشمن در مرکز محور پیشروی قرارگاه فتح ۴، مؤید تصرف و تأمین خط سرپل، و هدف قرارگاه فتح ۴ در زمان تعیین شده بود. یادآوری این نکته لازم است که پاسگاه فرماندهی تیپ ۳۷ زرهی در مرکز معبر پیشروی گردان ۲۳۸ تانک و دوشادوش نیروهای رزمنده حرکت می کرد. هدف اول ما از این کار این بود که رزمندگان تیپ فرماندهان و مسئولان را در کنار و همراه خود ببینند و دوم اینکه در عرصه نبرد حضور عینی داشته باشیم تا اگر مشکلی پیش آمد در اسرع وقت، و با مشورت فرماندهان و مسئولان برطرف نموده و اجرای آن مأموریت بدون وقفه ادامه یابد.

توپخانه دشمن فعالیت خود را در آتشباری بر روی محور پیشروی و قرارگاه فتح ۴ شدت می بخشید و لحظه به لحظه بر حجم آتش خود می افزود. همچنین، توپخانه های قرارگاه های فتح و نصر، با وحدت بسیار با درهم کوبیدن مواضع دشمن، پیشروی یگان های خودی را به سوی خط سرپل تسهیل می نمودند. ساعت ۰۲۲۰ مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۰ جنگ شدید و خونینی هنگام پیشروی قرارگاه فتح ۴ میان یگان های تکور خودی و نیروهای در حال پدافند دشمن، در مواضع و خاکریز سوم دشمن، درگرفته بود. نیروهای دشمن با سرسختی زیاد تلاش می کردند، تا به هر قیمت، پیشروی نیروهای ایرانی را در این محل، که فاصله آن تا خط سرپل

(جاده اهواز - خرمشهر) کمتر از هفت کیلومتر بود، متوقف نمایند. اخبار به دست آمده از پست شنود حاکی از آن بود که دشمن نیروهای عظیمی را به منطقه نبرد گسیل داشته است در نظر دارد تا ساعاتی دیگر با اجرای عملیات پاتک، نیروهای ایرانی را در غرب رودخانه کارون منهدم و تار و مار نماید. تیپ ۳۷ زرهی با دریافت این خبر بایستی به جلو حرکت و با درهم شکستن مقاومت نیروهای مستقر در مواضع سوم پدافندی زمینه را برای پیشروی سریع و تصرف و تأمین خط سرپل را فراهم نماید.

برای تحقق این امر مجدداً به گردان‌های تانک و مکانیزه ابلاغ گردید که با تشکیل یک مبدأ آتش و اجرای آتشیهای سنگین با تیرتراش به مدت بیست دقیقه هر گونه موانع را از سر راه خود بردارند و به پیشروی خود به طرف خط سرپل ادامه دهند. گردان‌های تانک و مکانیزه تیپ ۳۷ زرهی آن چنان خط سوم و مواضع پدافندی نیروهای دشمن را آماج ضربات برق آسا و حمله کوبنده خود قرار دادند که در ساعت ۰۲۴۰ مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۰، فرماندهان گردان تانک و مکانیزه متفقاً اعلام داشتند که مقاومت نیروهای دشمن در هم شکسته شد و معدودی از نفرات به جامانده دشمن در حال فرار و عقب‌نشینی به طرف غرب هستند. بلافاصله، به فرماندهان گردان‌های تانک و مکانیزه ابلاغ شد که با هماهنگی فرماندهان گردان‌های پیاده هوابرد حتی‌الامکان نیروهای دو گردان را روی تانک‌ها و نفربرها سوار کنند و به پیشروی ادامه داده و هدف را تصرف و تأمین نمایند.

همکاری و همدلی پیروزی بخش و شادی برانگیز فرماندهان گردان‌های تیپ ۳۷ زرهی، تیپ ۵۵ هوابرد و تیپ ۲۵ کربلا سبب شد تا گردان‌های ۲۳۸ و ۲۳۹ تانک مکانیزه حدوداً دو گردان از نیروهای تیپ ۵۵ هوابرد و تیپ ۲۵ کربلا را با خود به سوی خط سرپل حمل نمایند. ساعت ۰۲۵۰ دقیقه، مورخ ۱۳۶۱/۱۰/۲، یگان‌های تک‌کننده با عبور از خط سوم پدافندی دشمن پیشروی خود را با آتش و حرکت و خنثی کردن حملات پراکنده دشمن به سوی خط سرپل ادامه دادند.

ساعت ۰۲۵۰ دقیقه بامداد، گردان ۲۳۹ تانک از مقاومت مجدد نیروهای دشمن خبر داد. به گردان ۲۳۹ تانک ابلاغ گردید دور تک را با اجرای آتش و حرکت حفظ کنید. مقاومت نیروهای در حال فرار دشمن را در هم شکنید و هر چه سریع‌تر خط سرپل را تصرف و تأمین کنید.

ساعت ۰۳۰۰ بامداد، گردان ۲۳۷ تانک پیام داد به میدان مین برخورد کرده است. بلافاصله، به گردان مذکور ابلاغ شد میدان مین دشمن را با حفظ سمت دور بزنید و پیشروی خود را به سوی خط سرپل ادامه دهید. گردان ۲۳۸ تانک هم ساعت ۰۳۱۰ دقیقه، از مقاومت جزئی دشمن خبر داد. در ساعت ۰۳۱۵ بامداد، گردان‌های تک‌کننده از دیوار بلند که از طرف خرمشهر به سوی اهواز ادامه می‌یافت خبر دادند. پاسگاه فرماندهی تیپ ۳۷ زرهی برای آگاهی از چند و چون قضیه به خط نبرد گردان ۲۳۸ تانک حرکت کرد و در خط مقدم آنها مستقر شد. همراه سرهنگ رامین، مرحوم سرهنگ فرهادی، سروان بهرام‌زاده و سروان ناصر محب، با استفاده از دوربین، دیوار مورد گزارش را شناسایی کردیم که با توجه به مسافت طی شده از رودخانه تا محلی که مستقر شده بودیم حدود پانزده کیلومتر بود.

همگی متفق‌القول شدیم که دیوار مذکور بایستی جاده اهواز - خرمشهر باشد. حالا چه اقدامی بر روی آن انجام شده، بایستی رسید و دید. لذا به گردان‌های تانک و مکانیزه تیپ ۳۷ زرهی ابلاغ گردید که سرافرازی و پیروزی و آزادی خرمشهر منوط به رسیدن و تصرف و تأمین دیوار مرتفع سراسری روبه‌رو است به همین دلیل گردان‌ها در پشتیبانی یگان‌های فتح ۴ موظفند با حرکت سریع، تا قبل از روشنایی کامل صبح، دیوار بلند روبرو را تصرف و تأمین نمایند. با ابلاغ این دستور گردان‌های تانک و مکانیزه با حرکتی برق‌آسا و طوفان خیز پیشروی خود را به سوی غرب و دیواره مذکور آغاز کردند.

حرکت نیروهای تیپ ۳۷ زرهی تقریباً یک‌دست بود؛ رأس ساعت ۰۳۳۰ صبح روز ۱۳۶۱/۲/۱۰، سرگرد کریم پیروزان، فرمانده گردان ۲۳۹ تانک، در جناح چپ روبروی ایستگاه حسینیّه پیام داد که نیروهای قرارگاه فتح ۴ از جمله گردان ۲۳۹ تانک به جاده اهواز - خرمشهر رسیده است و این دیوار بلند خاکریزی است که دشمن در شانه شرقی جاده ایجاد کرده است. بلافاصله، گردان ۲۳۸ تانک و نفربر پاسگاه فرماندهی تیپ ۳۷، به جاده اهواز - خرمشهر رسید. اینجانب، طی پیامی به سرهنگ کریم عبادت فرمانده قرارگاه فتح ۴ اعلام نمودم که تیپ ۳۷ زرهی همراه نیروهای پیاده هوابرد و تیپ ۲۵ کربلا خط سرپل (جاده اهواز - خرمشهر) از کیلومتر شصت ایستگاه آهو تا ایستگاه حسینیّه را تصرف و تأمین نموده و آماده اجرای مأموریت می‌باشد.

سخنان فرمانده تیپ ۳۷ زرهی

پس از حصول اطمینان از نظرات کلی فرماندهان و مسئولین امر و پیشنهادات آنان در چگونگی سازمان رزمی نیروها در اجرای مرحله دوم عملیات بیت المقدس، اینجانب به عنوان فرمانده تیپ ۳۷ زرهی سخنان را بدین شرح بیان نمودم:

"بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام و درود به امام امت و مردم بزرگوار ایران اسلامی و با سلام به شما فرماندهان عرصه جنگ و رزمندگان فداکار و با ایمان. برادران گرامی و هم‌زمان دل‌ور! به فضل پروردگار و با توجه به عرصه‌های جنگ، در عملیات‌های گذشته تدابیر عملیات رزمی فرماندهان و طراحان ما، ابتکار عمل در صحنه‌های نبرد در پنجه قدرتمند رزمندگان ایران اسلامی بوده است. هم اکنون رزمندگان ما با علم و دانش در کاربرد مفید و مؤثر جنگ افزارها و به‌کارگیری و تکنیک نظام به دست آمده در جنگ‌ها و تجارب گذشته و ایمان در پاکسازی و بازپس‌گیری جای جای خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران به ویژه شهر خرمشهر که در چنگال دشمن به مدت هجده ماه گرفتار و مردم و ساکنین آن آواره شده‌اند و هستی آنها به غارت رفته و خرمشهر به ویرانه‌ای تبدیل شده، می‌رود تا با انهدام نیروهای دشمن، پیروزی نهایی بر دشمن را رقم زده و با ثبت برگ زرینی بر تاریخ ماندگار و با عظمت ایران اسلامی، استکبار جهانی و حامیان دشمن متجاوز را مات و متحیر نمایند.

پیروزیهای گذشته که با لطف و عنایت پروردگار حاصل آمده، روحیه خودباوری و اعتماد به نفس نیروهای ما را در اجرای موفقیت‌آمیز مرحله دوم عملیات بیت المقدس در آینده نزدیک ارتقاء می‌بخشد. در عوض، نیروهای سرخورده دشمن در کمال یأس و ناامیدی به سر می‌برند و هر لحظه در انتظار یورش رعد آسای رزمندگان ایران اسلامی به مواضع و محل استقرارشان هستند و خود را در موضع نابودی و کشته شدن می‌پندارند. فرماندهان نیروهای عراقی افسران خود را در صورت عدم مقاومت مقابل پیشروی نیروهای ایرانی تهدید به اعدام می‌نمایند. خلاصه اینکه نیروهای دشمن در سر در گمی و ناامیدی به سر می‌برند. تیپ ۳۷ زرهی مصمم است با همان سازمان رزمی که سرانجامش پیروزی افتخارآمیز مرحله نخست عملیات بیت المقدس را رقم زد، مرحله دوم عملیات را آغاز کند و انشاءالله عملیات را با پیروزی به انجام رساند. تدبیر اجرای عملیات به صورت دستور عملیاتی تا پایان روز ۶۱/۲/۱۵ به

نیروهای رزمنده تیپ ۳۷ زرهی ابلاغ خواهد شد. تا آغاز مرحله دوم عملیات بیت المقدس فرصتی باقی نیست. شاید تا تصرف و تأمین خط مرزی برای تجمع مجدد و تبادل نظر فرصتی نباشد. بنابراین با استفاده از فرصت باقی مانده، لازم می‌دانم اجرای نکاتی را در هنگام عملیات یادآور شوم:

۱. مهمات مصرفی مورد نیاز حداقل یک هفته را در نزدیکی محل درگیری در دسترس خود داشته باشید.

۲. ارکان یکم و چهارم گردان‌ها، نیازمندیها را پیش‌بینی و در جایگزینی به موقع آنها اقدام نمایند همچنین در تدارکات، مهمات، آب و غذا را به صورت جامع طرح‌ریزی و به موقع اقدام نمایند تا رزمندگان مهاجم ما در مضیقه قرار نگیرند.

۳. گردان‌های تانک و مکانیزه، عناصر و ابزار تعمیراتی مورد نیاز را برای تعمیر و راه‌اندازی ادوات از کار افتاده احتمالی به همراه داشته باشند.

۴. منطقه عمل تیپ ۳۷ زرهی از ایستگاه حسینیّه در امتداد جاده حسینیّه کیلومتر ۲۵ تعیین شده است.

۵. گردان ۲۳۷ تانک چیفتن به فرماندهی سروان رضا نیک‌خواه (شهید سرتیپ نیک‌خواه) از ایستگاه حسینیّه تا سه کیلومتر به چپ گسترش می‌یابد.

۶. گردان ۲۳۸ تانک به فرماندهی سرگرد زرهی علی عباسی، در چهار کیلومتر در مرکز محور پیشروی تیپ ۳۷ زرهی گسترش می‌یابد.

۷. گردان ۲۳۹ تانک، به فرماندهی سرگرد زرهی کریم پیروزان تا چهار کیلومتر بعد از گردان ۲۳۸ تانک گسترش می‌یابد.

۸. در کنترل عملیاتی هر یک از گردان‌های تانک یک گروهان پیاده مکانیزه و یک گروهان پیاده قرار گرفته است.

۹. مسئله‌ای که برای تیپ حائز اهمیت بوده و بایستی مورد توجه قرار گیرد، جناح راست و شمالی محور پیشروی است که با توجه به حضور لشکر ۶ زرهی و لشکر ۵ مکانیزه دشمن در غرب اهواز و جنوب رودخانه کرخه‌کور و عقب‌نشینی احتمالی تاکتیکی آنها به موازات جاده اهواز - خرمشهر مراقبت از جناح شمالی را بیشتر مورد توجه قرار دهید.

۱۰. در قرارگاه فتح ریل راه آهن جفیر خرمشهر، به عنوان خط عزیمت نیروهای تک‌ور در هنگام شروع مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس تعیین گردیده است.
۱۱. گردان‌های تانک با آرایشی که در خط عزیمت اتخاذ می‌کنند، پس از دریافت رمز آغاز عملیات ضمن هماهنگی با یکدیگر با نهایت سرعت به مواضع و خاکریزها و محل استقرار نیروهای دشمن نزدیک شوند. از هنگام حرکت از خط عزیمت، هماهنگی با یکدیگر را در اولویت قرار دهید. نیروها از سبقت گرفتن از یکدیگر برای پیشروی ولو اینکه نیروهای دشمن مقابل آنها درهم کوبیده و از هم گسیخته و زمینه برای پیشروی سریع آن گردان فراهم شده باشد، اجتناب کنند. در چنین صورتی با تقویت آتشیهای نیروهای جناحین خود، زمینه پیشروی تمامی یگان‌های تک‌ور را فراهم نمائید و با سرعت منطقی بر نیروهای دشمن بتازید.
۱۲. گردان ۲۳۹ تانک در مورد هماهنگی با تیپ ۵۵ در جناح چپ خود اقدام نمایید.
۱۳. نیروهای عمل‌کننده در رابطه با جمع‌آوری اسرای جنگی و تخلیه به موقع آنها به کمپ در قرارگاه تیپ ۳۷ هماهنگی لازم را با گروهان قرارگاه و دسته دژبان تیپ ۳۷ زرهی به عمل آورند.
۱۴. فرماندهان پیش‌بینیهای لازم در مورد تخلیه و مداوای به موقع مجروحین، همچنین در مورد جمع‌آوری شهدا در نقاط مشخص و تخلیه پیکر پاک آنها اقدام نمایند.
۱۵. توپخانه‌های قرارگاه فتح برابر مأموریت ابلاغی، آتشیهای مورد نیاز نیروهای عمل‌کننده را با هماهنگی افسران رابط توپخانه تأمین می‌نمایند.
۱۶. از فرماندهان و مسئولین و دست‌اندرکاران فداکار می‌خواهم تا با یاری پرودگار و با کاربرد ریزه‌کاریهای کارگشا و تجربه شده در جنگهای گذشته، زمینه توفیقات روزافزون رزمندگان و نهایتاً آزادسازی خرمشهر را تسهیل نماید.
۱۷. سخن بنده پایان یافت. سایر جزئیات طی دستورات جزء به جزء ابلاغ خواهد شد. زمان زیادی تا آغاز مرحله دوم عملیات باقی نمانده است هم‌اکنون سازمان رزمی واحدهای خود را تکمیل کنید و بنابه دستور، آماده اجرای مأموریت باشید. در پایان همگی شما و نیروهای رزمنده را به خدای بزرگ می‌سپارم."

شایان ذکر است که در مرحله دوم عملیات بیت المقدس، تیپ ۳۷ زرهی منحصراً با واحدهای سازمانی خود شامل: سه گردان تانک و یک گردان مکانیزه پیاده و یک یگان پیاده به فرماندهی سروان پیاده تعصب و گروهان قرارگاه تیپ ۳۷ زرهی به فرماندهی سروان عباس گرگین باید به سوی غرب تک می کرد. تیپ ۵۵ هوابرد نیز در مرحله دوم عملیات با گسترش در جنوب ایستگاه حسینیّه تا چند کیلومتر پایین تر و متکی به محور ایستگاه حسینیّه به پاسگاه کیلومتر ۲۵ در جناح چپ تیپ ۳۷ زرهی به سوی خط مرز پیشروی می کرد.

درگیری روزمره نیروهای متخاصم، تبادل آتش نیروهای در خط (توپخانه و خمپاره) به خصوص بمبارانهای هوایی بی وقفه دشمن به قصد تضعیف روحیه رزمندگان ایران اسلامی و تقویت نیروهای شکست خورده خود و تخریب پلهای شناور بر روی کارون به لحاظ قطع عقبه نیروهای ایرانی به اوج شدت خود رسیده بود.

شروع مرحله دوم عملیات

در ساعت ۲۲۱۵ دقیقه روز ۱۳۶۱/۲/۱۶ با ابلاغ رمز:

« بسم الله الرحمن الرحيم »

لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم، یا علی بن ابی طالب

به نیروهای تابعه خود دستور اجرای مرحله دوم عملیات بیت المقدس را صادر کردم. با ابلاغ رمز عملیات، گردانهای تانک و مکانیزه و پیاده تیپ ۳۷ زرهی با حرکتی هولناک که ناشی از غرش تانکها و ادوات زرهی بودند تک را به سوی غرب آغاز کردند. توپخانههای قدرتمند نیروهای خودی با اجرای آتش تهیه سنگین به مدت بیست دقیقه، مواضع و محل استقرار نیروهای دشمن را آماج آتشی ویرانگر خود قرار دادند. نیروهای تیپ ۳۷ زرهی تلاش می کردند تا در کمترین زمان ممکن با استفاده از آتش توپخانههای خودی به مواضع و خاکریزهای دشمن نزدیک شده و با درهم شکستن مقاومت نیروهای دشمن، تک را به سوی غرب ادامه دهند. نیروهای دشمن هر چند از حمله قریب الوقوع نیروهای ایرانی به سوی غرب تردیدی به خود راه نمی دادند، اما به محض آگاهی از حرکت و پیشروی تیپ ۳۷ زرهی به سوی غرب با استفاده از تمامی امکانات و جنگ افزارهای موجود در صدد برآمدند تا به هر طریق ممکن از پیشروی نیروهای تیپ ۳۷ زرهی تا آغاز روشنایی صبح فردا جلوگیری کنند بدین منظور، عراق با استفاده از بمبارانهای هوایی و آتشیهای پشتیبانی و پاتکهای نیروهای زرهی

خود سعی کرد تا نیروهای تیپ ۳۷ زرهی را منهدم نماید. معذالک گردان‌های تانک، مکانیزه و پیاده تیپ ۳۷ زرهی به رغم پدافند دشمن (در پناه خاکریزها و داخل سنگرها و استحکامات مربوط) خود را به فاصله مسافت کمتر از ششصد متری مواضع پدافندی دشمن رسانیده و گردان‌ها یکی پس از دیگری از مقاومت سرسختانه دشمن در سد کردن جدی پیشروی نیروهای خودی گزارش می‌کردند. پس از دریافت گزارش از پدافند جدی دشمن، و کند شدن پیشروی نیروهای خودی به خاطر حجم بیش از حد آتشهای دشمن به گردان‌ها و نیروهای تابعه تیپ ۳۷ زرهی ابلاغ گردید که به توپچی تانک‌ها و تمامی رزمندگان سلحشوری که با جنگ‌افزارهای با تیر مستقیم در حال نبردند، تفهیم نمایند که با توقف کمتر از پانزده دقیقه و تشکیل یک مبدأ آتش با تیر مستقیم و تیر اندازی تعداد هشت گلوله محترقه شدید برروی هریک از تانک‌های دشمن در مسافت هزار متری و سایر جنگ‌افزارها کالیبر کوچک و بزرگ با آتش و حرکت به سوی مواضع دشمن پیشروی نمایند همین‌جا لازم میدانم که انگیزه اعمال این تدبیر یعنی تشکیل مبدأ آتش و اجرای تیراندازی گلوله‌های محترقه شدید در مسافت ۱۰۰۰ متری، را شرح دهم و آن عبارت از این است که فاصله ما تا سنگرها و خاکریزهای دشمن که ارتفاع آنها تقریباً دو متر می‌باشد، با برد ۱۰۰۰ متری تیراندازی نماییم تا گلوله‌ها صد در صد به خاکریزها و مواضع دشمن اصابت کرده و ضمن تخریب و انهدام آنها، نفرات دشمن کشته شده یا در غیر کشته شدن روحیه خود را از دست داده و قادر به مقاومت در قبال پیشروی نیروهای ما نخواهد بود و چنانچه مقاومتی هم از خود نشان دهند، تیراندازی آنها هوایی و بی‌هدف خواهد بود؛ چراکه آنها جرأت ندارند با سر برآوردن از سنگرها و خاکریزهای خود با تیر تراش تیراندازی کرده و در شب تاریک ادوات رزمی ما را مورد هدف قرار دهند و چنانچه موردی هم پیش آمد، می‌توان آن را تصادفی نامید. اما خاکریز و سنگرهای دشمن با ارتفاع دو متر سراسر محور پیشروی ما را در بر گرفته و چنانچه ما در مسافت ششصد الی هفتصد متری با برد یک هزار متری تیراندازی کنیم، هیچ یک از گلوله‌های ما به جز خاکریز و سنگرهای دشمن به محل دیگری اصابت نخواهد کرد، لذا رزمندگان فداکار ما با تشکیل مبدأ آتش و اتخاذ چنین شیوه‌ای خاکریزها و سنگرهای دشمن را آماج گلوله‌های قهرآمیز خود قرار داده و متعاقب آن با آتش و حرکت به سوی مواضع پیشروی می‌کردند تا با نزدیک شدن به مواضع دشمن موجبات

فرار یا تسلیم شدن نیروهای دشمن را فراهم آوردند. نیروهای مجرب و کار آزموده تیپ ۳۷ زرهی به همین شیوه با استفاده از تمامی اندوخته‌های فنی حرفه خود با تشکیل دادن مبدأ آتش کوبنده و وحشت انگیز و پیشروی معقول توأم با آتش و حرکت به سوی مواضع دشمن در جنگی تمام عیار و فوق العاده درگیر شده بود. در مقابل نیروهای دشمن با استفاده از تمامی امکانات و آخرین آتشهای حفاظتی از مواضع خود دفاع می کردند و فرماندهان نیروهای عراقی طی پیامهای مکرر آنها را در جلوگیری از پیشروی نیروهای ایرانی ترغیب و در وارد کردن نیروهای جدید و تازه نفس به منطقه نبرد امیدوار می کردند. از طرفی پاسگاه تاکتیکی فرمانده تیپ ۳۷ زرهی که شامل دو دستگاه نفربر بود، در هنگام شروع عملیات در ایستگاه حسینییه، در صدد حرکت به مرکز محور پیشروی تیپ ۳۷ زرهی بود تا متعاقب گردان ۲۳۸ تانک به حرکت ادامه و بر اجرای عملیات نیروهای تابعه در پیشروی به سوی غرب نظارت نموده و یگان‌ها را هدایت نماید که در همان آغاز کار، آماج موشکهای کاتیوشا و توپخانه دشمن قرار گرفت. شدت آتشهای توپخانه و کاتیوشای دشمن به حدی بود که رانندگان نفربرها قادر به هدایت آنها نبودند تا اینکه به ناچار خودروهای نفربر را به جاده اهواز - خرمشهر هدایت و پس از حرکت دو کیلومتر از ایستگاه حسینییه و خارج شدن از جهنمی که توپخانه‌های دشمن ایجاد کرده بودند، با قرار گرفتن در مرکز محور پیشروی تیپ ۳۷ زرهی متعاقب گردان ۲۳۸ تانک به سوی غرب به راه افتادیم با طی مسافت پانصد متری در غرب جاده اهواز - خرمشهر با سه قبضه تیربار که در فاصله بیست متری یکدیگر بودند، برخوردیم. با برخورد به این مواضع براین باور شدیم که دشمن احتمالاً در هنگام پیشروی نیروهای تیپ ۳۷ زرهی به سوی غرب بعضی از واحدهای خود را برای دور زدن نیروهای تک و ر ما در محل حفظ کرده تا در فرصت مناسب رزمندگان مهاجم ما را دور زده و ضرباتی بر نیروهای ما وارد نماید، گذشته از آن پاسگاه فرماندهی تیپ ۳۷ زرهی می بایست بدون فوت وقت از محل تیراندازی به سوی غرب، عبور می کرد. در همین حال به عباس گرگین، فرمانده قرارگاه تیپ ۳۷ زرهی که تیم آر. پی. جی. زن قرارگاه را در دسترس و در نزدیک ترین محل به پاسگاه فرماندهی مستقر بود، ابلاغ گردید که آن تیم را سریعاً در محل مورد نظر حاضر نماید و به محض رسیدن تیم مذکور طی اقداماتی مدبرانه دستور داده شد تا مواضع و محل تیربارهای در حال تیراندازی را مورد اصابت قرار داده تا پاسگاه فرماندهی

به سوی واحدهای درگیر با دشمن در جلو حرکت نماید گذشته از آن درصدی احتمال می‌دادم که ممکن است عناصری از نیروهای تک خودی در هنگام پیشروی به علت تاریکی و شدت آتشی‌های پدافندی دشمن از مسیر پیشروی خود منحرف شده و با عقب افتادن از نیروهای در حال پیشروی به طور سر در گم به تیراندازی مبادرت بورزند. با این توجیه دستور داده شد تیم آر. پی. جی زن با استفاده از تاریکی و سرو صدای ناشی از انفجار و شلیک انواع و اقسام جنگ افزارهای مخوف در آن سیاهی شب اضطراب برانگیز خود را به محل استقرار تیربارهای در حال تیراندازی نزدیک، آنها را منهدم نمایند. این اقدام با گشته شدن شش نفر و اسیر شدن دو نفر از نیروهای دشمن به انجام رسید. سپس پاسگاه فرماندهی در حالیکه در حال ارتباط با فرماندهان و آگاهی از چگونگی وضعیت و درگیری نیروهای خود و دشمن بود، به سوی غرب حرکت کرد.

درگیری نیروهای خودی و دشمن بر اثر پیشروی قطعی و سرنوشت‌ساز تیپ ۳۷ زرهی به نزدیکی مواضع دشمن، می‌رفت تا به درگیری جنگ تمام عیار تن به تن تبدیل گردد و این در شرایطی بود که نیروهای خودی بر روی زمین صاف و هموار در فضای باز رسیده بودند و نیروهای دشمن با استفاده از خاکریزها و پناهگاههای خود تلاش می‌کردند که از نزدیک شدن بیش از حد نیروهای تیپ ۳۷ زرهی به سنگرها و خاکریزهای خود جلوگیری نماید. درگیری بین نیروهای تک‌ور تیپ ۳۷ زرهی و نیروهای مدافع دشمن به نهایت اوج خود رسیده بود به طوری که شدت آتش طرفین متخاصم غیرقابل توصیف و بیان می‌باشد و کوچکترین اشتباه و یا غفلت هر یک از طرفین جنگ، آنها را با شکست قطعی مواجه می‌نمود. گردان‌های تانک و سایر نیروهای خودی از شدت آتش و مقاومت سرسختانه نیروهای دشمن خبر می‌دادند. به فرماندهان مکرراً ابلاغ می‌گردید که نیروهای در حال پدافند دشمن از همان نیروهای سرخورده و شکست‌خورده جنگهای گذشته هستند و بایستی با استفاده بهینه از توپچی‌های ماهر و سایر جنگ‌افزارهای کوچک و بزرگ در تخریب و انهدام مواضع دشمن اقدام و نیروهای هراسناک دشمن را مجبور به تسلیم شدن و یا فرار و عقب‌نشینی نمایند و لازمه این کار با

تشکیل مجدد مبدأ آتش قوی و اجرای تیراندازی هر تانک با سایر جنگ افزارهای کالیبر بزرگ به تعداد ده گلوله محترقه با برد ششصد متر امکان پذیر خواهد شد.^۱

این تجربه را تیپ ۳۷ زرهی با استفاده از دانش و بینش و تاکتیک و تکنیک افسران و مهارت و تخصص درجه داران و خدمه های تانک و سایر ادوات زرهی و توپچی های ماهر از آغاز جنگ تحمیلی به ویژه در عملیات های ثامن الائمه، فتح المبین و مرحله نخست عملیات بیت المقدس به کار گرفته و در تمامی مراحل نتایج مثبت و پیروزی های قطعی این عملکرد را به یاری پروردگار و همت و فداکاری رزمندگان ایثارگر خود به دست آورده بودند؛ بنابراین نیروهای زرهی تیپ ۳۷ زرهی که هم اکنون درگیر جنگی سخت و سرنوشت ساز با نیروهای دشمن هستند با استفاده از تجارب قبلی خود و با تشکیل دادن مبدأ آتش در فرصت های مناسب و مسافت های نزدیک به مواضع دشمن و اجرای آتش های قهرآمیز و ویرانگر، خود دشمن را مجبور به تسلیم و یا فرار خواهند نمود در این امر شکی نیست. اما فرماندهان عراقی نیروهای خود را در صورت عدم مقاومت یا سد نکردن پیشروی نیروهای ایرانی و انهدام آنها در جلوی لجمن و با عقب نشینی در قبال پیشروی نیروهای ایرانی به اعدام تهدید کرده اند. با این وصف مقاومت امشب نیروهای عراقی تا سرحد جان شان خواهد بود، لذا رزمندگان جان بر کف تیپ ۳۷ زرهی بایستی با از خود گذشتگی و توکل به خدا و استفاده بهینه از دانش و مهارت در به کارگیری جنگ افزارهای خود نیروهای دشمن را مجبور به عقب نشینی و ترک مواضع خود نمایند.

۱. در اینجا تشریح یک نکته را لازم می دانم و آن اینکه لازم است برای بعضی از خوانندگان عزیز تشکیل مبدأ آتش و تیراندازی با توپ و تانکها یا سایر جنگ افزارها با خط مستقیم سؤال برانگیز باشد که چرا بر تشکیل مبدأ آتش بر حجم و مستقیم تأکید می گردید. نیروهای زرهی و تانکهای مختلف دارای توپهای مختلف با کالیبرهای ۹۰، ۱۰۵، ۱۲۰ م م و غیره بود و خود نوعی توپخانه محسوب می شوند. منتهی با این تفاوت که توپ تانکها با خط سیر مستقیم قادر است نقطه را مورد هدف قرار دهد و لذا چنانچه نیروهای زرهی از خدمه های تانک و توپچی های آموزش دیده کارآموده و فنی و حرفه های همچون توپچی های گردان های تانک تیپ ۳۷ زرهی برخوردار می باشد، در صورت لزوم و در شرایط بحرانی قادرند با تشکیل مبدأ آتش و اجرای تیراندازی دقیق با توپ تانکها و تیربارهای هم محور هرگونه مانع و مقاومت دشمن را در هم کوبیده و زمینه را برای پیشروی نیروها فراهم آورند.

سقوط خاکریز دشمن

در ساعت ۲۳۵۰ مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۶، فرماندهان گردان‌های تانک و سایر نیروهای رزمنده از نزدیک شدن به مسافت سیصد متری مواضع دشمن و مقاومت و سرسختی و سماجت نیروهای دشمن در استفاده از آخرین آتشهای حفاظتی برای کند کردن یا سد کردن نیروهای تک‌ور ما، خبر می‌دادند. بلافاصله به فرماندهان ابلاغ گردید که رسیدن به مسافت سیصد متری مواضع دشمن به معنی تسخیر مواضع و انهدام نیروهای آنها می‌باشد، لذا با قاطعیت و با استفاده از تمامی جنگ افزارهای موجود و افزایش فشار لازم، مواضع و خاکریزهای دشمن تا لحظاتی چند سقوط خواهد کرد.

در ساعت ۲۴۰۰ مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۶ سروان رضا نیکخواه (شهید سرتیپ نیکخواه) - فرمانده گردان ۲۳۷ تانک چیفتن- از سقوط خاکریز دشمن و نفوذ عواملی از گردان مذکور به داخل مواضع دشمن، خبر داد. این پیام، مژده تصرف و تأمین خط نصرت را برای رزمندگان تیپ ۳۷ زرهی تداعی می‌کرد.

به گروهان قرارگاه تیپ ۳۷ زرهی ابلاغ گردید که با استفاده از دسته دژبان و امکانات موجود و هماهنگی با گردان چیفتن در تخلیه اسرا با رعایت تفکیک و تفتیش و نصب اتیکت و تخلیه اقدام نماید. به گردان تانک چیفتن ابلاغ شد که گروهان سوم تانک آن گردان که در جناح راست گردان ۲۳۸ تانک در حال پیشروی به سوی غرب می‌باشد، با آتش مستقیم خود آتش گروهان یکم تانک آن گردان را تا در هم کوبیدن و سقوط مواضع دشمن تقویت نماید. به سرگرد کرامت فلاح‌پیشه - فرمانده گردان مکانیزه - تأکید شد که به نسبت پیشروی نیروهای تک‌ور به سوی غرب در جناح شمالی محور پیشروی تیپ ۳۷ زرهی با گماردن پست‌های تأمینی نسبت به پوشش جناح شمالی محور پیشروی تیپ ۳۷ زرهی اقدام نماید؛ به علاوه جناح شمالی محور پیشروی تیپ ۳۷ زرهی در صورت بازگشت نیروهای مستقر دشمن در پادگان حمید در غرب اهواز و جنوب رودخانه کرخه‌کور دچار تهدید جدی می‌شد، بر همین اساس طی پیامهای متعدد از قرارگاه فتح درخواست شده بود یک گردان تانک به منظور برقراری تأمین و پوشش جناح شمالی محور پیشروی تیپ ۳۷ زرهی در کنترل عملیاتی تیپ قرار دهند.

در ساعت ۰۰۳۰۰ مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۷ سرگرد علی عباسی - فرمانده گردان ۲۳۸ تانک طی پیامی از سقوط خاکریزها و به اسارت درآمدن تعداد دویست نفر از نیروهای دشمن خبر

داد. هر چند گردان‌های ۲۳۷ و ۲۳۸ تانک با در هم کوبیدن مواضع دشمن به داخل محل استقرار نیروهای دشمن نفوذ کرده و تعدادی از نیروهای دشمن را به اسارت در آورده بودند به طوری که باقیمانده نیروهای دشمن در مقاومت سرسختانه خود سماجت می‌کردند و در درگیری نیروهای خودی و دشمن به حد خطرناکی رسیده بود و نتیجه این درگیری روشن‌گر سرنوشت جنگ بود.

درهم شکستن مقاومت دشمن

در ساعت ۰۲۰۰ مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۷ گردان ۲۳۹ از مقاومت شدید دشمن خبر داد. به گردان ۲۳۸ تانک ابلاغ گردید تا گروهان سوم تانک آن گردان با آتش کوبنده خود حتی الامکان آتش گردان ۲۳۹ تانک را تقویت نماید. در این ساعت پشتیبانی آتشی توپخانه به گردان ۲۳۹ اختصاص داده شد. گردان ۲۳۹ تانک در ساعت ۰۲۲۰ مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۷ طی پیامی اعلام کرد که مقاومت دشمن بر اثر فشار گردان ۲۳۹ تانک در هم شکسته و در حال عقب‌نشینی به سوی غرب هستند و ما هم با آتش و حرکت در حال تعاقب و پیشروی هستیم. در ساعت ۰۲۴۰ مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۷، گردان ۲۳۸ تانک مقاومت نیروهای زرهی دشمن را گزارش کرد.

به گردان‌های ۲۳۷ و ۲۳۹ تانک ابلاغ گردید هر یک از گروهانهای تانک مجاور گردان ۲۳۸، با آتشی خود منطقه پیشروی گردان ۲۳۸ تانک را تا در هم شکستن مقاومت دشمن زیر ضربات کوبنده خود قرار دهند و از آن لحظه به بعد پشتیبانی آتش توپخانه به گردان ۲۳۸ تانک اختصاص یافت سرگرد فلاح‌پیشه - فرمانده گردان ۱۱۷ مکانیزه - طی گزارشی اعلام نمود که گردان مذکور در یازده پایگاه در غرب جاده اهواز - خرمشهر مستقر شده است. گردان ۲۳۸ تانک در ساعت ۰۳۰۰ مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۷ در هم شکستن مقاومت و عقب‌نشینی نیروهای دشمن را گزارش کرد. تیپ ۳۷ زرهی در ساعت ۰۳۰۰ مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۷، طی پیامی به گردان‌های تانک مکانیزه و پیاده بر پیشروی سریع نیروها به سوی غرب و بی‌اعتنایی به مقاومت‌های پراکنده دشمن و تصرف و تأمین خط نصرت تا قبل از آغاز روشنایی با توجه به روحیه بسیار عالی رزمندگان تأکید می‌کرد. ساعت ۰۳۲۰ مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۷، گردان ۲۳۷ تانک چیفتن از در هم شکستن مقاومت پراکنده و به اسارت در آوردن سی نفر از نیروهای دشمن خبر داد. در تمامی این ایام پاسگاه تاکتیکی فرماندهی تیپ ۳۷ زرهی در مرکز محور

پیشروی گردان ۲۳۸ تانک با فاصله بسیار کمی از آن در حال نظارت هدایت و پیشروی به سوی غرب بود.

سجده شکرگذاری روی خط نصرت

در ساعت ۰۳۴۰ مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۷، گردان ۲۳۹ تانک طی پیامی اعلام داشت، در محور پاسگاه کیلومتر ۲۵ نیروهای این گردان به خط نصرت رسیده و در حال استقرار و تحکیم مواضع می‌باشند. بلافاصله گردان‌های ۲۳۷ و ۲۳۸ تانک از رسیدن به خط نصرت و تصرف و تأمین و تحکیم مواضع خود گزارش کردند. تیپ ۳۷ زرهی در ساعت ۰۳۵۰ مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۷ تصرف و تأمین خط نصرت را از روبروی پاسگاه کیلومتر ۲۵ در جنوب تا راستای دژ شانزده را به قرارگاه کربلا گزارش کرد.

بدین ترتیب تیپ ۳۷ زرهی قهرمان در مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس با یاری پروردگار و فداکاری رزمندگان به عنوان اولین نیروی عمده در قالب قرارگاه فتح، هدف مربوطه را قبل از آغاز روشنایی تصرف و تأمین کرد و آمادگی خود را در صورت دریافت دستور به سوی غرب اعلام نمود. نیروهای تیپ ۳۷ زرهی از دستیابی و تصرف خط نصرت بسیار شادمان و با نشاط شده و همین امر باعث شده بود تا با اهتمام هرچه بیشتر خود را برای سرکوبی پاتکهای احتمالی دشمن آماده نمایند. لازمه این آمادگی تجدید سازمان بر روی هدف و تأمین مهمات مصرفی بود و همگام با انجام این امور تمامی رزمندگان با ایمان و فداکار تیپ ۳۷ زرهی در آن صبح امیدبخش بر روی خط نصرت سجده شکر پیروزی به درگاه لایزال الهی به جای آوردند. متعاقب تصرف و تأمین هدف به وسیله تیپ ۳۷ زرهی، نیروهای قرارگاه فتح یکی پس از دیگری هدف مربوطه را تصرف و تأمین کردند. قرارگاه نصر در ساعت ۰۴۴۰ مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۷ قسمت عمده هدف مربوطه را تصرف و تأمین کرد.

در ساعت ۰۵۳۰ مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۷، نیروهای زرهی و مکانیزه دشمن پاتکهای سنگین خود را علیه محل استقرار تیپ ۳۷ زرهی و سایر نیروهای قرارگاه فتح آغاز کردند که این درگیری با سرکوب و انهدام نیروهای دشمن تا ساعت ده صبح به طول انجامید.

گفته‌های سرهنگ زرهی مهدی ختایی‌زاده فرمانده گردان ۲۵۶ تانک تیپ ۲ لشکر ۹۲

زرهی درباره عملیات بیت‌المقدس^۱

معرفی راوی:

سال تولد: ۱۳۳۰ در شهرستان تبریز

در سال ۱۳۵۱ وارد دانشکده افسری و در سال ۱۳۵۴ با رسته زرهی فارغ‌التحصیل گردید.

دوره‌های آموزشی: دوره مقدماتی و عالی زرهی، دافوس اجا

مسئولیت‌ها: فرمانده دسته و گروهان در هشت سال جنگ، فرمانده گردان و تیپ بعد از جنگ.

افتخارات: در عملیات‌های پدافندی غرب کرخه، سوسنگرد، شکست حصر آبادان، فتح‌المبین

و بیت‌المقدس شرکت نموده و دارای ۱۸ ماه ارشدیت می‌باشد.

شرح تجربیات

اهمیت شناسائی منطقه عملیات:

بعد از عملیات فتح‌المبین که در ابوغریب مستقر بودیم به ما ابلاغ شد که جهت آمادگی لازم برای عملیات بیت‌المقدس به منطقه تجمع در فولی آباد نزدیک اهواز نقل مکان کنیم. تانک‌ها را سوار تانک‌بر کمرشکن کردیم و با یک روز راهپیمائی به محل مورد نظر رسیدیم. پس از ۶ روز با ابلاغ مجدد به منطقه دارخوین تغییر مکان دادیم. گردان ما در عملیات ثامن‌الائمه (شکست حصر آبادان) که به تیپ ۳ لشکر ۷۷ به فرماندهی سرهنگ فرمانش مأمور شده بود مدتی در این منطقه مستقر بود. لذا به این منطقه آشنایی کامل داشتم. پس از پیاده کردن تانک‌ها سه، چهار کیلومتری بالاتر از دارخوین سمت چپ جاده مستقر شدیم، اقدامات اولیه ما شناسایی غرب کارون بود. به صورت شبانه روزی با قایق‌های موتوری سه، چهار نفری پس از عبور از رودخانه همراه فرماندهان گروهان، فرماندهان دسته، و در آخر فرماندهان و راننده‌های تانک منطقه عملیات پیش‌بینی شده را در غرب کارون شناسائی کردیم.

در این مدت با نیروهای پیاده ارتش و سپاه که آنها هم مناطق عملیاتی خود را شناسائی می‌کردند آشنا شدیم. آنها مهمات و بخشی از آماد مورد نیاز خود را در لابه‌لای درختهای خرما

۱. مطالب فوق از آرشیو نوارهای صوتی هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی در مصاحبه با فرماندهان هشت سال دفاع مقدس در سال ۱۳۹۲ استخراج شده است.

دپو می کردند. برای ما این سؤال مطرح بود که ارتش عراق چطور کنار رودخانه و مانعی به این بزرگی را رها کرده و مواضع خود را هفت، هشت کیلومتری عقب ترانتخاب کرده است. این اشتباه راهبردی فرماندهان عراقی را یک امداد غیبی و کمک خداوند می دانستیم. به تدریج شناسائی ما کامل شد و علاوه بر مسیر پیشروی و خطوط خیز محل بنه و نقاط آمادی را برای مرحله اول عملیات پیش بینی کردیم. روزهای آخر اطراف رودخانه کارون به شدت شلوغ شده بود، وسایل سنگین مهندسی شامل کامیون، بلدوزر و لودرهای جهاد خوزستان هم وارد منطقه شدند، نمی دانم به چه نحوی بود دشمن چشمش کور شده بود. و گوشه‌پایش کر، واقعاً خدا کمک می کرد که دشمن به خواب رفته بود از این همه تجمع و تحرک نیرو و وسایل سنگین مهندسی غافل بود. و واقعاً خدا خرمشهر آزاد کرد. نصب پل پی ام پی در زیر دید هوایی و بمباران هواپیماهای دشمن بر روی رودخانه کارون مساله مهمی بود. فرمانده یگان پل سرگرد فاتحی (سرتیپ ۲ فاتحی امروز) از دوستان من بود آنها سطحه های پل را در کناره شرقی رودخانه کنار هم نصب و در همان وضعیت استتار می کردند تا از دید هواپیماها و بالگردهای دشمن محفوظ بماند و برای شب حمله مهارش را باز می کردند جریان آب پل را به ساحل دور رودخانه (غرب کارون) می رساند چندین بار هم هواپیما قبل و بعد از حمله آمدند بمباران کردند ولی بحمدالله بچه‌ها آمادگی لازم را برای ترمیم و نصب مجدد آن داشتند. ساعت ۱۲:۳۰ شب ۶۱/۲/۱۰ نیروهای پیاده از پل عبور کردند. حوالی صبح روز دهم قبل از پایان تاریکی هوا آماده عبور از رودخانه شدیم افسر مهندس که مسئولیت کنترل و هدایت یگان‌ها را در عبور از پل داشت، مارا توجیه کرد و توصیه نمود راننده تانک‌ها روی پل دنده عوض نکنند و با همان دنده ۱ تمام طول پل را طی نمایند و نگاه آنها مستقیماً به ساحل دور رودخانه باشد. بچه‌ها اینقدر شوق و ذوق داشتند هنوز تانک اول به انتهای پل نرسیده بود که تانک بعدی وارد پل می شد. گردان ما در احتیاط قرارگاه فتح یک بود هدف تیپ در مرحله اول عملیات تصرف جاده اهواز - خرمشهر بود. چون ما در تمام شناسایی های حتی فرماندهان دسته فرماندهان تانک و راننده هارا هم توجیه کرده بودیم ملکه ذهنشان شده بود حتی تک تک مواضع تانک‌ها و مسیرها حرکت را برای آنها علامت گذاری کرده بودیم و بچه‌ها کاملاً به وظایف خود آشنا بودند. بعد از اینکه از پل رد شدیم تانک‌ها را در محل های از پیش تعیین شده پراکنده کردیم.

روز اول حمله بعد از اینکه نیروهای فتح ۱ اهداف مرحله اول را تصرف کردند به گردان ما اعلام شد که عراق دارد برای پاتکها آماده می‌شود. شما هم آماده باشید تا در صورت نیاز وار عمل شوید. در مرحله اول عملیات تهدید جدی در منطقه ما انجام نگرفت و گردان ما وارد عمل نشد، لیکن در مرحله دوم یعنی ترمیم مرز در گیری های بسیار شدید و سرنوشت سازی داشتیم که داستان مفصلی دارد انشاالله در فرصت های بعدی تشریح خواهد شد. نکات آموزشی در این مرحله شناسائی دقیق زمین و منطقه عملیات و نحوه عبور از رودخانه بود که بدون تلفات انجام گرفت، در حالی که با توجه به ویژگی دشت خوزستان بعضی از یگان‌ها مسیرهای خود را گم کرده بودند و تا ۴۸ ساعت در غرب رودخانه کارون سرگردان بودند.

گفته‌های سرتیپ زرهی محمدجعفر لهراسبی فرمانده گردان و فرمانده تیپ در اوائل جنگ تحمیلی درباره عملیات بیت‌المقدس و عملیات رمضان^۱

معرفی راوی:

سرتیپ محمدجعفر لهراسبی در سال ۱۳۲۳ در شهرستان بروجرد به دنیا آمد. در سال ۱۳۴۴ وارد دانشکده افسری و در سال ۱۳۴۷ با رسته زرهی فارغ التحصیل شد. دوره‌های آموزشی: مقدماتی و عالی زرهی، فرماندهی و ستاد. مشاغل: فرمانده دسته، گروهان و گردان تانک در لشکر ۸۱ زرهی، فرمانده گردان و تیپ زرهی در لشکر ۹۲ زرهی، فرمانده لشکر ۱۶ زرهی، معاون بازرسی ستاد کل نیروهای مسلح. افتخارات: ایشان افسری شجاع و با تدبیر بود و در عملیات‌های مهم و سرنوشت‌ساز فتح‌المبین، بیت‌المقدس و رمضان شرکت داشت و به اخذ نشان درجه ۲ و ۳ فتح و درجه تشویقی مفتخر گردید. نامبرده در سال ۱۳۹۸ در اثر بیماری ناشی از جانبازی به خیل هم‌زمان شهید خود پیوست. روحش شاد و یادش گرامی باد.

شرح تجربیات

تأثیر روحیه و انگیزه رزمندگان در پیروزی:

در دوران جنگ تحمیلی ابتدا در دزفول خدمت می‌کردم که در شروع عملیات فتح‌المبین فرمانده تیپ بودم و در عملیات بیت‌المقدس هم به عنوان فرماندهی تیپ ۲ دزفول خدمت می‌کردم در عملیات فتح‌المبین چون منطقه عمل تیپ ۲ زرهی دزفول در منطقه‌ای به نام دشت عباس عمل می‌کرد و منطقه‌ای بود که تنها معبر پشتیبانی یا فرار دشمن بنام تنگ ابوغریب منطقه حساسی بود و دشمن می‌باید محافظت زیادی از آن می‌کرد در نتیجه با تمام توانی که داشت از آنجا محافظت می‌کرد که طبیعتاً در حفظ این معبر به دزفول آسیب شدیدی رسید با خاتمه عملیات فتح‌المبین که به لطف خداوند با پیروزی رزمندگان اسلام به پایان رسید عمل

۱. مطالب این بخش، از آرشیو نوارهای صوتی مصاحبه هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی با فرماندهان هشت سال دفاع مقدس استخراج شده است.

انتقال واحدها از دشت عباس، عین‌خوش و غرب رود کرخه به اهواز صادر شد از طریق قرارگاه کربلا و ما هم باید به منطقه دارخوین می‌آمدیم و فاصله از دشت عباس تا دارخوین حدود ۲۰۰، ۳۰۰ کیلومتر فاصله است برای انتقال یک تیپ زرهی که باید با وسایل سنگینی که دارد و خود این زمان می‌برد و یک پایگاه در بین راه انتخاب کردیم در منطقه فولی‌آباد که آنجا چند روز واحد اول که رسید مستقر شد تا واحد آخر برسد و وقتی تمام واحدها در آنجا مستقر شدند و کارشان تمام شد حرکت بعدی را در مرحله دوم به طرف منطقه دارخوین برای عملیات بیت‌المقدس انجام بدهیم.

این جابجایی هم سه، چهار روز طول کشید یک واحد پیاده در یک روز یا نصف روز ممکن است بتواند صد کیلومتر تغییر مکان بدهد ولی واحد زرهی که می‌خواهد جابجا بشود این حداقل یک مسافت صد کیلومتری را یک یا دو روز برایش باید وقت بگذارد به هر صورت ما به منطقه دارخوین رسیدیم و منطقه تجمع منطقه گردان‌ها را مشخص کردیم و باید کل آسیب‌هایی که در منطقه فتح‌المبین دیدیم جبران می‌کردیم در نتیجه کل اکیپ‌های تعمیراتی بازسازی که خود شهر دزفول داشتیم که پادگان اصلی این تیپ است بکار گرفتیم برای تعمیر و نگهداری، بازسازی یا تجدید سازمانی که بتوانیم در منطقه بیت‌المقدس هم فعالانه ظاهر شود ولی نکته دیگری که من باید به عرضتان برسانم این است که تیپ دزفول که در اوایل جنگ در منطقه دزفول خدمت می‌کرد و شاید اولین واحدی بود که با عراق درگیر شد در منطقه عین‌خوش و موسیان، دهلران این تیپ بود آسیب‌هایی می‌دید که باید ما خودمان آنها را تعمیر می‌کردیم و جایگزین می‌کردیم بعد از آنجا آمدیم سوسنگرد و باعث آزادی سوسنگرد شد در سال ۵۹ که یکی از خاطرات مقام معظم رهبری همان مسائل سوسنگرد است که تعدادی از خواهران و برادران آمدند در آن منطقه محاصره شدند و این تیپ آمد و آن محاصره را شکست.

این جابجایی سریع و این نقل و انتقالات سریع که افسران و پرسنل کادرمان را ورزیده کرده بود یک تیپ برای قرارگاه کربلا ایجاد شده بود که همیشه این تیپ را به عنوان احتیاط به کار می‌بردند که بتوانند هر زمان خواستند بکار بگیرند چرا که احتیاط یک وظیفه‌ای دارد که باید در یک منطقه به عمق صد کیلومتر واحد احتیاط باید تمام آن را بشناسد که راحت بتواند جایگزین واحدهای آسیب دیده یا دیگر واحدها شود و در عملیات بیت‌المقدس هم ما

به عنوان احتیاط بکار گرفته شدیم ولی به خاطر اینکه قرارگاه رده پایین باید در احتیاط رده بالا قرار بگیرد در اینجا خود بخود ما در احتیاط قرارگاه کربلا شدیم و کار ما واقعاً سنگین شده بود چون می باید مسیر تمام واحدها را مشخص می کردیم اولاً شناسایی مان را تکمیل بکنیم و معابر رابشناسیم و بعد برنامه های بازسازی تجهیزات، تجدید قوا و اینها را هم انجام بدهیم این تقریباً از شروع حرکت ما از عین خوش تا شروع عملیات بیت المقدس یک ماه طول کشید.

۱/۱۰ فتح المبین تمام شد و ۲/۱۰ هم بیت المقدس آغاز شد چون واحد زرهی است و سنگین است برای عبور از رودخانه نیاز بود که پل زده بشود چون بعضی جاها عرض آن به ۵۰۰ متر هم می رسید لذا خود قرارگاه کربلا و گردان های عملیات بیت المقدس در این عملیات برای عبور قرارگاه فتح در این منطقه سه پل نصب کردند که یک پل به نام هالوب در خضریه یکی در انرژی اتمی و یکی پایین تر از دارخوین که این سه تا برای هر قرارگاه تابعه فتح ۴ که از اینجا عمل می کرد و ۱ و ۲ که ما پشتیبانش بودیم از انرژی اتمی عبور می کرد و فتح ۳ هم از دارخوین عبور می کرد مسئله ای در مورد شروع این عملیات و لطفی که خداوند به ما کرد و بعد غفلتی که دشمن انجام داد از اینکه رودخانه را رها کردند و وقتی که ما رسیدیم به جاده اهواز - خرمشهر دیدیم که چه دژ عظیمی با ارتفاع ۱۰ متری از کف زمین درست کرده بود و بسیار دژ سخت و عظیمی بود نمی دانم از حماقتشان بود از بی تجربه گی شان بود شاید فکر می کرد آنجا یک منطقه باتلاقی است خیلی عریض است و امکانات ما خیلی کم است ما نمی توانیم از این رودخانه عبور کنیم و ما پل زدیم به طول ۲۷۰ متر که اگر نیرویی در آن طرف رودخانه بود و ما را زیر آتش می گرفت مسلماً کار به این راحتی انجام نمی گرفت.

خوب این لطف خداوند بود که ما توانستیم پلها را نصب کنیم حتی در آن طرف رودخانه که دست دشمن بود ما در آنجا که شناسایی می کردیم تا سه، چهار کیلومتر آن طرف تر هم می رفتیم طرف جاده آسفالت اثری از دشمن نمی دیدیم که رودخانه را تا این حد رها کرده بود و این لطف خدا بود در آن زمان هم بهار بود و بیشترین آب را رودخانه داشت و پل هم سنگین وسایلی هم که از رویش می رفت سنگین شتاب آب زیاد و خداوند آنقدر لطف داشت که از این پنج پل این همه وسایل عبور کرد بدون اینکه اتفاقی برای کسی بیافتد نه دشمن فهمید که بمب باران بکند

نه پلی شکست وقتی امام می‌گوید خرمشهر را خدا آزاد کرد همین‌ها بود که باعث شد به لطف او و دست‌های ناتوان ما از آنجا که ما دنبال و پشتیبان تلاش اصلی بودیم تلاش اصلی در اینجا فتح یک بود و ما باید دنبال آن حرکت می‌کردیم.

زمان عبور ما از نیم ساعت بعد از بامداد ۶۱/۲/۱۰ عملیات شروع شد تا پنج و شش به ما نوبت نرسید که ما هم از شروع عملیات سوار خودرو آماده و گوش به زنگ بودیم که فرمان حرکت داده بشود و دنبال تیپ ۱ حرکت بکنیم این مسئله برای ما روز اتفاق افتاد عبور از رودخانه بدون هیچ اتفاقی انجام گرفت به دنبال تیپ ۱ تا محلی که برای ما تعیین کرده بودند به طور موقت حرکت کردیم و عناصر دشمن که در اثر تاریکی شب و هجوم‌های اولیه رزمندگان جا مانده بودند اینها را پاکسازی کردیم و رسیدیم به منطقه‌ای که باید به عنوان منطقه تجمع استفاده می‌کردیم در این مرحله هدف اولیه قرارگاه فتح تصرف شده بود اما نمی‌توانست مرحله دوم و سوم را ادامه بدهد چرا که بقیه قرارگاه‌ها هم باید به این هدف برسند که ما در جناح پایینی قرارگاه فتح یعنی قرارگاه نصر به علت باتلاقی بودن زمین و فشردگی نیروهای زیاد این حرکتش به کندی انجام می‌گرفت و فاصله بین مرحله اول و دوم عملیات بیت‌المقدس ۷ روز طول کشید سمت راست ما خوشبختانه یک آب گرفتگی عظیم که این آب در دوران جنگ نیروها برای استقرارشان در جاهای دیگر طرحهایی پیاده می‌کنند که صرفه‌جویی در قوا بکنند یا موانع مصنوعی درست می‌کنند از موانع طبیعی استفاده می‌کنند که ما برای ایجاد یک موانع مصنوعی از بالای پلیس راه خرمشهر تا درخت‌های پشت دب حردان آنجا را آب گرفتگی می‌خواستیم انجام بدهیم که دشمن متأسفانه جاده آسفالت اهواز - خرمشهر را قطع کرد و وقتی آب به آنجا رسید و این آب را هدایت کرد به شرق جاده اهواز - خرمشهر تا آب دوباره برسد به کارون قصد ما آب گرفتگی غرب بود و به علت شیب کم زمین و به طرف آبادان است آمد تا رسید به رحمانیه تا بالای ایستگاه حسینی که این جناح راست ما می‌شد و جناح چپمان هم قرارگاه نصر عمل می‌کردند ولی باز هم دشمن بیکار نشست و از منطقه حسینی حملاتی را شروع کرده و از چپ هم قرارگاه نصر جلو می‌آمد با موانعی که در سر راهشان بود این شد که بین مرحله اول و دوم ۷ روز طول کشید که در این هفت روز ما شناسایی مرحله دوم انجام دادیم و آمادگی برای رسیدن به جاهایی دیگر و بازسازی و اینها.

یک خاطره به ذهنم رسیدیک خلبان به عنوان رابط هوانیروز ما اینجا بود یک هواپیمای عراقی در منطقه ما مورد اصابت قرار گرفت و سقوط کرد و ما با این خلبان رفتیم بالای سرش اتفاقاً در میدان مین هم افتاده بود بعد تخلیه شده بود و تعدادی از مین‌ها خنثی شده بودند و چند ماسوره مین‌ها ریخته بود این با یکی از اینها ور رفته بود و انگشت سبابه دست راستش قطع شد و مثل ابر بهار گریه می‌کرد گفتم درد ندارد چرا اینقدر گریه می‌کنی گفت برای این گریه نمی‌کنم که دستم قطع شده پام قطع شده من از پرواز افتادم با این اتفاق چون نمی‌توانم ماشه را بچکانم فرستادیمش بیمارستان و خوشبختانه آسیب آنچنانی هم ندیده بود به هر حال مرحله اول به این صورت تمام شد.

ما در روز ۶۱/۲/۱۷ به مرحله دوم رسیدیم معمولاً احتیاط را در واحدهایی که هم پیاده دارند و هم زرهی اصولاً واحد زرهی می‌گیرند که هم سرعت عمل دارد و هم تغییر مکانش راحت‌تر است و روی این اصل چون ما رسته‌مان هم زرهی بود در مرحله دو هم ما به عنوان احتیاط عمل می‌کردیم فتح ۱ و ۳ در خط عمل می‌کردند و ما به دنبال فتح ۱ از جاده آسفالت هم به طرف دژهای مرزی حرکت کردیم این مرحله هم به سرعت انجام گرفت و من حالا چیزی از قرارگاه فتح بگویم از شهید نیایی که یاد و خاطره‌اش به عنوان الگو باید زنده بماند می‌گفت من افتخار می‌کنم که فلش لشکر ۹۲ نیم متر از بقیه در نقشه‌ها جلوتر است و آن موقع در قرارگاه فتح قرار بر این شد که دو واحد برتر را انتخاب بکنند از سپاه و از ارتش اینها به عنوان شکافنده خطها باشند که از ارتش لشکر ۹۲ بود و از سپاه لشکر ۳۰ صاحب‌الزمان شامل تیپ ۱۴ امام حسین تیپ ۸ نجف و تیپ ۲۵ کربلا که اینها از سپاه اسم و رسم دار بودند و لشکر ۹۲ هم از واحدهای زرهی ما بیشتر وارد عمل می‌شد (لشکر ۹۲ شامل چه تیپهایی بود؟) شامل سه تیپ از تیپ ۳۷ و ۵۵ هواپرد ولی اصل اسکلت ثابتش تیپ ۱ و ۲ و ۳ تیپ دزفول است و دشت آزادگان تیپ ۳ می‌شد و تیپ ۱ در اهواز و در پایان لشکر خودش در نتیجه با شروع عملیات بیت‌المقدس باز هم اینها با استفاده از تانک و نفربر به سرعت رسیدند به دژهای مرزی و در بعضی جاها از دژ خودمان عبور کردند و به دژ عراق رسیدند و باز هم می‌باید وقفه‌ای باشد تا نیروی پیاده برسد و این اختلاف حرکتها حدود سه چهار روز طول کشید که ما تحکیم هدف و تجدید سازمان کردیم تا مرحله بعدی پس از اتمام مرحله ۲ مرحله ۳ انجام گرفت که مرحله

حرکت قرارگاه قدس بود چرا که دشمن وقتی که دید ما به خط مرزی رسیدیم و همین احتمال را که ما ممکن است به تنومه برسیم در آن صورت بصره را کلاً محاصره کردیم بلافاصله دو لشکر داشت به نام لشکر ۶ و لشکر ۵ که در جنوب کرخه پدافند می‌کردند اینها را به سرعت کشید عقب و آورد در کوشک و طلائیه و در منطقه خودش به عنوان پدافند استفاده می‌کرد که این عقب‌نشینی مرحله سه بود که در آن زمان که او داشت این کارها را انجام می‌داد ما در پاسگاه زید در دژ مرزی با پاتکهای سنگین دشمن درگیر بودیم و تمام تلاشمان این بود که آن چیز را که با لطف خداوند و با این سرعت عمل بدست آورده‌ایم از دست ندهیم.

عملیات رمضان:

بعد از عملیات بیت‌المقدس این بحث پیش آمد که چرا آن عملیات تا حصول به نتیجه نهایی ادامه نیافت. در این باره باید گفت که هر عملیاتی نیازی به برآورد وضعیت‌ها و طرح‌ریزی‌های نهایی دقیقی دارد. از جمله مسائلی که ما با آن مواجه بودیم شرکت گسترده افراد بسیجی در نبردها بود. نظر به اینکه تعداد قابل ملاحظه‌ای از افراد بسیجی از طبقه کشاورزان کشور بودند، آنان در فصل تابستان مشغول کار کشاورزی خود می‌شدند. ما بایستی بعد از عملیات بیت‌المقدس که در فصل بهار انجام گرفت، این نکته را در نظر می‌گرفتیم. ضمن اینکه افراد بسیجی از اول سال ۱۳۶۱ در دو عملیات گسترده فتح‌المبین و بیت‌المقدس شرکت کرده بودند و نیاز به استراحت و تجدید قوا داشتند. چنانکه عملاً در خاتمه عملیات بیت‌المقدس هنگامی که نیروهای ما وارد جزیره بوارین عراق شدند، به علت همان خستگی عمومی نتوانستند آن جزیره را نگهدارند. همین موضوع نشان داد که ادامه عملیات بیت‌المقدس بدون تجدید سازمان و تجدید تدارکات و تجدید نظر در طرح‌های عملیاتی، احتمالاً موفقیت‌آمیز نخواهد بود. با این وجود بعد از مدت زمانی کوتاه، ما عملیات رمضان را شروع کردیم که کمتر از دو ماه بعد از عملیات بیت‌المقدس آغاز شد.

بعد از عملیات بیت‌المقدس، بعضی‌ها چنین تصور کردند که نیروهای متجاوز عراق به کلی متلاشی شده‌اند، در حالی که چنین نبود. چنانچه در همان منطقه نبرد بیت‌المقدس ارتش عراق موفق شد، حداقل دو لشکر خود را سالم به عقب بکشد. ولی مسئولین اطلاعاتی ما نتوانستند چگونگی این امر و هدف آن را برآورد کنند. ارتش عراق این نیرو را که با فدا کردن

نیروهای دیگر نجات داده بود، در خط بعدی دفاعی خود مستقر کرد و پدافند منطقه حیاتی بصره را با آن نیروها مستحکم نمود.

درباره عملیات رمضان، بررسی‌های زیادی انجام گرفت. منطقه نبرد، منطقه صاف و همواری بود که ارتش عراق موانع مصنوعی زیادی را در آن ایجاد کرده بود. البته این موانع از مدت‌ها قبل و نه بعد از عملیات بیت‌المقدس تهیه شده بود. به عنوان مثال بعد از اشغال شهر بستان به وسیله نیروهای متجاوز عراق (در اوایل جنگ) ارتش عراق یک جاده سراسری شمالی جنوبی از بستان تا غرب خرمشهر در منطقه اشغالی احداث کرده بود که به سمت شرق و خاک ایران با خاکریز مرتفعی حفاظت می‌شد. چنین به نظر می‌رسد که حکومت عراق قصد داشته است بعد از پایان جنگ تحمیلی آن جاده را به عنوان مرز بین دو کشور کند. خلاصه آن که موانعی را که ارتش عراق ایجاد کرده بود، در طول دو سال جنگ (تا عملیات رمضان) تهیه شده بود، شامل موانع مثلثی شکل، کانال‌های آب، میدان‌های مین و غیره بود. ما به وجود این موانع آگاه بودیم، به همین جهت در مرحله طرح‌ریزی یکی از نکات مهم آن بود که چگونه از این موانع عبور کنیم. از مهم‌ترین موانع در مسیر پیشروی نیروهای ما کانال ماهی بود که برآورد می‌شد ۲۷ کیلومتر طول و حدود یک کیلومتر عرض دارد.

طرح عملیات رمضان این بود که ما این کانال ماهی را دور بزیم و از شمال بصره به هدف برسیم و جاده بصره العماره را قطع کنیم. این تدبیر به صورت تصمیم نهایی درآمد که درباره روش اجرای آن مباحثاتی بین فرماندهان پیش آمد. عده‌ای معتقد به مرحله‌بندی عملیات بودند، زیرا می‌گفتند نیروهای ما متشکل از واحدهای پیاده و زرهی هستند و این دو عنصر رزمنده هم‌پا نیستند و نمی‌توانند با یک آهنگ پیشروی کنند. بنابراین بهتر است ابتدا نیروهای زرهی و مکانیزه تا ۱۰ کیلومتر پیشروی کنند و شکافی در خطوط دفاعی دشمن ایجاد نمایند، بعد یگان‌های پیاده از جناحین محور پیشروی حرکت کنند و به خط نیروهای زرهی و مکانیزه برسند. این روش تا وصول به کرانه شرقی دجله ادامه یابد. ولی عده‌ای عقیده داشتند که بهتر است به صورت حمله تهاجمی جبهه‌ای پیشروی اجرا گردد و همه نیروها باهم حمله را آغاز کنند تا در حین عملیات، نتایج نبرد ارزیابی گردد. بالاخره همین روش نیز به مرحله اجرا درآمد و عملیات بدین ترتیب آغاز شد که در مرحله اول لشکر ۹۲ زرهی به اضافه

لشکر صاحب‌الزمان شامل تیپ‌های نجف و کربلای سپاه پاسداران در منطقه مرکزی پیشروی کنند و در یک منطقه کم عرض به سرعت جلو بروند و هدف خود را در شمال کانال ماهی تصرف و کرانه شرقی دجله را اشغال نمایند و جاده بصره عماره را کنترل کنند. در مرحله بعدی، عملیات را به سمت شمال و به طرف نشوه توسعه دهند و پل‌های موجود در روی دجله را تحت کنترل خود درآورند. در سمت جنوب نیز عملیات تا تنومه عراق توسعه یابد و پل‌های رودخانه دجله تحت کنترل نیروهای ما قرار گیرد. بنابراین هدف نهایی یگان‌های ما، کنترل پل‌های موجود در رودخانه دجله بود که با تصرف آن‌ها جاده بصره عماره در کنترل نیروهای ما قرار می‌گرفت. بعد از وصول به هدف نهایی، نیروهای باقی مانده در منطقه نبرد به وسیله لشکر ۷۷ پیاده و لشکر فجر سپاه پاسداران پاک می‌شدند. در شمال منطقه نبرد رمضان لشکر ۱۶ زرهی و لشکر قدس سپاه پاسداران گسترش داشت که مأموریت چندان مهمی در این نبرد به آن‌ها واگذار نشده بود. وظیفه اصلی آن‌ها درگیر کردن قسمتی از نیروهای دشمن و تأمین جناح شمالی منطقه نبرد، در رمضان بود. در جنوب این منطقه نبرد نیز لشکرهای ۲۱ و ۷۷ پیاده و یک لشکر پیاده مستقر بودند.

بالاخره طرح رمضان به اجرا درآمد و نیروهای حمله‌ور ما با ۲۷ کیلومتر پیشروی در شمال کانال ماهی به منطقه هدف رسیدند. ممکن است بعضی‌ها تردید داشته باشند که نیروهای ما به منطقه هدف رسیده‌اند، ولی باید بگوییم که واقعاً ما به منطقه هدف رسیدیم، اما قسمتی از جناح شمالی (راست) ما کاملاً خالی بود. به احتمال قوی دشمن به وسیله عوامل و عناصر اطلاعاتی قوی که در اختیار داشت متوجه این منطقه خالی شده بود که نیروهای خود را در ساعت ۱۴۰۰ روز حمله وارد این منطقه کرد. در نتیجه عناصر حمله‌ور ما از سمت شمال دور زده شدند و در خطر محاصره شدن قرار گرفتند. تقریباً تمام نیروهای محاصره شده ما از بین رفتند یا به اسارت نیروهای عراقی درآمدند. یکی از علل پیش آمدن این وضعیت، ضعف طرح استفاده از وسایل مهندسی بود که نیروهای ما از آن محروم شدند و در زمین باز در مقابل حمله نیروهای زرهی دشمن قرار گرفتند و نتوانستند عکس‌العمل قابل ملاحظه‌ای نشان دهند. با انهدام نیروهای پیش‌رو حمله‌ور ما، نیروهای باقی مانده ما به پاسگاه زید عراق عقب‌نشینی کردند و نبرد در همین مرحله اول به پایان رسید. یگانی که در محاصره نیروهای عراقی قرار

گرفت تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی، تیپ امام حسین، تیپ نجف و قسمتی از تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی بود و تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی که من فرماندهی آن را بر عهده داشتیم، در شمال پاسگاه زید جناح شمالی را تأمین می کرد. تیپ ۲۵ کربلا (سپاه پاسداران) نیز جناح جنوبی را تأمین می نمود که به طرف شلمچه گسترش داشت. از عناصر تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی فقط یگان احتیاط و توپخانه آن تیپ توانست از محاصره شدن نجات یابد و عقب نشینی کند.

البته در این نبرد یگان های مستقر در جناح منطقه چندین کیلومتر در خاک عراق پیش روی کرده بودند و موفق شدند آن مناطق را نگهدارند و باقی مانده یگان های محاصره شده نیز به همان حوالی عقب نشینی کردند. این عملیات تا حدود ساعت ۳ بعدازظهر اولین روز نبرد بیش تر به طول نیانجامید و نیروهای ما در حوالی پاسگاه زید عراق حالت پدافندی اتخاذ کردند.

نتیجه نهایی این مرحله از عملیات آن بود که ما تلفات نسبتاً سنگینی را متحمل شدیم. ولی حدود ۸ کیلومتر از خاک عراق را در شمال کانال ماهی تصرف کردیم.

مرحله دوم عملیات رمضان در شب بعد با هدف انهدام نیروهای دشمن اجرا شد که قصد تصرف و نگهداری زمین در آن وجود نداشت. در این مرحله عناصر پیاده نظام ما مسلح به جنگ افزار ضد تانک شبانه به نیروهای زرهی دشمن حمله کردند و طبق برآوردهای انجام شده خسارات سنگینی به یگان های زرهی و مکانیزه دشمن وارد ساختند.

بعد از اجرای مرحله دوم، طرح ریزی برای مرحله سوم آغاز شد. منطقه حمله در جنوب کانال ماهی، بین این کانال و رودخانه اروندرود انتخاب شد که هدف نهائی تصرف شهر تنومه در کنار شط العرب بود. اما در عمل مشاهده شد که ارتش عراق پیش بینی این حرکت احتمالی نیروهای ایرانی را کرده است. شاید برآورد کرده بود که اصولاً محور اصلی پیشروی نیروهای ما به طرف بصره از همان منطقه باشد. لذا موانع مستحکم تری در آن منطقه احداث کرده بود. البته موانع مقدم به سمت ایران چندان مستحکم نبودند. ولی از این موانع به وسیله نیروهای رزمی عراق دفاع شدیدی می شد. لذا هنگامی که نیروهای ما از تعدادی از موانع سبک عبور می کردند. نیروهای عراقی آن ها را به زیر آتش می گرفتند و نیروهای ما که تلاش می کردند در سنگرها و خاکریزهای رها شده عراقی جان پناه بگیرند، با مین های کار

گذاشته عراقی برخورد نمودند و شهید شده یا مجروح می‌شدند. پیشروی نیروهای ما سد گردید و مرحله سوم به پایان رسید.

بعد مرحله چهارم نبرد رمضان برای منطقه شمال پاسگاه زید طرح‌ریزی شد که برای تصرف مواضع مثلی شکل نیروهای عراقی بود مرحله اول و دوم به وسیله یگان‌های قرارگاه فتح (لشکر ۹۲ زرهی و یگان‌های از سپاه پاسداران) اجرا گردید اما مرحله سوم به وسیله لشکر ۲۱ پیاده با یگان‌هایی از سپاه پاسداران به اجرا درآمد. اجرای مرحله چهارم به لشکر ۷۷ پیاده و یگان‌های دیگری از سپاه پاسداران محول گردید.

طرح مانور در مرحله چهارم این بود که نیروهای حمله‌ور ابتدا مواضع مقدم دشمن را تصرف کنند، بعد گوشه دیگری از مواضع مثلی شکل را اشغال نمایند. بالاخره قسمت مرکزی آن مواضع را تصرف کنند و در همان مواضع نیروهای حمله‌ور با یکدیگر الحاق حاصل نمایند و پس از کنترل کامل مواضع مثلی شکل اول، به مواضع خط دوم و بالاخره خط سوم، حمله ادامه یابد.

نظر به اینکه برای تصرف مواضع مثلی شکل، نیروها از دو جناح شمالی و جنوبی پیشروی می‌کردند و بایستی در مثلث مرکزی با یکدیگر الحاق حاصل می‌نمودند، در عمل نیروئی که از جنوب پیشروی می‌کرد مثلث اول و دوم را اشغال می‌نمود ولی نیروئی که از شمال پیشروی می‌کرد اشتباهاً به جای مثلث سوم به مثلث چهارم رسید و در نتیجه بین مثلث سوم و دوم حدوداً ۳ کیلومتری فضای خالی باقی ماند. در حالی که نیروهای عراقی در آن منطقه مستقر بودند و ارتش عراق موفق شد نیروهای تقویتی بیش‌تری وارد آن منطقه کند و این نیروهای دشمن نیروهای ما را که پیشروی کرده بودند از پهلوی عقب مورد تهدید قرار دادند. به نحوی که امکان داشت همان حالت مرحله اول این عملیات برای یگان‌های حمله‌ور ما پیش آید لذا این یگان‌ها مجبور به عقب نشینی شدند.

بررسی نتیجه مرحله چهارم چنین بود که بهتر آن است پیشروی خیز به خیز انجام گردد. بنابراین مرحله پنجم عملیات رمضان بر اساس این تدبیر طرح‌ریزی شد. اما در بررسی نهائی این نتیجه حاصل شد که در آن شرایط احتمال موفقیت در ادامه عملیات چندان قوی نیست.

لذا از اجرای مرحله پنجم انصراف حاصل شد و نبرد رمضان با همان نتایج به دست آمده به پایان رسید.

درباره عدم موفقیت نبرد رمضان در مرحله اول نبرد هنگامی که نیروهای ما به هدف خود رسیدند، بایستی تحکیم هدف و تجدید سازمان می کردند. با مشکلات عدم اطلاعات صحیح از وضعیت دشمن و کمبود فوق العاده وسائل سنگین مهندسی برای تهیه خاکریز و جان پناه و سنگر مواجه شدند. اما نکته ای که وجود داشت غرور بیش از حدی بود که در این نبرد به وجود آمده بود. چنانچه در آن منطقه تعداد زیادی خودروهای فیلم برداری و خودروهای شخصی جمع شده بودند تا شاهد اولین پیروزی نیروهای ما در داخل خاک دشمن باشند، این وضع یک مرحله زودرسی بود. پیشروی سریع نیروهای ما به عمق ۲۷ کیلومتری در داخل خاک دشمن که برای اولین بار اتفاق می افتاد شوق وصف ناشدنی آن چنان زیاد ایجاد شده بود که نتیجه نهایی آن به ضرر نیروهای ما می شد. غرور جلو چشمان ما را گرفت تا بدان حد که شرایط حقیقی نبرد تحت الشعاع احساسات قرار گرفت. برای نیروهای ما مواضع تهیه نشد و وسائل مهندسی به موقع و به تعداد کافی به خطوط مقدم اعزام نگردید.

درباره علت اتخاذ تصمیم برای یک مرحله کردن نبرد در مرحله اول، عقیده بر این بود که چنانچه ما با یک نیروی ضربتی قوی، جبهه دفاعی دشمن را بشکافیم و به هدف اصلی برسیم، نیروهای تلاش فرعی نیز از جناحین تا حدود ۱۰ کیلومتر پیشروی کنند می توانند از ابراز عکس العمل نیروی احتیاط دشمن جلوگیری نمایند. ضمن اینکه نیروهای عراقی دچار وحشت و اختلال سازمان می شوند و نمی توانند عکس العمل قابل ملاحظه ای نشان دهند. اما در عمل نیروهای جناحی نتوانستند مأموریت خود را انجام دهند و وسائل مهندسی مورد نیاز نیز وارد صحنه نبرد نشد و هماهنگی در اجرای طرح از بین رفت. آنچنان که بعضی از یگان های جناحی حتی نتوانستند از خط مرز عبور کنند و به جلو بروند. لشکر ۷۷ پیاده که در حدود ۳ کیلومتری شرق خط مرز (در داخل خاک ایران) گسترش دفاعی داشت، حتی نتوانست تا خط مرز پیشروی کند. این امر سبب شد که دشمن موفق گردید نیروهای احتیاط خود را از مقابل آن منطقه وارد عمل کند و بر علیه نیروهای حمله ور اصلی ما به کار ببرد. به نظر سرهنگ لهراسبی یک عامل روانی در افراد ارتش عراق نیز در نتیجه عملیات رمضان مؤثر بود و آن عبارت

از این بود که در این نبرد بر خلاف نیروهای قبلی، سرباز عراقی در داخل خاک کشور خودش می‌جنگید. مسلماً احساس او در این نبرد مثبت‌تر از نبردهای قبلی درباره جنگ بود، زیرا در این نبرد وضعیت فیزیکی نیروهای ما و دشمن تغییر محسوسی نکرده بود. طراحان و رزمندگان ما همان‌هایی بودند که در نبرد فتح‌المبین و بیت‌المقدس شرکت داشتند و نیروهای دشمن نیز تقریباً همان‌هایی بودند که قبلاً در این منطقه نبرد وجود داشتند. تنها عاملی که ممکن است تغییر کرده باشد نیروی روانی دشمن می‌تواند باشد.

نگارش سرتیپ ۲ زرهی ستاد شیرمرد حیدری معاون گروهان یکم گردان ۲۳۸ تانک درباره عملیات بیت المقدس^۱

معرفی راوی:

متولد سال ۱۳۳۳ در شیراز

در سال ۱۳۵۲ وارد دانشکده افسری و در سال ۱۳۵۵ با رسته زرهی فارغ التحصیل شد.

دوره‌های آموزشی: مقدماتی و عالی زرهی، فرماندهی و ستاد.

مشاغل: فرمانده دسته، فرمانده گروهان و سرپرست گردان تانک در دوران دفاع مقدس، استاد کمیته جنگ افزار در مرکز زرهی، مشاغل مدیریتی در بازرسی و معاون آموزشی ستاد کل.

شرح تجربیات

در زمان عملیات من ستوانیکم بودم ابتدا به عنوان معاون گروهان یکم گردان ۲۳۸ تیپ ۳۷ که آن زمان تانک ام ۶۰ بود انجام وظیفه می کردم فرمانده گروهان جناب سروان جلیل احمدی آن موقع و سرهنگ احمدی فعلی تقریباً از تاریخ ۱/۱۱ تا ۱/۱۷ از منطقه عملیات فتح المبین به منطقه فولی آباد آمدم و حدود ۶۱/۱/۲۸ الی ۱ یا ۲ اردیبهشت ۶۱ ما از فولی آباد حرکت کردیم و در منطقه عمومی دهلیز در بین همین نخلستانها تانک‌های مان مستقر شدند تقریباً یک هفته‌ای در این منطقه تانک‌های مان را آماده کردیم مهمات آوردیم بچه‌ها را آموزش دادیم فرمانده گردان سرگرد عباسی، نهم اردیبهشت بود که ما را جمع کرد و مأموریت را به ما ابلاغ نمود.

مأموریت به این طریق اعلام شد که تیپ ۳۷ باید پس از عبور از رود خانه کارون سر پلی را در منطقه حسینییه و در امتداد جاده اهواز - خرمشهر تصرف کرده و در مرحله دوم با حرکت به چپ عملیات را به سمت مرز ادامه می دادیم در این مرحله هدف ما دژهای ۱۰، ۱۱، ۱۲ بود. مرحله سوم عملیات بعد از تأمین مرز پدافند در منطقه بود. بعد از اینکه توجیه شدیم و دستور عملیاتی را به ما ابلاغ کردند عصر ۶۱/۲/۹ بود که ما همگی آماده شدیم اولین پلی که زده شد در محل هالوپ بود مهندسی قرارگاه فتح این پل را زد ساعت ۴/۵ بود که پل مستقر شد. برادر

۱. مطالب این بخش، از آرشیو نوارهای صوتی مصاحبه هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی با فرماندهان هشت سال دفاع مقدس در سال ۱۳۹۲، استخراج شده است.

آهنگران هم آمده بودند و داشتند نوحه خوانی و سینه زنی می کردند و تمام بچه ها جمع بودند و بسیار جو روحانی و جالبی بود. بعد از پیروزی در عملیات فتح المبین روحیه و انگیزه بسیار بالا برای آزادسازی خرمشهر ایجاد شده بود، ابتدا تیپ ۵۵ هوارد و تیپ ۲۵ کربلا از برادران سپاه در روشنایی روز از روی پل عبور کردند.

ما هم توسط جناب سرگرد عباسی در رابطه با نحوه استقرار و آرایش تانک ها در آن طرف رود خانه کاملاً توجیه شدیم و عصر نهم ساعت ۵ بود ابلاغ کردند که اول گردان ۲۳۹ بعد ۲۳۷ و بعد گردان چیفتن از روی پل عبور نماید تانک ها همه ستون کرده بودند پس از اینکه گردان تانک ۲۳۹ از پل عبور کرد نوبت به گردان ما رسید و اولین گروهان ما بودیم که از پل عبور کردیم شاید نیم ساعتی بیشتر طول نکشید که ما در محل های مربوطه آرایش گرفتیم نیروهایی از دشمن به استعداد حدود یک گردان در مقابل ما در سید عبود بود و سمت چپ و راست این نقطه اتکای دشمن میدان مین بود که روز قبل به وسیله فرمانده گردان توجیه شده بودیم.

منطقه سید عبود با کارون چیزی حدود ۷ تا ۸ کیلومتر مسافت داشت، بعد از استقرار در ساحل غربی کارون منتظر رمز عملیات بودیم که ساعت ۳۰ دقیقه بامداد دهم اردیبهشت با رمزی علی این ایطالاب عملیات به صورت آشکار وبا چراغ روشن آغاز شد. نیروهای پیاده قبل از ما حرکت کرده بودند و به موضع تک رسیده بودند که موقع حرکت ما توپخانه دشمن بطور پراکنده تیراندازی می کرد و نشان دهنده این بود که اطلاعات دقیقی از ما ندارند تقریباً ساعت ۱ یا ۲ بامداد بود که بچه ها به سید عبود رسیدند، آتش دهانه تانک های دشمن کاملاً مشهود بود، با ذکر بسم الله الرحمن الرحیم اولین گلوله تانک را به سمت آتش دهانه تانک مقابل شلیک کردم، آن زمان جو مذهبی بسیار مطلوبی وجود داشت حتی توپچی ها با نام خداماشه را فشار می دادند، هوا روشن شده بود و تیراندازی دشمن دیگر قطع شده بود، که به خاکریز دشمن رسیدیم تعداد زیادی از عراقیها کشته شده بودند و جسد های بسیار زیادی روی زمین بود ۵ تانک دشمن هم منهدم شده بود. یکی از برادران بسیجی که چفیه دور گردنش بود شهید شده بود یک تفنگ ژ-۳ کنارش افتاده بود است من سر نیزه اش را در آوردم زدم روی اسلحه اش و اسلحه را نگون فنگ زدم روی زمین و چفیه اش را کشیدم رویش و کلاهش هم زدم روی اسلحه تا به راحتی توسط تیم تخلیه شهدا دیده شود. سوار تانک شدیم و به عملیات ادامه دادیم و ساعت ۶ بامداد به جاده اهواز - خرمشهر رسیدیم، لحظه کوصف ناشدنی بود همه بچه ها آمده از تانک پیاده شده تکبیر

می گفتند و بعضی ها بر جاده آسفالت بوسه می زدند و سجده شکر به جا می آوردند. حدود ۶ روز از دهم تا شانزدهم اردیبهشت پشت خاکریزها بودیم، دشمن چندین پاتک کرده بود من یادم است ۵ شب نخوابیده بودم شب پنجم روی نفربر خوابیدم هوا بسیار گرم بود، پشه ها اذیت می کردند نیم ساعتی خوابیدم که دشمن با اجرای آتش شدید پاتک کرد از نفربر پریدیم پایین و تانک ها را آوردیم روی سکوی آتش و به شدت برابر کارت تیر های تهیه شده اجرای آتش شد و پاتک دشمن سرکوب شد. پاتک های دیگری روز دهم، روز دوازدهم، روز پانزدهم و روز شانزدهم توسط دشمن اجرا شد. در یکی از این پاتک ها بود که من تانکم را آوردم روی سکو از بالا نگاه می کردم دیدم تقریباً حدود شانزده هفده تانک از سمت شمال به جنوب یعنی از سمت جفیر به تنومه حرکت می کرد. از روی ام ۶۰ من به علاوه را روی هدف گذاشتم و مسافت یابی کردم دیدم مسافت برای من پیدا نمی شود بالای ۴۴۰۰ بود چون حداکثر دستگاه نشانه روی تانک ۴۴۰۰ متر است لذا به روش دیدبانی تیراندازی کردم و با روش ترگش روی هدف تصحیح تیر کردم با پریسکوپ می دیدم آنها از تانک پیاده می شدند و حالت فرار داشتند تقریباً ۲ ساعتی زیر نظر داشتیم که حرکت نمی کردند با تعدادی از بچه ها سوار جیپ های ۱۰۶ شدیم رفتیم ۵ دستگاه از تانک های دشمن را غنیمت گرفتیم، شخصایکی از تانک های تی ۵۵ که حتی لوله های تیربارش را هنوز تمیز نکرده بودند آوردیم پشت خاکریز هنوز یک گلوله داخل لوله توپش بود که خودم گاو را زدم پایین گلوله را درآوردم و تانک را و تحویل گروهان ارکان دادم گروهان ارکان کمی عقب تر بود به سمت تقریباً غرب کارون آن موقع جناب سروان صغیر که سرهنگ کنونی است فرمانده گروهان ارکان بود من این تانک را گذاشتم آنجا و تعداد دیگری از آنها را برادران تخلیه کردند به سمت عقب تقریباً روز هفدهم بود که عملیات مرحله دومش شروع شد ما کمی به چپ کشیدیم درست مقابل حسینیه قرار گرفتیم و عملیات به این ترتیب بود که ابتدا پشت جاده حسینیه گردان ما در وسط بود گردان ۲۳۹ جناب سرگرد پیروزان سمت چپ و جناب نیکخواه در سمت راست ما بود ما در آنجا به سمت دژهای ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ حمله کردیم و توانستیم به مرز برسیم تحکیم هدف کردیم و بنا به دستور رده بالا ما در آنجا به پدافند خودمان ادامه دادیم و سایر برادران قرارگاه های دیگر مراحل بعدی عملیات را انجام دادند که ما در این مراحل همچنان به پدافند ادامه دادیم. در موضع پدافند یکی از تانک ها مورد اصابت گلوله قرار گرفت و فرمانده تانک به شهادت رسید، روحش شاد. خبرهایی که از سمت خرمشهر به ما می رسید همه خوشحال کننده

بود و تا اینکه روز سوم خرداد به یاری خدا خرمشهر آزاد شد. وقتی به جاده اهواز - خرمشهر رسیدم، یک نفربر سوخته دیدم یک صدایی از داخل نفربر می آمد داخل نفربر بر شدم یک درجه دار عراقی را مشاهده کردم که شدیداً زخمی شده و هر دو چشمش بسته و خون آلود است در حالی که عکس امام را در دست داشت و الدخیل خمینی می گفت او را از نفربر بیرون آوردیم حالا عکس امام از کجا آورده بود ندانستیم، دائماً التماس می کرد عکس بچه هایش را نشان می داد. بچه های بهداری آمدند او را پانسمان کردند، خون زیادی از او رفته بود وقتی آب خورد و تا حدودی خودش را پیدا کرد بچه هایی که عربی بلد بودند با او صحبت کردند می گفت من باور نمی کردم که شما این طور با من رفتار کنید.

نگارش سرتیپ ۲ زرهی سید مجتبی تهمانی درباره عملیات بیت المقدس^۱

معرفی راوی

سرتیپ ۲ مجتبی تهمانی در سال ۱۳۲۳ در شهرستان کاشمر متولد شد. در سال ۱۳۴۵ وارد دانشکده افسری و در سال ۱۳۴۸ با رسته زرهی فارغ التحصیل شد. دوره‌های آموزشی: مقدماتی و عالی زرهی، فرماندهی و ستاد. مشاغل: فرمانده دسته، فرمانده گروهان و فرمانده گردان تانک و سوار زرهی، در ابتدای جنگ تحمیلی در سمت فرمانده گردان ۲۸۳ سوار زرهی لشکر ۹۲ به عنوان پهلودار تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ در عملیات تأخیری نقش ارزنده‌ای ایفا کرد. نامبرده در عملیات‌های نصر، فتح المبین و بیت المقدس نیز حضور داشته است. دیگر مشاغل ایشان: رئیس رکن سوم لشکر ۹۲ زرهی، فرمانده تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی، فرمانده لشکر ۸۱ زرهی. تشویقات: به خاطر شرکت در عملیات فتح المبین و بیت المقدس به دریافت مدال درجه ۳ فتح نائل گردید.

شرح تجربیات

گردان سوار زرهی در مأموریت پهلوداری:

مأموریت گردان قبل از عملیات بیت المقدس پوشش جنوب اهواز تا دارخوین بود و منطقه عملیات بیت المقدس دقیقاً در مقابل همین منطقه در قرارگاه فتح واقع شده بود. با توجه به اینکه گردان قبلاً در آن قسمت مأموریت انجام داده بود با وضعیت دشمن، وضعیت زمین و سواحل رودخانه کاملاً آشنا بود و در عملیات بیت المقدس هم، به عنوان میزبان یگان‌های عمل کننده در ابتدای امر ایفای نقش می‌کرد. عملیات بیت المقدس در ساعت ۳۰ دقیقه آغاز روز ۱۳۶۱/۲/۱۰ با رمزی علی بن ابیطالب آغاز شد. گردان در این عملیات پهلودار جناح راست فتح ۱ بود. فتحی که از قرارگاه‌های چهارگانه قرارگاه فتح بود، و تشکیل شده بود از تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی، و تیپ ۱۴ امام حسین (ع). در مرحله اول عملیات، محوری را که فتح ۱ عمل می‌کرد محور کمیشه و منطقه عمومی ایستگاه حسینیّه بود. گردان در جناح راست به گونه‌ای

۱. مطالب این بخش، از آرشیو نوارهای صوتی مصاحبه هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی با فرماندهان هشت سال دفاع مقدس در سال ۱۳۹۲، استخراج شده است.

عناصر خودش را توجیه کرده بود که، طوری حرکت کنند تا با گرای ۲۷۰ درجه در ۳ کیلومتری شمال پاسگاه حسینی به جاده برسند. و در سراسر شب افراد زیادی را از نیروهای تأمینی دشمن که در منطقه سید عبود، بودند گردان به اسارت گرفت، زخمی‌های زیادی را از دشمن به عقب تخلیه کرد و غنائم زیادی را از نظر مهمات، سلاح سبک و ادوات مهندسی به غنیمت گرفت و با آغاز طلوع خورشید گردان به هدف محوله نایل گشت. بعد از رسیدن به جاده حسینی که در واقع سرپلی بود که در مرحله اول عملیات بیت المقدس قرار داشت، گردان مأموریت پدافندی دریافت کرد و با تحکیم هدف خودش را آماده کرد با پاتکهای دشمن مقابله بکند و به مدت یک هفته یعنی از روز دهم تا روز هفدهم در این مرحله مأموریت پدافندی خودش را اداره بکند.

دشمن مرتباً اقدام به پاتک می‌کرد، در ادامه مفصلاً توضیح می‌دهم که حد فاصل نیروهای دشمن در منطقه خرمشهر، نیروهای دشمن در غرب اهواز به صورت نیروهای تأمینی پوشیده بود. بعد از عملیات غرور آفرین فتح‌المبین دشمن متوجه جابه‌جایی نیروها به منطقه عملیاتی بیت المقدس شده بود و به شدت تلاش می‌کرد تا خاکریز مرتفعی را که در شرق جاده اهواز - خرمشهر احداث کرده بود و نیروهای لشکر ۹ و ۳ زرهی را که نیروهای تقویتی منطقه بودند به هر صورت پشت این خاکریز مستقر بکند و عملیات بیت المقدس با سرعت جاده اهواز - خرمشهر را آزاد کرد و مانع از این شد که دشمن بتواند یگان‌های لشکر ۹ و لشکر ۳ را در آنجا مستقر بکند و داخل اهواز بشود. طبیعی بود وقتی که قرارگاه فتح مأموریت موفقی انجام داد دشمن بسیار در موضع ضعف قرار گرفته بود و نیروهایش در غرب اهواز تا منطقه خرمشهر کاملاً از وسط مورد تهدید واقع شد و لذا شاید اغراق نباشد که اگر بگوییم در روز، ۳ الی ۴ بار با آرایش تاکتیکی پاتک می‌کرد که خاکریز را از تصرف نیروهای ما خارج کند که گاه به گاهی از تصور خارج بود. اما هر بار با تحمل تلفات و ضایعات با انهدام تانک و نفربر مواجه می‌شد و بالطبع پاتکش درهم شکسته می‌شد.

گردان ۲۸۳ سوار زرهی دیده‌بان منطقه بود. نسبت به زمین منطقه عملیات، دشمن، ویگان‌های خودی اشراف کامل داشت، حتی در بعضی موارد از نظر تدارکات سوخت به یگان‌ها یاری می‌رساند و توجیه‌شان می‌کرد. حتی در تعیین محل پل‌ها یگان مهندسی را کمک

می‌کرد که در جاهایی احداث بشوند که سواحل کاملاً مناسب بودند. با شناختی که روی رودخانه کارون داشت و قبل از عملیات این گردان در کنترل عملیاتی لشکر ۱۶ قرار گرفته بود زیرا لشکر ۹۲ به منطقه فتح‌المبین نقل مکان کرده بود. این منطقه که گردان مستقر بود و مأموریت داشت حفاظتش را برقرار بکند پوشش می‌کند. منطقه شرق و غرب کارون از جنوب اهواز تا دارخوین گردان جابه‌جا شده و در کنترل عملیاتی لشکر ۱۶ قرار گرفت. با آغاز عملیات بیت‌المقدس گردان از کنترل لشکر ۱۶ خارج، مجدداً زیر امریگان سازمانیش شده لشکر ۹۲ قرار گرفت که طبیعتاً یگان‌ها را متمرکز کرد در محل ساختمانهای سازمانی، سازمان انرژی اتمی پل روانه شد و نفرات پیاده عبور کردند گردان ما هم به ترتیب گروهان، ۱ و ۲ و ۳ که سرپهلودار و پهلودارها و نهایتاً دسته‌های پشتیبانی رزمی گروهان ارکان را که تحت کنترل فرمانده گردان عمل می‌کردند از پل عبور داد و همزمان با شروع تک فتح ۱، یگان سرپهلودار هم تک خودش را آغاز کرد. یگان‌های بعدی هم که گروهان ۱ و ۲ و ۳ به ترتیب بودند جناح راست را که یگان غیرهم‌پا (پیاده) قرار گرفته بود کاملاً پوشش دهند که اگر چنانچه در پیشروی یگان زرهی بایگان‌های پیاده اختلاف از نظر سرعت وجود داشته باشد دشمن نتواند از پهلوی فتح را مورد حمله قرار بدهد.

خاطر دیگر این که از همان آغاز کار مایک افسری را از گروهان سوم مأموریت داده بودیم با یگان سرپهلودار حرکت بکند. دو نفر سرباز همراه خودش ببرد، ستاره قطبی را به بازوی راستش بیندازد و در گرای ۲۷۰ درجه حرکت کند چون نحوه عمل سرپهلودار در سمت‌دهی و نحوه عمل آن قوایی که در جناح جاده بود تأثیر بسزایی داشت اگر ما سمت را گم می‌کردیم ممکن بود از محور اصلی به هدف منحرف بشویم و فرمانده سرپهلودار مرتب گزارش می‌داد که تعداد زیادی از نیروهای عراقی در مسیر ما قرار دارند که تسلیم می‌شوند اینها را چکار کنیم، اینقدر تعدادشان زیاد بود من برای این که دست و پا گیر مأموریت اصلی ما نباشند، گفتم: کاری به آنها نداشته باشید فقط خلع سلاحشان بکنید.

به محض اینکه هوا روشن شدیادم می‌آید دو نفر افسر وظیفه داشتیم متجاوز از ۸۰۰ نفر اسیر عراقی را به خط کرده بودند تفنگ را گرفته بودند بالا و عراقیها را می‌آوردند و به نزدیکی من که رسیدند اشاره کردند اینها همه نشستند و من دستور دادم همانطور پیاده اینها را به

عقب تخلیه کنند هوا روشن شده بود یک واحدی در غرب منطقه سیدعبود خیلی مقاومت می کرد و تیراندازی می کرد. ما در آن شرایط که جناح راست را دیگر کاملاً می دیدیم سروان ملاحسینی را با یک یگان به کمک آنها فرستادیم صدای حرکت و غرش نفربرها و تانک ها سبب شد که آن معدود تانک های دشمن هم که مقاومت می کردند پا به فرار گذاشتند.

سرهنگ بازنشسته ملاحسینی که افسر امور هوایی بودند و مسئولیت هدایت ثبت یگان سرپهلودار هم به ایشان محول شده بود. ایشان بسیار افسر شجاع و بسیار منضبط و خوبی بود. در اواخر جنگ به اسارت افتاد و اگر اشتباه نکنم دو سالی در اسارت بود و بعد آزاد شد.

من فکر می کنم دوران دفاع هشت ساله ما همه اش خاطره بود جنگ نابرابری داشتیم ما، در مقابل دشمنی قرار گرفته بودیم که تمام دول شرقی و غربی برای نیل به اهداف استراتژیکشان همه گونه کمک و امکانات در اختیار عراق قرار دادند، یعنی ما در جنگ جز حمایت خداوند، تلاش ملی و کمک های مردمی و نیروی عظیم بسیج، کمک نظامی از دولت ثالثی را دریافت نمی کردیم حتی برای خرید نیازمندیها مان هم با مشکل مواجه بودیم. بنابراین خاطره حماسه ملی با حضور همه جانبه مردم و مسلمان خصوصاً در جبهه فراموش ناشدنی است یاد می آید در عملیات بیت المقدس بالغ بر هیجده هزار اسیر گرفتیم. آن وقت چه خاطره ای از این واقعاً مهمتر است که دو عملیات موفقیت آمیز در غرب دزفول، یکی در جنوب اهواز، تا خرمشهر به فاصله کمتر از یک ماه و نیم صورت بگیرد و کمر ارتش عراق را بشکند و این خرمشهری بود که همیشه صدام ادعا می کرد امکان ندارد این شهر آزاد شود، حتی برای جلوگیری از ورود هوابرد در اطراف خرمشهر پیش بینی کرده بودند، در نهایت خرمشهر به دست توانای رزمندگان اسلام آزاد شد. خاطره جالبی بود یاد می آید من مجروح شده بودم در همان روز اول عملیات وضعیت لباسم خیلی خوب نبود گردان پزشک وظیفه ای داشت که توصیه کرد حتماً برای ضد کزاز شما باید بروید و وقتی که رفتم پاسی از شب گذشته بود و تا پاتک های عراق از دور افتاده بود وضعیت حدوداً کمی مناسب شده بود البته روز دوم بود فکر می کنم آمدم توی درمانگاه که ضد کزاز بزنم از جاده که می آمدم با این که شب بود مردم روستاهای اطراف آمده بودند وسط جاده مشغول شادی و پای کوبی بودند. در روز ۱۷ / ۲ مرحله دوم این عملیات آغاز شد باز قرارگاه فتح مأموریت داشت در غرب پاسگاه حسینی و شمال و جنوب آن

تک را به سمت مرز برای تأمین مرز بین‌المللی ادامه دهد. که در این مرحله گردان در کنترل عملیاتی قرارگاه فتح ۴ قرار گرفته بود با توجه به این که هنوز نیروهای دشمن در غرب اهواز مستقر بودند در امتداد جاده ایستگاه حسینی به پاسگاه کیلومتر ۲۵ که جاده مرتفعی بود گردان مستقر شده بود و جناح راست قرارگاه فتح ۴ را حفاظت می‌کرد از تاریخ ۲/۱۷ تا ۲/۲۷ هم گردان با قرارگاه فتح ۴ همکاری می‌کرد و در تثبیت خط پدافندی در امتداد دژ عراق و پاسگاه زید عراق با فتح ۴ شرکت داشت متعاقب مرحله دوم، مراحل سوم و چهارم و پنجم عملیات بیت‌المقدس بود که گردان در این مراحل در کنترل عملیاتی لشکر ۱۶ قرار گرفته بود، و با تیپ ۵۸ مستقل ذوالفقار همکاری می‌کرد در منطقه عمومی طلایه و در اخذ تماس با دشمن بود.

یک خاطره دیگر که خوب شاید بشود گفت، خاطره تلخی بود این بود که خمپاره‌اندازهای گردان روی نفربرهای ام ۱۱۳ تعبیه شده بود و سوار شده بود یک روزی که توپخانه عراق زیر آتش گرفته بود منطقه را، یک توپی آمد متأسفانه افتاد در داخل این نفربر، در حالی که خدمه هم مشغول تیراندازی بودند، تعداد زیادی از خدمه خمپاره به شهادت رسیدند و چون مهمات داخل خمپاره بود خود نفربر منفجر شد، خاطره بعدی این است که ما دسته پدافند هوایی سه‌ه‌ند ۳ را سازماندهی کرده بودیم، هواپیمای عراقی هم مرتب منطقه را بمباران می‌کردند که البته خلبانان شجاع نیروی هوایی بارها در مصاف هوایی آنها را متواری می‌کردند. یکی از روزها تعداد زیادی از هواپیماهای دشمن در منطقه ظاهر شدند، پرسنل ستاد گردان سر به سر خدمه سه‌ه‌ند ۳ می‌گذاشتند که می‌خواهند صرفه‌جویی کنند موشک‌ها را برای بعد از جنگ نگه دارند، یک دفعه دیدیم ۲ فروند هواپیما از مرز داخل شدند و آمدند روی گردان یک گروه‌بان جوان دسته پدافند هم تحت تأثیر این انتقادات بچه‌ها قرار گرفت موشک را شلیک کرد، موشک دقیقاً رفت به سمت اگزوز هواپیما، هواپیما پیچید به سمت راست، موشک هم پیچید، من بلافاصله آمدم پای بیسیم و به لشکر اطلاع دادم که هواپیما را زدیم ببینید کجا می‌افتد خلبانش را دستگیر بکنید. که طولی نکشید که دیدیم قرارگاه فتح ۳ گفت: بله، هواپیما سقوط کرد و دو نفر خلبان آن هم پریدند بیرون و بلافاصله دستگیر شدند و این درجه دار هم یک درجه تشویقی گرفت.

فصل چهارم

**سایر درس‌ها و تجربیات آموخته شده از میان
نگارش پیشکسوتان رسته زرهی در دفاع مقدس**

نگارش سرتیپ پورشاسب (نگارنده)

نقش تانک در منطقه نبرد

شکی نیست که تانک با مشخصات، تحرک عالی، حفاظت زرهی، ارتباط و مخابرات و قدرت آتش یک سلاح تهاجمی است و بهترین کاربرد آن استفاده در عملیات آفندی مانند تک هماهنگ شده، استفاده از موفقیت و تعاقب است عمل ضربت که یکی از ویژگی های منحصر به فرد یگان های زرهی است تنها در زمان هجوم تمرکزی تانک ها رخ می دهد و آنچنان ضربه روحی شدیدی به نیروهای دشمن وارد می نماید که هر گونه قدرت تفکر و عکس العمل منطقی را از وی صلب می کند.. در عملیات پدافندی بهترین مأموریت برای یگان های زرهی بکار گیری آنها به عنوان نیروی احتیاط و اجرای پاتک است. و همان گونه که در آغاز تهاجم دشمن در مناطق غرب و جنوب کشور اتفاق افتاد زمانی که نسبت توان رزمی نیروهای متجاوز نسبت به نیروهای خودی برتری قابل توجهی دارد اجرا عملیات تاخیری تنها از عهده یگان های زرهی بر می آید. در جنگ تحمیلی به علل مختلف ما نتوانستیم از مزایای یگان های زرهی در عملیات آفندی بخوبی استفاده نمائیم بعضی از این نکات را می توان نداشتن برتری هوائی، متفرق بودن تانک ها در کردستان و مناطق غرب و جنوب و شرق کشور (نگهداری لشکر ۸۸ برای تأمین امنیت شرق کشور در ابتدای جنگ)، واز همه مهمترین اسامانی های حاکم در ابتدای جنگ تحمیلی در ارتش که قدرت تفکر تهاجمی و دکتترین بکارگیری اصولی تانک را از ما گرفته بود. به اعتقاد اینجانب ارتش عراق هم با بیش از ۲۰۰۰ تانک و تمام آمادگی های زمینی و هوائی به علت نداشتن جسارت لازم نتوانست از قدرت زرهی خود به خوبی استفاده نماید. اگر چه در اجرای پاتک های متوالی علیه نیروهای پیاده ما که معمولاً تک هائی بود که در تاریک شب انجام می گرفت موفق بود. تنها، داشتن شمار زیادی تانک برای بهره برداری از قدرت زرهی کفایت نمی کند، بلکه ریسک پذیری، تفکر و روحیه تهاجمی فرماندهان و داشتن خدمه شجاع و ماهر در بکار گیری تانک از اهمیت بالائی برخوردار است.

اجرای مرحله اول عملیات آفندی نصر در منطقه هویزه توسط لشکر ۱۶ قزوین نمونه بسیار خوبی از عملیات زرهی است که به علت بعضی نواقص تکمیل نشد، این عملیات به عنوان بزرگترین نبرد تانک ها در صحنه جنگ ایران و عراق ثبت شده است. لشکر ۱۶ زرهی در این

عملیات یکصد تانک دشمن را منهدم نمود وهشتاد تانک خود را از دست داد که مشروح آن متعاقبا خواهد آمد.

تانک در نقش توپخانه:

همان طور که گفته شد بجز در موارد محدود ما در جنگ از تانک ها به صورت تمرکزی استفاده نکردیم، معمولاً با اصرار فرماندهان یگان های پیاده وبه منظور تقویت روحیه سربازان یک دسته یا یک تیم تانک در مواضع پدافندی در یک گردان یا گروهان پیاده ادغام می شد. چون استقرار تانک در خط مقدم باعث فرسودگی تانک وکسالت خدمه آن می شد، فرماندهان گردان وگروهان هدف هائی را برای آنها تعیین می کردند که با اجرای تیر اندازی روزانه وشبانه ضمن وارد آوردن تلفات وضایعات به دشمن آموزش عملی خدمه تانک افزایش یافته وشادابی خود را حفظ نمایند. گاهی از اوقات توپچی های تانک برای نشان دادن مهارت خود در سکوی آتش قرار گرفته وتانک های عراقی را که در تیررس آنها قرار داشت هدف قرار می دادند گاهی نیز نیروهای عراقی تحریک می شدند ویک دوئل تمام عیار نبرد تانک به تانک رخ می داد. مهارت خدمه ودقت تیر تانک های ام ۶۰ وچیفتن ارتانک های تی ۶۹ وتی ۵۹ عراقی که در خط پدافندی قرار داشتند برتر بود، به همین دلیل نیروهای عراقی در اینگونه از موارد از موشکهای ضد تانک کمک می گرفتند. یکی دیگر از سرگرمی های خدمه تانک در خط مقدم پدافندی استفاده ازتیر منحنی تانک علیه مواضع دشمن بود. همان گونه که آتشبار توپخانه که مأموریت اصلی آن اجرای تیر منحنی به منظور پشتیبانی از یگان های مانوری است، در موقع اضطراری از تیر مستقیم استفاده می کنند، یکی از مقدرات تانک هم اجرای تیر منحنی است، لیکن در حالت عادی هیچگاه از این روش استفاده نشده است، در این روش از گلوله های محترقه شدید استفاده می شود وبرتری آن نسبت به آتش توپخانه این است که دقت آن از آتش توپخانه بیشتر است وخیلی سریع تر گلوله به سمت هدف هدایت می گردد وبه علت این که لوله توپ با پایه سنگین ۵۰ تنی (بدنه تانک) نگهداری می شود بعد از هر ثبت تیر، گلوله بعدی هم به بدون تشتت تیر به همان نقطه قبلی اصابت می کند.

لذا این نقاط در قالب کارت تیر ثبت ودر تاریکی شب وسایر موارد استفاده می شد. به همین دلیل دیده بان های توپخانه هنگامی که در دیدگاه قرار می گرفتند واهداف مناسبی را رصد می کردند استفاده از تیر منحنی تانک را ترجیح می دادند، البته به علت تاثیر تیراندازی در

کاهش عمر لوله های تانک ومحدودیت تأمین آن و مغایرتی که با وظیفه اصلی تانک داشت، اجرای آتش تیر منحنی تانک بنا به دستور انجام می گرفت.

گفته‌های سرتیپ زرهی ناصر محمدی فر درباره رسته زرهی^۱

معرفی راوی:

متولد ۱۳۲۴ در روستای میانوردان خلخال، وی در سال ۱۳۴۶ وارد دانشکده افسری شد و در سال ۱۳۴۹ با رسته زرهی فارغ التحصیل گردید.

دوره‌های آموزشی: مقدماتی و عالی زرهی، فرماندهی و ستاد، عالی دفاع ملی.

افتخارات: مبارزه با عناصر ضدانقلاب، حضور مداوم در خط مقدم جبهه هشت سال دفاع مقدس، شرکت در عملیات نصر، شرکت در عملیات‌های عمده غرب و جنوب، بازپس‌گیری ارتفاعات کهنه ریگ و ۴۰۲ در سومار، تقدیر در فرمان فرماندهی معظم کل قوا، کسب افتخار ۵۰ درصد جانبازی، تشکیل تیپ ۳۷ تکاور.

مشاغل: فرمانده گروهان، گردان، تیپ و لشکر زرهی، فرمانده قرارگاه جنوب، معاون هماهنگ کننده نزاجا، جانشین معاون هماهنگ کننده سماجا، فرمانده نزاجا.

شرح تجربیات:

افسوس و صد افسوس که در کل دوران جنگ ایران و عراق، رسته زرهی، صاحب و متولی نداشت یا اینکه بهتر بگویم فرماندهان نیرو و هم‌بطن‌طور معاونین مربوطه و مخصوصاً کسانی که طراحان عملیات‌ها بودند زرهی را خوب نمی‌شناختند و از قدرت تانک اطلاع لازم را نداشتند که این مسائل باعث شد تا زرهی آن حیثیت و ابهت خود را از دست داد و آن‌انکه تماشاگران جنگ بودند از زرهی چیز عمده‌ای ندیدند به جز تعدادی از عملیات‌ها که یکی از آن عملیات نصر بود و در ۱۵ دی ماه ۵۹ شروع شد. لشکر ۱۶ و یک تیپ از لشکر ۹۲ با استفاده از قدرت و سرعت زرهی به پشت سر دشمن تاخت و تعداد حدود یک هزار اسیر دشمن که جزو اولین اسرای جنگ بودند، که به اهواز تخلیه شد و همچنین غنائم فراوانی شامل سلاح‌های انفرادی و سنگین گرفته شد که من در این عملیات اولین تفنگ کلاشینکف را که در حسرتش بودم دیدم ولی باز هم افسوس که فرماندهان از پاتک‌های سنگین دشمن یا بی خبر بودند یا اینکه به علت کمبود وسایل مهندسی لازم برای ایجاد خاکریز و مواضع پدافندی آرایش داده نشد و به سرور و شادی از این که جنگ را بردیم به پایان رساندیم، پرداختیم.

۱. این نگارش در پاسخ به پرسشنامه‌ای است که نگارنده در آبان ماه ۱۳۹۷ تهیه نموده و آورده شده است.

۲۴ ساعت بعد سر و کله صدها تانک و نفربر و بالگرد دشمن پیدا شد که مجبور به عقب‌نشینی شدیم در همین عملیات بود که من برای اولین بار حضرت آقا را در نفربر فرمانده لشکر که بعنوان پاسگاه فرماندهی بود زیارت نمودم و ایشان در خط مقدم جبهه عملیات را نظارت می نمودند و به فرماندهان موجود در منطقه عملیات روحیه می دادند.

موضوعی که باید به آن اشاره کنم با تأسف فراوان تعدادی از فرماندهان گردان‌ها با دستور و اصرار رده‌های بالا با چیدن تانک و نفربر در خطوط اول و نگهداری آنها زیر برد خمپاره ۶۰ م. و سلاح‌های کالیبر کوچک دشمن، خدمه را خسته و فرسوده و تانک‌ها را زخمی و ترکش خورده کردند ولی عراقی‌ها گردان‌های تانک و نفربر را در پشت خطوط خود نگهداشتند. مراحل مختلف تعمیر و نگهداری و آموزش را پیاده کردند و در زمان خاصی پاتک‌های سنگینی روی خطوط فرسوده ما انجام دادند که پاتک‌های حساب شده آنها که اگر شجاعت و جوانمردی رزمندگان ما نبود اکثراً موفق می‌شد.

یادآور می‌شوم در این نوشتار اندک قصد قصه‌گویی و خاطره نویسی ندارم و می‌خواهم به فرماندهان موجود و آینده و نسل جدید زرهی شمه‌ای از رمز و راز کاربرد زرهی از آنچه که در جنگ آموختم یادآور شوم که این کلمات از تک تک سلول‌های وجودم برمی‌آید. و اما مشکل بعدی ما در جنگ موضوع تعمیر و نگهداری بود. یک روز خاطرم هست به فرمانده نیروی وقت در بالای گردنه پالاق، که برای مواضع تانک آرایش داده شده بود، گفتم امیر فرماندهی، تانک مثل بچه قنداقی می‌ماند که باید به موقع شیرش را بدهی، به نظافتش بررسی و پستانک را در دهانش بگذاری و لباسش را عوض کنی که هر کدام را به موقع انجام ندهی، بچه می‌میرد، تانک هم همینطور است، باید به موقع موتور و برجک و دستگاه تعلیق و دستگاه کنترل آتش آن را تعمیر و حاضر به کار نگهداشت در غیر این صورت تانک می‌میرد.

بعضی‌ها می‌گویند وقتی تانک راه می‌رود حاضر به کار است، این درست نیست. تانک باید حاضر به جنگ باشد یعنی همه وسایل آن اعم از موتوری، برق و برجک و کنترل آتش آن آماده چکاندن ماشه باشد که متأسفانه تانک‌های ما در جنگ اینطور نبودند تانک ام ۶۰ و ام ۴۷ از نسل قدیم بودند و قطعات یدکی آنها در انبارها کم و بعضاً نایاب بود، تانک چیفتن هم داستان دیگری دارد که خودم دوره آن را در کشور انگلستان طی کردم.

این تانک به علت وزن زیاد (۶۰ تن) با موتور لیلاند ۶۵۰ اسب بخار قادر به کشش آن نبوده و تانک مرتباً موتور می‌سوزاند که این مسئله در قبل از انقلاب به کشور انگلستان منعکس شد و قرار شد موتور ۹۵۰ اسب بخار روی آن سوار کنند و این کار انجام شد و اسم آن را شیر ایران گذاشتند (THE LION OF IRAN) و پولش هم داده شد و تعداد ۹۰۰ دستگاه ساختند که انقلاب شد و انگلیس از تحویل دادن آن خودداری کرد و تعدادی از آنها را به اردن و هندوستان فروخت و تعدادی هم در ارتش خودش نگهداشت. بنابراین آن تعداد تانک چیفتن که در ارتش داشتیم از نوع اولیه و ناقص بود که با همه این احوالات افسران جوان نیروی زمینی و درجه‌داران مجرب و دوره دیده و دلسوز این تانک را آماده بکار نگهداشتند. افسوس دیگر اینکه تانک‌های تی ۷۲ دیر وارد ارتش شد که جنگ در شرف پایان بود که به حمدالله حالا یگان‌های زرهی حال و هوای خوبی دارند و این تانک‌ها آمادگی رزمی نیروی زمینی را دگرگون کرده و بطور محسوس بالا برده است.

موضوع بعدی که باید به آن اشاره کنم، موضوع آموزش است، که بعد از تعمیر و نگهداری باید به آن پرداخت که به علت کمبود وسایل کمک آموزشی و میادین رانندگی آموزشی و میادین تیراندازی آنطور باید و شاید پرداخته نشد، به افسران زرهی و فرماندهان یگان‌های زرهی با صدای بلند می‌گویم بدون آموزش یا حتی آموزش ناقص و کم به میدان جنگ وارد نشوید که شکستتان حتمی است.

البته با غیرت و همت می‌شود از کمترین امکانات، همه چیز ساخت. خاطره‌ای برایتان تعریف کنم: در روز ۶۷/۴/۳۱ که به فرماندهی لشکر ۱۶ زرهی منصوب شدم، اکثر تانک‌ها در جنگ منهدم شده و یا توسط دشمن غنیمت گرفته شده بود و تعداد قابل توجهی هم به علت آسیب دیدگی در رده تعمیراتی قرار گرفته بود، لشکر را تحویل گرفتم.

روزی که لشکر را به فرمانده بعدی در منطقه مهران تحویل دادم با ۶۰ تانک حاضر به جنگ بود که ماجرا به این ترتیب بود، که از فرمانده نیرو مجوز گرفتم تا انبارهای آبیک را جستجو کنم و می‌دانستم حتماً قطعات چیفتن در انبارها موجود است، اکیپی از عناصر دوره دیده و تعمیرکار فرستادم و قطعات زیادی پیدا شد، تانک‌های خرابی که در تیپ‌های قزوین و زنجان و همدان به علت خرابی به جبهه اعزام نشده بودند، تعمیر و حاضر به کار شد و تعداد ۶۰ تانک آماده جنگ به جبهه آورده شد و لشکر سر و سامانی گرفت.

در پایان می‌خواهم توصیه‌ای به فرماندهان ارتش داشته باشم که این جمله نه از ژنرال‌های چینی است و نه از فرماندهان جنگ جهانی اول یا دوم: من همیشه در زمان جنگ برای افسران زبردستم صحبت می‌کردم و می‌گفتم (با چشم فرماندهی کنید، نه با گوش و قلم) یعنی همه چیز را از نزدیک دیدن، اگر گفته شد قربان غذای سرباز عالیست قبول نکن و برو آشپزخانه و غذا را با چشم خود ببین، اگر نوشته‌ای به تو دادند که در آن آمده همه تانک‌ها آماده بکار است، باور نکن، برو با چشم خودت ببین و آنها را حرکت بده و با آنها تیراندازی کن، ببین هم محوری شده یا گلوله‌ها را به این‌ور و آن‌ور می‌زند.

خلاصه اینکه باید کمر همت را بست و راه افتاد و همه چیز را دید، اگر چنین باشد، مطمئن باش مزه تلخ و خفت بار شکست را هرگز نخواهید چشید.

و اما یادی از شهداء که ما ارتشیان و همه ملت ایران آزادی، استقلال و حرمت دین مبین اسلام را به آنان مدیونیم، و می‌خواهم از دوست شهیدم خدنگی یادی بکنم:

عملیات نصر سوسنگرد هویزه در ۱۵ دی‌ماه سال ۱۳۵۹ شروع شد، روز سوم عملیات من در حال جابه‌جایی یگانم در روستای ابوحمیظه بودم که یکی از اتفاقات بسیار نادر در جنگ در آنجا اتفاق افتاد که یک دستگاه نفربر بی‌ام‌پی ۱ حامل ۱۲ نفر افسر و درجه‌دار و سرباز در حال حرکت بود و من هم در چند متری آن در حال نظارت بودم که یک گلوله خمپاره ۱۲۰ م. م دشمن درست بر روی نفربر افتاد و داخل نفربر بار همراه مهمات آن از جمله ۴ فروند موشک مالیوتکا و ۷۰ گلوله ۷۳ م. م توپ نفربر و تعدادی نارنجک، همراه نفرات بود که در آن واحد نفربر یک گلوله آتش شد و به آسمان پرتاب گردید و تمام این ۱۲ نفر تکه تکه شدند، به گونه‌ای که جدا کردن پیکر شهداء ممکن نبود، به هر حال با هر مرارتی بود پیکرها را داخل کیسه‌گونی جمع کردیم و برای خانواده‌ها فرستادیم. یکی از این شهداء یک گروه‌بان جوان و ورزشکار و با روحیه به نام شهید خدنگی بود، که هر از گاهی وسط یگان به زبان آذری شعار میداد (بیز حسین سربازی، یوک دنیایه اعلام ایلروک) یعنی ما سرباز حسینیم و به دنیا اعلام می‌کنیم. روحش شاد و یادش گرامی باد.

هدف ارتش جمهوری اسلامی ایران در آغاز جنگ تحمیلی سد کردن دشمن سرکوب و بیرون کردن ارتش متجاوز عراق از خاک مقدس کشورمان بود.

اگرچه در سال نخست جنگ به علت دخالت‌های غیرمنطقی فرصتی به فرماندهان در رعایت اصول جنگ داده نمی‌شد، با وصف این نیروهای رزمنده قهرمانان در غرب اهواز عملیات قائم در منطقه سوسنگرد، بستان و حمیدیه عملیات طریق القدس در محور ماهشهر - آبادان عملیات توکل در غرب دزفول و در تمامی جبهه‌ها با عملیات‌های بی‌امان خود نیروهای متجاوز دشمن را تا ۲۰ الی ۲۵ کیلومتری به عقب راندند و تلفات و ضایعات بسیار سنگینی به دشمن وارد کردند. پس از این عملیات پیروزی آفرین مسئولین رده بالا نظرات فرماندهان نظامی در کاربرد نیروهای رزمنده بر اساس اصول جنگ را پذیرفتند. در نتیجه بعد از پیروزی حماسی ثامن‌الائمه بر اساس اصول جنگ طرح‌ریزی و اجراء گردید. عملیات‌های غرورآفرین دشمن‌شکن همچون عملیات‌های فتح‌المبین، بیت‌المقدس، محرم و... به دست نیروهای سلحشور و فداکار جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای رقم خورد که تمامی حامیان صدام را به وحشت انداخت و دکتربین نظامی ابر ارتش‌ها از این عملیات‌های سنگین برق آسا و تاریخ‌ساز نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را به شگفتی واداشت.

اصول ۹ گانه جنگ حاصل تجارب جنگ‌های ویرانگر و خانمان سوزیست که در طول قرن - ها بین کشورهای متخاصم اتفاق افتاده و هر یک از این ارتش‌های متخاصم که عملیات‌های جنگی خود را دقیقاً بر طبق اصول جنگ طرح‌ریزی و اجراء کرده‌اند، بر دشمن خود فائق آمده و به پیروزی قطعی رسیده‌اند.

نگارش سرهنگ ستاد غلامرضا برهان حقیقی درباره درس ها و تجربیات جنگ^۱

در تدریس دروس تاکتیک بایستی استادان مجرب و کارآزموده با مثال هایی از عملیات های دشمن و خودی بهره برداری نمایند تا بتوانند حق مطلب را ادا نمایند و فقط به صورت تعریف کلاسیک نباشد و موضوع برای دانشجویان جا بیافتد. مثال های عملیاتی می تواند از عملیات هایی باشد که خود استاد در آن حضور داشته یا توسط دیگر اساتید یا فرماندهان در مناطق عملیاتی به اجرا درآمده باشد و مکتوب باشد یا به صورت روایت ذکر شده باشد. مثلاً در تعریف حرکت برای اخذ تماس گفته می شود:

حرکت برای اخذ تماس یک نوع عملیات آفندی است که برای برقراری تماس اولیه با عمده قوای دشمن و یا برقراری تماس از دست رفته با عمده قوای دشمن انجام می شود. برای روشن شدن تعریف کلاسیک فوق به ذکر عملیات بیت المقدس و زمانی که دستور به حرکت اخذ تماس داده شد اشاره می شود.

حرکت برای اخذ تماس در عملیات بیت المقدس :

مرحله اول وضعیت پیشروی قرارگاه های فتح و نصر و تثبیت دشمن توسط قرارگاه قدس
مرحله دوم پیشروی قرارگاه فجر و نصر و رسیدن به مرز، عقب نشینی لشکرهای ۵ مکانیزه و ۶ زرهی دشمن از مقابل قرارگاه قدس و...

لشکرهای مستقر در مقابل قرارگاه قدس که عقبه خود را در خطر می دیدند با اجرای آتش های پر حجم موفق به عقب نشینی ماهرانه به سوی مرز و اشغال مواضع از پیش تعیین شده در منطقه کوشک و طلاویه می نمایند. وقتی که قرارگاه قدس متوجه عقب نشینی یگان های مقابل خود شد به گردان ۲۳۴ سوار زرهی به فرماندهی سرگرد ناصر محمدی فر که با یک تیپ از پاسداران همدان ادغام شده بود دستور حرکت برای اخذ تماس داده می شود. گردان ۲۳۴ سوار زرهی ادغامی با تیپ سپاه پاسداران همدان در حین عملیات برای اخذ تماس با عقبه لشکر ۵ مکانیزه دشمن برخورد درگیری شدیدی رخ می دهد که منجر به تلفات نیروهای اخذ تماس می گردد (فیلم این برخورد و درگیری توسط نیروهای عراقی ضبط و پخش گردیده است).

۱. این نگارش در پاسخ به پرسشنامه ای که نگارنده در آبان ماه ۱۳۹۷ تهیه کرده بود، آورده شده است.

در این عملیات با روشن شدن وضعیت دشمن و کسب اطلاعات از موقعیت عمده قوای دشمن در مواضع پدافندی از پیش تعیین شده در نوار مرزی کوشک و طلائی و تقویت یگان‌های دشمن در شمال خرمشهر، در حرکت به اخذ تماس خاتمه می‌یابد

شناسایی با رزم:

در طول جنگ تحمیلی عمل شناسایی با رزم به معنای واقعی و تعریف کلاسیک نداشته‌ایم اجرای خیلی از عملیات‌ها در حد شناسایی با رزم بوده است که منجر به دست آوردن اطلاعات شدن دشمن برای عملیات‌های دیگر و بزرگتر شده است.

تک تطبیق شده:

تک تطبیق شده: انجام عملیات‌های موفق (ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس) به عملیات‌های دیگر در قالب تک هماهنگ شده انجام شده است که اکثراً به علت کمبود تانک و عدم برتری هوایی به صورت شبانه با محدودیت یگان‌های پیاده انجام شده ادامه عملیات به روزها ادامه داشته است.

شاید به طور اخص از عملیات نصر ۵۹/۱۰/۱۵ بتوان به عنوان یک تک هماهنگ شده روزانه نام برده شود که در روشنایی با استفاده از یگان‌های زرهی انجام شده است.

استفاده از موفقیت:

استفاده از موفقیت و تعاقب: در طول جنگ تحمیلی عمل موفقیت (با تعریف کلاسیک آن که می‌گویند: استفاده از موفقیت معمولاً به دنبال یک تک هماهنگ شده موفقیت آمیز آغاز می‌گردد که دشمن نتواند به پدافند یا عقب‌نشینی منظم بپردازد) چنین عملی نداشته‌ایم. گرچه عده‌ای بر این باورند که عملیات بیت‌المقدس عمل استفاده از موفقیت فتح‌المبین است که لازم است کارشناسان خبره نظامی بر آن نظر دهند.

بکارگیری یگان‌های زرهی در پدافند:

متأسفانه به جای تشکیل یگان‌های احتیاط معادل یا احتیاط قوی متحرک، از یگان‌های تانک به صورت جزبه‌جز (دسته‌ای یا حتی یک یا دو تانکی) به صورت مأمور زیر امر یگان‌های پیاده در خطوط پدافندی استفاده شده است. شاید گفته شود این کار به خاطر بالا بردن روحیه پیاده نظام یا تقویت پیاده نظام بوده است که نمی‌تواند دلیل درستی بوده باشد.

دشمن بعثی از یگان‌های زرهی خود به عنوان احتیاط قوی و متحرک در پشت یگان‌های پیاده بهره جسته و طرح‌ریزی پدافند متحرک از یگان‌های تانک خود حداکثر بهره را برده است. اقدامات تأمینی در پدافند که با توجه به رده به کارگیری نحوه استفاده از رده تأمین آن به تأمین محلی، پاسدار رزمی و پاسدار عمومی و... اشاره می‌شود را متأسفانه در طول دوران جنگ تحمیلی در پدافند کمتر به آن توجه شده است و یگان‌های عمده از به کاربردن رده تأمینی مربوط خودداری و به رده تأمینی یگان‌های در خط (تأمین محلی) بسنده نموده. شاید به ندرت بتوان یگان‌های بزرگی را نام برد که در پدافند خود اقدام به تشکیل و اعزام پاسدار رزمی یا پاسدار عمومی کرده باشد. فقط در برهه‌ای از زمان تیپ ۱ لشکر ۲۸ پیاده با استفاده از یک گروهان سوار زرهی اقدام به اعزام پاسدار رزمی جلو خط پدافندی خود نمود.

برعکس دشمن در تمام مناطق پدافندی خود اقدام به برقراری رده تأمینی پاسدار عمومی یا پاسدار رزمی و تأمین محلی می‌نمود. در اکثر عملیات‌های آفندی نیروهای تک ور ما به پاسدار رزمی یا عمومی دشمن برخورد کرده و این درگیری را رسیدن به نیروهای اصلی و عمده پدافندی دشمن انگاشته و عملیات خود را موفقیت‌آمیز و وصول و هدف اعلام داشته‌اند غافل از اینکه فقط خطوط رده تأمینی را تصرف نموده‌اند و اکثراً با ورود یگان‌های احتیاط قوی دشمن از نوع تانک به عقب رانده شده‌اند.

بعد از عملیات بیت‌المقدس، شیوه‌ی پدافند یگان‌های عراقی بویژه در جنوب تغییر یافت، دشمن نیروهای اصلی خود را در عقب مستقر نموده و با عمق دادن به مناطق پدافندی، با مسلح کردن زمین و حداکثر استفاده از خاکریز و مواضع مثلثی و به کارگیری رده‌های تأمینی، ضمن جلوگیری از خسته شدن نیروهای خودی آمادگی لازم را در برخورد با نیروهای مهاجم ایرانی را کسب نموده‌اند به طوری که با استفاده از این شیوه در عملیات رمضان نیروهای ما را خسته و ناتوان نموده سپس با یگان‌های قوی خود اقدام به انهدام نیروی نموده است. (در تعاریف انواع پدافند به تعریف پدافند از نقطه اتکاء بر می‌خوریم که: یگان پدافند کننده، زمین واگذاری را مثل پدافند منطقه‌ای سازمان داده و در جلو عارضه حساس، با استفاده آتش مانور، زمین واگذاری را کنترل نموده و مأموریت محوله را انجام می‌دهد.

این نوع پدافند شباهت زیادی به پدافند دایره‌ای دارد که بایستی دقیقاً با هم مقایسه شود تا تعریف پدافند از نقطه اتکاء شناخته شود.

پدافند از نقطه اتکاء	پدافند دایره‌ای
در جلوی یک عارضه حساس	در یک زمان از هر سمت از نیروهای خودی مجزا شده
با استفاده از آتش و مانور نسبت به کنترل زمین واگذاری و اجرای مأموریت می‌شود	به خاطر محدودیت‌های زمین، عارضه‌ای یا جنگل از سایر یگان‌ها جدا شده و از پشتیبانی متقابل یگان‌های دیگر نمی‌تواند استفاده کند
با در نظر گرفتن پدافند دورادور مواضع سد کننده در پهلوها	بایستی طوری سازمان داده شوند که جناح باز به دشمن ندهد
پدافند در یک سمت و پشتیبانی متقابل دارند	پدافند با جناح بسته است
	شکاف قابل قبول نیست
	عمق واگذاری کم می‌شود
	رخنه پذیرفته نمی‌شود
	پدافند از همه سمت و پشتیبانی متقابل ندارد

به نظر می‌رسد بهترین نمونه پدافند از نقطه اتکا در آزادسازی مهران باشد که یگان‌های عراقی به خاطر از دست ندادن ارتفاع کله‌قندی ۱۱ روز مقاومت کردند (تدارک هوایی انجام میشد). وقتی که ارتفاع کله‌قندی در سومار سقوط نمود و خود یک تیپ عراقی به اسارت گرفته شد چون تعداد زخمی‌ها زیاد بود و فرمانده تیپ نیز زخمی شده بود در ابتدا برای مخفی نگه داشتن هویت ایشان، هر زخمی خود را فرمانده تیپ معرفی می‌کرد ثانیاً پس از شناخته شدن او زمانی که می‌خواستند به او خون تزریق کنند حاضر نشد خون ایرانی به او تزریق شود.

کاربرد زرهی در ابتدای جنگ تحمیلی:

قبل از درگیری و شروع رسمی جنگ در ۳۱ شهریور ۵۹، یگان‌های زرهی در طول نوار مرزی جهت تقویت پاسگاه‌های ژاندارمری به صورت جزبه‌جز، گروهانی و دسته‌ای حتی تک

تانکی به کار گرفته شده است که با شروع جنگ، جمع آوری و سازماندهی آنها مشکل بوده است.

مثلاً تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی که جهت پیشگیری از نفوذ دشمن از محور تنگ چزابه در نظر گرفته شده بود و طرح‌های خود را در این راستا تهیه کرده بود قبل از جنگ جهت تقویت پاسگاه‌های مرزی از مهران تا حورالعظیم تقسیم شده بودند.

در لشکرهای پیاده وضعیت گردان‌های تانک بهتر از لشکرهای زرهی نبود بلکه بدتر بوده است. چرا که علاوه بر نوع استفاده فوق، تانک به صورت دسته و یک یا دو تانک جهت تقویت یگان‌های پیاده استفاده می‌شد و آنها را همچون پیاده نظام در مناطق کوهستانی صعب العبور به کار گرفته‌اند.

شاید بهترین نوع استفاده از یگان‌های تانک، مأمور نمودن گروهان تانک به گردان پیاده و تشکیل گروه رزمی بوده است و همین امر باعث موفقیت و پیروزی یگان‌ها در عملیات‌های آفندی می‌باشد.

نگارش سرتیپ غلامعلی غلامعلیان درباره درس‌ها و تجربیات ۸ سال جنگ^۱

معرفی راوی

متولد ۱۳۳۹ تهران، وی سال ۱۳۶۰ وارد دانشگاه افسری شد و در سال ۱۳۶۳ فارغ التحصیل گردید.

دوره‌های آموزشی: مقدماتی و عالی زرهی، دافوس اجا.

افتخارات: ۴۰ ماه حضور مداوم در جبهه‌های جنگ تحمیلی، اخذ ۲۸ ماه ارشدیت در زمان جنگ و مفتخر به درجه جانبازی.

مشاغل: فرمانده گروهان، گردان، تیپ و لشکر زرهی، فرمانده قرارگاه جنوب شرق نزاجا، معاون عملیات نزاجا، رئیس اداره طرح و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح.

شرح تجربیات

لZoom حاضر به کاری کلیه تجهیزات و ادوات در رزم:

در اواخر تیرماه سال ۶۵، به همراه گردان ۲۳۸ با تانک‌هایی چون ماهو که در سال ۱۳۶۰ خریداری شده بود، در وضعیت پدافندی در منطقه کوشک خوزستان قرار داشتیم که در اواخر شب و نزدیک ساعت ۱۲، فرمانده گروهان دوم جناب سروان محمد بهشتی درخواست کمک نمود و وقتی که به یگان وی مراجعه نمودم با صحنه‌ای عجیب رو به رو شدم و مشاهده نمودم که یکی از تانک‌های ایشان هنگام تیراندازی به طرف دشمن، به دلیل نداشتن ترمز از خاکریز عبور کرده و پشت خاکریز و در فاصله ۶۰۰ متری و در دید عراقی‌ها قرار گرفته و به رغم تلاشی که داشته‌اند نتوانسته‌اند آن را به طرف خاکریز خودی بیاورند و چنانچه این وضعیت تا صبح ادامه پیدا می‌کرد، سیبل بسیار خوبی برای دشمن فراهم شده و با اولین گلوله تانک را منهدم می‌نمود، لذا با توجه به فرصت کمی که داشتیم، بلافاصله دست به کار شدیم و با همکاری کارکنان گروهان سوم که مجاور این گروهان بود، هر چه بیل و کلنگ داشتیم را جمع‌آوری و با همکاری کلیه کارکنان دو گروهان و در واقع به جای لودر و بلدزر، اقدام به شکافتن خاکریز نمودیم و حدوداً تا ۵ صبح این کار ادامه داشت و توانستیم خاکریز را که خیلی بلند بود، هم

۱. مطالب این بخش، از مصاحبه حضوری نگارنده با سرتیپ غلامعلیان در آبانماه ۱۳۹۷ تهیه و آورده شده است.

سطح زمین نموده و برای عبور تانک آماده نماییم و سپس با آوردن ۲ دستگاه تانک دیگر و وصل سیم های بکسل به یکدیگر و بلند کردن آنها، تانکی را که آن طرف خاکریز رفته بود، با زحمت زیاد به این طرف هدایت کنیم و از انهدام آن توسط دشمن جلوگیری نماییم. هر چند در اثر سر و صداهای ایجاد شده در طول شب، دشمن به منطقه حساس شده و با روشن کردن منور، ایجاد مزاحمت می نمود و مجبور بودیم کار را هنگام روشن شدن منورها تعطیل نماییم. با طلوع آفتاب و پایش منطقه توسط دشمن و دیدن خاکریز تغییر شکل یافته، دشمن حساس شده و منطقه را چندین بار تا شب هنگام، زیر آتش گرفت، ولی خوشبختانه شرایط خاصی در این حادثه برای یگان ما به وجود نیامد و درسی که از این موضوع گرفتیم این بود که در همه حال تانک بایستی حاضر به کار باشد و از کوچک ترین نقص فنی آن نبایستی غفلت نمود.

تانکی که گم شد:

در همین ارتباط نیز اتفاق دیگری برای ما در زمستان همان سال اتفاق افتاد که آن هم اهمیت حاضر به کاری ادوات را در شرایط جنگ برای ما چندین برابر نمود که مشروح آن در ادامه آمده است.

در زمستان سال ۶۵ در همان منطقه پدافندی کوشک بعد از یک بارندگی سنگین شبانه، یکی از فرماندهان دسته در گروهان سوم گردان اعلام نمود که یکی از تانک های ما که پشت خاکریز بوده گم شده و سر جایش نیست که این موضوع نیز جای تعجب داشت. با حضور در محل و بررسی موضوع متوجه صحت گزارش فرمانده دسته شدیم و اثری از تانک را مشاهده نکردیم، لیکن با توجه به این که حرکت تانک دارای سر و صدای زیاد و سنگر استراحت کارکنان و پست نگهبانی نیز نزدیک محلی است که تانک در آنجا قرار داشته، هیچ آثاری از حرکت تانک در شب گذشته مشاهده نگردید و این موضوع برای همه تعجب آور بود که تانک چه شده است و این یک مسئله بغرنج برای همه شده بود.

بعد از ساعتی بررسی متوجه شدیم که این تانک نیز دارای مشکل بوده و فاقد باتری برای استارت زدن بوده است، ضمن آن که سیستم هوای فشرده این تانک نیز خراب و کپسول های هوای فشرده آن خالی بود و به همین علت برای این که تانک روشن شود، خدمه آن را در سرازیری قرار داده بودند که با خلاص کردن تانک، آن را روشن نمایند و چون بارندگی شب گذشته خیلی زیاد بود و از بعد از ظهر روز قبل شروع شده و تا صبح ادامه داشت، باعث شده

بود که تانک که در سرازیری بود، سر خورده و به داخل چاله جلوی آن که از آب پر شده و مانند یک حوضچه شده بود، رفته و به دلیل بزرگ بودن این چاله، تانک مشخص نبود و برای اطمینان، یکی از خدمه تانک با درآوردن لباس‌های خود وارد چاله موصوف شده و متوجه شد تانک آنجاست که باز هم با زحمت و در گل و لای چسبنده منطقه کوشک با کمک سه تانک دیگر اقدام به بیرون کشیدن این تانک نموده هر چند بعضی از سیستم‌های آن به علت این که چند ساعتی را درون آب بوده، از کار افتاده بود و تعمیر و حاضر به کاری آن حدود یک ماه طول کشیده ولی الحمدلله در هر دو مورد، موضوع به خیر گذشت و تانک سالم ماند، ولی درس بزرگی برای بنده و کلیه کارکنان گردان ۲۳۸ در سال ۶۵ شد که در همه حال بایستی تجهیزات را حاضر به کار نگه داریم و اشکالات و کمبودهای آنها را هر چند که جزیی باشند، برطرف نماییم که دچار این گونه مشکلات نشویم و این موضوع باعث شد که اکیپ شنی دار گردان به گروهان‌ها اعزام و نسبت به حاضر به کاری ادوات و رفع ایرادات حتی جزئی آنها اقدام نماید و طی بخشنامه ای هم به همه گردان ابلاغ گردید که در همه حالات و به هر طریق ممکن سعی نمایند تانک‌ها را حاضر به کار نگه دارند.

مأموریت در جزیره مجنون:

در زمستان سال ۶۶، بنا به امریه نزاجا از طریق لشکر ۹۲ زرهی، به همراه گردان ۲۳۸ زرهی به قرارگاه عملیاتی نصرت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به فرماندهی شهید علی هاشمی در جزیره مجنون مأمور شدیم و در بدو ورود به جزیره برای معرفی به خدمت این شهید بزرگوار در جزیره رفتیم و نظر ایشان را در رابطه با نحوه استقرار در جزیره خواستیم و ایشان نیز یگان را به چند قسمت تقسیم و درخواست نمود که قسمتی از یگان جزیره جنوبی در پد شمالی، قسمتی در پد مرکزی و قسمتی نیز در پد جنوبی و تعدادی از تانک‌ها و ادوات نیز در محل‌های مناسب مابین این پدها مستقر گردد. با توجه به اینکه ما مأمور به قرارگاه نصرت سپاه بودیم، بنده نیز نظر کارشناسی خود را به شهید هاشمی دادم، لیکن ایشان بر نحوه استقرار و چگونگی استفاده از تانک‌ها برابر نظر خودشان اصرار ورزیدند لذا با توجه به اینکه فرمانده دلاور وقت لشکر ۹۲ زرهی که از افسران پر جرأت و قوی زرهی نزاجا بود و بعدها نیز به سمت معاونت اطلاعات و عملیات نزاجا منصوب شد، یعنی امیر سرتیپ دوم اکبر توکلی شخصاً به اینجانب دستور همه گونه همکاری و برآورده شدن خواسته برادران سپاه داده شده بود، به رغم نظر

دیگری که من داشتم، خواسته شهید هاشمی را اجابت و مطابق نظرات ایشان تانک‌ها را در جزیره آرایش داده و مستقر نمودم و با همکاری متقابل با برادران سپاه، مأموریت پدافندی در جزیره مجنون را به خوبی انجام می‌دادم. این وضعیت ادامه داشت تا اینکه به من اعلام گردید که در پد مرکزی، یکی از تانک‌ها مورد اصابت دشمن قرار گرفته و در حال سوختن است که بلافاصله خودم را به محل رساندم و بعد از بررسی موضوع، متوجه شدم که یکی از تانک‌های دسته سوم گروهبان سوم به فرماندهی شهید بزرگوار گروهبان یکم حضرتقلی بدری و رانندگی گروهبان یکم جانباز محمودی - که بعداً در سال ۶۷ به اسارت مزدوران عراقی درآمد و نیز جزو آزادگان دفاع مقدس بود - و همچنین فشنگ‌گذاری سرباز شهید اکبر فتاحی خلخانه که حدود دو ماهی بود به گردان واگذار شده و از اهالی کردستان و اهل سنت بود و همچنین توپچی گروهبان وظیفه شهید ملکی که قاری و حافظ قرآن و از درجه داران وظیفه بسیار متعهد و ایثارگر بود، بنا به درخواست فرمانده تیپ ۶۲ خیبر خوزستان سپاه که متأسفانه اسم شریفشان یادم نیست و این تانک مأمور به آن یگان بود، برای خاموش نمودن آتش تانک عراقی که به بچه های سپاه مستقر در کمین جلوی پد مرکزی جزیره و سنگرهای آنها آسیب می‌رساند، اقدام به رفتن بر روی سکو و تیراندازی به طرف تانک عراقی نموده که بعد از یک نبرد جانانه و زدن ۱۹ گلوله از روی سکو و انهدام تانک عراقی، متأسفانه هنگام پایین آمدن از روی سکو، مورد اصابت موشک مالیوتکای عراقی قرار گرفته و تانک آتش گرفته است.

صحنه دردناکی را شاهد بودم، سه نفر از خدمه یعنی گروهبان محمودی، حضرتقلی بدری و گروهبان یکم وظیفه ملکی، سریعاً توسط کارکنان در صحنه از تانک تخلیه و به بهداری اعزام شدند، لیکن به دلیل انفجار تانک، امکان تخلیه فشنگ‌گذار تانک یعنی شهید فتاحی میسر نبود و وقتی سر صحنه رسیدم، مشاهده کردم که تانک با شعله ای زیاد در حال سوختن است و شعله و دود ناشی از تانک عراقی نیز در آن طرف مشخص بود و با توجه به گلوله های موجود در تانک، نمی‌توانستیم کاری برای خاموش کردن آن انجام بدهیم. به هر صورت، بعد از خاموش شدن تانک و تخلیه استخوان های باقی مانده شهید فتاحی و بررسی حادثه، هیچ گونه آثاری از اصابت موشک به برجک و بدنه تانک مشاهده نکردم، ولی بعد از دقت فراوان فهمیدم که درب برجک فشنگ‌گذار تانک نیست و لذا با بررسی همه جانبه و مصاحبه با

کارکنان، متوجه شدم وقتی که عزیزان برای تیراندازی بر روی سکو رفته اند، درب برجک فرماندهی را بسته و درب برجک فشنگ گذار را باز نگه داشته اند که در لحظه آخر آمدن پایین تانک از روی سکو، موشک شلیک شده از طرف دشمن به درب برجک فشنگ گذار که باز بوده، اصابت و موج و حرارت آتش ناشی از انفجار موشک به داخل تانک رفته و باعث سوختگی شدید هر چهار نفر از کارکنان درون تانک گردیده است که فشنگ گذار در همان لحظه اول شهید و دو نفر از کارکنان یعنی گروه‌بان ملکی و بدری نیز چند روز بعد در بیمارستان شهید و گروه‌بان محمودی نیز جانباز گردید.

از تحلیل این سانحه به این نتیجه رسیدم که در رزم بایستی به هر نحو ممکن درب های تانک بسته باشد تا از آسیب پذیری آن کاسته شود و این موضوع طی بخشنامه ای از طرف گردان به کلیه یگان‌ها نیز ابلاغ گردید و به فرماندهان تأکید شد که کارکنان را ملزم نمایند به هنگام رزم و رفتن روی سکو برای تیراندازی در آفند و پدافند، تمام دریچه های تانک را بسته نگاه دارند.

در سال ۶۷ بنده که یک افسر زرهی بودم، فرماندهی یک یگان مختلط در تی ۳ لشکر ۹۲ را برعهده داشتم که شامل یگان تکاور و تعدادی نفربر بی‌ام‌پی ۱ بود و به عنوان احتیاط تیپ تحت فرماندهی شهید بزرگوار بهرام قاسمی بودم که در نیمه های شب مورخ ۶۷/۴/۴ با صدای غرش توپخانه ارتش بعثی عراق و اجرای آتش تهیه، متوجه عملیات آنها شدم که بلافاصله بنا به وظیفه ذاتی اقدام به زدن آماده باش به یگان نمودم و کلیه کارکنان را با تجهیزات و فرمانده یگان را با نفربرهای مربوط به خط نموده و برابر طرح از پیش تعیین شده، نفربرها را بین یگان تکاور تقسیم نموده و آمادگی خود را به فرماندهی دلاور تیپ شهید قاسمی اعلام نمودم و ایشان ضمن تشکر، اعلام نمود منتظر دستور باشید.

آتشباری توپخانه و آتش تهیه عراقی ها چنان سنگین بود که زمین زیر پای ما که حدود ۲۰ کیلومتر از خط دورتر بودیم می لرزید، لیکن کارکنان یگان ما همگی آماده و حاضر به جانفشانی و اجرای مأموریت بودند. بعد از گذشت حدود نیم ساعت، موقع اذان صبح شد که بعد از اقامه نماز، که نماز بسیار باحالی برای کارکنان بود، لحظاتی نگذشته بود که شهید قاسمی به من اعلام نمود سریعاً به طرف سمت چپ طلائیه در منطقه پاسگاه شهابیه، معروف به جاده قیری

حرکت نمایم و فرمودند در سمت راست تیپ جزیره مجنون که برادران سپاه و سمت چپ که تیپ ۴ لشکر ۹۲ و در کوشک مستقر بودند، خط شکسته شده است و شما سریع حرکت کنید و نسبت به استقرار در مواضع عقب خط اقدام نمایید که خط تیپ ۳ آسیب نبیند و یگان‌های در خط دور نخورند. بنده نیز به سرعت با یگان حرکت نمودم و به منطقه مورد نظر رسیدم. همزمان با ما، احتیاط لشکر ۹۲ یعنی گردان ۷۶۱ تکاور نیز از طریق لشکر به آن منطقه اعزام شد و ما اقدام به استقرار در مواضع از پیش تعیین شده نمودیم و فهمیدیم که قصد تیپ و لشکر از تقویت این منطقه، جلوگیری از نفوذ ارتش عراق برای دور زدن پشت جزیره مجنون که در سمت راست ما قرار داشت بود. بعد از گذشت ساعتی که مدت زمان آن یادم نیست، مشاهده نمودم که انبوهی از تانک‌های عراقی از سمت راست ما یعنی طلائییه و جزیره مجنون و همچنین سمت چپ ما یعنی کوشک به طرف ما در حال حرکت هستند و در حقیقت، در حال محاصره ما می‌باشند و خطر محاصره را کاملاً احساس نمودیم و در همان زمان نیز رئیس رکن سوم تیپ شهید سرهنگ ۲ عطا زاده نیز کنار ما آمد و با دیدن وضعیت به من گفت که نزد فرمانده تیپ بروم و کسب تکلیف نمایم و تا رفتن ایشان و کسب دستور از فرمانده تیپ، دیدیم که محاصره از دو طرف در حال کامل شدن است، لذا با مشورت با فرمانده یگان احتیاط لشکر تصمیم گرفتیم تا قبل از محاصره کامل، یک خیز یگان را به عقب بکشیم و با احتیاط این کار را انجام دادیم و یک خیز به عقب یعنی نزدیک مواضع گردان توپخانه آمدیم که آنها نیز محل را ترک نموده و به عقب رفته بودند. به هر صورت، در حالی که انبوه تانک‌های عراقی به طرف ما در حال حرکت بودند، در آنجا آرایش گرفتیم و همزمان نیز چند فروند بالگرد برای کنترل بهتر صحنه بر روی تانک‌های عراقی حرکت می‌نمودند. من که بالگردها را دیدم به فکر هدف قرار دادن آنها افتاده و با جستجو در منطقه به دنبال سلاح ضد هوایی گشتم که یک قبضه توپ ۲۳ م. م را که برای حفاظت مواضع توپخانه مستقر شده بود، ملاحظه کردم که خدمه آن هم محل را ترک کرده بودند، لذا به طرف توپ ۲۳ م. م رفتم، لیکن به دلیل عدم آشنایی هر چه کردم نتوانستم آن را آماده شلیک نمایم و با توجه به اینکه هنوز بالگردهای دشمن کاملاً در دسترس بودند، به سراغ کارکنان تکاور و خدمه نفربرها رفتم، لیکن متأسفانه هیچ کدام کار با توپ ۲۳ را

بلد نبودند و همین موضوع باعث شد که بالگردها با خیال راحت در منطقه پرواز کرده و هر جا را که تجمع نیرو بود، ملاحظه و به یگان‌های زمینی برای محاصره و انهدام اطلاع می‌دادند. بعد از گذشت مدت زمانی، از طرف تیپ اطلاع دادند که سریعاً به طرف چهارراه جفیر حرکت و در آنجا موضع بگیریم، لذا به آنجا حرکت نمودیم و متوجه شدیم جزیره مجنون سقوط کرده و به دست عراقی‌ها افتاده و دشمن بعثی نیز که به خواسته خود رسیده بود، ۲۴ ساعت بعد منطقه را ترک و به مواضع اولیه خود برگشت و یگان ما نیز در این منطقه، ۶ شهید و ۵ اسیر داد.

هدف از ذکر این خاطره، این است که ما باید به سوی حرفه‌ای‌گری حرکت کرده و خصوصاً کارکنان پایور را به سمت و سویی رهنمون نماییم که کار حداقلی با کلیه تجهیزات خودی و همچنین دشمن مقابل را بلد باشند تا در این گونه موارد مانند بنده مستأصل نشوند و بتوانند به طور تمام عیار با دشمن به مقابله بپردازند، خصوصاً با توجه به اینکه در آینده تهدیدات ما از جنس دیگری می‌باشد و لزوم حرفه‌ای‌گری در نیروهای مسلح برای مقابله با تهدیدات بیش از پیش احساس می‌گردد.

به سمت و سویی رهنمون نماییم که کار حداقلی با کلیه تجهیزات خودی و همچنین دشمن مقابل را بلد باشند تا در این گونه موارد مانند بنده مستأصل نشوند و بتوانند به طور تمام عیار با دشمن به مقابله بپردازند، خصوصاً با توجه به اینکه در آینده تهدیدات ما از جنس دیگری می‌باشد و لزوم حرفه‌ای‌گری در نیروهای مسلح برای مقابله با تهدیدات بیش از پیش احساس می‌گردد.

نگارش سرتیپ ۲ محمود فردوسی درباره درس‌ها و تجربیات جنگ^۱

اسباب‌بازی‌های خاموش

خردادماه ۶۰ با توجه به گستردگی عملیات‌های کوچک به فکر خودکفا کردن زیر مجموعه خود افتادم. طرح ایجاد یک گروهان پیاده را ریختم. اساس این گروهان، دسته دیده‌ور بود. دسته خمپاره‌انداز ۱۲۰ را در این دسته ادغام کردم. به همراه آن‌ها چهار قبضه خمپاره‌انداز ۸۱، دو دستگاه جیپ حامل تانک ۱۰۶ و چهار دستگاه وانت تویوتا، گروهان پیاده را با حداقل ۸۰ درصد آمادگی رزمی تشکیل دادم. این گروهان ۱۲۰ نفره به عنوان یک نیروی احتیاط می‌توانست در زمان عملیات به طور مؤثری پای کار بیاید.

اتفاق خوب دیگر این زمان، تجهیز یک بیمارستان بود. در غرب سوسنگرد چشمم به تابلوی یک بیمارستان افتاد. داخل که رفتم دیدم کمی صدمه خورده، اما هنوز اتاق‌ها و انبار و بعضی از وسایلش سالم است. به راننده جیپ گفتم «برو بنه گردان، دکتر بهداری را بیاور!» وقتی دکتر گردان آمد از او خواستم با امکانات بهداری بیمارستان را آماده و کمبودها را سریعاً گزارش کند.

کمتر از ده روز یک اتاق عمل مجهز در زیر زمین برقرار شد و مابقی اتاق‌ها نیز مرتب و دایر شد. بعدها از طرف اداره بهداری استان آمدند و به نحو احسن سازمان‌دهی کردند. با وجود این بیمارستان مجروحین تحت مراقبت‌های پزشکی قرار می‌گرفتند و اگر لازم بود به بیمارستان اهواز اعزام می‌شدند.

یک کار دیگر ایجاد حمام‌های صحرایی در بعضی منازل سالم بود. اداره آب سوسنگرد در اوایل تیر ماه آب شهر را وصل کرد. دیگر نیاز نبود پرسنل برای استحمام به اهواز بروند. همچنین از منازل باقیمانده در غرب سوسنگرد برای انبار مهمات نیز استفاده کردیم و حالا گروهان‌ها مخصوصاً در زمان عملیات با مسافت کم می‌توانستند مهمات مورد نیازشان را دریافت کنند.

۱. کتاب «مأموریت در ساحل نیسان» به قلم سرتیپ ۲ محمود فردوسی، نشر صریر، ۱۳۸۵، صفحه ۱۰۹.

دیدن این خانه‌ها قلبم را فشرد. معلوم بود اهالی شهر غافلگیر شده و مهلت جمع کردن اثاثیه را نداشتند. هرچند اکثر آن‌ها غارت شده بود، گوشه و کنار اسباب بازی‌های کودکان افتاده بود. معلوم نبود طفلی‌ها به کجا آواره شده بودند. گوشه‌ای دور از چشم دیگران بغضم ترکید و آتش کینه و نفرتم را نسبت به متجاوزین شعله‌ور کرد.

۶۰/۰۳/۲۵ با خروج تیپ ۵۵ هوارد از منطقه یکم لشکر ۱۶ زرهی مسئولیت منطقه سوسنگرد را به عهده گرفت و گروه رزمی ۲۲۰ تانک از زیر امر تیپ ۵۵ خارج و به واحد اصلی خود برگشت. پس از آن یک گردان ژاندارمری را که در منطقه بود، زیر امر گروه رزمی ۲۲۰ تانک قرار دادند. بدین ترتیب علاوه بر غرب سوسنگرد، منطقه چولانه و حاجیه نیز در مسئولیت پدافندی گروه رزمی ما درآمد.

۶۰/۰۴/۰۲ لشکر ۱۶ بنا به امر صادره از قرارگاه مقدم نزاجا به یگان‌های خود ابلاغ نمود یگان‌هایی که درگیر پدافند هستند با شناسایی قبلی عملیات کوچک و تک‌های محدود را طراحی و اجرا کنند. به دنبال این ابلاغ جلسه‌ای با حضور فرماندهان گردان‌های ۷۸۵ و ۱۷۶ پیاده مکانیزه و گردان ۲۰۱ و ۲۲۰ تانک و همچنین رؤسای ارکان جلسه‌ای در تیپ یکم لشکر ۱۶ تشکیل و مقرر شد با شناسایی نقاط ضعف دشمن در موقع مناسب ضرباتی به دشمن زده شود.

براساس این امر می‌بایست شناسایی لازم را برای اجرای تک به عمل می‌آوردم. تجمع دشمن در کنار رودخانه نیسان با استقرار یگان‌های زیاد شروع می‌شد و هرچه به سمت بستان می‌رفت نیروهایش کمتر بود. این شناسایی اساس طراحی تک در منطقه دغاغله^۱ و مگاسیس^۲ شد. در این طرح گردان ۱۷۶ در کنار نقطه کم عرض رودخانه نیسان مستقر می‌شد سپس گردان ۲۰۱ تانک، بعد گردان ۱۸۵ با مسافت بیشتر و در نهایت گردان ۲۲۰ تانک در زمین باز مسئولیت قابل توجهی از طرح را به عهده می‌گرفت. این طرح مورد تصویب نزاجا قرار گرفت. پیرو همین مقدمات در جلسه‌ای به فرمانده تیپ پیشنهاد کردم قبل از شروع عملیات سازمان رزم را تعیین نمایید. به خصوص اگر نیاز به تانک دارید قبل از شروع تک از یگان

۱ روستایی در کنار رود نیسان و پل الوان واقع در ۵ کیلومتری شمال هویزه.

۲ روستایی در غرب سوسنگرد و شمال روستای دغاغله.

بگیرید. چنانچه در روز عملیات تانکی درخواست شود، به دلیل نزدیک بودن به دشمن نمی‌تواند از موضع خود بیرون بیاید و مورد اصابت قرار می‌گیرد. ایشان استدلال مرا دقیقاً تأیید کرد.

جدال در ساحل نیسان

۱۳ مرداد ماه ۱۳۶۰ ساعت یک بامداد عملیات یگان‌های ما بدون اجرای آتش تهیه آغاز شد.^۱ گردان ۲۰۱، ۱۸۵ و گروه رزمی ۲۲۰ تانک خاکریزهای دشمن را تصرف کردند، اما گردان ۱۷۶ در کنار رودخانه نیسان با فشار زیاد دشمن مواجه شد و نتوانست پیشروی کند و حتی مجبور به عقب نشینی شد.^۲ اما یگان‌های دیگر، بخصوص گردان ۲۲۰ از محورهای دیگر فشار آوردند؛ به طوری که از عقب زدن گردان ۱۷۶ دست برداشت. در خاکریزهای دشمن مستقر شدیم. شروع به استحکام مواضع کردیم و خود را برای پاتک دشمن آماده نمودیم.

هنگام تحکیم مواضع یک گلوله به ران پای چپم خورد. فوری آن را بستم و به نفربر فرماندهی رفتم. پای بی سیم در حال تماس با فرماندهان گروهان بودم که اطرافیان متوجه خون‌ریزی پایم شدند. وقتی خیالم از استقرار گروهان راحت شد، به فرمانده تیپ موضوع مجروحیت‌م را اطلاع دادم و به بیمارستان سوسنگرد رفتم. گلوله در گوشت فرو رفته بود. آن را در آوردند. از تفنگ کالیبر کوچک بود. از دکتر خواستم هر چه زودتر مرخصم کند. دکتر گفت: «باید چند روز استراحت کنید».

گفتم: «الآن وقت استراحت ندارم» و به گردان بازگشتم.

ساعت ۸ صبح ۶۰/۰۵/۱۵ عراق با یگان‌های زرهی با حجم آتش شدید به سمت ما حمله‌ور شد. این بار فرم حرکت و نحوه تیراندازی تانک‌هایشان متفاوت بود. هر سه تانک یک

۱. این عملیات در منطقه مگاسیس و دغاغله انجام شد و آن را به عنوان یکی از این دورستا نامگذاری کرده‌اند.
۲. گردان ۱۷۶ در سخت‌ترین وضعیت قرار داشت. دشمن بیشترین فشار را برای حفظ ۴ پل روی نیسان می‌آورد. بعد از عملیات فرمانده لشکر فرمانده گردان ۱۷۶ را به دادگاه نظامی فرستاد. ایشان بلافاصله از این کار پشیمان شد. من به فرمانده لشکر پیشنهاد کردم از دادگاه درخواست کند یک کارشناس عملیاتی به عنوان وکیل در جلسه دادگاه شرکت کند. ایشان تقاضا کرد و اتفاقاً دادگاه موافقت کرد. من در جلسه دادگاه موقعیت گردان ۱۷۶ را در آن عملیات تشریح کردم. گفتم شما فکر می‌کنید اگر کس دیگری بود عقب نمی‌نشست؟ به خدا ژنرال رومل را هم می‌آوردند، در اینجا همین کار را می‌کرد. اینجا پلی قرار گرفته که دشمن می‌دانست اگر آن را از دست بدهد گلولی سه لشکر بسته شده و همه‌شان اسیر می‌شدند. فرمانده گردان ۱۷۶ در آن دادگاه تبرئه شد.

مثلث تشکیل داده بودند. هرکدام به رأس مثلث می‌رسیدند شلیک می‌کردند و جایشان را با رأس دیگر تعویض می‌کردند و باز هم شلیک. کثرت تانک‌های دشمن و نحوهٔ تحرک آن‌ها طوری بود که قابل شمارش نبود.

مبادله آتش به اوج خود رسیده بود. هفت ساعت از پاتک عراق می‌گذشت اما رزمندگان گردان مردانه می‌جنگیدند و خیال عقب‌نشینی نداشتند. آن‌ها از پاتک قبلی عراق درس گرفته بودند که اگر ایستادگی کنند، می‌توانند از همان پاتک برای دشمن جهنم بسازند. نیروهای عراق جلو می‌آمدند و بچه‌های ما حتی یک متر عقب نرفتند.

ساعت سه بعد از ظهر کار به جایی رسید که در بعضی از محورها جنگ به صورت تن به تن و تانک به تانک درآمد. بچه‌ها با نیروهای عراقی که قصد تصرف خاکریزهایان را داشتند از نزدیک درگیر شدند. تانک‌های ما با تانک‌های دشمن شاخ به شاخ می‌شدند.

بالاخره فشار نیروهای خودی زیاد شد و تعدادی از عراقی‌ها عقب رفتند. مابقی هم که آن‌ها را دیدند، روحیه‌شان را باختند و پا به فرار گذاشتند.

در یک محور فرمانده تیپ طی پیامی از گردان ۲۲۰ تانک خواست یک دسته تانک در اختیار گردان ۱۸۵ قرار دهد. ما نزدیک دشمن بودیم. فاصله ما تیررس تفنگ و مسلسل بود. بنابراین به جناب سرهنگ جمشیدی گفتم: «اگر تانک‌های ما از موضع خود به زمین باز بیایند و یا پهلوی دشمن بدهند، حتماً آن‌ها را خواهند زد. پیشنهاد می‌کنم به جای تانک، نفرات پیاده به کمک بفرستیم».

مجدداً اعلام کردند: «هر طور شده تانک بفرست، وضعیت خیلی خراب است!» به موضع تانکی که رانندهٔ آن استوار مولایی بود رفتم و فرمان دادم بیرون بیاید و حرکت کند به محض آنکه بیرون آمد یک گلوله به سمت تانک آمد و خوشبختانه به کیسه شنی که قبلاً به وسیله میله آهنی جلوی برجک قرار گرفته بود خورد. تانک طوری نشد اما یک تکه شن از داخل کیسه شنی مثل ترکش به پیشانی استوار مولایی خورد، خون فواره زد و روی صورتش جاری شد. او هم تانک را ترک کرد و به سمت بهداری راه افتاد. تا این وضعیت را دیدم فوراً رفتم توی دهلیز راننده و تانک را به موضع خود برگرداندم.

با موتور سراغ فرمانده تیپ رفتیم. مایه را تعریف کردم و گفتم: «آن موقع که آن حرف را زدم، برای چنین روزی بود. چون در این موقعیت تانک‌های ما اگر بخواهند حرکت کنند از بین می‌روند. نه به درد شما می‌خورند نه من، اما موضع‌شان طوری است که می‌توانند به پهلوی دشمن بزنند».

بار دیگر پیشنهاد کردم نفرات پیاده را به کمک گردان ۱۸۵ بفرستیم و از همان جا با آتش تانک‌های مان فشار دشمن را از روی گردان برداریم. سرهنگ جمشیدی گفت: «سریع این کار را بکن!»

بعد از اینکه نفرات را فرستادم، به فرماندهان گروهان دستور دادم تعدادی گلوله مسقیم مایل به چپ با مسافت حداقل سه کیلومتر پرتاب کنند. با این کار تعدادی از تانک‌های دشمن مورد اصابت گلوله‌های ما قرار گرفت در نتیجه پشتیبانی تانک‌های دشمن از نفرات پیاده‌شان قطع شد و فشار از روی گردان ۱۸۵ برداشته شد.

در همین روز وقتی یکی از سربازان گردان شهید می‌شود، دوست او با دیدن شهادت ایشان تفنگ به دست گرفته در حال تیراندازی به سمت دشمن حرکت می‌کند. حدود صد متر جلو می‌رود که در همین اثنا مورد اصابت گلوله نیربار کالیبر کوچک دشمن قرار می‌گیرد و به شهادت می‌رسد.

در باره فداکاری و از خودگذشتگی افراد گردان اعم از افسرو درجه دار و سرباز و دیگر رزمندگان هرچه بگویم حق لحظه‌ای از حماسه آنان را ادا نمی‌کند. به مصداق:

باید که سوخت تا بدانی که چه می‌کشد احساس سوختن به تماشا نمی‌شود
می‌بایست مانند یک رزمنده در صحنه عملیات بودید تا حق مطلب برایتان روشن می‌شد.
در این عملیات گردان ۲۲۰ تانک شش شهید و ۹ مجروح داشت. دو هفته بعد این پاتک، یکبار هم عراقی‌ها قصد داشتند به اصطلاح عملیات کماندویی و چریکی کنند. حدود ساعت ۱۱۳۰ شب گزارش دادند نفراتی از دشمن را دیده‌اند که به منطقه پدافندی گردان نزدیک می‌شوند. سریعاً به همراه سرگرد معافی پای خاکریز رفتیم. مدتی انتظار کشیدیم تا سروکله‌شان پیدا شد. به بچه‌های خط دستور دادم هیچ حرکتی انجام ندهند تا خوب جلو بیایند. آن‌ها به خیال خود با احتیاط و بی‌سر و صدا به سمت خاکریز ما می‌آمدند.

همین که به صدمتری ما رسیدند دستور آتش دادم. آن‌هایی که عقب‌تر بودند فرار کردند. از مابقی ۳۴ نفر کشته و ۱۱ نفر تسلیم شدند. در بازجویی از اسرا معلوم شد آن‌ها یک گردان کماندو یکصد نفره بودند. هرکدام دو عدد نارنجک، یک زنجیر ۵۰ سانتی با دستگیره چرمی و یک کارد سنگری به همراه داشتند.

روز ۶۰/۰۵/۲۵ کوچ دیگری در انتظار گردان ۲۲۰ تانک بود. گفته شد به حمیدیه^۱ بروید و محلی را به عنوان منطقه تجمع در کوت انتخاب کنید. یگان در ۱۳۶۰/۰۵/۲۶ در منطقه کوت مستقر شد.

روز سوم شهریور سال ۶۰ یکی از روزهای سخت زندگی من است. روزی که دو دوست و هم‌رزم را از دست دادم. سرگرد محمد معافی (سرهنگ شهید) معاون گردان و سروان فریبرز میرزایی (سرگرد شهید) رئیس رکن ۴ گردان. شهادت ایشان این‌طور اتفاق افتاد که سرگرد معافی و سروان میرزایی با یک لندرور به رانندگی سرباز شهید ایوب عباسی برای انجام کارهای تدارکاتی گردان به آمادگاه لشکر می‌روند. هنگام برگشت به سمت کوت، یکباره روی جاده مواجه به مقادیری نفت سیاه می‌شوند که روی آسفالت را پوشانده بود.^۲ لندرور در سمت چپ جاده متوقف می‌شود.

در همین حال یک جیب سیم‌رغ از روبرو می‌رسد و به شدت با لندرور برخورد می‌کند. در و اتاق لندرور بر اثر ضربه جمع می‌شود و آتش می‌گیرد. این درحالی بوده که سرگرد معافی و سرباز عباسی در همان ضربه اول با شیشه جلو برخورد کرده و بی‌هوش شده بودند. سروان میرزایی در بین آن دو مانده و نمی‌توانسته حرکت کند. ماشین هم شعله ور بوده و کسی نمی‌توانست نزدیک بشود.

اولین کسی که این صحنه را می‌بیند، سروان منشی‌باشی افسر مخابرات گردان بود. حتی شهید میرزایی چند بار او را صدا می‌زند و کمک می‌خواهد، ولی کاری از او بر نمی‌آید. متأسفانه هر سه زنده زنده در آتش می‌سوزند.

۱ شهری بین اهواز و سوسنگرد، در ۳۰ کیلومتری روستای کوت سید نعیم در نزدیکی حمیدیه واقع شده است.
۲ معلوم شد یک تانکر حامل نفت سیاه در حالی که شیرفلکه آن باز بود از جاده خاکی وارد جاده آسفالت شده و مسافتی از جاده آسفالت مملو از نفت سیاه شده بود.

وقتی سروان منشی‌باشی خبر را داد، به سرعت خودم را رساندم، ولی کار از کار گذشته بود. اتفاقاً تیمسار فلاحی هم در منطقه حضور داشتند و با شنیدن خبر خودشان را به آن جا رساندند. پیکرهای سوخته آنان را بیرون آوردیم. شهید معافی ۱۱۵ کیلو وزن داشت. جنازه‌اش کوچک شده و مثل یک تکه ذغال شده بود. شهید میرزایی و شهید عباسی هم همینطور. دستور دادم سه تابوت آوردند و در گوشه‌های هر تابوت گونی شن و در وسط آن‌ها پیکر سوخته شهدا را قرار دادیم. در تابوت را محکم بستیم. با مسئول امور شهدا در قزوین تماس گرفتم و حقیقت امر را به او گفتم. دستور دادم به هیچ عنوان در حضور خانواده شهدا در تابوت را باز نمی‌کنید. حتی زمان دفن نگذارید هیچکدام از اقوام شهدا اجساد را ببینند.

نگارش سرتیپ ۲ زرهی داود آقامحمدی درباره درس‌ها و تجربیات ۸ سال جنگ^۱

معرفی نویسنده:

الف) مشخصات فردی:

داود آقامحمدی، متولد ۱۳۳۹ در تهران، ورود به دانشکده افسری در سال ۱۳۵۸

ب) مسئولیت‌ها و مشاغل:

فرمانده گروهان سوار زرهی گردان ۲۳۴ لشکر ۱۶ زرهی در طول دفاع مقدس، افسر اطلاعات و عملیات گردان ۲۳۴ سوار زرهی لشکر ۱۶ زرهی در طول دفاع مقدس، سرپرست گردان ۲۳۴ سوار زرهی لشکر ۱۶ زرهی در طول دفاع مقدس، فرمانده تیپ ۴ زرهی لشکر ۲۱ حمزه در مأموریت مراقبت از مرز، مقابله با اشرار و قاچاقچیان و منافقین پس از دفاع مقدس، جانشین فرمانده لشکر ۹۲ زرهی خوزستان در مأموریت مراقبت از مرز و مقابله با اشرار و قاچاقچیان و منافقین پس از دفاع مقدس، مدیر آموزشی نزاجا، فرمانده لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه در مأموریت مراقبت از مرز، مقابله با اشرار و قاچاقچیان و منافقین، معاون آموزش نزاجا، معاون طرح و برنامه و بودجه ارتش، جانشین دانشگاه عالی دفاع ملی، دبیرکل مرکز مطالعات راهبردی ارتش.

پ) مقاطع تحصیلی:

۱. کارشناسی علوم از دانشگاه افسری امام علی (ع).

۲. کارشناسی ارشد مدیریت دفاعی از دافوس آجا.

۳. دکتری علوم راهبردی از دانشگاه عالی دفاع ملی.

خاطرات دفاع مقدس:

الف) ماهیت گروهان سوار زرهی

اینجانب سرتیپ دوم دکتر داود آقامحمدی پس از فارغ‌التحصیلی از دانشکده افسری در ۱۳۶۱/۱۱/۲۲ و طی دوره مقدماتی زرهی، از ۱۳۶۲/۰۷/۰۱ به لشکر ۱۶ زرهی قزوین گردان ۲۳۴ سوار زرهی اردبیل مستقر در منطقه عملیاتی جنوب (فکه) منتقل شدم، به محض ورود

۱. مطالب این بخش بر اساس پرسشنامه ای است که توسط نگارنده در آبان ماه ۱۳۹۷ تهیه و آورده شده است.

به جنگ به عنوان فرمانده گروهان ۱ سوار زرهی و پس از آن به عنوان رئیس رکن دوم و سوم و سرپرست گردان مذکور تا دوسال پس از خاتمه جنگ مسئولیت داشتم. گروهان مذکور به علت اینکه فاقد فرمانده گروهان سازمانی بود (به علت اسارت فرمانده گروهان از یک سال قبل تا انتصاب بنده) توسط سرگروهان یگان (که یکی از ستوانیاران قدیمی در شرف بازنشستگی بود)، سرپرستی می شد. گروهان مذکور حتی یک فرمانده دسته هم نداشت. و به همین دلیل به شدت از نظر انضباطی ضعیف بود. از جمله ضعف انضباطی این گروهان:

- همانطور که عرض شد فاقد فرمانده گروهان و فرمانده دسته بود.
 - جو بی انضباطی حاکم بر عمده یگان ها ناشی از مسائل بعد از پیروزی انقلاب اسلامی.
 - فشار عملیات ناشی از تهاجم عراق به این یگان و کارکنانش.
 - ماهیت یگان سوار زرهی که کادر سنگین هستند (۶۵ نفر درجه دار داشتیم که همه آن ها جز ۳ نفر بقیه ستوانیار بودند).
 - مشکلات خانوادگی کارکنان پایور.
 - مشکل دیگر گروهان که آن هم ناشی از ضعف انضباط بود، روحیه اطاعت گریزی و مقاومت در برابر اجرای دستورات فرماندهی بود.
- از دیگر مشکلات که احتمالاً ناشی از حضور گسترده کارکنان بومی بود نفوذ سازمان غیر رسمی کارکنان در یگان بود که شبکه های غیر رسمی اثرگذاری عجیبی بر رفتار کارکنان و اعمال قدرت فرماندهی داشت. البته آموزش و مهارت در بکارگیری ادوات و تجهیزات سوار زرهی خیلی خوب بود از طرفی اسکورپیون های این گردان توسط لشکر ۱۶ به گردان ۲۵۲ سوار زرهی همدان داده شده بود و بجایش BMP داده بودند و گردان عملاً مکانیزه شده بود، ولی فاقد نفرات و تجهیزات کامل یک یگان مکانیزه بود. لذا این عامل هم باعث ناهمخوانی در تجهیزات، استعداد نفرات، تخصص ها و مأموریت عملی، و با در نظر گرفتن مشکلات قبلی، فرماندهی یگان را با چالش اساسی روبرو کرده بود.

واقعاً برای یک ستوان جدید، انتصاب در محل سازمانی فرماندهی گروهان سوار زرهی، بدون داشتن معاون و فرمانده دسته، آن هم در شرایط جنگی و کمبودها و نواقص ناشی از تحریم و استهلاک و... بسیار سخت بود.

اما انگیزه الهی و معنوی در ایفاء نقش‌ها مأموریت‌ها، عشق و علاقه وافر به دفاع از کشور و نظام اسلامی بر همه‌ی این مسائل و مشکلات غلبه کرد. و با صبر و حوصله و استقامت و تدابیر خردمندانه و هدایتگر فرمانده گردان وقت جناب سرهنگ دوم ناصر محمدی فر (فرمانده سابق نزاجا) به تدریج توانستم با استقرار نظم و انضباط، سازمان‌دهی اصولی، آموزش، نت، برقراری ارتباط منطقی و عادلانه با کارکنان نسبت به آمادگی عملیاتی یگان سوار زرهی و شرکت مؤثر در عملیات‌ها اقدام کنیم:

برگزاری جلسات مکرر روشنگری (در جهت تقویت ایمان، انگیزه، مأموریت و...) (برگزاری مستمر روزانه کلاس‌های آموزشی (قرآن، رزم انفرادی، تجهیزات سبک و سنگین) بازدیدهای مستمر و حضور در تک‌تک سنگرهای کارکنان. حضور شخصی در اکثر عملیات‌های گشتی و کمین. حرکت در پیشاپیش مأموریت‌های رزمی. عدم چشم‌داشت شخصی به هرگونه امتیاز و گذاری از رده بالا و توزیع آنها بین سایر کارکنان.

پرهیز از تندخویی و عصبانیت و یا اهانت به کارکنان در سخت‌ترین شرایط. مشاوره با فرمانده گردان و کسب تدابیر و رهنمودهای مرشدانه هفتگی از ایشان. توجه به مشکلات خانوادگی کارکنان و رفع آن. برقراری سرویس خودروبی روزانه از خط مقدم تا دزفول جهت تهیه مایحتاج روزانه، استحمام، تهیه آب شیرین، تلفن به خانواده‌ها و...

توجه به سرویس و نگهداری و تعمیر منظم ادوات شنی دار و خودروبی و سلاح. برقراری عدالت سازمانی در توزیع مواد غذایی و دسر و اقلام اهدایی (البته باعث واکنش منفی پایوران نسبت به کارکنان وظیفه روبرو شد. ولی به تدریج این واکنش با مذاکره و راهنمایی و ارشادات لازم کمرنگ شد، هرچند به نظرم راضی نبودند).

بنابراین مهم‌ترین نکته‌ای که من بدو بایستی به آن توجه می‌کردم، ارتقاء آمادگی‌های عملیاتی و اطلاعاتی یگان و آماده کردن یگان برای استمرار حضور در جنگ بود، که به نظرم به لطف و توفیقات الهی این مهم میسر شد و در طول ۵ سال فرماندهی گروهان یکم و سپس دوم سوار زرهی، بنده به‌عنوان گروهان نمونه لشکر ۱۶ زرهی معرفی شدم. و این آمادگی برای عملیات متأثر از ارتقاء آموزش، انضباط، ایمان، انگیزه و روحیه، نت و... منجر به این شد که هیچ‌گاه این یگان در طول جنگ دچار غافلگیری نشود. و در همه‌ی مأموریت‌های واگذاری اعم از گشتی شناسایی، گشتی رزمی، کمین، آفند و یا پدافند در مقابل حمله دشمن نه تنها شکست نخورد بلکه با اقتدار تمام و سربلند مأموریت‌هایش را انجام دهد.

(ب) مقایسه‌ی یگان‌های سوار زرهی ایران با عراق :

(۱) مهارت و آموزش کارکنان رسته زرهی ایران از عراقی‌ها کمتر نبود بیشتر هم بود.

(۲) انگیزه، شجاعت، جسارت، روحیه شهادت طلبی و ایثارگری کارکنان رسته زرهی ایران به مراتب بیشتر از عراقی‌ها بود.

(۳) استعداد ادوات یگان‌های زرهی عراق از نظر کیفی و کمی به مراتب بیشتر از ایرانی‌ها بود.
(۴) جایگزینی کسورات ادوات شنیداری عراقی‌ها (ناشی از خسارات جنگی) ظرف یک هفته صورت می‌گرفت ولی برای ما تا آخر جنگ هیچ‌گونه جایگزینی در این خصوص صورت نگرفت.

(۵) یگان‌های زرهی ایران از نظر تدارک قطعات عمده و یدکی اقلام شنیداری به شدت در مضیغه و کسری بودند ولی عراقی‌ها نه.

(۶) اعتبارات نت یگان‌های زرهی ایران بسیار اندک بود.

(۷) جابجایی و ستون‌کشی یگان‌های زرهی ایران به علت کمبود وسایل ترابری سنگین (تیتان و تانک بر ...) ماه‌ها به طول می‌انجامید. ولی وسایل سنگین ترابری عراق قادر بود ظرف ۲۴ ساعت یگان زرهی خودش را از غرب به جنوب و بالعکس جابجا کند. در این خصوص به ذکر یک خاطره بسنده می‌کنم.

به خاطر دارم در سال ۶۵ عراقی‌ها به مواضع لشکر ۱۶ در پیچ انگیزه حمله کردند. گردان سوار زرهی برای اولین بار به احتیاط لشکر آمده بوده، برای حرکت گردان سوار زرهی از منطقه

احتیاط (چنانچه) به منطقه عملیات (پیچ انگیزه) به اندازه کافی وسایل ترابری سنگین یک گردان نبود (آن هم گردانی که کلی نقص تجهیزات سنگین شنیدار داشت). لذا گروهان به گروهان احتیاط را وارد عمل کردند. و گروهان ما به عنوان اولین گروهان در این منطقه وارد عمل شد و بحمدالله توانستیم جلوی پیشروی دشمن را گرفته و آن‌ها را وادار به عقب‌نشینی کنیم.

پ) تدارک اقلام آمادی:

طبقه ۱ (آب و غذا): غذا به صورت پخت متمرکز در آشپزخانه گردان انجام می‌شد و با وانت نیشان گروهان‌ها به خط مقدم اعزام و توزیع می‌شد. که البته از نظر کیفیت غذایی ضعیف بود. آب منطقه فکه شور بود. آب شیرین توسط تانکر از دزفول به صورت محدود تأمین می‌شد.

طبقه ۲ (اقلام غیر عمده سازمانی): تاحدودی خوب بود مشکل چندانی نبود.

طبقه ۳ (سوخت و مواد سرویس): سوخت (بنزین، نفت و گازوئیل) و مواد سرویس در اواخر جنگ با مضیقه روبرو شد. برخی از مواد سرویس توپ‌ها نیز با محدودیت روبرو بود.

طبقه ۴ (اقلام مهندسی): بسیار در مضیقه بودیم و تقریباً ناچیز بود (گونی، سیم خاردار، وسایل و اقلام استحکامات صحرایی و ...)

طبقه ۵ (مهمات): در محدودیت بود و به صورت روز آماد تدارک می‌شد. مثلاً یادم هست گلوله خمپاره ۸۱ م. م روزی ۵۰۱ گلوله سهمیه هر قبضه بود و یا گلوله‌های منور و دود انگیز محدودیت شدید داشت. از نظر گلوله‌های توپ نفر بر مشکلی نبود ولی موشک‌های تاو و مالیوتکا در محدودیت بود.

طبقه ۶ (اقلام شخصی): که تدارک نمی‌شد.

طبقه ۷ (اقلام عمده): یادم نمی‌آید چیزی داده باشند.

طبقه ۸ (اقلام دارویی): با محدودیت تدارک می‌شد. مثلاً وقتی چند نفر سرما می‌خوردند یک شیشه شربت سرماخوردگی به یک نفر می‌دادند و نوبتی همه می‌خوردند.

طبقه ۹ (اقلام یدکی): قطعات یدکی شنیدار بسیار محدود بود. و عمدتاً از قطعات دست دوم که از تانک‌ها و نفربرهای فرسوده مهندمی بود برداشت می‌کردیم.

ت) تطابق آموزش زرهی با نیازهای عملیاتی:

آموزش‌های زرهی عمدتاً شامل آموزش‌های ستادی - عمومی - مخابرات - جنگ‌افزار و موتوری است. مهارت ستادی از قبیل برآوردهای ستادی، طرح‌ریزی و هدایت عملیات و کار با ستاد عمدتاً خوب بوده و برای یگان‌های با استعداد سازمانی کامل مناسب بود. اما در عمل ستاد گردان‌ها فاقد افسران مجرب و آموزش دیده بودند. عمدتاً از افسران دوره مقدماتی دیده و حتی درجه‌دار استفاده می‌شد. لذا افسران و درجه‌داران ستاد گردان‌ها از تبحر و مهارت لازم برخوردار نبودند. و امور ستادی بیشتر به صورت تجربی اداره می‌شد. و این بار سنگین را فرماندهان گردان و معاونین آن‌ها را به دوش می‌کشیدند. (حتی برخی از فرماندهان گردان هم دوره عالی ندیده بودند).

بنابراین آموزش‌های ستادی خوب بود، ولی به علت فقدان کارکنان دوره دیده ستادی و کسری رؤسای ارکان ۴ گانه در گردان‌ها عملاً با مشکل روبرو بود. از نظر آموزش‌های عمومی (ش. م. ه - پدافند غیر عامل و آشنایی با سایر رسته‌ها و ...) با کمبود وسایل کمک آموزشی و ضعف اساتید دوره دیده و نشریات آموزشی روز مواجه بودیم.

آموزش‌های تخصصی (شامل: موتوری، جنگ‌افزار، مخابرات) هم لازم بود و هم کافی، منتهی به علت کمبود دست‌ابزار سازمانی (رده ۱ و ۲ و ۳) و همچنین کمبود درجه‌دار فنی، عملاً با محدودیت روبرو بودیم.

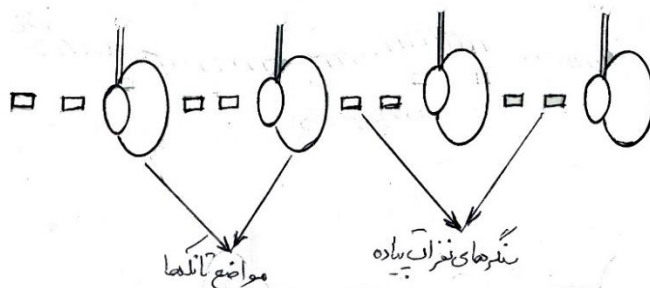
گردان‌های زرهی و سوار زرهی دارای یکسری جنگ‌افزارهای تخصصی در واحدهای رزمی خود هستند، مثل خمپاره‌انداز ۱۲۰ م. م، موشک‌انداز تاو و مالیوتکا و... که بایستی فرماندهان و درجه‌داران دسته مربوطه به دوره‌های عرضی اعزام شوند تا مهارت‌افزایی گردد. عملاً به علت محدودیت‌ها و ظرفیت کم مراکز آموزشی این مهم در مرکز زرهی با محدودیت انجام می‌شد.

ث) از نظر کاربرد اصول جنگ در عملیات زرهی بایستی عرض کنم که، رعایت اصول ۹ گانه جنگ، در میدان نبرد الزامی بوده و کماکان این اصول معتبر است. البته ممکن است ملاحظات اساسی در کاربرد اصول جنگ و مصادیق آن با توجه به شرایط صحنه‌ی جنگ آینده متفاوت باشد.

نگارش سرتیپ ۲ نوجوان درباره درس‌ها و تجربیات ۸ سال جنگ^۱

وضعیت و شکل آرایش گردان ۲۲۰ تانک در منطقه جلالیه

منطقه جلالیه هیچ وقت بین پرسنل گردان ۲۲۰ تانک فراموش نخواهد شد. این آبادی در ۵ کیلومتر مانده به سوسنگرد در جاده اهواز - سوسنگرد قرار دارد. تبادل شدید آتش به شدت ادامه داشت و روزانه تعدادی شهید و مجروح در سطح گردان داشتیم. در وضعیت پدافندی که لشکر ۹۲ قبل از عملیات هویزه داشت، نفرات پیاده در داخل سنگرهای انفرادی یا زوجی برابر شکل زیر، بین تانک‌ها آرایش داشتند؛ ضمناً دشمن هم در خط پدافندی تقریباً چنین آرایشی داشت.

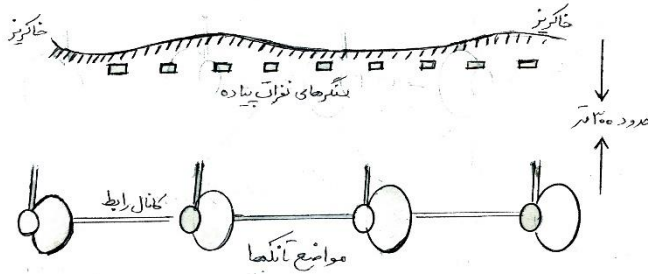


شمای استقرار تانک‌ها و پیاده‌ها قبل از عملیات نصر (هویزه)

بنا به پیشنهاد رئیس رکن سوم گردان، سرگرد صنعتی و دستور فرمانده گردان نفرات پیاده به فاصله حدود ۳۰۰ متر جلوتر از تانک‌ها برده شدند تا تأمین آنها را فراهم نمایند به علت اجرای تیر مستقیم دشمن تدارک آب، غذا و مهمات در روز مقدور نبود و اکثراً در شب با چراغ خاموش انجام می‌گرفت لذا طبعاً تصادفات زیادی در جاده‌ها به وقوع می‌پیوست. به علت آتش سنگین و پر حجم دشمن روزانه تعداد زیادی از نفرات پیاده شهید و مجروح می‌شدند. ضمن اینکه تلفات دشمن هم به مراتب بیشتر بود. بنابراین فرمانده گردان تصمیم گرفت که خاکریزی برای افراد پیاده ایجاد کند تا نفرات پیاده در پشت آن استقرار یابند. این خاکریز توسط سروان صفری و ستوان مظاهری با زحمات زیاد ایجاد شد (برابر شکل زیر) و پس از تکمیل خاکریز مشاهده کردیم که دید نفرات پیاده دشمن کور شده و دیگر به خوبی نمی‌توانند موشک‌های مالیوتکا را هدایت کنند.

۱. برداشت از کتاب «از هویزه تا آتش بس» به قلم سرتیپ ۲ ام‌رالله نوجوان، انتشارات ایران سبز، ۱۳۸۹.

پاسگاه فرماندهی گردان و گروهان‌ها نیز همانند سنگر پرسنل در خط مقدم مستقر بود و در روحیه آنها بسیار تأثیر داشت.



وضعیت مواضع پدافندی گردان ۲۲۰ تانک در منطقه جلالیه

انتصاب به عنوان معاون رکن سوم گردان

کم‌کم وضعیت تثبیت شد و برابر دستور فرمانده گردان، من گروهان را به سروان فلکی تحویل داده و در مورخه ۵۹/۱۱/۱۷ به عنوان معاون رکن سوم گردان منصوب شدم. پرسنل رفته رفته به منطقه و وضعیت موجود عادت کردند. ماه‌ها پشت سر هم سپری شد. فرماندهان رده بالا به پاس فداکاری و ایثارگری و مقاومت پرسنل در عملیات کرخه‌کور، به تعدادی از رزمندگان ارشدیت دادند؛ از جمله فرمانده گردان و معاون تیپ یک درجه تشویقی و من هم ۱۵ ماه ارشدیت دریافت کردم. کمکهای مردمی به طور مداوم و مستمر برقرار بود. مثل خودرو، موتورسیکلت، مواد خوراکی، نوشیدنی و غیره، ولی آتش پر حجم و سنگین و مداوم دشمن و شدت آن در شبانه روز کماکان ادامه داشت و به همین نسبت آتش ما هم روی دشمن حتی شدیدتر اجرا می‌شد. پزشک وظیفه گردان به علت محل نامناسب ایستگاه تخلیه درمان گردان دائماً در حال شکایت بود. مرخصی‌ها با رفت و برگشت جمعا ۷ روز بود که در هر ۳۰ روز به پرسنل داده می‌شد.

هنگامی که سروان فلکی گروهان را از من تحویل می‌گرفت، مطلبی اظهار کرد که مورد تعجب بعضی از فرماندهان گردید. او اظهار نمود که تکلیف آمار مهمات مصرفی و انهدامی و صورت مصرفی سوخت را چگونه مشخص و تحویل و تحول نمایم، ما که شاهد بودیم در

عملیات کرخه‌کور مهمات را با تریلی روی زمین ریخته و روزانه صدها گلوله تیراندازی می‌شد چگونه ممکن است صورت مصرفی بخواهند؟ ولی بعدها متوجه شدیم که بسیار حرف درست و به جایی زده، چون برابر مقررات می‌بایستی حساب و کتاب کمترین مهمات مصرفی، حتی یک دانه فشنگ را در ارتش روشن کرده و آنها را صورتجلسه کنیم و به رده بالا ارائه دهیم تا در دستور لشکر درج و از آمار کسر شود.

احداث سنگرهای زیرزمینی

هنوز پرسنل از مزایای سنگر اطلاع نداشته و اکثر خدمه زیر تانک‌ها و فرماندهان در داخل نفربرها به عنوان محل استراحت استفاده می‌کردند. کم‌کم احساس شد که سنگر زیرزمینی محل بسیار مناسب و دارای تأمین خوبی برای زیست، خصوصاً در وضعیت پدافندی است. لذا با دریافت تعدادی الوار و تیرآهن سنگرهای زیرزمینی احداث شد.

روزانه تعداد زیادی گلوله توپ و خمپاره و موشک در اطراف من و سایر هم‌زمان زمین می‌خورد که برخی از آنها باعث شهید و مجروح شدن تعدادی از همکاران و هم‌زمان می‌گردید و فراموش نمی‌کنم که در چندین فقره تمام منطقه زیر آتشباری شدید کاتیوشا و توپخانه دشمن قرار گرفت. حتی چند ترکش بزرگ در اطرافم به زمین فرو رفت، ولی به خواست و لطف خدا جان سالم به در بردم و نیروهای خودی هم اعم از خدمه تانک‌ها، سلاح‌های اجتماعی و توپخانه‌ها و خمپاره‌اندازها هم دائماً منطقه دشمن را زیر آتش قرار داده و تلفات زیادی به دشمن وارد کردند.

حادثه‌های ناگوار سد

به علت اینکه سیل بخشی از جاده سوسنگرد تا جلالیه را تخریب کرده بود، فرمانده تیپ (سرهنگ جمشیدی) دستور داد که به منطقه سد که در شمال شرقی سوسنگرد بود بروم و یک دستگاه لودر از مسئول آنجا گرفته تا خرابی ایجاد شده توسط سیل ترمیم شود.

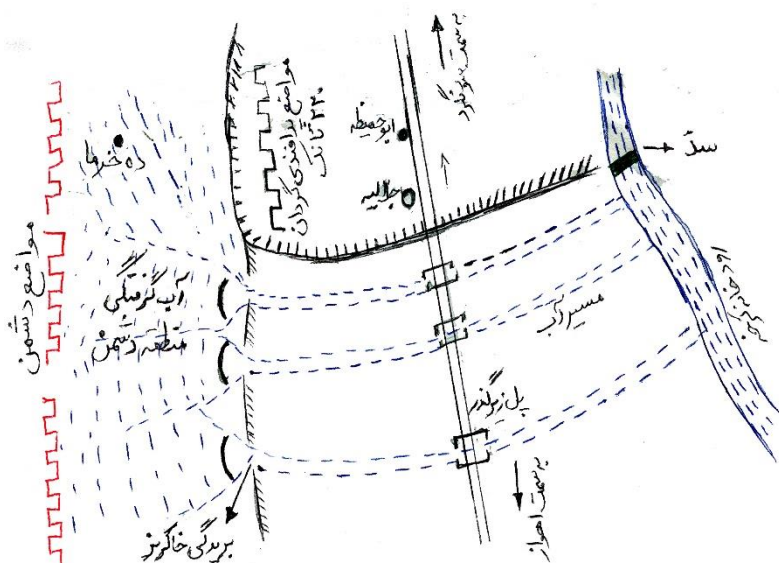
این سد با استفاده از تورهای سیمی و سنگهای بزرگ در روی رودخانه کرخه در حال احداث بود تا بتوان آب کرخه را به سمت جلالیه هدایت کرده تا منطقه دشمن زیر آب قرار گیرد. مسئولیت و تلاش اصلی و نظارت فعالیتهای سد به عهده تیمسار فلاحی (رئیس ستاد مشترک ارتش) بود که با کمک چند نفر از مهندسین نظارت می‌نمودند.

چند روز قبل، حادثه ناگواری در سد اتفاق افتاده و قایق تیمسار فلاحی که با چند نفر مهندس و محافظین خود در روی دریاچه جلو سد مشغول شناسایی و بررسی بودند، خراب شده لذا جریان شدید آب قایق را به طرف سد برده و آن را واژگون می‌کند. پس از آن تا مسافتی جریان آب، تیمسار فلاحی را با خود می‌برد. خوشبختانه با یاری خدا وی با مشکل زیاد نجات یافته و متأسفانه محافظ و یک نفر مهندس همراه وی غرق گردیدند که پس از چند روز جنازه آنها را در حوالی سوسنگرد پیدا کرده بودند. بنابراین تیمسار فلاحی دستور داده بود که یک قایق همیشه در حال آماده کنار ساحل باشد.

من به اتفاق یک نفر راننده به منظور دریافت یک دستگاه لودر از قسمت مهندسی سد به آن طرف رودخانه رفتیم، ولی به علت اینکه لودر فاقد سوخت بود، موفق به تحویل گرفتن آن نشدیم. هنگام مراجعت با قایق از آن طرف ساحل رودخانه به سمت ساحل مقابل در یک لحظه موتور قایق خاموش شد و جریان آب قایق را به سمت سد برد. ما شروع به کمک خواستن و داد و فریاد کردیم تا قایق آماده جهت کمک‌رسانی به سمت ما بیاید که متأسفانه قایق مذکور نیز در محل نبود. سرعت آب آن قدر زیاد بود که احتمالاً شناگر ماهر هم نمی‌توانست خود را نجات دهد. لحظه سقوط قایق را به داخل سد و لحظه پایان عمرمان را می‌دیدیم. مسئول قایق با جستجو و تلاش خود پاروئی را از داخل قایق پیدا کرد و با شدت و سرعت زیاد شروع به پارویدن کرد. به خواست خدا کم‌کم قایق به سمت ساحل رودخانه نزدیک شده، در حالی که همه سرنشین‌ها گیج و منگ بودیم و باورمان نمی‌شد که نجات یافته‌ایم. پس از بررسی قایق، مشخص شد که یک تکه گونی داخل پروانه قایق گیر کرده و موتور آن را خاموش کرده بود. قایق را مجدداً روشن نموده و به محل اولیه مراجعت کردیم و این یکی از الطاف و معجزاتی بود که خداوند در آن روز نصیب ما کرد.

خاتمه ساختمان سد و روانه کردن آب به سمت دشمن

با تلاش و زحمات شبانه‌روزی مسئولان ارتش و با کمکهای مردمی ساخت و ساز سد مذکور پایان یافت و در نتیجه آب رودخانه کرخه به سمت منطقه جلالیه و ده مرعی و گل‌بهار روانه و به منطقه دشمن هدایت گردید. (برابر شکل زیر)



شمای مسیر انحراف آب سد به سمت دشمن

دشمن غافلگیر شده بود و سریعاً با گذاشتن تعداد زیادی از وسایل و تجهیزات خود شروع به عقب‌نشینی کرد. در حین عقب‌نشینی با اجرای آتشهای توپخانه خصوصاً گلوله‌های زمانی، تلفات زیادی به دشمن وارد شد.

پس از عقب‌نشینی دشمن، دسته دیده‌ورگردان با جستجوی زیاد توانست تعدادی از پیکرهای شهدای نیروهای خودی از جمله ستوان صحرایی (دیده‌بان مقدم توپخانه) که در منطقه دشمن حوالی (ده خرما) جا مانده بود شناسائی کرده و به عقب تخلیه نمایند.

همکاری گردان با گروه نامنظم شهید چمران و سپاه پاسداران بسیار عالی بود و برابر دستور گردان، تعدادی از اقلام و تجهیزات مثل ماسک و آمپول آتروپین و غیره به برادران گروه چمران دادیم. (دکتر چمران نماینده امام در شورای عالی دفاع بوده و مسئول ستاد عملیاتی جنگهای نامنظم بود.)

مزایای احداث سد و ایجاد تغییرات در منطقه

یکی از اشکالاتی که باعث شد ما در جبهه جلالیه متحمل خسارات و تلفات زیادی شویم این بود که خط پدافندی تعدادی از گردان‌های تیپ ۳ زرهی عقب‌تر از خط پدافندی تیپ ما

بود، بنابراین دشمن هم از روبرو و هم از پهلو نیروهای ما را مورد اصابت و آتشباری قرار می داد. پس از آب گرفتگی منطقه، دشمن مجبور شد که مواضع خود را ترک نموده و مواضع جدیدی در عقب ایجاد کند. بنابراین آتش دشمن قطع شد و احساس می کردیم که جنگ تمام شده، منطقه جلالیه که تا دیروز زیر آتش انبوه و پر حجم و بمباران دشمن بود اکنون آرامش کاملی در آن تحقق یافته و با عقب نشینی دشمن و آب گرفتگی منطقه به منظور صرفه جویی در قوا، تیپ ۱ زرهی در مورخه ۶۰/۱/۱۳ به منطقه بنه یگان ها واقع در حمیدیه تغییر مکان داده و به عنوان احتیاط لشکر ۱۶ شروع به بازسازی و اجرای شناسائی های لازم از منطقه غرب سوسنگرد نمود.

نگارش سرتیپ ۲ زرهی ایرج جمشیدی درباره درس‌ها و تجربیات ۸ سال دفاع مقدس^۱ نقش یگان‌های زرهی در جنگ:

در جنگ دوم جهانی، آمریکا در حدود ۹۰۰۰۰ و اتحاد شوروی ۶۰۰۰۰ تانک تولید کردند، آلمان، فرانسه و انگلستان هم هر کدام ۲۵۰۰۰ تانک وارد صحنه نبرد کردند. در مقاله‌ای می‌خواندم اتحاد جماهیر شوروی در پنج ماهه اول جنگ، در حدود ۱۸۰۰۰ تانک خود را از دست داد. از این مطلب بعداً نتیجه‌ای در جنگ خودمان خواهم گرفت. بعد از جنگ دوم جهانی، نبرد زرهی دیگری در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ بین اعراب و رژیم اشغالگر صورت گرفت و تجربیات زیادی به دست آمد. قبلاً هم گفته‌ام که نتایج جنگ، در همان میدان جنگ به دست می‌آید. با علوم، فیزیک و شیمی تفاوت می‌کند. اینها را می‌توان در آزمایشگاه امتحان کرد و حاصل را به دست آورد. ولی نظریه‌ها و آیین نامه‌ها و نظریات جنگ، هیچ‌وقت و هرگز پشت میز تجربه نمی‌شود. در جنگ اعراب و رژیم اشغالگر قدس نتایج بسیاری به دست آمد. در صحرای سینا هم کشورهای عربی و هم رژیم اشغالگر حدود ۴۰ درصد از تانک‌هایشان را از دست دادند. البته در اینجا هم باید بگوییم که تانک‌ها به صورت توده به کار می‌رفتند. در نتیجه تجربیات بسیار زیادی هم در اینجا به دست آمد. قبلاً بیان شد در عملیات نصر من با گوش خود شنیدم که رادیو بی بی سی می‌گفت بزرگترین جنگ تانک بعد از جنگ جهانی دوم. حالا البته در اینجا اغراق کردند. یا عمداً و یا اینکه گوینده و بررسی کننده واقعاً نمی‌دانست. بزرگترین جنگ تانک، بعد از جنگ جهانی دوم، جنگ اعراب و اسرائیل بود. یعنی جنگ ویتنام هم بود، جنگ کره هم بود ولی تقریباً بگوییم یک طرفه بود نه دو طرفه. آمریکایی‌ها بودند که تانک را به کار می‌گرفتند و آنهایی که می‌جنگیدند بر علیه تانک می‌جنگیدند. اینجا هم تجربیات بسیار زیادی به دست آمد. که تانک اصولاً چگونه ممکن است از بین برود، نفر پیاده با سلاح ضد زره می‌تواند تانک را از بین برده یا به آن صدمه بزند. یعنی ما به عنوان یک تجربه باید این را داشته باشیم. ما در این جنگ هم این تجربه را به دست آوردیم که چنانچه تانک، با نفر پیاده با هم هماهنگ نباشند بسیار آسیب پذیر است، به همین دلیل است که در سازمان

۱. مطالب این بخش، از آرشیو نوارهای صوتی مصاحبه هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی با فرماندهان ۸ سال دفاع مقدس که در سال ۱۳۹۲ انجام گرفته بود، استخراج شده است.

برای رزم یگان‌های زرهی با یگان‌های مکانیزه ترکیب می‌شوند. بعداً این مطلب را بیشتر تشریح می‌کنم. یگان‌های پیاده باید با تانک باشند در غیر این صورت تانک زمانی که به هدف می‌رسد در آنجا به احتمال زیاد به وسیله نفرات پیاده که روی هدف باقی می‌مانند، از بین می‌روند. عین این تجربه را لشکر ما (لشکر ۱۶ زرهی)، که من فرمانده لشکر بودم، داشتیم. دشمن در سال ۱۳۶۵ در منطقه عمومی فکه و زبیدات به ما حمله کرد، چون آن منطقه تپه‌ماهور بود، وقتی که به هدف رسیدند، به دلیل اینکه پیاده همراهشان نبود، پرسنل ما در مواضع دفاعی تعداد زیادی از تانک‌های دشمن را با سلاح‌های ضد تانک زدند. در نتیجه عملیات آنها در آنجا شکست خورد، فیلم عملیات که تانک‌های سوخته را نشان می‌دهد موجود است.

این خلاصه‌ای بود از تاریخچه یگان‌های زرهی تاکنون.

اما یگان‌های زرهی و تانک چه توانایی‌هایی دارند؟ تانک یک وسیله زرهی است که قادر است سوخت کافی، مهمات و خدمه‌اش را با خود حمل کند و در مسافت طولانی ببرد. تانک، حفاظت زرهی و قابلیت انعطاف دارد، قدرت آتش عالی، تحرک خوب و از همه مهمتر اثر ضربت دارد. اثر ضربت، اثری است که بر اثر تحرک و آتش روی روحیه یگان‌های مدافع می‌گذارد. تانک وقتی که روبروی نفر پدافند کننده قرار می‌گیرد، آنها از تانک وحشت می‌کنند. وقتی در جوار نفر پیاده قرار می‌گیرد، پیاده احساس قدرت می‌کند. یک حافظی را در جوار خودش می‌بیند. ما این را بسیار بسیار در جنگ تجربه کردیم. قابلیت انعطاف تانک، همه زمینی بودن و ارتباط مخابراتی عالی است. یعنی فرمانده قادر است با ارتباطی که با تانک می‌گیرد و اینکه در هر زمینی حرکت می‌کند و متکی به جاده نیست، می‌تواند تانک را به هر طرفی هدایت کند. بنابر این کاملاً در اختیار فرمانده است، یعنی این قابلیت انعطاف که برای یک تانک است برای یک یگان زرهی هم هست. یگان‌های زرهی، می‌توانند در جبهه دشمن رخنه کنند، رخنه را گسترش دهند، استفاده از موفقیت کنند، هدف‌هایی را در عمق منطقه تصرف کنند. یعنی در حقیقت استحکامات دشمن را دور بزنند. یگان‌های عمده‌ای از دشمن را دور بزنند و آنها را در محاصره قرار بدهند. یگان‌های زرهی از جناحین باز دشمن می‌توانند عمل احاطه‌ای انجام دهند. همین کاری که ما در عملیات نصر کردیم. یگان‌های زرهی قادر هستند عملیات دورانی انجام دهند. تفاوت عملیات دورانی با احاطه‌ای این است که این‌ها می‌توانند یگان‌های عمده

و استحکامات دشمن را دور بزنند و از عقب دشمن سر در آورند و در نتیجه دشمن را محاصره کنند و نابود کنند. یگان‌های زرهی عملیات پدافند متحرک انجام می‌دهند. کمتر در عملیات پدافند منطقه‌ای به کار می‌روند. چون اگر چنانچه یک یگان زرهی، یک تانک را در عملیات پدافند منطقه‌ای به کار بگیریم آن را به عنوان یک مبدأ آتش قرار داده ایم. و از سایر توانایی‌های آن استفاده لازم را نکرده ایم. اگر تانک در مواضع پدافندی برای مدت زیادی مستقر شود پرسنل آن هم فرسوده می‌شوند. همین کاری که در جنگ تحمیلی اتفاق افتاد.. بعداً این مطلب را بیشتر تشریح می‌کنم. پس توانایی‌های یک یگان زرهی عبارت است از ایجاد و گسترش رخنه، استفاده از موفقیت، تعاقب و تصرف اهدافی در عمق. اجرای عملیات احاطه‌ای، اجرای عملیات دورانی و پدافند متحرک. تانک بهترین وسیله‌ای برای انهدام یگان‌های زرهی دشمن است.

همین جا من یک نتیجه می‌گیرم به اینکه خدمه تانک باید به طور ویژه انتخاب شوند یعنی اینکه هر کسی بیاید و بخواهد حتی فرمانده زرهی شود، یا خدمه تانک نباید گزینش شود به دلیل اینکه تانک، قدر قدرت میدان نبرد است. در صورتی که خدمه آن هم چنین باشند! اگر نه، خدمه و فرمانده یگان زرهی بخواهند بترسند، تردید کنند، یا فرماندهان یگان‌های زرهی جرأت نکنند به اینکه یگان را به موقع به کار بگیرند، در نتیجه ممکن است هدف و مأموریت از دست برود. یک مثال برای شما در عملیات طریق‌القدس بیان می‌کنم، روزی بعد از ظهر در منطقه مگاسیس بودم، ۱۲۰ دستگاه تانک دشمن را در ۲، ۵ یا ۳ کیلومتری جلو دیدم. با خود گفتم اگر اینها حمله کنند، مگاسیس را به سادگی می‌گیرند. ما آن جا حدود ۵-۶ دستگاه تانک داشتیم اصلاً کاری نمی‌توانستیم بکنیم. تانک‌ها حمله را شروع کردند ولی به علت اینکه با نیروهای پیاده حمایت نمی‌شدند و اراده لازم را برای تهاجم نداشتند، ما به وسیله تانک‌های موجود، تفنگ ۱۰۶ و آرپی جی ۷ تعداد زیادی از آنها را زدیم. تانک وقتی زده می‌شود خدمه فرصت بسیار کمی برای خروج از تانک دارند. تانک اگر آتش بگیرد خدمه اون می‌سوزند وقتی که تانک آتش بگیره مثل این که در لانه مورچه آب بیفتد خدمه تلاش می‌کنند به هر طریقی خودشونو نجات بدهند تانک‌های دشمن به این دلیل منهدم شدند چون در اجرای مأموریت تردید داشتند، چرا این همه تانک را ما زدیم وقتی تانک تردید بکند برگردد بیشتر صدمه

میبیند، چرا برای این که پهلوی میده برای این که بی نظمی به وجود می آید تانک در حال فرار بهترین هدف برای سلاح های ضد تانک است. بنا بر این خدمه تانک باید جرات داشته باشد و نترسد باید با سرعت به طرف هدف حرکت کند، این تجربه من در جنگ است سرعت تانک اهمیتی بسیاری دارد چون اثر ضربت تانک در قدرت تحرک و سرعت تانک است اثر ضربت تانک روی پرسنلی که در مقابلش دفاع میکنند اثر روحی دارد و الی تانک اگر بخواد آرام بیاد هدف قرار می گیرد و منهدم می شود، بقیه تانک ها هم هم جرات نمی کنند به جلو بروند. تانک های امروز که البته بسیار پیشرفته هستند مثل تانک چیفتن که بعدا تشریح میکنم این ها دارای استاپ لیزر هستند و می توانند در حال حرکت تیر اندازی کنند، ولی این کافی نیست، تانک باید با سرعت حرکت بکند اما چه موقع با سرعت حرکت می کند؟ زمانی که خدمه تانک نترسند یعنی خدمه تانک فکر نکند الان من میرم جلو چه اتفاقی خواهد افتاد، خدمه تانک نباید بترسد این نظر بنده است که خدمه تانک باید از شجاع ترین افراد انتخاب شوند این واقعا برای آینده یگان های زرهی حائز اهمیت است. خدمه تانک باید انقدر تسلط بر جسم و روح خود داشته باشند که همه اعضای بدن او هماهنگ کار کنند هنگامی که چشمشون مسافت یاب رو می بیند و دستشون حرکت می کند + مسافت یاب رو هدف می گذارند وقتی نقطه مسافت + روی هدف منطبق می شود توپ هم روی هدف می آید، مسافت یاب حرکت می کند توپ هم حرکت می کند در این حالت باید توپچی قادر باشد اون تسلط را روی اعصابش داشته باشد، این که من دارم عرض می کنم در حالت عادی خیلی راحت است و لی در میدان جنگ خیلی سخته ما تو میدان تیر می توانیم این کار را بکنیم تو میدان تیر این هدف های متحرک رو می زنیم ولی تو میدان جنگ دیگه اینجور نیست تو میدان جنگ در روشنایی روز هم نمیشه هدف را دید برای این که توپخانه داره آتش می کند هواپیما بمباران می کند دشمن باتمام قدرت آتش می کند منطقه پر از دود است پر از خاک است، یعنی این خاکی که به هوا میره خاک سیاه است باروت هایی که منفجر میشن تمام این خاک رو سیاه میکنن در نتیجه دیدن هدف به سادگی مقدور نیست در این حالت خدمه هر لحظه جلوی خودش میبینه که یک تانک دارد آتش می گیرد خدمه تانک حتی هنگامی که می بیند که در کنارش برچک تانک پریده و یا تانکی آتش گرفته نباید بترسد و یا تعلل بکند باید خدمه این تسلط را داشته باشد که بتواند به

طرف جلو برود و نترسد. در اینجا است که باید بر اعصاب خود چنان تسلط داشته باشد که قادر باشد مغز، دست و چشمش را با هم هماهنگ کند تا بتواند به سرعت توپ رو روانه هدف کند. و پس از انهدام هدف به سرعت پیش برود و اثر ضربت خود را نشان دهد، در عملیات طریق القدس وقتی که عملیات کشف شد دشمن با تیر بارهای خودش تمام محورهای نفوذی ما را پوشاند به نحوی که نفرات پیاده قادر نبودند پیشروی کنند، من دستور دادم که تانک‌ها و نفر برها چراغ‌ها را روشن کنند و تیر اندازی بکنند. با آتش و حرکت به صورت هجومی به طرف خاکریزهای دفاعی دشمن با سرعت حرکت کنند. چون مطمئن بودم اون‌ها هدف را رها می‌کنند یعنی این اثر ضربت در روحیه آنها چنان خواهد بود که این‌ها مواضعشان را رها کنند و همین اتفاق هم افتاد.

یک مطلب بسیار مهم باید اینجا به عنوان افسر زرهی باید مطرح کنم که یگان‌های تانک در جنگ تحمیلی تا چه حد موثر بوده اند، ممکن است این سوال پیش بیاید که چون تمام عملیات‌ها با پیاده آغاز می‌شده و شبانه بوده زرهی در اینجا ارزشی نداشته در حالی که ۸۰ درصد موفقیت جنگ‌های ما مدیون یگان‌های زرهی بوده است.

بعداً من تشریح خواهم کرد زرهی چه کار کرده که ادعا می‌شود ۸۰٪ درصد موفقیت مادر جنگ مدیون یگان‌های زرهی بوده است وقتی که داریم حمله می‌کنیم یک گردان تانک حالا فرض می‌کنیم که مثلاً این گردان با ۵۰ یا ۴۰ دستگاه تانک یعنی ۴۰ یا ۵۰ دستگاه توپ، و ۸۰ یا ۱۰۰ قبضه تیربار به طرف دشمن می‌رود (هر تانک ۲ قبضه تیربار دارد) دشمن وحشت می‌کند و نفرات پیاده خودی که همراه تانک هستند احساس قدرت می‌کنند. حال اگر این تانک‌ها با سرعت، قدرت و اعتماد به نفس حرکت کنند ضربه روحی شدیدی به نفرات دشمن وارد می‌آید و توان ایستادگی و دفاع از او گرفته می‌شود.

در ۸ سال دفاع مقدس، همواره خط مقدم نبرد با تعدادی تانک تقویت می‌شد این تانک‌ها به یگان‌های پیاده امنیت و اعتماد به نفس می‌داد، پاتک‌های دشمن را که با انبوهی از تانک و نفربر زرهی صورت می‌گرفت خنثی می‌کرد. در تهاجم اولیه و غافلگیرانه ارتش بعث عراق، این یگان‌های زرهی، سوار زرهی و مکانیزه لشکرهای ۸۱، ۹۲ و تیپ ۳۷ زرهی بودند که با عملیات

تاخیری زمان لازم را تا ورود بقیه یگان‌های ارتش، سپاه و نیروهای مردمی کسب کردند. اگر چه پشتیبانی توپخانه قدرتمند، نیروی هوایی و هوانیروز قهرمان را نباید نادیده گرفت.

کاربرد تانک در منطقه کوهستانی کردستان:

اگر سوال شود، آیا حضور یگان زرهی در منطقه ای مثل کردستان منطقی بود یا نه، باید بگوییم از سر اجبار مجبور بودیم آن کار را بکنیم.

یگان زرهی وجودش در همه جا منطقی است یک اثر بسیار مطلوب بر نیروهای خودی دارد و یک ضربه روحی بر روی دشمن می‌گذارد اثر ضربت تانک یعنی جسه بزرگ، غرش و قدرت آتش تانک آن قدرتش یک اثر نا مطلوب روی دشمن می‌گذارد و توان رزمی را از اومی گیرد و یک قدرتی به نیروی خودی می‌دهد که چنین قدرتی در کنارش قرار دارد چون الان هم اگر شما در یک تلویزیون ببینید در همین عصر حاضر در همین حالا وقتی که ارتش ترکیه میخواهد برای وارد خاک عراق یا سوریه بشود میبینی تانک‌ها دارند حرکت می‌کنند پیاده‌ها دور و بر تانک هستند چون پیاده وقتی که با تانک حرکت می‌کند قدرت می‌گیرد دشمن وقتی که تانک را می‌بیند وحشت می‌کند منتها تانک باید تأمین بشود تانک به نوبه خود به شدت آسیب پذیر است یعنی از مسافت نزدیک ممکن هست تانک آسیب ببیند، تأمین تانک به وسیله پیاده است اگر پیاده همراه تانک نباشد و اطراف آن را از سلاح‌های ضد تانک پاک نکند تانک آسیب می‌بیند به نظر من که افسر زرهی هستم اثر تانک بسیار مطلوب هست در هر جایی که می‌خواهد باشد روی دشمن اثر می‌گذارد به ویژه اینکه نیروهای نا منظم سلاح‌های ضد تانک را سخت می‌توانند حمل بکنند مگر آر پی جی که صلاح سبکی است و اینها را اگر نیروهای پیاده که دور و برشان هستند پاک کنند تانک می‌تواند کمک شایانی به نیروهای پیاده در پاکسازی مناطق کوهستانی انجام دهد به هر حال جنگ برای هر دو طرف تلفات دارد، این نیست که فقط نفرات دشمن کشته شوند و تلفاتی به نیروهای ما وارد نشود، نه همچنین اتفاقی نمی‌افتد ما هم باید شهید بدهیم، مجروح بدهیم ولی باید تلاش کنیم چگونه مأموریت را با سرعت و با کمترین تلفات و خسارت انجام دهیم. لازم است به این نکته اشاره کنم که عبور گردان ما از گردنه خان برای آزادسازی شهر بانه با شناسایی قبلی و دانش کافی انجام نشد اگر می‌شد یقیناً دشمن آن نیرویی نبود که قادر باشد این همه تلفات به ما وارد کند. ما بایستی شناسایی قبلی و دانش کافی در مورد آن نیروهایی که

در آنجا مستقر بودند می داشتیم به هر ترتیب در هر عملیات همانطور که دشمن تلفات می بیند به نیروهای خودی هم تلفات و خساراتی وارد می شود. این تلفات و خسارات بستگی به توازن توان رزمی طرفین، اشراف اطلاعاتی و میزان آشنایی به منطقه، طراحی عملیات، استفاده از اصل غافلگیری است. اگر چه به علت ضعف شنایایی تلفات زیادی به نیروهای ما وارد شد، ولی توانستیم با قدرت از گردنه خان عبور کرده و منطقه بانه را به طور کامل پاکسازی کنیم. نتیجه کار اینکه یگان تانک با قدرت آتش حفاظت زرهی و تحرک خود نقش ارزنده‌ای در این عملیات داشت در کنار آن نباید فداکاری و توان یگان‌های پیاده، توپخانه، هوانیروز و سایر رزمندگان را نادیده گرفت اصولاً یک عملیات موفق در سایه همکاری و هماهنگی رسته‌ها، طراحی و هدایت قاطع و خردمندانه عملیات امکان‌پذیر است.

فصل پنجم

**مشخصات تانک‌ها و خودروهای زرهی مورد
استفاده ایران و عراق در جنگ تحمیلی**



اسکورپیون

اسکورپیون

اف وی ۱۰۱ اسکورپیون (به انگلیسی: Scorpion ۱۰۱FV) نوعی خودرو شناسایی زرهی یا تانک سبک بریتانیایی است. اسکورپیون خودرو پیشرو و دارای قابلیت آتش پشتیبان در بین هفت نوع خودرو رزمی شناسایی شنی دار (CVR-T) ارتش بریتانیا محسوب می‌شد که در دهه ۱۹۶۰ در کمپانی آلویس طراحی و از سال ۱۹۷۳ وارد ارتش بریتانیا شد. در مجموع بیش از ۳ هزار دستگاه اسکورپیون ساخته شد. این تانک سبک تا سال ۱۹۹۵ در ارتش بریتانیا در حال فعالیت بود و هم‌اکنون نیز استفاده از آن در برخی ارتش‌های دیگر دنیا از جمله ایران، ایرلند، فیلیپین و بوتسوانا به عنوان خودرو زرهی شناسایی و تانک سبک ادامه دارد.

اسکورپیون واژه‌ای انگلیسی از ریشه یونانی به معنی عقرب است. انتخاب این نام به دلیل شکل ظاهری این خودرو است که با قرار گرفتن برجک و توپ در قسمت عقب خودرو به عقرب شباهت پیدا کرده است.

سلاح اصلی این خودرو جنگی توپ کم‌شتاب ۷۶ میلی‌متری با ۴۰ تا ۴۲ گلوله است که یک تیربار ۷/۶۲ ال ۷ با ۳ هزار فشنگ نیز هم‌محور با آن قرار داده شده است و دو نارنجک‌انداز دودزا نیز در طرفین خودرو قرار گرفته‌اند. موتور اصلی این خودرو موتور بنزینی ۶ سیلندر ایکس ۶۱ جگوار بود که سپس با موتور دیزلی کامینز و پرکینز جایگزین شد. در ارتش ایرلند این موتور با موتور پر قدرت تر ۶ سیلندر دیزلی اشتایر موتورز ام ۱۶ جایگزین شده است.

انواع:

۱- اسکورپیون ۹۰ یا اسکورپیون ۲ مدل دیگر این خودرو است که با توپ پرقدرت تر ۹۰ میلی‌متری با لوله بلندتر برای بازار صادراتی ساخته شده تا قابلیت ضد تانک بهتری به این خودرو ببخشد.

۲- خودرو شناسایی زرهی توسن که مقامات ایران یک بار در سال ۱۳۷۶ و بار دیگر در سال ۱۳۸۷ اعلام کردند که تولید انبوه آن را آغاز کرده‌اند. این خودرو برگرفته از اسکورپیون است اما به جای توپ ۷۶ مم از توپ ۹۰ میلی‌متری استفاده می‌کند و یک پرتابگر موشک تاو نیز بر روی آن نصب شده است.



اسکورپیون در میدان رزم



تانک ام ۴۷ در خط مقدم جنگ تحمیلی

تانک ام ۴۷

ام ۴۷ یک تانک متوسط آمریکایی بود که با پیشرفت طرح تانک ام ۴۶ پاتون در اوایل دهه ۱۹۵۰ ساخته شد. این تانک به عنوان تانک اصلی نیروی زمینی و تفنگداران دریایی و جایگزین تانک‌های ام ۴۶ و ام ۴ شرمین وارد ارتش آمریکا شد اما در این ارتش در هیچ جنگی شرکت نکرد.

۴۰۰ تانک ام ۴۷ دست دوم در دهه ۱۹۵۰ توسط ایران دریافت شد و در اواخر دهه ۱۹۶۰ با موتور و سیستم کنترل آتش ام ۶۰ تحت عنوان ام ۴۷ام بهینه شد و در دوران جنگ ایران و عراق شرکت داشتند.

مشخصات کلی:

تانک ام ۴۷	
نوع	تانک متوسط
خاستگاه	ایالات متحده آمریکا
تاریخچه خدمت	
خدمت	۱۹۵۲ تا اوایل دهه ۱۹۶۰ (در آمریکا)
جنگ‌ها	جنگ شش روزه، جنگ ایران و عراق، جنگ هند و پاکستان

مشخصات تانک‌ها و خودروهای زرهی مورد استفاده ایران و عراق در جنگ تحمیلی / ۲۴۷

تاریخ تولید	
طراح	زرادخانه تانک دیترویت
تاریخ تولید	۱۹۵۱ تا ۱۹۵۳
تعداد تولید شده	۸۵۷۶
خصوصیات	
وزن	۴۶/۱ تن (آماده نبرد)
طول	۸/۵۱ با لوله، ۶/۳۵ بدون لوله سلاح
عرض	۳/۵۱ متر
ارتفاع	۳/۳۵ متر
خدمه	۵ نفر (فرمانده، راننده، توپچی، توپ‌گذار، کمک‌راننده)
زره	۱۰۰ میلی‌متر زره فولادی یکپارچه
تسلیمات اولیه	توپ ۹۰ میلی‌متری
تسلیمات ثانویه	۲ تیربار ۷/۶۲ مم ام ۱۹۱۹ براونینگ هم‌محور و روی بدنه ۱ تیربار ۱۲/۷ مم ام ۲ براونینگ روی سقف
سوخت ظرفیت	۸۸۰ لیتر
برد عملیاتی	۱۶۰ کیلومتر در شرایط متوسط



ام ۴۸ مدل ۱۱

تانک ام ۴۸

ام ۴۸ در واقع یک تانک موقت بود تا زمانی که طرح نخستین تانک اصلی میدان نبرد آمریکایی‌ها یعنی ام ۶۰ نهایی شده و به تولید برسد. در دوران پس از جنگ جهانی دوم تقریباً تمام کشورها ایده استفاده از تانک‌های سبک، متوسط، سنگین و فوق سنگین را کنار گذاشته و جذب ایده طراحی و استفاده از فقط یک نوع تانک شده بودند که قدرت انجام تمامی مأموریت‌های انواع مختلف تانک‌ها را داشته باشد. این طبقه جدید از تانک‌ها تانک اصلی میدان نبرد (main battle tank) به اختصار MBT نامیده می‌شدند.

البته ام ۴۸ که با ورود خود جایگزین تانک‌های متوسط ام ۴۷ شرمین و ام ۴۷ پاتون شده بود، حتی بعد از ورود ام ۶۰ در سال ۱۹۶۱ نیز به خدمت نظامی خود ادامه داد و در نقش تانک اصلی میدان نبرد در خدمت نیروی زمینی و تفنگداران دریایی آمریکا در جنگ ویتنام بود. تعدادی از آن‌ها با بهینه‌سازی‌ها و اصلاحات مستمری که در طول سال‌ها بر روی آن‌ها انجام شد توانستند تا دهه ۱۹۸۰ در ارتش آمریکا به فعالیت خود ادامه دهند و هنوز نیز در برخی ارتش‌ها در خدمت فعال نظامی قرار دارند. آخرین بهینه‌سازی ام ۴۸ در ارتش آمریکا ام ۵۴۸ نام داشت که از توپ و مهمات استاندارد ۱۰۵ میلی‌متری ام ۶۰ استفاده می‌کرد. البته سلاح اصلی ام ۴۸ توپ ۹۰ میلی‌متری بود.

سیستم کنترل آتش ام ۴۸-۳۱ وقتی که برای نخستین بار در دهه ۱۹۶۰ برای مقابله با تانک‌های شوروی در اروپا مستقر شدند در ایده‌آل‌ترین شرایط خود بود. یک خدمه تانک با

مشخصات تانک‌ها و خودروهای زرهی مورد استفاده ایران و عراق در جنگ تحمیلی / ۲۴۹

تجربه با کار گروهی عالی قادر بود که شلیک اول را به احتمال ۹۰ درصد به هدف برساند. در آزمایش‌ها این تانک‌ها قادر بودند تا در حالی که با سرعت ۲۰ کیلومتر بر ساعت در حال حرکت هستند، توقف کرده، هدف را شناسایی و با شلیک اول هدف را در فاصله ۲ هزار متری منهدم کنند و کل این تمرین فقط ۷ ثانیه به طول می‌کشید. البته این سیستم کنترل آتش مجهز و پیچیده در جنگ ویتنام کاملاً بی‌استفاده بود. به همین جهت بسیار اتفاق می‌افتاد که توپچی تانک از برجک خارج شده و با یک تفنگ ام‌۱۶ یا نارنجک‌انداز ام‌۷۹ دفاع نزدیک را انجام دهد. ضمن اینکه قرار گرفتن بر روی برجک باعث محافظت بیشتر سربازان از مین‌های احتمالی هم می‌شد.

۲۶۰ دستگاه تانک ام‌۴۸ ۱۱ دست‌دوم در سال‌های ۲-۱۹۶۱ توسط ایران از آمریکا خریداری شد.



ام‌۴۸ در میدان رزم

مشخصات کلی:

ام‌۴۸	
نوع	تانک متوسط
خاستگاه	ایالات متحده آمریکا
تاریخچه خدمت	

خدمت	۱۹۵۳-۱۹۹۰ ایالات متحده امریکا
جنگ‌ها	جنگ ویتنام، جنگ شش‌روزه، جنگ یوم کیپور، جنگ ایران و عراق، جنگ داخلی لبنان
تاریخ تولید	
تاریخ طراحی	۱۹۵۱ تا ۱۹۵۳
تاریخ تولید	۱۹۵۲ تا ۱۹۵۹
تعداد تولید شده	حدود ۱۲ هزار
خصوصیات	
وزن	۴۵ تن
طول	۹/۳ با لوله، ۶/۷۶ بدون لوله سلاح
عرض	۳/۶۵ متر
ارتفاع	۳/۱ متر
خدمه	۴ نفر
زره	۱۲۰ میلی‌متر زره فولادی یکپارچه
تسلیمات اولیه	توپ ۹۰ میلی‌متری (توپ ۱۰۵ ام ۶۸ در ام ۵۴۸ و مدل‌های بعدی)
تسلیمات ثانویه	تیربار ۷/۶۲ مم ام ۷۳ هم‌محور تیربار ۱۲/۷ مم ام ۲ براونینگ دفاع هوایی
موتور	موتور دیزلی AVDS-1790-2 V12 از دهه ۱۹۷۰ ۷۵۰ اسب بخار
قدرت/وزن	۱۶/۶ اسب بخار به تن
سوخت ظرفیت	۷۵۷ لیتر
برد عملیاتی	۴۶۱ کیلومتر در جاده
سرعت	جاده: ۴۸ کیلومتر در ساعت



تانک ام ۶۰

تانک ام ۶۰

ام ۶۰ نخستین تانک رزمی اصلی آمریکایی بود که در سال ۱۹۶۰ تولید شد و سال‌ها مورد استفاده آمریکا و متحدان آن در جنگ سرد قرار داشت. ام ۶۰ هرچند در ارتش آمریکا با ام ۱ ابرامز جایگزین شده اما استفاده از آن هنوز در بسیاری از کشورها ادامه دارد. طراحی ام ۶۰ بر اساس تانک متوسط ام ۴۸ صورت گرفت که تا پیش از تولید ام ۶۰ تانک اصلی ارتش آمریکا بود. پیشرفت‌های ام ۶۰ نسبت به ام ۴۸ شامل استفاده از توپ نیرومندتر ۱۰۵ میلی متری به جای توپ ۹۰ مم ام ۴۸، استفاده از چرخ‌های آلومینیومی به جای فولادی، زره قوی‌تر و ضخیم‌تر، موتور دیزلی قوی‌تر با توان ۷۵۰ اسب بخار، و افزایش برد عملیاتی به ۴۸۰ کیلومتر می‌شد.

ام ۱۹۶۰

اولین مدل بهینه‌شده ام ۶۰ در سال ۱۹۶۳ با نام ام ۱۹۶۰ طراحی شده و تولید آن تا سال ۱۹۸۰ ادامه یافت. این مدل از یک برجک بزرگتر با طراحی بهتر، محافظت زرهی و سیستم جذب ضربه بهتر و همچنین پایدارکننده سلاح اصلی سود می‌برد. با این حال این تانک قادر نبود تا در هنگام حرکت با دقت خوبی شلیک کند چون سیستم پایدارکننده توپ فقط آن را در جهت حرکت تانک ثابت نگه می‌داشت با این حال امکان شلیک دقیق مسلسل هم‌محور وجود داشت.

تانک صمصام

تانک صمصام نام مدل بهینه شده ام ۱۴۰ در ایران است. ایران ۴۶۰ عراده ام ۱۴۰ را در سال‌های ۷۰-۱۹۶۹ از آمریکا خریداری کرده بود. مهم‌ترین اصلاحات شامل نصب سیستم کنترل آتش اسلوونیایی ئی اف سی اس-۳ که در دیگر تانک‌های ایرانی هم کاربرد دارد، سامانه پایدارگر سلاح، تجهیزات دید در شب، سامانه هشداردهنده لیزری و زره واکنشی انتخابی است.

مشخصات کلی:

ام ۶۰	
نوع	تانک رزمی اصلی
خاستگاه	ایالات متحده آمریکا
تاریخچه خدمت	
خدمت	۱۹۶۱ تا ۱۹۹۷ (آمریکا)
جنگ‌ها	جنگ ویتنام، جنگ یوم کیپور، جنگ ایران و عراق، جنگ خلیج فارس،
تاریخ تولید	
تاریخ تولید	۱۹۶۰ تا ۱۹۸۷
تعداد تولید شده	بیش از ۱۵ هزار دستگاه
خصوصیات	
وزن	۴۶ تن
طول	۶٫۹۴ متر
عرض	۳٫۶۳ متر
ارتفاع	۳٫۲۱ متر
خدمه	۴ نفر
زره	۱۵۵ میلی‌متر

مشخصات تانک‌ها و خودروه‌ای زرهی مورد استفاده ایران و عراق در جنگ تحمیلی / ۲۵۳

توپ ۱۰۵ میلی‌متری ام ۶۸	تسلیمات اولیه
تیربار ۷/۶۲ م م ام ۷۳ هم‌محور	تسلیمات ثانویه
تیربار ۱۲/۷ م م ام ۸۵ دفاع هوایی	
۷۵۰ اسب بخار (۵۶۰ کیلووات)	موتور
۱۵/۸ اسب بخار به تن	قدرت/وزن
۱۴۵۷ لیتر	سوخت ظرفیت
۵۰۰ کیلومتر در جاده	برد عملیاتی
جاده: ۴۸ کیلومتر در ساعت	سرعت



ام ۱۶۰



نفربر ام ۱۱۳

نفربر ام ۱۱۳

ام ۱۱۳ نوعی نفربر زره‌پوش آمریکایی که در سال ۱۹۶۰ به ارتش ایالات متحده آمریکا پیوسته و نیروهای مسلح بیش از ۵۰ کشور دیگر دنیا نیز آن را به کار گرفته‌اند.

ام ۱۱۳ یک خودروی شنی‌دار جعبه‌مانند است که مدل پایه آن حدود ۱۲ تن وزن، ۲/۵ متر ارتفاع، ۲/۷ متر عرض و ۴/۸۶ متر طول دارد و به یک تیربار ام ۲ برونینگ مسلح است. نفربر ام ۱۱۳ با یک راننده و یک فرمانده هدایت می‌شود و ظرفیت حمل ۱۱ سرباز را دارد که از در پشت نفربر برای ورود و خروج استفاده می‌کنند. اولین مدل ام ۱۱۳ از موتور بنزینی استفاده می‌کرد که خیلی سریع در سال ۱۹۶۴ با موتور دیزلی ساخت دیترویت دیزل به قدرت ۲۱۲ اسب بخار جایگزین شد و در سال‌های بعد موتورهای پرقدرت‌تری برای آن ساخته شد.

در این زره‌پوش از یک زره آلومینیومی جدید استفاده شده که وزن نفربر را نسب به نفربرهای قبلی آمریکایی به طور چشمگیری کاهش می‌داد. این کاهش وزن امکان انتقال آن با هواپیماهای ترابری و همچنین انجام عملیات آبی خاکی را برای آن مهیا می‌کرد. ضخامت زره در قسمت جلوی ام ۱۱۳ به ۳۸ میلی‌متر می‌رسد.

با شروع دهه ۱۹۸۰ میلادی نفربرهای ام ۱۱۳ ارتش آمریکا برای مأموریت‌های خط مقدم به مرور با خودرو جنگی پیاده‌نظام ام ۲ بردلی جایگزین شدند. ولی همچنان تعداد انبوهی از

آنها در نیروهای مسلح آمریکا در حال خدمت هستند. به طوری که در مجموع نیمی از خودروهای زره‌پوش جنگی ارتش آمریکا را مدل‌های مختلف ام ۱۱۳ تشکیل می‌دهند. ارتش ایالات متحده قصد دارد برنامه استفاده از این نفربر را تا سال ۲۰۲۸ ادامه دهد و در این زمان آن را از خدمت خارج کند.

برآورد می‌شود تاکنون بیش از ۸۰۰۰۰ ام ۱۱۳ (انواع مختلف) ساخته شده باشد که در ۵۰ کشور دنیا در حال خدمت هستند. به این ترتیب ام ۱۱۳ یکی از پرشمارترین و رایج‌ترین خودروهای زره‌پوش تاریخ محسوب می‌شود.

انواع

انعطاف‌پذیری و چندکارگی ام ۱۱۳ در کنار قیمت ارزان باعث شده تا مدل‌هایی مختلفی از آن برای ارتش آمریکا و کشورهای دیگر دنیا ساخته شود. مدل‌هایی از ام ۱۱۳ برای مأموریت‌های حمایتی مختلف مانند خودرو تعمیر و بازیابی، آمبولانس زره‌پوش، خودرو شکارچی تانک (ام ۹۰۱ با دو لانچر شلیک موشک تاو)، خودرو فرماندهی، خودرو مهندسی، خمپاره‌انداز، توپ خودکشی (ام ۱۰۸ با هویتزر ۱۰۵ م م ام ۱۰۱)، توپ ضدهوایی (ام ۱۶۳ با ضدهوایی شش لول ام ۶۱ والکان)، سیستم موشکی ضدهوایی، آتش پشتیبان پیاده‌نظام، خودرو زرهی شناسایی (ام ۱۱۴)، خودرو ناظر و راهنمای توپخانه، خودرو جنگی پیاده‌نظام (ای آی افوی)، کشنده توپخانه‌ای، حمل و نقل مهمات و حمل‌ونقل رادار ساخته شده است. در واقع ام ۱۱۳ به هر خودرو زره‌پوشی که می‌توان تصور کرد تبدیل شده است.

مشخصات کلی:

نفربر زره‌پوش ام ۱۱۳	
نوع	نفربر زره‌پوش
خاستگاه	ایالات متحده آمریکا
تاریخچه خدمت	
خدمت	۱۹۶۰-تاکنون

استفاده شده توسط	خدمت
جنگ‌ها	جنگ ویتنام
	جنگ یوم کیپور
	جنگ ایران و عراق
	جنگ خلیج فارس
	جنگ کوزوو
	حمله ایالات متحده به پاناما
	عملیات آزادی بلندمدت
تاریخ تولید	
تعداد تولید شده	۸۰۰۰۰
خصوصیات	
وزن	۱۲/۳ تن
طول	۴/۸ متر
عرض	۲/۶ متر
ارتفاع	۲/۵ متر
خدمه	۲ نفر
سرنشینان	۱۱ مسافر



بی‌ام‌پی ۱ عراقی پس از جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس

بی‌ام‌پی ۱

نخستین خودرو جنگی پیاده‌نظام طراحی و ساخت شوروی است که از سال ۱۹۶۶ وارد ارتش سرخ شده و تولید انبوه آن آغاز شد. این خودرو شنی‌دار و آبی - خاکی در رژه سال ۱۹۶۷ نیروهای مسلح شوروی به دنیا معرفی شد و در زمان خود یک طرح انقلابی محسوب می‌شد که ویژگی‌ها و قابلیت‌های یک نفربر زرهپوش و یک تانک سبک را در خود جمع کرده بود. بی‌ام‌پی ۱ چهره نبردهای پیاده‌نظام را برای همیشه تغییر داده و باعث به وجود آمدن تغییرات زیادی در بحث تاکتیک‌های جنگی پیاده‌نظام و طراحی نفربرها در کل جهان شد. این خودرو در مجموع قدرت آتش و عملکرد بهترین در مقایسه با همتایان غربی خود از جمله نفربر آمریکایی ام ۱۱۳ داشت.

بی‌ام‌پی مخفف واژه روسی بویوایا ماشینا پخوتی به معنی خودرو جنگی پیاده‌نظام است که به نامی عمومی برای توصیف این گروه از خودروهای زره‌پوش جنگی تبدیل شده است. بی‌ام‌پی ۱ از حفاظت کامل در مقابل عوامل شیمیایی-میکروبی و هسته‌ای برخوردار بود چرا که استراتژیست‌های نظامی شوروی معتقد بودند جنگ‌های آینده در فضایی آغشته به این نوع آلودگی‌ها اتفاق خواهد افتاد. با استفاده از چنین زرهپوشی پیاده‌نظام روس‌ها می‌توانستند در پناه زره و محافظت رادیواکتیو وارد مناطق آلوده شده و از داخل نفربر با استفاده از دریچه‌های شلیک که بر روی بدنه آن تعبیه شده بود با تفنگ شخصی خود با دشمن درگیری شوند. تحرک بالای این خودرو، توانایی گذر از آب و نسبت وزن به قدرت مناسب آن قدرت

جایابی پیاده‌نظام را افزایش می‌داد. ضمن اینکه بی‌ام‌پی می‌توانست در کنار تانک‌های خودی قرار گرفته و آن‌ها را همراهی کند. همچنین سربازان در صورت لزوم می‌توانستند از خودرو پیاده شده و از آتش حمایتی بی‌ام‌پی ۱ هم بهره‌مند باشند.

کاربرد

بی‌ام‌پی ۱ تا سال ۱۹۸۲ در شوروی تولید می‌شد و به ده‌ها کشور صادر شد. مدل‌های دیگری از این خودرو در کشورهای چین (با نام تیپ-۸۶)، در ایران (با نام براق)، در چکسلواکی و در رومانی هم تولید شده‌اند و در مجموع بیش از ۲۰ هزار دستگاه از مدل‌های مختلف بی‌ام‌پی ۱ در کشورهای مختلف تولید شده‌اند. این خودرو در ارتش شوروی جای نفربرهای چرخ‌دار بی‌تی آر-۱۵۲ و بی‌تی آر-۶۰ و نفربر شنی‌دار بی‌تی آر-۵۰ را گرفت. ۶۵۸ دستگاه بی‌ام‌پی ۱ هنوز در خدمت نظامی ارتش روسیه قرار دارد هرچند بیشتر آن‌ها از رده خارج شده و با بی‌ام‌پی ۲ و بی‌ام‌پی-۳ جایگزین شده‌اند.

بی‌ام‌پی ۱ نخستین بار در جنگ ۱۹۷۳ اعراب و رژیم اشغالگر مورد استفاده نیروهای مصری و سوری قرار گرفت. در این جنگ نیروهای مصری برای گذر از کانال سوئز از بی‌ام‌پی ۱ استفاده کردند. هرچند تحرک خوب این خودرو امتیاز آن محسوب می‌شد اما زره بی‌ام‌پی در مقابل آتش دشمن چندان کارساز نبود و ده‌ها دستگاه از آن‌ها هم به غنیمت اسرائیل درآمدند.

مشخصات و ویژگی‌های فنی

وزن اولین مدل بی‌ام‌پی ۱ حدود ۱۲/۶ تن بود که در مدل بی‌ام‌پی ۱دی تا ۱۴/۵ تن افزایش یافت. بی‌ام‌پی ۳ نفر خدمه شامل راننده، فرمانده و توپچی داشته و توانایی حمل ۸ سرباز را دارد. درهای ورود سربازان در عقب خودرو قرار گرفته‌اند. بی‌ام‌پی ۱ با ۲/۱ متر ارتفاع بسیار کمی دارد. این ارتفاع کم هدف قرار گرفتن آن را بسیار دشوار می‌سازد اما از طرف دیگر بر روی راحتی و کیفیت کار سرنشینان بی‌ام‌پی تأثیر منفی دارد.

نیروی محرکه بی‌ام‌پی ۱ از یک موتور دیزلی با قدرت ۳۰۰ اسب بخار تأمین می‌شود. حداکثر سرعت بی‌ام‌پی ۱ در جاده ۶۵ کیلومتر، خارج از جاده ۴۵ کیلومتر و در آب ۸ کیلومتر است. این خودرو همچنین توانایی عبور از موانع عمودی به ارتفاع ۸۰ سانتی‌متر و خاکریزهایی به عمق ۲/۵ متر را دارد. برد عملیاتی این خودرو با سوخت کامل حداکثر ۶۰۰ کیلومتر است.

راننده و فرمانده به دید تلسکوپی با استفاده از چند پریسکوپ و دوربین دید در شب مجهز بودند و یک دستگاه بی‌سیم برای استفاده فرمانده در خودرو قرار داشت. کابین توپچی که در سمت چپ سلاح اصلی قرار دارد هم به دید تلسکوپی، سیستم دید در شب، مسافت‌یاب بصری، و جستجوگر نوری سفید مجهز بود.

سلاح اصلی این نفربر یک توپ بدون خان ۷۳ میلی‌متری A38۲ با برد مفید ۸۰۰ متر و نرخ شلیک حداکثر ۱۰ گلوله در دقیقه بود و ۴۰ گلوله برای آن در داخل نفربر حمل می‌شد. بر روی این توپ یک پرتابگر موشک ضدتانک مالیوتکا (ای‌تی-۳ سگر) با برد مفید ۲ تا ۴ کیلومتر قرار گرفته بود که در مدل‌های بعدی با موشک‌های پیشرفته‌تر ای‌تی-۴ و ای‌تی-۵ جایگزین شدند. این ترکیب نوآورانه توانایی بالایی به این زرهپوش برای نبرد با تانک‌های دشمن می‌بخشید. یک قبضه مسلسل ۷/۶۲ م‌م پی‌کا هم به عنوان سلاح ضدنفر با ۲ هزار فشنگ در برجک کوچک بی‌ام‌پی ۱ قرار گرفته بود.

زره بی‌ام‌پی ۱ در قسمت جلو شیب بسیار تندی دارد. قطر زره در قسمت پایین جلوی بدنه ۱۹ میلی‌متر فولاد ورقه‌ای با شیب ۵۷ درجه است و در قسمت بالای جلو ۷ میلی‌متر با زاویه ۸۰ درجه. زره بخش فوقانی قسمت کنار بدنه ۱۶ میلی‌متر با زاویه ۱۴ درجه و بخش زیرین ۱۸ میلی‌متر با زاویه صفر است. عقب خودرو از زره ۱۶ میلی‌متری با زاویه ۱۹ درجه برخوردار است. روی بدنه ۶ میلی‌متر و کف آن ۷ میلی‌متر زره دارد. سپر زرهی سلاح بی‌ام‌پی ۲۶ تا ۳۳ میلی‌متر قطر دارد و زره برجک در قسمت جلو ۲۳ میلی‌متر با زاویه ۴۲ درجه، در قسمت کنار ۱۹ میلی‌متر با زاویه ۳۶ درجه، در قسمت عقب ۱۳ میلی‌متر با زاویه ۳۰ درجه و در سقف برجک ۶ میلی‌متر است. با این زره بی‌ام‌پی ۱ تقریباً محافظت کامل در مقابل گلوله‌های ۷/۶۲ میلی‌متری داشته و قسمت جلویی آن هم در مقابل گلوله‌های ۱۲/۷ میلی‌متر مقاومت داشت. ضمن اینکه شیب تند قسمت جلو احتمال کمانه کردن گلوله را افزایش می‌داد.

نقاط ضعف:

ایرادات اصلی این خودرو زرهپوش جنگی در جنگ شوروی در افغانستان مشخص شد. در واقع بی‌ام‌پی برای جنگ در دشت‌های هموار اروپا و رویارویی با واحدهای زرهی نیروهای ناتو طراحی شده بود. در حالی که در محیط کوهستانی افغانستان دشمن اصلی بی‌ام‌پی‌ها مین‌ها و

راکت‌های آرپی‌جی شورشیان افغان بود. در آنجا مشخص شد که بی‌ام‌پی ۱ بسیار در مقابل مین‌های ضدتانک آسیب‌پذیر است. در صورتی که یک مین ضدتانک زیر شنی سمت چپ بی‌ام‌پی منفجر می‌شد باعث مرگ یا جراحت شدید راننده و فرمانده خودرو و مرگ دردناک آن‌ها می‌شد. سلاح بی‌ام‌پی ۱ هم که در زمان خود ترکیب نوآورانه‌ای محسوب می‌شد به مرور به سلاحی منسوخ تبدیل شده بود. توپ ۷۳ میلی‌متری برد مفید کمی داشته و دقت آن در مسافت‌های دور به شدت کاهش می‌یافت. ضمن اینکه با تقویت زره تانک‌ها کاربرد ضدتانک خود را هم تا حد زیادی از دست داده بود. همچنین این توپ قابلیت تحرک محدودی به بالا یا پایین داشت و این نقطه ضعف مهمی در مناطق کوهستانی محسوب می‌شد. موشک مالیوتکا هم سیستم هدایتی بسیار دشوار و در نتیجه دقت پایینی داشت.

اندازه کوچک بر جک یک‌نفره بی‌ام‌پی و ارتفاع پایین خودرو باعث می‌شد تا هدف قرار گرفتن آن بسیار دشوار باشد، اما فضای بسیار بسته داخلی کیفیت کار خدمه را کاهش می‌داد. مشکلی که تقریباً در اکثر خودروهای زرهی روسی دیده می‌شود. مشکل دیگر این خودرو که ایراد اغلب زره‌پوش‌های روسی است قرار گرفتن مهمات در کنار قسمت جنگی نفربر است. این وضعیت باعث می‌شود با برخورد یک گلوله یا حتی موج انفجار آن تمامی مهمات یکباره منفجر شده و باعث انهدام کل نفربر و مرگ تمام یا بیشتر سرنشینان شود.

نتیجه طرح بهبود کیفیت بی‌ام‌پی ۱ خودرویی بود که با نام بی‌ام‌پی ۲ از سال ۱۹۸۰ وارد خط تولید شد. بدنه بی‌ام‌پی ۲ تفاوت قابل‌ذکری با بی‌ام‌پی ۱ نداشت اما بر جک کاملاً جدیدی برای آن طراحی شده بود و سلاح اصلی ۷۳ میلی‌متری با یک توپ اتوماتیک ۳۰ میلی‌متری جایگزین شده بود.

مشخصات کلی:

بی‌ام‌پی ۱	
نوع	خودرو جنگی پیاده‌نظام
خاستگاه	اتحاد جماهیر شوروی
تاریخچه خدمت	

خدمت	۱۹۶۰-تاکنون
استفاده شده توسط	شوروی، چین، ایران، عراق، سوریه، مصر، چکسلواکی، آلمان شرقی و...
جنگ‌ها	جنگ یوم کیپور جنگ شوروی در افغانستان و جنگ ایران و عراق جنگ خلیج فارس
تاریخ تولید	
تاریخ تولید	۱۹۶۶ - ۱۹۸۲
تعداد تولید شده	بیش از ۲۰ هزار
خصوصیات	
وزن	۱۳/۲ تن
طول	۶/۷ متر
عرض	۲/۷۴ متر
ارتفاع	۲/۱ متر
خدمه	۳ نفر (فرمانده، راننده و توپچی)
سرنشینان	۸ سرباز
موتور	موتور دیزلی ۶ سیلندر ۳۰۰ اسب بخار در ۲۶۰۰ دور در دقیقه
قدرت/وزن	۲۲/۷



بی‌ام‌پی ۲

بی‌ام‌پی ۲

نوعی خودرو جنگی پیاده‌نظام طراحی و ساخت شوروی است که در دهه ۱۹۸۰ با ارتقا و بهبود بی‌ام‌پی ۱ معرفی شد.

بی‌ام‌پی ۲ به‌طور کلی مشابه بی‌ام‌پی ۱ بود و مهمترین تفاوت‌های آن را می‌توان این موارد دانست:

- جایگزینی برجک یک‌نفره بی‌ام‌پی ۱ با یک برجک بزرگتر دونفره که در آن توپ مسلسل ۳۰ مم A42۲ جایگزین توپ کم‌فشار ۷۳ مم و موشک‌های ضدتانک آتی-۴ فاگوت و آتی-۵ کنکورس جایگزین موشک قدیمی آتی-۳ (مالیوتکا) شده بودند.
- ظرفیت حمل سرباز خودرو یک نفر کاهش یافته و به هفت نفر رسیده بود.
- در بی‌ام‌پی ۱ سه دریچه روی سقف در قسمت سربازان وجود داشت ولی در بی‌ام‌پی ۲ فقط دو دریچه.
- زره بی‌ام‌پی ۲ کمی تقویت شده بود.

مشخصات کلی:

بی‌ام‌پی ۲	
خودرو جنگی پیاده‌نظام	نوع
اتحاد جماهیر شوروی	خاستگاه

تاریخچه خدمت	
۱۹۸۰-اکنون	خدمت
شوروی ، روسیه ، ایران ، اوکراین ، چین ، هند ، سوریه ، مصر ، جمهوری چک و.....	استفاده شده توسط
جنگ شوروی در افغانستان	جنگ‌ها
جنگ ایران و عراق	
جنگ خلیج فارس	
جنگ داخلی آنگولا	
جنگ قره‌باغ	
جنگ افغانستان (۲۰۰۱-۲۰۱۴)	
جنگ عراق	
جنگ اوستیای جنوبی ۲۰۰۸	
جنگ داخلی سوریه	
خصوصیات	
۱۴/۳ تن	وزن
۶/۷۵ متر	طول
۳/۱۵ متر	عرض
۲/۴۵ متر	ارتفاع
۳ نفر (فرمانده ، راننده و توپچی)	خدمه
۷ سرباز	سرنشینان
حداکثر ۳۳ میلیمتر	زره
توپ مسلسل ۳۰ مم	تسلیحات اولیه
موشک ضدتانک آتی-۴ و آتی-۵	
تیربار ۷/۶۲ پی‌کا	تسلیحات ثانویه

موتور	موتور دیزلی ۶ سیلندر
	۳۰۰ اسب بخار در ۲۶۰۰ دور در دقیقه
قدرت/وزن	۲۱ اسب بخار به تن
سوخت ظرفیت	۴۶۰ لیتر
برد عملیاتی	۶۰۰ کیلومتر
سرعت	جاده: ۶۵ کیلومتر خارج از جاده: ۳۵ کیلومتر روی آب: ۷ کیلومتر



تانک تایپ ۵۹

تانک تایپ ۵۹

تایپ ۵۹ یک تانک چینی است که بر اساس تانک تی ۵۴ شوروی ساخته شد. اولین مدل این تانک در سال ۱۹۵۸ تولید و یک سال بعد وارد ارتش چین شد. تولید آن تا سال ۱۹۸۰ ادامه یافت و پس از آن نیز بهینه‌سازی‌ها و به‌روزرسانی‌های متعددی بر روی آن انجام شد به طوری که تا اوایل سده بیست و یکم اسکلت اصلی نیروی زرهی ارتش آزادیبخش خلق را تشکیل می‌داد و حدود ۶ هزار دستگاه از آن در سال ۲۰۰۰ در این ارتش فعال بود. تانک‌های تایپ ۶۹ و تایپ ۷۹ و تانک سبک تایپ ۶۲ نیز تانک‌های دیگری هستند که بر اساس طرح کلی تانک تایپ ۵۹ ساخته شده‌اند.

ویژگی‌ها

سلاح اصلی این تانک یک توپ ۱۰۰ میلی‌متری است (در مدل‌های بعدی ۱۰۵ مم) که معمولاً ۳۴ گلوله برای آن حمل می‌شد. و تسلیحات ثانویه تانک شامل ۳ تیربار می‌شود؛ دو تیربار متوسط ۷/۶۲ مم تایپ ۵۹ تی؛ یکی هم‌محور با سلاح اصلی در کنار آن (با ۲۰۰۰ فشنگ) و دیگری به صورت کمانی در قسمت راننده (با ۱۰۰۰ فشنگ) و یک تیربار سنگین ۱۲/۷ مم تایپ ۵۴ (مدل تولید چین تیربار دوشکا) برای دفاع هوایی (با ۵۰۰ فشنگ).

تایپ ۵۹ در طول ده‌ها سال فعالیت خود شاهد به‌روزرسانی‌ها و بهینه‌سازی‌های متعددی بوده‌است. از مهمترین این اصلاحات که با الهام از تکنولوژی‌های غربی و تانک‌های دیگر ساخت شوروی انجام شده شامل قابلیت جستجوی مادون قرمز، سیستم تعیین مسافت لیزری، تجهیزات دید در شب، و سیستم اطفای حریق اتوماتیک در مدل I و تعویض توپ ۱۰۰ میلی‌متری اصلی تانک با یک توپ پر قدرت تر ۱۰۵ میلی‌متری (مدل تولید چین توپ انگلیسی ال ۷)، تجهیزات ارتباطی جدید، و موتور پر قدرت تر ۵۸۰ اسب بخار در مدل II می‌شود. تی ۵۹ از مهمترین بهینه‌سازی‌های این تانک است که در دهه ۱۹۹۰ صورت گرفت و بسیاری از تانک‌های ارتش چین بر اساس آن اصلاح شدند. از مهمترین اصلاحات در تایپ ۵۹ شامل قرار دادن یک زره واکنشی، یک توپ جدید، سیستم دید در شب غیر فعال، و سیستم کنترل آتش جدید و تعویض موتور با موتور ۱۲۱۵۰ ال ۷ بود.

ضخامت زره تایپ ۵۹ در بخش‌های مختلف به این شرح است:

بخش فوقانی قسمت جلو بدنه: ۹۷ مم

بخش تحتانی قسمت جلو بدنه: ۹۹ مم

بخش فوقانی قسمت‌های کناری بدنه: ۷۹ مم

بخش تحتانی قسمت‌های کناری بدنه: ۲۰ مم

عقب بدنه: ۴۶ مم

کف بدنه: ۲۰ مم

سقف بدنه: ۳۳ مم

جلو برجک: ۲۰۳ مم

بخش‌های کناری برجک: ۱۵۰ مم

عقب برجک: ۶۴ مم

سقف برجک: ۳۹ مم

کاربران

در مجموع بیش از ۹۵۰۰ دستگاه از مدل‌های مختلف این تانک ساخته شده و علاوه بر چین کشورهایی همچون پاکستان، ویتنام، آلبانی، کره شمالی، کامبوج، بنگلادش، عراق و

ایران، از مهمترین خریداران یا دریافت‌کنندگان این تانک بودند. در جنگ ایران و عراق چینی‌ها هر دو کشور را به تانک‌های تایپ ۵۹ و تایپ ۶۹ مجهز کردند. ایران بین سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۴ حدود ۳۰۰ دستگاه از این تانک را دریافت کرد و بعد از جنگ با نصب توپ ۱۰۵ میلی‌متری ام ۶۸ و زره واکنشی و بهینه‌سازی‌های دیگری آن را با عنوان سفیر-۷۴ همچنان در خدمت نظامی خود دارد. بهینه‌سازی مشابهی هم بر روی تانک‌های تی ۵۵ ساخت شوروی انجام شد که با عنوان تی ۷۲ زد معروف است.

ایران - ۳۰۰ دستگاه تایپ ۵۹ بر اساس سفارش سال ۱۹۸۱ بین سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۴ دریافت شد. در دهه ۱۹۹۰ بهینه‌سازی تایپ ۵۹، تی ۵۴ و تی ۵۵‌ها به سفیر-۷۴ آغاز شد و ۲۰۰ موتور دیزلی وی-۴۶ برای این منظور بین سال‌های ۹۳ تا ۲۰۰۰ از روسیه خریداری شد. در سال ۲۰۰۰ حدود ۲۲۰ تایپ ۵۹ و در سال ۲۰۱۰ حدود ۵۴۰ دستگاه از تمامی تانک‌های خانواده تی ۵۴ (تی ۵۴، تی ۵۵، تایپ ۵۹، تایپ ۶۹ و سفیر) فعال بودند.

عراق - حدود ۱۵۰۰ دستگاه تایپ ۵۹ و تایپ ۶۹ در سال ۱۹۹۰ فعال بود. تقریباً تمام آن‌ها در جنگ با ایران و جنگ خلیج فارس از بین رفته‌است.

مشخصات کلی

تانک تایپ ۵۹	
نوع	تانک رزمی اصلی
خاستگاه	چین
تاریخچه خدمت	
خدمت	۱۹۵۸ - تاکنون
جنگ‌ها	جنگ ایران و عراق، درگیری مرزی چین و شوروی، جنگ ویتنام، جنگ چین و ویتنام
تاریخ تولید	
تاریخ تولید	۱۹۵۸ تا ۱۹۸۰
تعداد تولید شده	بیش از ۹۵۰۰ دستگاه

خصوصیات	
وزن	۳۶ تن
طول	۶/۰۴ متر
عرض	۳/۳ متر
ارتفاع	۲/۵۹ متر
خدمه	۴ نفر
تسلیمات اولیه	توپ ۱۰۰ میلی متری
تسلیمات ثانویه	دو تیربار ۷/۶۲ مم تایپ ۵۹ تی تیربار ۱۲/۷ مم تایپ ۵۴ ضد هوایی
موتور	دیزلی مدل LV-12۱۲۱۵۰ ۵۲۰ اسب بخار
قدرت/وزن	۱۴/۴۴ اسب بخار به تن
سوخت ظرفیت	۸۱۵ لیتر
برد عملیاتی	۴۴۰ کیلومتر با تانکر اضافی: ۶۰۰ کیلومتر
سرعت	جاده: ۵۰ کیلومتر در ساعت خارج از جاده: ۲۵ کیلومتر در ساعت



تانک تی ۵۴/تی ۵۵

تانک تی ۵۴ / تی ۵۵

تی ۵۴ یا تی ۵۵ نوعی تانک اصلی میدان نبرد ساخت شوروی است که نخستین پیش‌نمونه آن در سال ۱۹۴۵ تولید شده و تولید انبوه آن از سال ۱۹۴۷ آغاز و به سرعت به مهمترین تانک جنگی ارتش سرخ شوروی و کشورهای عضو پیمان ورشو و بسیاری از کشورهای دیگر دنیا تبدیل شد.

تی ۵۴ بیش از هر تانک دیگری در طول تاریخ تولید شده و برآورد می‌شود که در حدود ۸۶ تا ۱۰۰ هزار دستگاه از مدل‌های مختلف آن در کشورهای مختلف تولید شده باشد. این تانک از زمان آغاز تولید خود تاکنون شاهد بهینه‌سازی‌ها و اصلاحات متعددی بوده است. تی ۵۵ مهمترین بهینه‌سازی تی ۵۴ به شمار می‌رود که در سال ۱۹۵۸ وارد ارتش شوروی شد؛ برخورداری از سیستم محافظتی در برابر حملات اتمی-میکروبی-شیمیایی، حذف تیربار قسمت راننده، نصب موتور قوی‌تر (۵۲۰ به ۵۸۰ اسب بخار) و افزایش ظرفیت مهمات توپ اصلی تانک (از ۳۴ گلوله به ۴۳ گلوله) مهمترین تفاوت‌های آن بودند. این تانک علاوه بر شوروی در لهستان، چکسلواکی، چین (با عنوان تایپ ۵۹) هم تولید می‌شد.

تاریخچه

تی ۵۴ به عنوان جایگزینی برای تانک تی-۳۴ طراحی شد که در جنگ جهانی دوم تانک اصلی ارتش سرخ بود. طراحی این تانک بر اساس تانک متوسط تی-۴۴ صورت گرفت که خود بر اساس تی-۳۴ طراحی شده بود. یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد تانک‌های خانواده تی ۵۴/۵۵ فاصله بین چرخ اول و دوم تانک است. این تانک اولین تانک روس‌ها بود که می‌توانست به راحتی در زیر آب حرکت کند و از رودخانه‌هایی به عمق بیش از ۵ متر بگذرد. در دهه ۱۹۸۰ تانک‌های پیشرفته‌تر تی ۶۲، تی-۶۴، تی ۷۲ و تی-۸۰ جای آن را در خط مقدم و واحدهای موتور ارتش سرخ گرفتند اما هنوز هم بسیاری از ارتش‌ها انواع بهینه‌سازی شده این تانک را در زرادخانه‌های خود به عنوان نیروی ذخیره نگاه داشته‌اند و برخی از کشورها حتی از آن‌ها به عنوان تانک اصلی در نیروهای فعال خود استفاده می‌کنند.

در مجموع بیش از ۵۰ کشور از این تانک در نیروهای مسلح خود بهره برده‌اند و در بسیاری از نبردهای پس از جنگ جهانی دوم از آن استفاده شده است. از یورش ارتش سرخ و کشورهای عضو پیمان ورشو در سال ۱۹۵۶ به مجارستان گرفته تا منازعات چندین باره اعراب و اسرائیل که تی ۵۴ در اغلب آن‌ها مهمترین تانک ارتش‌های عربی بود. و از جنگ‌های فرسایشی چون جنگ ویتنام و جنگ ایران و عراق تا نبردهای داخلی خفیف‌تر چون جنگ داخلی ۲۰۱۱ لیبی این تانک چهره آشنایی در تصاویر درگیری‌های نظامی بوده است.

تی ۵۴ در اصل به عنوان جایگزینی برای تانک تی-۳۴ طراحی شد که در جنگ جهانی دوم تانک اصلی ارتش سرخ بود. طراحی این تانک بر اساس تانک متوسط تی-۴۴ صورت گرفت که خود بر اساس تی-۳۴ طراحی شده بود. یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد تانک‌های خانواده تی ۵۴/۵۵ فاصله بین چرخ اول و دوم تانک است. این تانک اولین تانک روس‌ها بود که می‌توانست به راحتی در زیر آب حرکت کند و از رودخانه‌هایی به عمق بیش از ۵ متر بگذرد. مدل‌های اولیه تی ۵۵ برخلاف تانک‌های امروزی به تیربار سنگین روی برجک که وظیفه اصلی آن دفاع ضد هوایی است، مجهز نبودند. در سال ۱۹۷۰ با ورود هلیکوپترهای هجومی به میدان جنگ تیربارهای ۱۲/۷ مم دوشکا به این تانک‌ها افزوده شد. از سال ۱۹۷۴ سامانه‌های مسافت‌یاب لیزری، دوربین‌های دید در شب و بی‌سیم‌های جدید برای این تانک طراحی و به آن افزوده شد. در سال ۱۹۶۵ شنی جدیدی برای این تانک ساخته شد که عمر

مفید آن بین دو تا سه هزار کیلومتر یعنی دو برابر شنی‌های سابق بود. از دیگر بهینه‌سازی‌هایی که کارخانه‌های مختلف و ارتش‌های متعددی بر تانک‌های خانواده تی‌۵۴ خود اعمال کرده‌اند؛ می‌توان به نصب موتورهای جدید، زره واکنشی انفجاری، توپ‌های جدید ۱۰۵، ۱۲۰ و ۱۲۵ میلی‌متری، سیستم‌های حفاظتی فعال، سیستم‌های کنترل آتش مجهز به مسافت‌یاب و دید گرمایی اشاره کرد. چنین پیشرفت‌هایی باعث شده تا برخی از ارتش‌های دارای بودجه پائین همچنان امکان استفاده از تانک‌های تی‌۵۴ را حتی تا به امروز که نزدیک به هفتاد سال از طراحی آن می‌گذرد، داشته باشند.

در مجموع بیش از ۵۰ کشور از این تانک در نیروهای مسلح خود بهره برده‌اند و در بسیاری از جنگ‌های پس از جنگ جهانی دوم از آن استفاده شده است. ارتش سرخ و کشورهای عضو پیمان ورشو از آن در حمله سال ۱۹۵۶ به مجارستان و حمله پیمان ورشو به چکسلواکی بهره جستند. در جنگ‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ اعراب و رژیم اشغالگر قدس تی‌۵۴ مهمترین تانک ارتش‌های عربی بود. در جنگ‌های ویتنام، کامبوج، اوگاندا، جنگ ایران و عراق، حمله عراق به کویت، جنگ خلیج فارس از این تانک استفاده شده است. در دهه ۱۹۸۰ تانک‌های پیشرفته‌تر تی‌۶۲، تی-۶۴، تی-۷۲ و تی-۸۰ جای آن را در خط مقدم و واحدهای موتوری ارتش سرخ گرفتند اما هنوز هم بسیاری از ارتش‌ها انواع بهینه‌سازی شده این تانک را در زرادخانه‌های خود به عنوان نیروی ذخیره نگاه داشته‌اند و برخی از کشورها حتی از آن‌ها به عنوان تانک اصلی در نیروهای فعال خود استفاده می‌کنند.

بهینه‌سازی‌ها

این تانک از زمان آغاز تولید خود تاکنون شاهد بهینه‌سازی‌ها و اصلاحات متعددی بوده و کپی‌های مختلفی چه تحت لیسانس یا بدون لیسانس از آن تولید شده است. تی‌۵۵ که مهمترین بهینه‌سازی تی‌۵۴ به شمار می‌رود و در سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۰ وارد ارتش شوروی شد؛ از یک سیستم محافظتی ساده در برابر حملات اتمی-میکروبی-شیمیایی برخوردار است، طراحی بر جک آن تغییر کرده و تیربار متوسط روی بدنه تانک برای حمل مهمات بیشتر حذف شده است و از بقیه جهات دقیقاً مشابه تی‌۵۴ است.

تایپ ۵۹ مدل تولید چین تی ۵۴ است که در طول دوران تولید خود که تا دهه ۱۹۸۰ به طول انجامید شاهد بهینه‌سازی‌های متعددی بر اساس تکنولوژی تانک‌های پیشرفته‌تر شوروی و تانک‌های غربی بوده است.

سفیر-۷۴ که با نام تی ۷۲ نیز شناخته می‌شود از بهینه‌سازی‌های این تانک در ایران است که بر روی تانک‌های تایپ-۵۹ تولید چین و تی ۵۵ تولید شوروی که در زمان جنگ ایران و عراق خریداری شدند، صورت گرفته‌است. تانک سفیر از سال ۱۳۷۴ وارد نیروهای مسلح ایران شد و در سال ۲۰۱۰ حدود ۵۴۰ دستگاه از آن در خدمت نظامی فعال قرار داشته‌اند. رامسس ۲ که در ارتش مصر فعال است، الزرار در نیروی زمینی پاکستان و تی آر-۸۵ در ارتش رومانی از دیگر بهینه‌سازی‌های بسیار سنگین بر روی این تانک هستند.

سرعت مناسب، چابکی بسیار، سادگی، استحکام و ارزانی از مهمترین مزایای این تانک است. کار با این تانک در مقایسه با تانک‌های غربی بسیار ساده‌تر است و به آموزش و تمرین بسیار کمتری نیاز دارد. اندازه نسبتاً کوچک تانک باعث می‌شود تا هدف کوچکی برای دشمن باشد. موتور آن در هوای سرد به خوبی روشن می‌شود. وزن نسبتاً کم آن هم که در مدل اصلی ۳۶ تن است و در تی ۵۵ تا ۳۸ تن افزایش یافته باعث شده تا قدرت تحرک خوبی پیدا کند، حمل و نقل آن با قطار و تریلی‌های بزرگ ساده‌تر شود و گذشتن از پل‌ها برای آن راحت‌تر باشد. شنی‌های عریض آن نیز باعث می‌شود که فشار کمتری بر زمین وارد کرده و در خاک‌های نرم و شنی راحت‌تر حرکت کند. هزینه تولید آن نیز در مقایسه با تانک‌های مدرن غربی بسیار کمتر است و حتی در مقایسه با تانک‌های دیگر شرقی، که عموماً از همتایان غربی خود ارزان‌ترند، نیز ارزان‌قیمت محسوب می‌شود. برای مثال قیمت تی ۶۲ در زمان آغاز تولید خود بیش از دو برابر تانک تی ۵۴ بود و بیشتر ارتش‌های اروپای شرقی که معتقد بودند تفاوت ارزش جنگی این دو تانک چنین اختلاف قیمتی را توجیه نمی‌کند، از خرید آن خودداری کردند. همین قیمت پایین باعث شده است که تعداد تی ۵۴‌های تولید شده بسیار بیشتر از تانک‌های دیگر باشد و تولید آن حتی پس از توقف تولید تی ۶۲ در سال ۱۹۷۵ نیز ادامه پیدا کند (تا ۱۹۸۱ در شوروی و تا ۱۹۸۳ در چکسلواکی).

در نقطه مقابل این تانک معایبی نیز دارد. اندازه کوچک آن که باعث شده هدف‌گیری آن برای دشمن سخت‌تر شده و وزن آن کاهش قابل ملاحظه‌ای پیدا کند به قیمت کوچک شدن فضای داخلی و قربانی کردن آسایش و کیفیت کار سرنشینان به دست آمده است. فضای محدود و بسته داخل تانک تحرک سرنشینان تانک را بسیار دشوار کرده و باعث کند شدن فعالیت آن‌ها و افزایش فشار جسمی و روانی بر آن‌ها می‌شود. البته این مشکل از مشکلات تمامی تانک‌های ساخت شوروی قبل از ساخت تی ۷۲ بود که در ارتش سرخ با قرار دادن سقف قد برای استخدام خدمه تانک حل شده است و تنها افراد کوتاه قد به عنوان خدمه تانک برگزیده می‌شوند.

برجک کوتاه تانک نیز که آن هم برای سخت‌تر کردن هدف‌گیری دشمن طراحی شده باعث می‌شود تا حرکت سلاح اصلی تانک به پائین محدوده شده و بیش از ۵ درجه نباشد، در حالی که در تانک‌های غربی سلاح اصلی تانک به طور میانگین ۱۰ درجه به پائین حرکت می‌کند، این وضعیت قدرت آتش تانک در زمان حرکت در سرازیری را کاهش می‌دهد که به خصوص در وضعیت‌های دفاعی اهمیت دارد. دقت و قدرت شلیک تانک نیز در مقایسه با تانک‌های مدرن بسیار پائین است. شلیک دقیق در هنگام حرکت ممکن نیست هرچند در برخی از مدل‌های بهینه‌سازی شده این مشکل تا حدی حل شده است.

زره تانک نیز هرچند در زمان آغاز تولید آن بسیار نیرومند بود و می‌توانست ضربات اکثر تانک‌های دوران خود و سلاح‌های ضدتانک مرسوم آن دوران مثل بازوکا و آرپی جی-۲ را دفع کند اما ضعف‌های آن پس از گذشت ۲۰ سال از آغاز تولید مشخص شد. تی ۵۴ بر اساس مختصات جنگ‌های سنتی طراحی شده و به همین جهت زره قسمت‌های کناری و پشتی آن دو تا سه برابر از قسمت جلو ضعیف‌تر بود. در جریان جنگ ویتنام مشخص شده که زره قسمت کناری تی ۵۴ در مقابل راکت‌های ام ۷۲ لا، موشک تاو و توپ ۷۶ مم تانک سبک ام ۴۱ واکر بولداگ کاملاً آسیب‌پذیر است. همچنین جعبه مهمات داخل تانک نیز مثل اکثر تانک‌های آن دوران بدون سپر محافظ طراحی شده و به همین جهت در صورت شلیک دشمن به این قسمت از تانک امکان انفجار کامل تانک وجود دارد. البته این تانک قابلیت زیادی برای بهینه‌سازی داشته ولی برخی از معایب این تانک با بهینه‌سازی نیز برطرف نمی‌شود شکست یک‌طرفه و

بهت‌آور تانک‌های کاملاً بهینه‌شده تی ۵۵ عراقی در مقابل تانک‌های غربی در جنگ سال ۱۹۹۱ مشخص کرد که طرح کلی آن از رده خارج محسوب می‌شود. با این وجود برخی کشورها با نهایت بروزرسانی آن را به تانک‌های امروزی نزدیک کردند تا با بودجه کمتر از خرید تانک بتوانند از این نوع تانک بهره ببرند.



تانک تی-۵۵ منهدم شده عراقی

مشخصات کلی:

تی ۵۴ یا تی ۵۵	
نوع	تانک اصلی میدان نبرد تانک متوسط
خاستگاه	اتحاد جماهیر شوروی
تاریخچه خدمت	
خدمت	۱۹۴۹ - تاکنون
تاریخ تولید	
تاریخ طراحی	۱۹۴۵

تاریخ تولید	روسیه: ۱۹۴۶ تا ۱۹۸۱ لهستان: ۱۹۵۶ تا ۱۹۷۹ چکسلواکی: ۱۹۵۷ تا ۱۹۸۳
تعداد تولید شده	۸۶ تا ۱۰۰ هزار دستگاه
خصوصیات	
وزن	۳۶ تن
طول	۶/۴۵ متر (بدنه) ۹ متر: با لوله توپ
عرض	۳/۳۷ متر
ارتفاع	۲/۴ متر
خدمه	۴ نفر
زره	در بخش زره ببینید
تسلیمات اولیه	توپ ۱۰۰ میلی‌متری خان‌دار دی-۱۰ تی
تسلیمات ثانویه	تیربار ۷/۶۲ م‌م هم‌محور (در مدل‌های اولیه تی ۵۴ یک تیربار ۷/۶۲ م‌م در قسمت راننده وجود داشت) تیربار ۱۲/۷ م‌م دوشکا دفاع هوایی (در مدل‌های اولیه تی ۵۵ وجود نداشت)
موتور	دیزلی ۱۲ سیلندر مدل وی-۵۵ ۳۸/۸۸ لیتری تی ۵۴: ۵۲۰ اسب بخار تی ۵۵: ۵۸۱ اسب بخار تی ۵۵ آم‌وی: ۶۲۰ تا ۶۹۰ اسب بخار
سوخت ظرفیت	تی ۵۴: ۸۱۲ لیتر تی ۵۵: ۹۶۰ لیتر
برد عملیاتی	تی ۵۴: ۴۰۰ کیلومتر تی ۵۵: ۵۰۰ کیلومتر

سرعت

جاده: ۵۵ کیلومتر در ساعت (تی ۵۵)

۴۸ کیلومتر در ساعت (تی ۵۴)



تانک تی ۶۲

تانک تی ۶۲

تی ۶۲ نوعی تانک رزمی اصلی ساخت شوروی است که بر اساس پیشرفت طرح تانک‌های خانواده تی ۵۴/۵۵ طراحی شده و تولید آن از سال ۱۹۶۱ آغاز شد. این تانک به تدریج جای تانک‌های تی ۵۴ را در واحدهای زرهی و موتورهای ارتش سرخ گرفته و تولید آن در شوروی تا سال ۱۹۷۵ ادامه یافت، تا اینکه در دهه ۱۹۸۰ با تانک‌های مدرن‌تر تی-۶۴، تی ۷۲ و تی-۸۰ در خطوط مقدم ارتش شوروی جایگزین شد.

تی ۶۲ نخستین تانکی بود که از توپ بدون خان استفاده می‌کرد. تفاوت‌های اصلی این تانک با تی ۵۴ شامل شاسی طولانی‌تر و عریض‌تر، توپ بلندتر و پرقدرت‌تر و بدون خان ۱۱۵ میلی‌متری می‌شوند.

ویژگی‌ها

شنی‌های تی ۶۲ مثل تی ۵۴ از ۵ چرخ تشکیل می‌شود، اما برخلاف تی ۵۴ که بیشترین فاصله بین چرخ اول و دوم است در تی ۶۲ چرخ‌های سوم، چهارم و پنجم بیشترین فاصله را از یکدیگر دارند.

سلاح اصلی این تانک توپ بدون خان ۱۱۵ میلی‌متری است که مهمترین پیشرفت آن نسبت به تی ۵۴ محسوب می‌شد. این توپ اندازه طولانی‌تری از توپ ۱۰۰ میلی‌متری تی ۵۴ و قدرت و دقت بسیار بالاتری از آن داشت و همچنین نخستین توپ بدون خان در یک تانک بود که پس از آن مورد اقتباس تانک‌های دیگر قرار گرفت و امروزه تقریباً تمام تانک‌های مهم جهان، به جز تانک چلنجر ساخت انگلستان، از توپ‌های بدون خان استفاده می‌کنند. سلاح ثانویه تانک هم تیربار متوسط هم‌محور پی‌کاتی با ۲ هزار فشنگ و تیربار ضدهوایی دوشکا در مدل تی ۶۲آ است.

موتور مدل اصلی این تانک مثل تی ۵۵ موتور دیزلی وی-۱۲ با قدرت ۵۸۰ اسب بخار بود که حداکثر برد عملیاتی آن را در جاده به ۴۵۰ و در خاکی به ۳۲۰ کیلومتر می‌رساند. این برد با دو مخزن سوخت اضافی ۲۰۰ لیتری که در پشت تانک قرار داده می‌شد قابل افزایش به ۴۵۰ و ۶۵۰ کیلومتر در جاده بود.

معایب تی ۶۲ عمدتاً همان معایب تی ۵۴ یعنی فضای محدود سرنشینان تانک، زره ضعیف، تجهیزات کنترل آتش نامرغوب، میزان محدود خم شدن سلاح اصلی به سمت پائین، و آسیب‌پذیری مخازن سوخت و مهمات است.

تیراژ تی ۶۲ در طول ۱۵ سال تولید خود از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۵ به ۲۰ هزار دستگاه رسید. پس از توقف تولید در شوروی ۱۵۰۰ دستگاه دیگر در چکسلواکی فقط برای صادرات تولید شد. کره شمالی تنها کشور دیگری بود که در دهه ۱۹۸۰ دست به تولید یک مدل بومی از تی ۶۲ با نام چونماهوزد که تغییراتی در جهت بهتر کردن قدرت تحرک تانک در آن اعمال شده بود و ۱۵۰ دستگاه از آن هم در ابتدای جنگ ایران و عراق به ایران فروخته شد.

کاربرد در جنگ ایران و عراق

ایران - ۶۵ دستگاه به عنوان کمک از لیبی در سال ۱۹۸۱ دریافت شد. ۱۰۰ دستگاه تی ۶۲ دست دوم در ۱۹۸۲ از سوریه خریداری شد؛ و ۱۵۰ دستگاه چونماهو تولید کره شمالی بین سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۴ از این کشور خریداری شد. ۱۷۵ دستگاه فعال است. عراق - ۷۰۰ دستگاه در دهه ۱۹۷۰ و ۲۱۵۰ تی ۶۲ دست دوم در دهه ۱۹۸۰ از شوروی خریداری شد. در سال ۱۹۹۰ بیش از هزار تی ۶۲ فعال بود.

مشخصات کلی:

تی ۶۲	
نوع	تانک رزمی اصلی
خاستگاه	اتحاد جماهیر شوروی
تاریخچه خدمت	
خدمت	۱۹۶۱-اکنون
تاریخ تولید	
تاریخ طراحی	۱۹۴۵
تاریخ تولید	روسیه: ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۵ چکسلواکی: ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ کره شمالی: دهه ۱۹۸۰
تعداد تولید شده	بیش از ۲۲ هزار دستگاه
خصوصیات	
وزن	۴۰ تن
طول	۶/۶۳ متر
عرض	۳/۳ متر

ارتفاع	۲/۴ متر
خدمه	۴ نفر
تسلیمات اولیه	توپ ۱۱۵ میلی‌متری ۵۲
تسلیمات ثانویه	تیربار ۷/۶۲ م‌م پی‌کاتی هم‌محور تیربار ۱۲/۷ م‌م دوشکا دفاع هوایی (در تی ۶۲)
موتور	دیزلی ۱۲ سیلندر مدل وی-۵۵ ۳۸/۸۸ لیتری ۵۸۱ اسب بخار (۴۳۳ کیلووات)
قدرت/وزن	۱۴/۵ اسب بخار به تن
سوخت ظرفیت	۹۶۰ لیتر (باک سوخت اضافی: ۱۳۶۰ لیتر)
برد عملیاتی	۴۵۰ کیلومتر در جاده (۶۵۰ کیلومتر با مخزن سوخت اضافی) ۳۶۰ کیلومتر در خاکی (۴۵۰ با مخزن سوخت اضافی)
سرعت	جاده: ۵۰ کیلومتر در ساعت خاکی: ۴۰ کیلومتر



تانک تی ۷۲

تانک تی ۷۲

تانک تی ۷۲ یک تانک اصلی میدان نبرد است که تولید آن از اوایل دهه ۱۹۷۰ در شوروی آغاز شد. این تانک شباهت‌هایی با تانک قدیمی‌تر اما پیشرفته‌تر تی-۶۴ دارد. تی ۷۲ پس از تانک دیگر شوروی‌ها؛ تی ۵۵/۵۴ پرتیراژترین تانک تولیدشده پس از جنگ جهانی دوم است و در مجموع بیشتر از ۲۵ هزار دستگاه از آن ساخته شده و کماکان برای مشتریان خارجی تولید می‌شود که توسط ده‌ها کشور مورد استفاده قرار گرفته‌است. تانک تی-۹۰ مدل توسعه‌یافته تی ۷۲ و جدیدترین تانک ارتش روسیه محسوب می‌گردد. سلاح اصلی این تانک، یک قبضه توپ بدون خان کالیبر ۱۲۵ میلی‌متری از نوع A46M۲ است.

پیدایش

تی-۶۴ که کمی قبل از تی ۷۲ به ارتش شوروی پیوسته بود را باید یکی از مدرن‌ترین تانک‌های زمان خود دانست. البته این تانک مشکلاتی در موتور و سیستم آتش خود داشت و هزینه ساخت آن به نسبت کاراییش زیاد بود. به همین جهت ارتش سرخ و نیروهای پیمان ورشو قادر نبودند با این تانک لشکرهای زرهی خود را نوسازی کنند. در سال ۱۹۶۷ موتور قدیمی وی-۴۶ تی-۶۴ با یک موتور جدید جایگزین شد و با اصلاح بخش‌های دیگر تانک جدیدی متولد گردید که تی ۷۲ نام گرفت.

تی ۷۲ از بدو تولید مورد توجه و استقبال ارتش شوروی قرار گرفت. این تانک به جز کشورهای بلوک شرق در بسیاری از کشورهای جهان مورد استفاده قرار گرفت و در برخی کشورها تحت لیسانس ساخته می‌شود.

تاریخچه تولید و توسعه

تی ۷۲ متداول‌ترین تانک دهه هفتاد در بین کشورهای پیمان ورشو بود. این تانک همچنین به کشورهای دیگری از جمله فنلاند، هند، ایران، عراق، سوریه و یوگسلاوی نیز صادر شد که در برخی از این کشورها تحت لیسانس یا بدون مجوز مونتاژ نیز می‌گردد. لهستان و چکسلواکی از جمله کشورهایی بودند که قبل از فروپاشی شوروی تی ۷۲ را در داخل خاک خود تولید می‌کردند. مدل بهینه‌سازی‌شده این تانک در یوگسلاوی با نام ام-۸۴ تولید می‌شد که در دهه ۸۰ صدها دستگاه از آن صادر گردید. چندین کشور به علاوه روسیه و اوکراین نیز تانک‌های تی ۷۲ خود را مورد نوسازی قرار داده‌اند که از آن جمله می‌توان به مدل پی-تی-۹۱ ساخته شده در لهستان اشاره کرد. تانک تی ۷۲ توسط صنعت دفاعی ایران نیز در حال تولید است.

لیزر مسافت‌یاب در حدود سال ۱۹۷۸ بر روی تانک نصب شد نمونه‌های قبلی دارای مسافت‌یاب نوری بودند که از آن‌ها در مسافتهای کمتر از ۱۰۰۰ متر نمی‌شد استفاده کرد برخی نمونه‌های صادراتی تا سال ۱۹۸۵ فاقد مسافت‌یاب لیزری بود. در اواخر دهه ۱۹۸۰ زره تی ۷۲‌های شوروی با زره‌های واکنشی نیز پوشانده شد (همچنین برخی کشورهای تولیدکننده در نقاط دیگر دنیا).

در سال ۱۹۸۵ طراحی تی ۷۲ مورد بازنگری کلی قرار گرفت که در نتیجه آن زره تانک قطورتر شده و از موتور قویتری با قدرت ۸۴۰ اسب بخار در آن استفاده شد. سیستم کنترل

آتش تانک نیز ارتقا یافت که به موجب آن تی ۷۲ قابلیت نصب و شلیک موشک‌های ضدتانک هدایت‌شونده را نیز پیدا کرد و به عنوان استاندارد، زره تمام تی ۷۲ها به زره‌های واکنشی نیز مجهز شدند. با این تغییرات تی ۷۲ تقریباً تبدیل به تانکی قویتر از تانک تی-۸۰ شد که قیمت بالاتری داشت. تی ۷۲بی از معروفترین مدل‌های بهینه‌سازی سال ۱۹۸۵ بود. آخرین به روزرسانی تی ۷۲ به سال ۲۰۰۰ بازمی‌گردد که این تانک با مجهز شدن به دوربین حرارتی دید در شب و زره مقاوم در برابر اورانیوم ضعیف شده ارتقا یافت.

یکی از ویژگی‌های تانک تی ۷۲ قابلیت‌های جنگی کاملاً متفاوت مدل‌های اصلی و مدل‌های صادراتی آن است. در حالی که ارتش شوروی و کشورهای عضو پیمان ورشو و متحدین اصلی آن‌ها مدل‌های اصلی این تانک را دریافت می‌کردند. کشورهای دیگر (عمدتاً کشورهای خاورمیانه) تنها امکان خرید مدل‌های صادراتی بسیار نامرغوب‌تر آن را داشتند. تی ۷۲ام مدل صادراتی «تی ۷۲آ» و تی-۷اس مدل صادراتی «تی ۷۲بی» است که زره، سیستم کنترل آتش، تجهیزات هدف‌گیری و مهمات و گلوله‌های آن بسیار ضعیف‌تر از مدل‌های اصلی است. همچنین سیستم حفاظتی اتمی-میکروبی-شیمیایی در تی ۷۲ام وجود ندارد و در تی ۷۲اس بسیار ساده است. هدف اصلی از فروش مدل‌های نامرغوب به کشورهای دیگر معروف به «مدل میمون» که در دیگر سلاح‌های استراتژیک شوروی مثل تانک تی ۶۲، خودرو رزمی پیاده‌نظام بام‌پ-۱، جنگنده میگ-۲۳ و بمبافکن توپولف-۲۲ هم سابقه دارد، به اشتباه انداختن غربی‌ها در مورد قابلیت‌های جنگی سلاح‌های شوروی بود. جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس یکی از نبردهایی بود که تفاوت قابل توجه تی ۷۲های صادراتی با مدل‌های اصلی را نشان داد. در این جنگ قوای زرهی عراق که صدها تی ۷۲ام و تی ۷۲ تولید عراق معروف به «شیر بابل» را در اختیار داشت به‌طور کامل منهدم شد و تانک‌های تی ۷۲ علی‌رغم صدها دستگاه تلفات حتی نتوانستند به یک تانک ام ۱ آبرامز آمریکایی یا چلنجر ۱ انگلیسی آسیب جدی برسانند، در حالی که از نظر فنی توپ ۱۲۵ مم تی ۷۲ قدرت شکست هر تانک مدرنی را دارد.

مشخصات تانک‌ها و خودروه‌ای زرهی مورد استفاده ایران و عراق در جنگ تحمیلی / ۲۸۳



تی ۷۲ اس

زره قوی‌تر، زره واکنشی، زره خنثی‌کننده، سیستم کنترل جدید و دیجیتال، سیستم کنترل آتش، مسافت‌یاب لیزری، بارگذار خودکار، مقاوم در برابر حملات هسته‌ای و شیمیایی و میکروبی، از ویژگی‌های این تانک می‌باشد.



تانک تی ۷۲ بر روی خودروی تانک‌بر

کاربری در ایران و عراق

ایران: ۵۶۳ دستگاه که بیشتر آنها تی ۷۲-اس هستند. (تعدادی خریداری و تعدادی در داخل ایران تولید میشود)

عراق: ۱۸۰ دستگاه از نسخه‌های اولیه تانک تی ۷۲ در زمان صدام در اختیار ارتش عراق بود. تعداد زیادی از این تانک‌ها در جنگ خلیج فارس، بمباران‌های ۱۹۹۸ و عملیات اشغال

عراق در ۲۰۰۳ از بین رفت. در سال ۲۰۰۹ ارتش جدید عراق تعداد ۱۲۰ دستگاه تانک از نیروهای ناتو دریافت کرد.

مشخصات کلی:

تی ۷۲	
نوع	تانک اصلی میدان نبرد
خاستگاه	اتحاد جماهیر شوروی
تاریخچه خدمت	
خدمت	۱۹۷۳-اکنون
استفاده شده توسط	کاربران
جنگ‌ها	عملیات‌ها
تاریخ تولید	
تاریخ تولید	۱۹۸۳ تاکنون
تعداد تولید شده	بیش از ۲۵ هزار
خصوصیات	
وزن	۴۱/۵ تن
طول	۶/۹۵ متر
عرض	۳/۵۹ متر
ارتفاع	۲/۲۳ متر
خدمه	۳ نفر
زره	زره فولادی و کامپوزیتی (زره واکنشی انفجاری در برخی مدل‌ها)
تسلیمات اولیه	توپ ۱۲۵ مم بدون خان ۲ A46M

تیربار ۶۲/۷ م پی کا هم‌محور توپ	تسلیمات ثانویه
تیربار ۱۲/۷ م ان اس وی	
۷-۱۲ دیزلی	موتور
۷۸۰ اسب بخار (تی ۷۲ آ)	
۸۴۰ اسب بخار (تی ۷۲ ب)	
۱۸/۸ اسب بخار به تن	قدرت/وزن
۱۲۰۰ لیتر	سوخت ظرفیت
۴۶۰ کیلومتر	برد عملیاتی
۷۰۰ کیلومتر (با باک سوخت اضافی)	
جاده: ۶۰ کیلومتر بر ساعت	سرعت



تانک چیفتن

تانک چیفتن

چیفتن (به انگلیسی: Chieftain) نوعی تانک اصلی میدان نبرد بریتانیایی است که از سال ۱۹۶۵ وارد نیروی زمینی بریتانیا شد. چیفتن که در زمان ورود خود قدرتمندترین توپ و مقاوم‌ترین زره را در بین همه تانک‌های جهان داشت تا سال ۱۹۹۵ در نیروی زمینی بریتانیا فعال بود و هنوز نیز در نیروهای مسلح اردن و ایران از آن استفاده می‌شود.

ساخت

طراحی چيفتن بر پایه گروهی از تانک‌های بریتانیایی انجام شد که از ماتیلدا ام کا ۲ در سال ۱۹۳۹ (با توپ ۴۰ میلی‌متری) آغاز شده و با تانک‌های کرامول (۵۷ و ۷۵ میلی‌متر)، کومه (۷۶ میلی‌متر) ادامه یافته و در پایان به تانک موفق سنچوریون (۷۶، ۸۳ و ۱۰۵ میلی‌متر) می‌رسد. چيفتن با پیشرفت این طرح ساخته شده و جایگزین تانک متوسط سنچوریون و تانک سنگین کانکوئِرر به عنوان نخستین تانک اصلی میدان نبرد نیروی زمینی بریتانیا شد. تولید تانک چلنجر ۱ که بر پایه پیشرفت تانک چيفتن صورت گرفته بود از سال ۱۹۸۳ آغاز و در سال ۱۹۹۵ به طور کامل جایگزین چيفتن شد. تولید چلنجر ۲ هم در سال ۱۹۹۸ با توسعه چلنجر ۱ آغاز شد. چيفتن از پیشرفته‌ترین تانک‌های عصر خود به شمار می‌آید که قدرتمندترین توپ و سنگین‌ترین زره را در بین همه تانک‌های آن هنگام را داشت. اما در برابر آن، توانایی تحرک و سرعت آن کاهش یافته بود.

ویژگی‌ها

جنگ‌افزار اصلی این تانک یک توپ کالیبر ۱۲۰ میلی‌متری بود و زره آن در قسمت‌های مختلف بین ۳/۸ تا ۱۹/۵ سانتی‌متر قطر داشت. در جلو تانک و پشت قبه فرمانده از زره تکه‌تکه نیز استفاده شده و فرمانده تانک با استفاده از چندین پریسکوپ مجهز به دوربین دید در شب دید کامل ۳۶۰ درجه به اطراف خود داشت. حفاظت کامل اتمی - میکروبی - شیمیایی از طریق سامانه تهویه هوا برای سرنشینان فراهم شده و دو پرتابگر نارنجک دودزا هر یک با ۶ لوله بر برجک تانک نصب شده بود. در سمت راست قبه فرمانده هم سامانه جستجوی فروسرخ قرار داشت.

از ویژگی‌های خاص چيفتن حل مشکل هدف‌گیری تانک با قرار دادن یک تیربار در کنار توپ اصلی تانک با ویژگی‌های بالستیکی همانند بود. در صورتی که گلوله این تیربار ۱۲/۷ میلی‌متر (نیم اینچی) به هدف برخورد می‌کرد فرمانده تانک می‌توانست مطمئن باشد که گلوله تانک هم به هدف برخورد می‌کند. این تیربارها پس از نصب سامانه‌های مسافت‌یاب لیزری از روی تانک‌های بریتانیایی برداشته و با تیربار ۷/۶۲ میلی‌متر ال ۷ جایگزین شدند. چيفتن به یک

تیربار دیگر ۶۲/۷ میلی‌متر ال ۷ (مدل تولید بریتانیا اف‌ان-ام‌آژ) هم روی برجک در کنار فرمانده تانک برای دفاع ضد هوایی مسلح بود. همه تانک‌های چیفتن از سامانه کنترل آتش و هدف‌گیری کاملی برخوردار بودند که به آن‌ها توانایی شلیک دقیق توپ نیرومند خود را تا مسافت ۳ کیلومتر در وضعیت ثابت و ۲ کیلومتر در حال حرکت، می‌بخشید.

اما مشکل اصلی چیفتن موتور پیچیده و نامطمئن لیلاند ال ۶۰ بود. این موتور پس از آن ساخته شد که سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) رهنمودی را برای لزوم استفاده همه تانک‌های ارتش‌های عضو از موتورهای چندگانه‌سوز تصویب کرد. فلسفه این قانون آن بود که در صورت بروز جنگ جهانی سوم هنگامیکه تانک‌های ناتو پیشروی خود را در خاور اروپا آغاز می‌کنند باید این توانایی را داشته باشند که برای سوخت‌گیری از هر منبعی مانند جایگاه سوخت، مخازن نفتی، و حتی فروشگاه‌ها استفاده کنند. اما پس از مدتی مشخص شد که موتوری با چنین توانایی‌ای بسیار پیچیده و تعمیر و نگهداری از آن بسیار دشوار خواهد بود. در نتیجه پس از مدت کوتاهی همه ارتش‌های ناتو این ایده را رها کرده و موتورهای دیزلی قدیمی را به آن ترجیح دادند به جز بریتانیایی‌ها که همچنان به این نظریه معتقد بوده و موتور چندگانه‌سوز ال-۶۰ را به موتورهای ساده‌تر دیزلی را ترجیح دادند.

در نتیجه این موتور با وجود توانایی استفاده از سوخت‌های گوناگون (گازوئیل، بنزین و سوخت‌های بین این دو) توان کمی داشت و با توجه به وزن بالای این تانک، توانایی تحرک آن را به ویژه در خارج از جاده محدود می‌کرد. موتور چیفتن در طول دوران فعالیت خود شاهد بهینه‌سازی‌های بسیاری بود اما مشکلات آن هیچگاه به طور کامل رفع نشد.

خرید تانک چیفتن از سوی ایران از سال ۱۳۴۹ (خورشیدی) و پس از آن صورت گرفت که آلمان غربی از فروش تانک‌های لئوپارد ۱ به ایران خودداری کرد. موافقت بریتانیا با فروش این نوع تانک به ایران در حالی بود که چند سال پیش از آن، دولت بریتانیا فروش این تانک به اسرائیل و لیبی را ممنوع اعلام کرده بود. رد پیشنهاد فروش این تانک به اسرائیل و مشارکت آنها در ساخت این تانک در پی فشار کشورهای عربی پس از جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ موجب شد تا اسرائیلی‌ها به ساخت تانک بومی مرکاوا روی بیاورند.

ایران خریدار اصلی این تانک بود که در مجموع حدود ۹۰۰ دستگاه شامل ۷۰۷ دستگاه از مدل‌های ام‌کا۳ و ام‌کا۵، ۱۲۵ تا ۱۸۹ دستگاه از مدل ۴۰۳۰ (شیر ایران ۱)، ۴۱ دستگاه از مدل تعمیر و بازایی آروی و ۱۴ عدد از مدل پل‌گذار آوی‌ال‌بی را بین سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷ خریداری کرد. هرچند قرارداد خرید حدود ۱۵۰۰ فروند از مدل پیشرفته‌تر ۴۰۳۰ این تانک‌ها معروف به شیر ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ ایران توسط دولت بریتانیا لغو شده و ناهمه ماند. در سال ۱۳۵۵ ایران برای این تانک‌ها یک میلیارد دلار آمریکا به بریتانیا پرداخت.

جنگ ایران و عراق

چیفتن در جنگ ایران و عراق رودرروی تانک‌های روسی نیروهای مسلح عراق، که شامل تعداد زیادی تی‌۵۴/۵۵، و تعداد کمتری تی‌۶۲ و تی‌۷۲ می‌شد قرار گرفت و نمایش خوبی از خود به جای گذاشت؛

مدل بهینه‌شده چیفتن در ایران تانک مبارز نام دارد. تغییرات مبارز نسبت به چیفتن شامل تعویض موتور ال ۶۰ لیلاند با یک موتور پر قدرت تر با توان ۸۵۰ اسب بخار، تعویض باک سوخت، تغییراتی در چرخ‌دنده و شاسی تانک، تجهیزات ضد ضربه تازه و افزودن یک سامانه هدف‌گیری لیزری می‌شود.

مشخصات کلی:

چیفتن	
نوع	تانک اصلی میدان نبرد
خاستگاه	بریتانیا
تاریخچه خدمت	
خدمت	۱۹۶۶ - تاکنون تا ۱۹۹۵ (در بریتانیا)
استفاده شده توسط	بریتانیا، ایران، اردن، کویت، عراق، عمان
جنگ‌ها	جنگ ایران و عراق جنگ خلیج فارس

تاریخ تولید	
طراح	لیلاند موتورز
تاریخ طراحی	دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰
سازنده	لیلاند موتورز
خصوصیات	
وزن	۵۶ تن
طول	۷/۵ متر
عرض	۳/۵ متر
ارتفاع	۲/۸۵ متر
خدمه	۴ نفر
زره	جلو بدنه: ۱۲۰ مم زاویه ۷۲ درجه کنار بدنه: ۳۸ مم زاویه ۱۰ درجه جلو بدنه: ۱۹۵ مم زاویه ۶۰ درجه
تسلیحات اولیه	توپ ۱۲۰ میلی متری خان دارال ۵۱۱
تسلیحات ثانویه	دو تیربار ۷/۶۲ مم افان ام‌آژ
موتور	لیلاند ال ۶۰ - چندگانه سوز (گازوئیل، نفت سفید و بنزین)
	۷۵۰ اسب بخار
سوخت ظرفیت	۸۹۰ لیتر
برد عملیاتی	۵۰۰ کیلومتر در جاده
سرعت	جاده: ۴۸ کیلومتر در ساعت، خارج از جاده: ۳۰ کیلومتر در ساعت

منابع

آراسته، ناصر، کلیاتی از جنگ و مواردی از دفاع مقدس، انتشارات ایران سبز و هیئت معارف جنگ، ۱۳۹۲.

آراسته، ناصر و علی نیکفرد، پیاده نظام و دفاع مقدس، هیئت معارف جنگ ۱۳۹۳
آرشیو مصاحبه با فرماندهان جنگ تحمیلی، هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی
صیادشیرازی، ۱۳۹۲.

بختیاری، مسعود، عملیات طریق القدس، انتشارات ایران سبز، ۱۳۸۷.
پرسش نامه تنظیم شده نگارنده، ۹۷/۵/۲۳ (پیوست).

پیروزان، کریم، نقش یگان های زرهی در دفاع مقدس، انتشارات مرکز زرهی، ۱۳۹۵.
جعفری، مجتبی، اطلس نبردهای ماندگار، تهران، مرکز پژوهش های دفاع مقدس نزا،
۱۳۹۵.

حسینی، سید یعقوب، عملیات الله اکبر، انتشارات ایران سبز، ۱۳۹۳.
حسینی، سید یعقوب، تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی در آغاز جنگ تحمیلی، انتشارات ایران
سبز، ۱۳۹۲.

حسینی، سید یعقوب، تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی در آغاز جنگ تحمیلی، انتشارات ایران
سبز، ۱۳۹۲.

حسینی، سید یعقوب، تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی در آغاز جنگ تحمیلی، انتشارات ایران
سبز، ۱۳۹۲.

حسینی، سید یعقوب، سال اول جنگ در خوزستان، انتشارات ایران سبز، ۱۳۹۲.
حسینی، سید یعقوب، ارتش جمهوری اسلامی در ۸ سال دفاع مقدس ج ۱ تا ۶، سازمان
عقیدتی سیاسی اجا ۱۳۷۳ به بعد.

حسینی، سید یعقوب، جبهه جنوب در شهریور ۵۹، هیئت معارف جنگ و نشر اجا، ۱۳۸۶.
دانستنی های زرهی، چاپ مرکز آموزش زرهی، ۱۳۹۲.

صارمی، مجید، تیپ ۳۷ زرهی در جنگ تحمیلی، انتشارات ایران سبز، ۱۳۸۷.
صارمی، مجید، تیپ ۳۷ زرهی در عملیات فتح المبین، انتشارات ایران سبز، ۱۳۸۷.

صارمی، مجید، تیپ ۳۷ زرهی در عملیات ثامن الائمه، انتشارات ایران سبز، ۱۳۸۹.
علامیان، سعید، ماموریت در ساحل نیسان، خاطرات سرتیپ ۲ محمود فردوسی، انتشارات
تهران صریر ۱۳۸۵.
معین وزیری، نصرت الله، تحلیلی بر عملکرد ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال اول
جنگ، مرکز مطالعات نزاجا، ۱۳۹۵.
نوجوان، امرالله، از هوپزه تا آتش بس، انتشارات ایران سبز، ۱۳۸۹
ویکی پدیا، دانشنامه آزاد.
سایت جنگاوران در مورد ویژگی تانک های ایران و عراق در جنگ تحمیلی
<https://telegram.me.Jangavran>

نقشه‌ها



نقشه شماره ۱: استعداد عراق در آغاز تجاوز: ۵۹/۰۶/۳۱



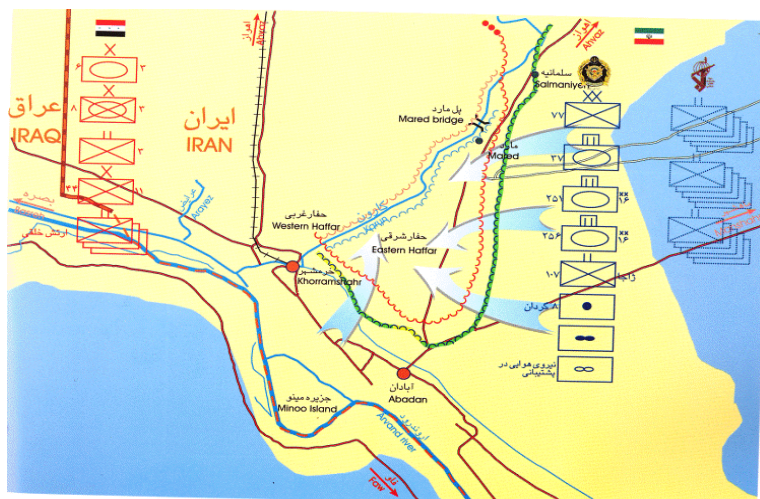
نقشه شماره ۲: عملیات آفندی پای پل کرخه: ۵۹/۰۷/۲۳



نقشه شماره ۳: عملیات نصر: ۵۹/۰۹/۱۵



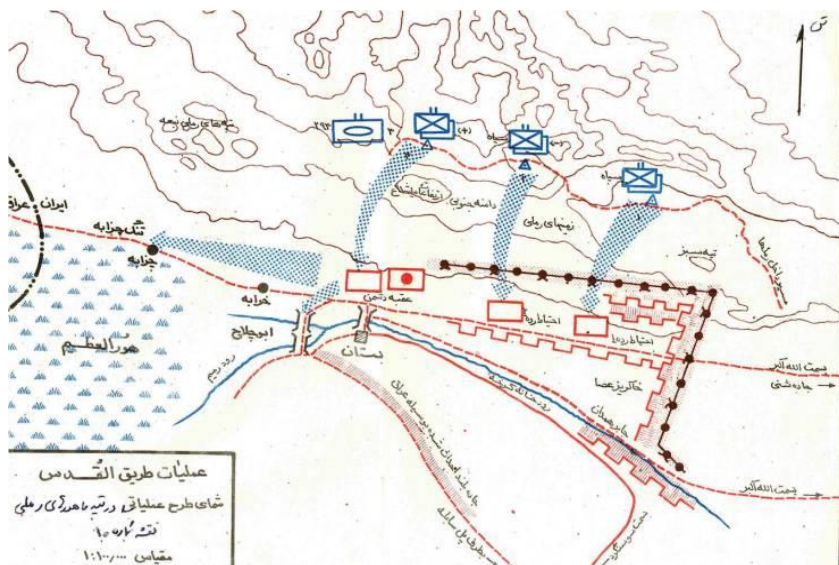
نقشه شماره ۴: عملیات توکل: ۵۹/۰۹/۲۰



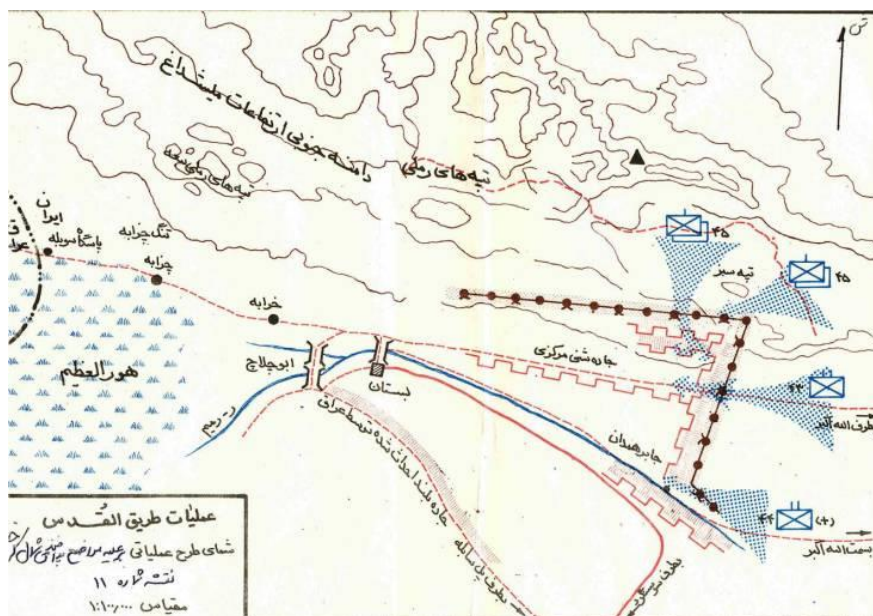
نقشه شماره ۵: عملیات ثامن الائمه: ۶۰/۰۷/۰۵



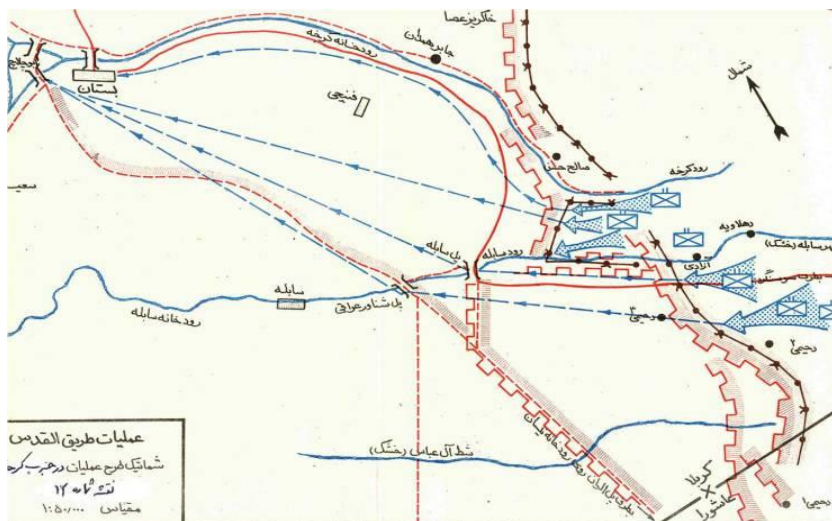
نقشه شماره ۶: عملیات طریق القدس: ۶۰/۰۹/۰۹



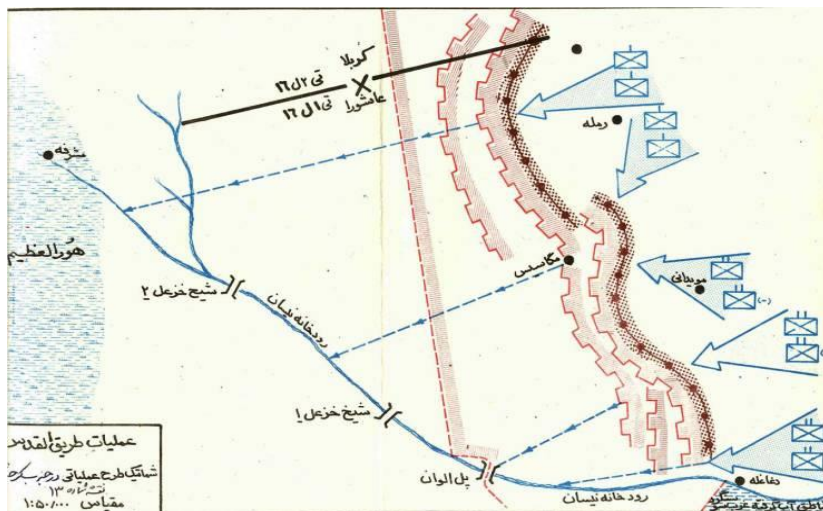
نقشه شماره ۷: طرح رزمایش (مانور) در شمال کرخه (مانور احاطه ای) در عملیات طریق القدس



نقشه شماره ۸: طرح رزمایش (مانور) در شمال کرخه (فشار مستقیم) در عملیات طریق القدس



نقشه شماره ۹: طرح رزمایش (مانور) در جنوب کرخه (جناح راست) در عملیات طریق القدس



نقشه شماره ۱۰: طرح رزمایش (مانور) در جنوب کرخه (جناح چپ) در عملیات طریق القدس



نقشه شماره ۱۱: عملیات فتح المبین (کر بلا ۱۱): ۶۱/۰۱/۰۲



نقشه شماره ۱۲: عملیات بیت المقدس (کر بلا ۱۲): ۶۱/۰۲/۱۰



نقشه شماره ۱۳: عملیات رمضان: ۶۱/۰۴/۲۲

تصویر نامه و نمونه پرسش نامه ارسالی به پیشکسوتان



باسمه تعالی

هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی

از تجربه‌ی جنگ در دوره‌های نظامی، حداکثر استفاده بشود. هم به منظور استفاده از جنبه‌ی علمی وقایع جنگ که البته مهم است و هم به منظور زنده نگه داشتن آن روزهای پر افتخار (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نزا جا ۷۲/۷/۲۸)

«با صلوات بر محمد و آل محمد»

همرزم ارجمند

سلام علیکم

در نظر است مدرک آموزشی مستند بر اساس تجربیات ۸ سال دفاع مقدس با بهره برداری از نقطه نظرات فرماندهان محترم یگانهای رزمی در محدوده فرماندهی گردان، گرد آوری و در دوره‌ی عالی زرهی تدریس گردد. لذا خواهشمند است برابر شیوه نامه پیوست تجربیات و نظرات ارزنده خود را در این زمینه همراه با یک قطعه عکس ۶×۴ با لباس نظامی و بیو گرافی مختصر به هیئت معارف جنگ شهید صیاد شیرازی ارسال فرمایید. مطالب ارسالی، به عنوان امانت به نام شما چاپ خواهد شد.

رئیس هیئت معارف جنگ شهید صیاد شیرازی: سرتیپ ناصر آراسته

سرتیپ سید حسام هاشمی

جانشین:

۹۷/۵/۲۴

باسمه تعالی

هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی

- ۱- موضوع: شیوه نامه تهیه تجربیات فرماندهان رسته زرهی در ۸ سال دفاع مقدس
- ۲- مقدمه: هیئت معارف جنگ در سال ۱۳۷۳ با هدف تدوین تجربیات جنگ و انتقال آن به نسل جوان و فرماندهان آینده ارتش توسط شهید بزرگوار سپهبد علی صیادشیرازی بنیانگذاری شد. در ابتدای این آموزش در برنامه آموزشی دانشجویان سال سوم دانشگاه افسری امام علی (ع) منظور گردید سپس به سایر دانشگاه ها و مراکز فرهنگی و آموزشی اجا پیدا کرد.
- ۳- منظور: تهیه مدرک آموزشی مستند جهت تدریس در دوره عالی رسته ای زرهی براساس تجربیات و مشاهدات فرماندهان محترم گردان زرهی که شخصا در ۸ سال دفاع مقدس این مسئولیت را به عهده داشته اند.
- ۴- ملاحظات اساسی برای تدوین خاطرات و تجربیات فرماندهان محترم در رسته زرهی.
 - (۱) خاطرات و تجارب صرفا بیان کننده نقش رسته زرهی در جنگ ایران و عراق می باشد.
 - (۲) مطالب ارائه شده می بایست در سطح تاکتیکی و قابل استفاده افسران دوره عالی زرهی جهت هدایت گردان زرهی در صحنه نبرد و آشنایی با نقش تیپ زرهی در عملیات های مختلف می باشند.
 - (۳) سوابق عملیات های انجام شده رسته زرهی در مناطق مختلف جبهه و بررسی نتیجه آن در مقابل ارتش عراق باشد (مقایسه توان رزمی)
 - (۴) وضعیت پرسنل شامل آموزش، مهارت، روحیه ایثارگری کارکنان در جنگ (ابتدا تا انتها جنگ)
 - (۵) وضعیت تجهیزات و مقایسه آن با تجهیزات و اوات زرهی ارتش عراق
 - (۶) وضعیت تدارکات و پشتیبانی های رزمی و پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی تعمیر و نگهداری و هرگونه ابتکار و خلاقیت در این زمینه.
 - (۷) ابتکارات، خلاقیت ها، نقاط ضعف و قوت، عوامل پیروزی و عدم موفقیت های یگانهای زرهی در عملیات مختلف.
 - (۸) مطابقت یا عدم تطبیق اقدامات عملیاتی انجام شده در رسته زرهی با آیین نامه ها و مطالبی که در مرکز آموزش زرهی تدریس شده است.
 - (۹) تجزیه و تحلیل عملیات انجام شده براساس رعایت اصول ۹ گانه جنگ. و هرگونه پیشنهاد در جهت تغییر و یا تکمیل اصول مذکور.
 - (۱۰) در صورت امکان تعدادی عکس جذاب از صحنه های عملیات، تجهیزات زرهی بکارگرفته شده، نقشه وضعیت، کروکی و یا نموداری که نمایانگر عملیات مورد نظر باشد همراه با توضیحات لازم آورده شود.
 - (۱۱) عکس جمعی رزمندگان شرکت کننده در عملیات و عکس شهدای گرانقدر در عملیات در صورت امکان ارائه گردد.

تصویر متن نامه امیر سرتیپ آراسته به نویسنده کتاب



باسمه تعالی

اللهم صل علی محمد و آل محمد

امیر سرتیپ عبدالعلی پور شاسب

سلام علیکم

باتوجه به سوابق خدمتی ارزنده جنابعالی در مشاغل فرماندهی، ستادی و آموزشی و حضور در جبهه‌های ۸ سال دفاع مقدس و همکاری‌هایی که با هیئت معارف جنگ داشته‌اید و در اجرای اوامر مطاع فرماندهی معظم کل قوا در خصوص بسط و تعمیق فرهنگ حماسه، ایثار، حکمت و تدبیر دفاع مقدس به جنابعالی مأموریت داده می‌شود با همکاری با فرماندهان و رزمندگان ۸ سال دفاع مقدس در رسته زرهی، مدرک آموزشی مستند و مبتنی بر شیوه نامه مصوب تهیه کتاب‌های معارف جنگ به منظور تدریس در دوره‌ی عالی زرهی را تهیه و ارائه فرمایید. بدیهی است یگانها و سازمان‌های مرتبط به ویژه مرکز آموزش زرهی همکاری لازم را با شما خواهند داشت.

رئیس هیئت معارف جنگ شهید سپید علی صیاد شیرازی؛ سرتیپ ستاد ناصر آراسته

نمایه

ارتفاعات گازر خانی، ۲۳	آ
ارتفاعات میمک، ۹، ۷	
اروند رود، ۸، ۶، ۱۰، ۶۵، ۶۹، ۱۸۲	آبادان، ۱۰، ۴۸، ۹۳، ۱۰۴، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۸،
اسدزاده: سرگرد، ۴۴، ۴۳، ۲۵	۱۷۷
اسکورپیون، ۴، ۲۴، ۳۹، ۵۹، ۲۴۴، ۲۴۵	آب تیمور، ۲۹، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۴۸
اسلام آباد، ۱۲، ۸۹	آراسته: ناصر؛ سرتیپ، ۱، ۲۹۱، ۳۰۲
الماسی فر: سرهنگ ۲، ۵۷	آقامحمدی: داود؛ سرتیپ ۲، ۲۲۳
امامزاده عباس، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۳،	آئینه: غلام؛ سروان، ۹۶
۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۰	ا
اندیمشک، ۴۲، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۵۱	ابوچلاچ: منطقه، ۱۱۹، ۱۲۵
اهواز، ۱۰، ۲۴، ۲۵، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۴۸، ۶۶، ۷۱،	اتحادیه: سرهنگ، ۱۳
۷۴، ۷۵، ۷۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۲۱، ۱۳۱، ۱۳۶،	احمدی: جلیل؛ سروان، سرهنگ، ۱۸۶؛
۱۵۱، ۱۵۵، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۵،	ستوانیکم، ۱۷
۱۷۸، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۹،	ارتفاع کله قندی، ۲۰۷
۲۰۳، ۲۱۶	ارتفاعات الله اکبر، ۷۴، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱،
ایلام، ۶، ۱۲، ۱۵	۸۲، ۸۵، ۸۶، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۱۰۰، ۱۰۶،
ب	۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۷، ۱۱۸
بالگرد کبری، ۱۸	ارتفاعات بازی دراز، ۱۶
باویسی: منطقه، ۵، ۶	ارتفاعات برآفتاب، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰
بختیاری: سرتیپ ۲، ۱۰۶، ۲۹۱	ارتفاعات تینه، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۱۴۰،
بدرخواهان: سید علی؛ سرهنگ، ۲۹	۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۱
بدری: حضرتقلی؛ گروه بانیکم، ۲۱۲، ۲۱۳	ارتفاعات چرمیان، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۱، ۲۳
برقاز، ۷	ارتفاعات چغالوند، ۱۶
برهان حقیقی: غلامرضا؛ سرهنگ، ۶۵، ۲۰۴	ارتفاعات خان لیلی، ۹
	ارتفاعات داربلوط، ۱۶، ۲۰، ۲۱
	ارتفاعات شیاکوه، ۱۶
	ارتفاعات قراویز، ۱۴

بستان, ۸۰, ۸۱, ۸۸, ۱۰۷, ۱۰۸, ۱۰۹, ۱۱۲,
 ۱۱۳, ۱۱۴, ۱۱۵, ۱۱۶, ۱۱۸, ۱۱۹, ۱۲۳,
 ۱۲۴, ۱۲۵, ۱۲۷, ۱۲۸, ۱۸۰, ۲۰۳, ۲۱۷,
 بهرامزاده: محمدطاهر؛ سروان, ۹۶, ۹۸, ۱۰۱,
 ۱۰۲, ۱۴۶, ۱۴۹, ۱۵۹,
 بی‌ام‌پی ۱ ۴۳, ۴۴, ۲۰۲, ۲۱۳, ۲۵۷, ۲۵۸,
 ۲۵۹, ۲۶۰, ۲۶۲,
 بی‌ام‌پی ۲ ۲۵۸, ۲۶۰, ۲۶۲,
 بی‌سیم پی‌آرسی ۷۷, ۳۶, ۳۷, ۵۷

پ

پادگان ابوذر, ۱۲, ۱۳
 پادگان بیستون, ۸
 پادگان حمید, ۳۵, ۳۷, ۳۸, ۵۰, ۵۳, ۶۵, ۶۹,
 ۱۶۸
 پاسگاه دوبرج, ۴۰
 پاسگاه رشیده, ۴۰
 پاسگاه سمیده, ۴۰
 پاسگاه سوبله, ۴۰, ۱۰۷
 پاسگاه طاووسیه, ۴۰
 پاوه, ۶, ۸
 پل کرخه (نادری), ۲۵, ۲۷, ۴۲, ۴۵, ۴۶, ۴۷,
 ۱۳۵, ۱۳۶, ۱۳۷, ۱۴۸, ۱۵۰
 پل مارد, ۹۴, ۹۵, ۹۶, ۹۷, ۱۰۱, ۱۰۳
 پورشاسب: عبدالعلی؛ سرتیپ, ۲, ۱۲, ۱۰۶,
 ۱۹۶

پیروزان: کریم؛ سروان, سرگرد, سرتیپ, ۲, ۳۹,
 ۹۶, ۹۸, ۱۰۱, ۱۰۲, ۱۴۷, ۱۵۳, ۱۵۶,
 ۱۵۹, ۱۶۱, ۱۸۸, ۲۹۱

ت

تانک ام ۴۷, ۴, ۲۵, ۲۷, ۸۴, ۲۴۶,
 تانک ام ۴۸, ۴, ۲۴۸, ۲۴۹, ۲۵۱,
 تانک ام ۶۰, ۴, ۲۵, ۳۳, ۳۴, ۸۴, ۱۳۹, ۱۴۰,
 ۱۴۴, ۱۴۵, ۱۴۷, ۱۴۹, ۱۸۶, ۱۸۸, ۱۹۷,
 ۲۵۱
 تانک تایپ ۵۹ ۲۶۵, ۲۶۶, ۲۶۷, ۲۶۸, ۲۶۹,
 ۲۷۲
 تانک تی ۵۴/تی ۵۵ ۴, ۲۶۷, ۲۶۹, ۲۷۰, ۲۷۱,
 ۲۷۲, ۲۷۳, ۲۷۵, ۲۷۶, ۲۷۷, ۲۸۰, ۲۸۸,
 تانک تی ۶۲ ۴, ۲۷۶, ۲۷۷, ۲۷۸,
 تانک تی ۷۲ ۴, ۵, ۱۴۱, ۱۵۰, ۲۰۱, ۲۷۰,
 ۲۷۱, ۲۷۳, ۲۷۶, ۲۸۰, ۲۸۱, ۲۸۲, ۲۸۳,
 ۲۸۴, ۲۸۸
 تانک چیفتن, ۴, ۲۴, ۲۵, ۲۷, ۳۹, ۴۱, ۶۷, ۷۷,
 ۸۵, ۱۱۹, ۱۲۰, ۱۲۲, ۱۲۳, ۱۳۹, ۱۴۰,
 ۱۴۲, ۱۴۳, ۱۴۴, ۱۴۵, ۱۴۶, ۱۴۷, ۱۴۹,
 ۱۵۲, ۱۵۳, ۱۵۷, ۱۶۱, ۱۶۸, ۱۶۹, ۱۸۷,
 ۲۰۰, ۲۰۱, ۲۳۸, ۲۸۵, ۲۸۶, ۲۸۷, ۲۸۸,
 تانک صمصام, ۲۵۲
 تپه شحیطیه, ۷۶, ۷۹, ۸۰, ۸۲, ۱۱۷
 تپه‌های علی‌گروه‌زد, ۲۵, ۱۳۹, ۱۴۰, ۱۴۱, ۱۴۵,
 ۱۴۸, ۱۵۰
 تنگ چژابه, ۷, ۱۰, ۱۰۸, ۱۰۹, ۱۱۵, ۱۱۸,
 ۱۱۹, ۱۲۳, ۱۲۴, ۱۲۵, ۱۲۸, ۱۲۹,
 تنگ حاجیان, ۱۶, ۱۸, ۱۹, ۲۱
 تنگ قاسم‌آباد, ۱۶
 تنگ کورک, ۱۶
 تنگه ابوغریب, ۱۳۸, ۱۳۹, ۱۴۱, ۱۴۳, ۱۴۴,
 ۱۴۵, ۱۵۰, ۱۵۱, ۱۷۱, ۱۷۴

تیپ ۳۷ زرهی، ۲، ۵، ۲۵، ۳۹، ۴۴، ۴۷، ۴۸، ۹۳،
 ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴،
 ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱،
 ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸،
 ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵،
 ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲،
 ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹،
 ۱۷۰، ۱۷۸، ۱۹۹، ۱۸۶، ۲۹۲، ۲۹۱
 تیپ ۴ زرهی لشکر ۲۱ ۲۲۳
 تیپ ۵۵ هواپرد، ۱۶، ۲۳، ۷۴، ۷۶، ۸۰، ۸۹، ۹۰،
 ۹۱، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶،
 ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۸۷، ۲۱۷
 تیپ ۵۸ ذوالفقار، ۷، ۱۹۴
 تیپ ۸۴ پیاده، ۶، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۴۵

ج

جاده اهواز - آبادان، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳
 جاده اهواز - خرمشهر، ۳۳، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۸،
 ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۶، ۱۷۷،
 ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۱
 جاده ماهشهر - آبادان، ۹۴، ۹۵، ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۳،
 ۲۰۳
 جزیره مجنون، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۵
 جفیر، ۱۸۸، ۲۱۵
 جمشیدنژاد: بهمن؛ سرگرد، ۴۳
 جمشیدی: ایرج؛ سرهنگ، سرتیپ ۲، ۲، ۴۹،
 ۵۶، ۹۱، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۳۱، ۲۳۵

چ

چمران: دکتر، شهید، ۷۵، ۲۳۳

تنگه پاطاق، ۵، ۱۰، ۲۰۰
 تنومه، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۸
 تهامی: سید مجتبی؛ سرتیپ ۲، ۴۵، ۱۹۰
 تهران، ۹، ۲۴، ۲۵، ۳۱، ۴۱، ۴۸، ۱۰۶، ۲۰۹،
 ۲۲۳، ۲۹۱، ۲۹۲
 توکلی: سروان، ۴۴
 تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی، ۱۳
 تیپ ۱ لشکر ۱۶ زرهی، ۲، ۴۹، ۵۵، ۶۷، ۶۸، ۷۱،
 ۷۳، ۷۶، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۵، ۲۳۴
 تیپ ۱ لشکر ۷۷ پیاده، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۲،
 ۱۰۳
 تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی، ۲۴
 تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی، ۷، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳،
 ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۸، ۹۶، ۱۲۱، ۱۷۷،
 ۱۷۸، ۱۸۲، ۱۹۰
 تیپ ۱۴ امام حسین (ع)، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۴،
 ۱۴۵، ۱۷۸، ۱۹۰
 تیپ ۲ زرهی دزفول، ۷، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸،
 ۴۱، ۴۲، ۴۵، ۴۶، ۷۶، ۱۷۴، ۱۹۰
 تیپ ۲ لشکر ۲۱ پیاده، ۸۱، ۸۲
 تیپ ۲ لشکر ۸۱ زرهی، ۸
 تیپ ۲۵ کربلا، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۶،
 ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۷۸، ۱۸۲، ۱۸۷
 تیپ ۳ لشکر ۱۶ زرهی، ۶۸، ۷۱، ۷۷، ۱۲۱
 تیپ ۳ لشکر ۷۷ پیاده، ۱۷۱
 تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی، ۲، ۷، ۷۵، ۷۶، ۷۹، ۸۰،
 ۸۲، ۸۸، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۲۰،
 ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۷۸، ۱۸۲، ۲۱۴، ۲۳۳
 تیپ ۳۰ گرگان، ۷

۲۱۲،۲۰۹،۱۷۲،۱۳۱،۱۲۸،۱۲۷،۱۲۶

۲۹۱،۲۲۳

خیرخواه: ستوان، شهید، ۶۰، ۶۱

د

دارخوین، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۸، ۱۷۱، ۱۷۵، ۱۷۶،

۱۹۰، ۱۹۲

دب حردان، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۴۸، ۱۷۷

دچه، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۰

دزفول، ۵، ۱۰، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۴۲، ۴۴، ۷۶، ۸۹

۱۰۹، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۹۳، ۲۰۳

۲۲۵، ۲۲۷

دستوری: سرگرد، شهید، ۳۱

دشت عباس، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۵۰

۱۷۴

دلشاد: ستوان، ۵۸

دهلران، ۷، ۲۵، ۱۷۵

دوکوهه، ۲۸، ۱۳۸

ر

رامین: غفار؛ سرگرد، سرهنگ، ۹۶، ۹۸، ۱۰۱

۱۰۲، ۱۴۹، ۱۵۹

رحمتی: استوار، شهید، ۶۱

روانسر، ۹، ۲۳

رودخانه تلخاب، ۶

رودخانه چنگوله، ۵

رودخانه دجله، ۱۸۰، ۱۸۱

رودخانه سابله، ۱۱۹، ۱۲۵

رودخانه کارون، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۶۶

۹۳، ۹۴، ۹۶، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۵۱

چنانه، ۷، ۴۶، ۲۲۷

چهارمحالی: عباس؛ ستوان، ۹۷، ۹۸

ح

حاتمی: حسین؛ سروان، ۹۶، ۱۴۶

حبرانی: سرهنگ، ۲، شهید، ۱۸

حسن‌بیگی: جهاد سازندگی، ۱۱۷

حسنی: سرباز، ۹۲

حسینی سعدی: حسین؛ سرهنگ، ۸

حسینی: سیدیعقوب؛ سرهنگ، ۲، ۲۴، ۲۹، ۷۴

۷۶، ۷۷، ۲۹۱

حسینی: منطقه، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۷۷

۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۴

حصاری: سروان؛ شهید، ۱۳، ۱۴

حمیدیه، ۵۱، ۶۶، ۶۷، ۶۹، ۷۲، ۷۳، ۷۶، ۱۰۷

۱۰۸، ۱۰۹، ۲۰۳، ۲۲۱، ۲۳۴

حیدری: شیرمرد؛ سرتیپ ۲، ۱۸۶

خ

خاوری: اختر؛ ستوانیکم، ۱۷

ختایی‌زاده: مهدی؛ سرهنگ، ۱۷۱

خداوردی‌زاده: استوار، ۹

خرمشهر، ۴، ۸، ۱۰، ۳۷، ۶۵، ۱۲۷، ۱۵۱، ۱۵۲

۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۷۲، ۱۷۷

۱۸۰، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۳، ۲۰۵

خسروی، ۱۵

خلیج فارس، ۶، ۲۵۲، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۱، ۲۶۳

۲۶۷، ۲۷۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۸

خوزستان، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۲۵، ۲۶، ۳۳، ۴۰، ۴۵

۴۷، ۷۰، ۷۴، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۴، ۱۱۸

۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۷، ۲۰۴، ۲۱۱، ۲۱۲،

۲۳۳

ستاد مشترک، ۲۵، ۷۰، ۷۵، ۸۱، ۲۳۱

سرانجام: سرهنگ، ۳۲

سرپل ذهاب، ۵، ۷، ۸، ۱۰، ۱۳، ۱۵، ۱۹

سلیمانی: حمید؛ سرباز، شهید، ۹۱

سنندج، ۸

سه راهی قهوه خانه، ۴۶، ۱۴۵، ۱۵۰

سوسنگرد، ۳۹، ۴۹، ۵۱، ۶۲، ۶۶، ۶۷، ۶۹، ۷۲،

۷۴، ۸۱، ۹۱، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۸، ۱۱۹،

۱۲۵، ۱۳۰، ۱۷۱، ۱۷۵، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۱۶،

۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۴

سومار، ۵، ۸، ۱۰، ۱۹۹، ۲۰۷

ش

شادگان، ۴۸

شط العرب، ۱۸۲

شمائلی: محمد تقی؛ استوار، شهید، ۹۱

شهبازی: امرالله؛ سرهنگ، ۲۴، ۱۳۸

شوش، ۲۵، ۸۱، ۸۲، ۱۳۰، ۱۳۱

شیراز، ۲۹، ۳۹، ۶۵، ۸۹، ۱۸۶

ص

صارمی: مجید؛ سرگرد، سرتیپ ۲، ۴۸، ۹۳،

۱۳۵، ۱۵۱، ۲۹۱، ۲۹۲

صفوی: سید علی؛ سرهنگ، سرلشکر شهید، ۲،

۱۰۶، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۸،

صیادشیرازی: علی؛ سرهنگ، سپهبد شهید، ۱،

۴۹، ۱۱۸، ۱۲۵، ۱۳۷، ۱۵۰، ۱۷۱، ۱۷۴،

۱۸۶، ۱۹۰، ۲۳۵، ۲۹۱، ۳۰۱

۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۶۳، ۱۷۱،

۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۲،

رودخانه کرخه، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۴۲، ۴۴،

۴۵، ۴۶، ۵۱، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۸۰، ۸۹، ۹۱،

۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳،

۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۳،

۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۴۵،

۱۷۱، ۱۷۵، ۱۷۹، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۹۶، ۲۹۷،

رودخانه کرخه کور، ۷، ۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵۴،

۵۹، ۶۰، ۶۲، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۲، ۷۵،

۷۷، ۸۲، ۱۰۸، ۱۲۰، ۱۵۵، ۱۶۱، ۱۶۸،

۲۳۰، ۲۳۱

رودخانه مالکیه، ۵۱، ۵۲، ۶۶، ۷۴

رودخانه نیسان، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۲، ۸۹، ۹۱،

۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۳۳، ۲۱۶،

۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۷، ۲۹۲

رودکی: گروه بان، ۶۱

ز

زعفری: شمس الله؛ سروان، ۱۷، ۱۸

ژ

ژاندارمری، ۸، ۲۱، ۴۰، ۷۵، ۲۰۷، ۲۱۷

س

سپاه پاسداران، ۸، ۱۶، ۱۷، ۷۰، ۷۳، ۷۴، ۷۵،

۷۶، ۸۰، ۸۱، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶،

۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۳۱،

۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۷۱، ۱۷۸،

ط

عملیات رمضان، ۱، ۱۰۶، ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۸۰،

۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۲۰۶، ۲۹۹

عملیات طریق القدس، ۲، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۸۹،

۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۸، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۸،

۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۴، ۲۰۳، ۲۰۵،

۲۳۷، ۲۳۹، ۲۹۱، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷

عملیات فتح المبین، ۱، ۳۹، ۴۸، ۴۹، ۸۹، ۱۰۶،

۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۶۷،

۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۵، ۱۸۶،

۱۸۷، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۹۱،

۲۹۸

عملیات نصر، ۱، ۲۹، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۶۳،

۶۵، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۲، ۸۹، ۹۱، ۱۹۰، ۱۹۶،

۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۲۹، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۹۴،

۶، ۷، ۲۶، ۲۸، ۴۱، ۴۲، ۴۶، ۱۳۸،

۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۷۶، ۱۷۵،

غ

غرضی: مهندس، ۷۰

غلام بیگی: استوار، شهید، ۶۲، ۶۳

غلامعلیان: غلامعلی؛ سرتیپ، ۲۰۹

ف

فاتحی: سرگرد، سرتیپ ۲، ۱۷۲

فاو، ۵، ۷، ۸

فتاحی: اکبر؛ سرباز، شهید، ۲۱۲

فتوتی: گروه بانیکم، ۶۱

فردوسی: محمود؛ سرگرد، سرتیپ ۲، ۶۳، ۸۹،

۹۰، ۹۲، ۹۶، ۲۱۶، ۲۹۲

فرمنش: سرهنگ، ۱۷۱

طالبی: سروان، ۱۵۳

طلانیه، ۶، ۱۷۹، ۲۰۵، ۲۱۳

ظ

ظهیرنژاد: سرتیپ، ۷۰، ۷۶، ۹۵، ۹۷، ۱۰۳، ۱۰۴

ع

عبادت: کریم؛ سرهنگ، ۱۵۴، ۱۵۹

عباسی: ایوب؛ سرباز، شهید، ۲۲۱، ۲۲۲

عباسی: علی؛ سرگرد، ۹۶، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۳،

۱۰۴، ۱۴۷، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۸، ۱۸۶،

۱۸۷

عبدالله پور: سروان، ۹۶

علم الهدی: شهید، ۷۰

علی آبادی: جهاد سازندگی، ۱۱۷

عملیات الله اکبر، ۷۴، ۸۵، ۸۶، ۸۹، ۹۲، ۱۱۴،

۲۹۱

عملیات بیت المقدس، ۱، ۳۹، ۴۸، ۴۹، ۵۲، ۸۹،

۱۰۶، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲،

۱۶۳، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶،

۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۰،

۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵،

۲۰۶، ۲۹۸

عملیات تنگ حاجیان، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۰،

۲۱

عملیات ثامن الائمه، ۳۹، ۴۸، ۹۳، ۱۰۴، ۱۰۶،

۱۰۷، ۱۳۷، ۱۶۷، ۱۷۱، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۹۲،

۲۹۵

کاملی: حسین؛ سروان، ۱۵۳، ۹۶
 کامیاران، ۸، ۹، ۲۳
 کانال ماهی، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲
 کبیری: سرهنگ، ۱۶
 کرمانشاه، ۶، ۸، ۱۵
 کوشک، ۶، ۱۷۹، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱،
 ۲۱۴

گ

گردان بلال، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۶
 گردان دژ، ۷
 گردان ۱۱۰ پیاده، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱
 گردان ۱۲۱ پیاده مکانیزه، ۲۹، ۳۱، ۳۴
 گردان ۱۴۱ پیاده، ۲۵
 گردان ۱۴۵ پیاده مکانیزه، ۸۲
 گردان ۱۶۵ پیاده مکانیزه، ۲۹، ۳۴، ۳۵، ۳۷
 گردان ۱۷۷ مکانیزه، ۹۵، ۹۸، ۱۰۱
 گردان ۱۸۵ پیاده، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۲۱۷، ۲۱۸،
 ۲۱۹، ۲۲۰
 گردان ۱۹۱ پیاده، ۲۵
 گردان ۲۰۱ تانک، ۵۸، ۲۱۷، ۲۱۸
 گردان ۲۱۵ تانک، ۱۳، ۱۴
 گردان ۲۲۰ تانک، ۵۷، ۶۲، ۸۹، ۲۱۷، ۲۱۸،
 ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۹، ۲۳۰
 گردان ۲۳۱ تانک، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۱۲۴
 گردان ۲۳۲ تانک، ۳۴، ۳۵
 گردان ۲۳۷ تانک، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴،
 ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۸،
 ۱۶۹

فرهادی: ستوانیکم، ۱۴، ۱۷؛ سرهنگ، ۱۵۹
 فکه، ۶، ۷، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۶، ۱۰۶، ۲۲۳، ۲۲۷،
 ۲۳۶
 فکوری: جواد؛ سرهنگ خلبان، ۴۴
 فلاحی: سرتیپ، سرلشکر شهید، ۴۸، ۷۰، ۲۲۲،
 ۲۳۱، ۲۳۲
 فولی آباد، ۲۹، ۳۰، ۵۰، ۱۵۱، ۱۷۱، ۱۷۵، ۱۸۶

ق

قاسمی: سرهنگ ۲، شهید، ۳۲
 قاسمی شیرسوار: محمد؛ سرگرد، شهید، ۹۲
 قاسمی نو: غلامرضا؛ سرهنگ، ۲۴، ۳۵
 قدرت: ناصر؛ سروان، ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۲
 قرارگاه فتح، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۶۸، ۱۷۰،
 ۱۷۲، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۹۰،
 ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۴
 قرارگاه قدس، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۵۵، ۱۷۹،
 ۱۸۱، ۲۰۴
 قرارگاه کربلا، ۱۲۰، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۵۰،
 ۱۵۵، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۷۶
 قرارگاه مقدم نیروی زمینی، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۸۴،
 ۸۹، ۲۱۷
 قرارگاه نصر، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۵۷،
 ۱۷۰، ۱۷۷، ۲۰۴
 قصر شیرین، ۵، ۸، ۱۰، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۱
 قلخانی: منطقه، ۸
 قندی: ناصر؛ سرهنگ ۲، ۲۴

ک

کارخانه نورد، ۲۹، ۳۰، ۴۸، ۱۲۱

لشکر ۲۸ پیاده، ۲۰۶، ۶
 لشکر ۶۴ پیاده، ۶
 لشکر ۷۷ پیاده، ۱۸۴، ۱۸۳، ۱۸۱، ۹۳، ۷
 لشکر ۸۱ زرهی، ۲۲۳، ۱۹۰، ۱۷۴، ۲۰، ۱۰، ۸، ۶
 لشکر ۸۸ زاهدان، ۱۹۶، ۵۵
 لشکر ۹۲ زرهی، ۳۵، ۳۳، ۲۹، ۲۸، ۲۶، ۲۴، ۷
 ۳۶، ۴۰، ۴۷، ۵۱، ۵۲، ۵۵، ۷۴، ۷۵، ۷۶
 ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۵، ۸۸، ۹۱
 ۱۰۶، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۵
 ۱۳۱، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۳
 ۱۹۰، ۱۹۲، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۲۳، ۲۲۹
 ۲۹۱
 لطفی: سیروس؛ سرهنگ، سرتیپ، ۲، ۵۰
 لهراسبی: محمدجعفر؛ سرهنگ، سرتیپ، ۲
 ۱۸۴، ۱۷۴

م

محب: ناصر؛ سروان، ۱۵۹، ۹۶
 محمدی‌فر: ناصر؛ سرگرد، سرتیپ، ۲۰۴، ۱۹۹
 ۲۲۵
 محمودی: گروه‌بانیکم، جانباز، ۲۱۳، ۲۱۲
 محمودیان: فخرالدین؛ سروان، ۴۱
 مرکز پیاده شیراز، ۴۸، ۴۳، ۲۹، ۲۵
 مرکز زرهی، ۲۹۱، ۲۲۸، ۱۸۶، ۵۵، ۴۸، ۲۹، ۲۵
 معافی: محمد؛ سرگرد، سرهنگ شهید، ۲۲۰
 ۲۲۲، ۲۲۱
 معصوم‌شاهی: سروان، ۱۰۲، ۹۷
 معصومی: سرباز، شهید، ۶۰، ۶۱
 ملک‌نژاد: سرهنگ، ۲۶
 ملکی: گروه‌بانیکم وظیفه، شهید، ۲۱۳، ۲۱۲

گردان ۲۳۹ تانک، ۱۰۱، ۹۸، ۹۷، ۹۶، ۹۵، ۹۴
 ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۳
 ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۹، ۱۷۰
 ۱۸۸، ۱۸۷
 گردان ۲۵۲ سوار زرهی، ۲۲۴
 گردان ۲۶۴ تانک، ۳۴، ۳۲، ۲۹
 گردان ۲۸۳ سوار زرهی، ۱۹۱، ۱۹۰، ۷
 گردان ۲۸۵ تانک، ۱۹، ۱۸، ۱۶، ۱۵، ۸
 گردان ۲۹۱ تانک، ۳۷، ۳۶، ۳۴
 گردان ۳۱۷ توپخانه، ۱۵
 گردان ۷۶۱ تکاور، ۲۱۴
 گردنه سگان، ۱۳، ۱۲، ۵
 گردنه قلاجه، ۱۲، ۵
 گردنه کاسه‌گران، ۱۶
 گروه رزمی ۱۳۸ پیاده، ۷
 گروه رزمی ۲۶۴، ۳۱، ۳۰
 گروه رزمی ۳۷ زرهی، ۴۰، ۳۹، ۲۹، ۲۵، ۱۰، ۷
 ۴۱، ۴۲، ۴۳
 گروه رزمی ۳۸ تانک، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹
 گروه ۲۲ توپخانه، ۸، ۷
 گروه ۵۵ توپخانه، ۸، ۷
 گیلانغرب، ۲۱، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۷، ۵
 ل
 لشکر ۱۶ زرهی، ۵۶، ۵۵، ۴۹، ۳۷، ۳۵، ۳۳، ۴، ۲
 ۵۷، ۶۶، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۸۰، ۸۹، ۹۰
 ۱۸۱، ۱۹۲، ۱۹۴، ۲۱۷، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۶
 ۲۳۴، ۲۳۶
 لشکر ۲۱ پیاده، ۴۷، ۴۶، ۴۵، ۲۷، ۲۸، ۴۷
 ۱۸۳

نوسود، ۸، ۶

نیاکی: سرهنگ، شهید، ۱۷۸، ۸۲، ۷۸

نیروی هوایی ارتش، ۸، ۱۰، ۲۲، ۳۱، ۴۴، ۴۶،

۱۹۴، ۶۹، ۶۸، ۶۷، ۴۷

نیکخواه: رضا؛ سروان، سرتیپ شهید، ۱۵۷،

۱۸۸، ۱۶۸، ۱۶۱

۵

هوانیروز، ۸، ۱۳، ۲۲، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۱۳۰، ۱۷۸،

۲۴۰، ۲۴۱

هویزه، ۴۹، ۵۵، ۵۶، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۱،

۱۹۶، ۲۰۲، ۲۱۷، ۲۲۹، ۲۹۲

و

ویسی: محمد؛ ستوانیار، ۱۴

منشی‌باشی: سروان، ۲۲۱، ۲۲۲

مهدی‌پور: سرهنگ دوم، ۴۱، ۴۳، ۴۴

مهران، ۵، ۶، ۸، ۱۰، ۲۰۱، ۲۰۷، ۲۰۸

مولایی: استوار، ۲۱۹

میرزایی: فربرز؛ سروان، سرگرد شهید، ۲۲۱،

۲۲۲

میری: جهاد سازندگی، ۱۱۷

میشداغ، ۷۵، ۷۹، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۴

ن

نادری: بابامراد؛ ستوانسوم، ۹۸، ۱۴۶

نفت‌شهر، ۵، ۸، ۱۰

نفربر ام ۱۱۳، ۴، ۵۳، ۱۹۴، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۷

نهر رمیم، ۱۱۹، ۱۲۵

نوجوان: امرالله؛ سرتیپ ۲، ۵۵، ۲۲۹، ۲۹۲